

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۵ (پیاپی: ۱۸)، زمستان ۱۴۰۰، جلد یک

کرون-ا و بحران کسب‌وکارهای کوچک-ک
کرم الله جوانمرد

خط‌مشی‌سازی سازمان و حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان؛
مورد مطالعه: شهرداری‌های استان آذربایجان شرق
حسین محمودی دانشجوی، ماهرخ لطف‌الهی حق

تحلیل مضمون‌مثنوی معنوی بر اساس تمثیل‌ها و بیانات استعاری در
درمان‌های موج سوم رفتاری؛ درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد ACT
قائمه سوری، محمد اسماعیل ابراهیمی، مرتضی رزاق پور

شبکه اجتماعی اینستاگرام و دموکراتیزه شدن فرهنگ سلبریتی در
میان کاربران ایرانی
فرشاد گودرزی

آسیب‌شناسی اجتماعی در محلات کم‌برخوردار؛ مطالعه موردی: محله
انجیراب گرگان
یونس پیری

کودکان کار و تحصیل مدرسه‌زدایی‌شده: بررسی جامعه‌شناختی مدرسه
کودکان کار صبح‌رویش
علیرضا اسکندری‌نژاد

نوسازی و تغییرات اجتماعی نهادی ناشی از آن در ایران از اواخر حکومت
قاجار تا اواخر پهلوی اول
سعید مبین شهیر، علی عبدالهی ترکمانی

پیش‌بینی هوش هیجانی توسط کیفیت دل‌بستگی به خدا در بین
دانشجویان
بتول سعادت

مبانی نظری فلسطین در اندیشه امام خمینی (ره)
اسرارنجبر



اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسینی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

چاپ

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۳۹۳
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	کرونا و بحران کسب و کارهای کوچک کرم الله جوانمرد
۹	خطمشی سازمان و حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان؛ مورد مطالعه: شهرداری های استان آذربایجان شرق حسین محمودی دانشجوی، ماهرخ لطف الهی حقی
۱۷	تحلیل مضمون مثنوی معنوی بر اساس تمثیل ها و بیانات استعاره در درمان های موج سوم رفتاری؛ درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد ACT فائزه سوری، محمد اسماعیل ابراهیمی، مرتضی رزاق پور
۲۵	شبکه اجتماعی اینستاگرام و دموکراتیزه شدن فرهنگ سلبریتی در میان کاربران ایرانی فرشاد گودرزی
۳۷	آسیب شناسی اجتماعی در محلات کم برخوردار؛ مطالعه موردی: محله انجیراب گرگان یونس پیری
۴۹	کودکان کار و تحصیل مدرسه زدایی شده؛ بررسی جامعه شناختی مدرسه کودکان کار صبح رویش علیرضا اسکندری نژاد
۵۷	نوسازی و تغییرات اجتماعی نهادی ناشی از آن در ایران از اواخر حکومت قاجار تا اواخر پهلوی اول سعید مبین شهیر، علی عبدالهی ترکمانی
۶۹	پیش بینی هوش هیجانی توسط کیفیت دلبستگی به خدا در بین دانشجویان بتول سعادت
۸۵	مبانی نظری فلسطین در اندیشه امام خمینی (ره) اسرا رنجبر

کرونا و بحران کسب‌وکارهای کوچک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴

کد مقاله: ۶۱۳۱۱

کرم الله جوانمرد^۱

چکیده

هدف: پژوهش در مورد کرونا در جامعه به لحاظ تأثیر بر عوامل مختلف اقتصادی از جمله کسب‌وکارها، عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از اهمیت و ضرورت دو چندان برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر کرونا بر کسب‌وکارهای کوچک در شهرستان الشتر بود است.

روش‌ها: روش پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه صاحبان کسب‌وکارهای کوچک در شهر الشتر لرستان با جمعیت هفتاد هزار نفری بوده است. حجم نمونه ۱۰۰ نفر بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک چندمرحله‌ای انتخاب شده است. ابزار مورد استفاده این پژوهش پرسشنامه‌ی محقق ساخته به سبب جمع‌آوری و به دست آوردن داده‌های مدنظر برای ارزیابی آن‌ها استفاده شده است. یافته‌ها: نتایج یافته‌های داده‌ها نشان داده است که کرونا بر تعدیل نیروی کار کسب‌وکارهای کوچک شهر الشتر تأثیرگذار بوده است ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: همچنین کرونا بر کاهش میزان درآمد کسب‌وکارهای کوچک تأثیرگذاری معنی‌داری را نشان داده است است ($P < 0/05$). و کرونا بر ساعات کاری کسب‌وکارهای کوچک تأثیرگذار بوده است ($P > 0/05$). به عبارتی تأثیر مستقیم و معنی‌داری را نشان داده است.

واژگان کلیدی: کرونا، کسب‌وکارهای کوچک، تعدیل نیروی کار، کاهش میزان درآمد، کاهش میزان ساعت کاری

۱- استادیار و عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره). Javanmard.k@gmail.com

۱- مقدمه

پدیده‌های مختلفی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه و توجه به ابعاد و جوانب گوناگون یک پدیده لازمه‌ی دستیابی به شناختی جامع در هر زمینه است. در بحران ویروس کرونا هدف‌های کلان به خطر افتاده است و فرصت برای تصمیم‌گیری نیز بسیار کم است و حادثه پیش آمده کاملاً غیر منتظره و غافلگیر کننده می‌باشد. در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان از روش‌های معمول برای نشان دادن عکس‌العمل استفاده کرد. در چنین جامعه‌ای افراد درگیر در بحران بیش از هر چیز به تجربه، مهارت، سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقعیت‌سنجی نیاز دارند و با توجه به اطلاعات موجود باید هرچه سریع‌تر موضوع ارزیابی و نسبت به آن اقدام شود. بدیهی است هرچه اطلاعات موجود بیشتر و نظام اطلاعاتی کارآتر و توانایی بیشتری در پردازش سریع اطلاعات باشد، تصمیمات اخذ شده می‌تواند بهترین نتایج ممکن را به بار آورد (رحیم‌نیا و همکاران: ۱۳۹۴).

شیوع ویروس کرونا پیش از هر چیز یک فاجعه انسانی است که زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است. این ویروس همچنین تأثیر فزاینده‌ای بر اقتصاد و مناسبات اجتماعی دارد. شیوع ویروس کرونا و نگرانی مردم از ورود به اماکن عمومی نظیر فروشگاه‌ها، مراکز خدماتی و بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارها را با کاهش تقاضا و فروش کالاها و خدمات مواجه کرده است. به نظر می‌رسد بیشترین آسیب را بخش خدمات و زیربخش‌های آن در مقایسه با سایر بخش‌ها و اقتصاد شهری در مقایسه با اقتصاد روستایی و نیز کارگران در مقایسه با کارفرمایان و گروه‌های آسیب‌پذیر و شاغل در بخش غیر رسمی شهری در مقایسه با سایر خانوارها متحمل شده‌اند (جنیفر و همکاران: ۲۰۲۰).

عفونت ویروس کرونا یک آلودگی توأم با علائم تنفسی به «کرونا»، ویروس شناخته شده‌ی جدید بوده که تصور می‌شود به عنوان یک ویروس قابل انتقال بین انسان و حیوانات پدیدار شده و جهش یافته باشد. یا در غیر این صورت به گونه‌ای سازگار پیدا کرده باشد که امکان بیماری‌زایی در میان انسان‌ها را فراهم کند. شیوع بیماری در چین آغاز شد و اثرات بیماری در آنجا تاکنون گسترده‌ترین میزان را داشته است. پس از آن بیماری به بسیاری از کشورهای دیگر سرایت کرده است. هرچند قرنطینه‌ها تاکنون به محدود کردن انتقال بیماری در آنها کمک کرده‌اند (سازمان بهداشت جهانی: ۲۰۲۰). دامنه‌های شدت بیماری از بدون علامت یا ملایم تا شدید متغیرند. سهم قابل توجهی از بیمارانی که دارای شواهد بدیهی عفونت بالینی هستند، بیماری شدیدی دارند (بوجا و همکاران: ۲۰۲۰). از سوی دیگر، با توجه به رشد سریع این بیماری موجب بسته شدن بسیاری از کسب‌وکارهای سراسر جهان از جمله کسب‌وکارهای کوچک شده است که این امر تأثیر مشهودی در عملکرد کسب و کارها ایجاد نموده است (توماسو و همکاران: ۲۰۲۰). کسب‌وکارهای کوچک بخش جدایی‌ناپذیر فرایند تحول و دگرگونی در بازار رو به گسترش دنیای امروز هستند. این کسب‌وکارها در ابداع شیوه‌های جدیدی که به تغییرات فناوری و افزایش توانایی تولید منجر خواهد شد نقش مهمی ایفا می‌کنند. می‌توان گفت چنین واحدهایی در جست‌وجوی تغییر و تحول رقابت هستند، چون در حال دگرگون کردن ساختار کلی بازاراند (اکس‌زولتان‌جی: ۱۳۸۳). همچنین ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط سیاستی مهم در ایجاد مشاغل جدید تسریع در بهبود اوضاع اقتصادی و رشد کشورها به شمار می‌رود و به این دلیل است که باید توجه ویژه‌ای به کسب‌وکارهای کوچک شود. زیرا این کسب‌وکارها قادرند خود را با محیط امروزی وفق دهند. همینطور ساختار آنها امکان تطبیق با تغییرات و تحولات گسترده و همه‌جانبه را فراهم می‌سازد و حفظ و بقایشان را امکان‌پذیر می‌کند (چن و همکاران: ۲۰۲۰).

بر اساس بررسی‌های اقتصادی که تاکنون و در زمان اپیدمی صورت گرفته است نشان می‌دهد که شیوع ویروس کرونا بخش‌های اقتصادی بسیاری از جمله کسب‌وکارهای خرد، کسب‌وکارهای عمومی، قیمت کالاها، تولید ناخالص داخلی را تحت تأثیر قرار داده است (ژو و همکاران: ۲۰۲۰). با توجه به ضرر و زیان‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا در اقتصاد جهانی، همچنین در اقتصاد ایران، در صورتی که مورد جبران زیان‌های اقتصادی فوراً چاره‌اندیشیده نشود و راهکاری به طور عملی در پیش گرفته نشود آسیب‌های وارده تصاعدی خواهد شد و بسیاری از فعالان اقتصادی با چالش زیادی روبه‌رو خواهند شد که حتی ممکن است از چرخه اقتصادی حذف شوند. با توجه به این مساله پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و پاسخگویی به این سوال می‌باشد که آیا بیماری کرونا بر وضعیت و کارایی کسب‌وکارهای کوچک شهرستان الشتر تأثیرگذار بوده است؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی چارچوب نظری پژوهش

ازجمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع و چارچوب نظری آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- 1 Jennifer, et al.
- 2 World Health Organization (WHO)
- 3 Buja, et al.
- 4 Tommaso, et al.
- 5 Chen, et al.
- 6 Zhou, et al.

بیت سیاحی، معصومه و جوادی راد، محمد و گودرزی، مریم، (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی اثرات بیماری کرونا و چند بیماری همه گیر جهانی بر چند متغیر اقتصادی پرداخته است. با توجه به وجود انواع بیمای های همه گیر از جمله بیماری کرونا و شرایط فعلی اقتصادی جوامع لزوم بررسی اثرات این بیماری بر فاکتورهای مهم اقتصادی ضروری است. در این پژوهش تأثیر بیماری کرونا و چند بیماری همه گیر دیگر، را بر چند فاکتور مهم اقتصادی ازجمله طلا، نفت، دلار و یورو و بررسی شده است.

اسدیور (۱۳۹۹) در پژوهشی با توجه به پیدایش بیماری شایع و همه گیر کرونا در جهان، ایران نیز از جمله کشورهایی است که شیوع زیاد آن سبب شده تا اقتصاد و معیشت مردم تحت الشعاع قرار گیرد پرداخته است. باتوجه به تجربیات اخیر آيا ایران قادر است در زمینه مقاوم سازی اقتصادی در برابر این فشار ها نیز مقاومت کند در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی نکاتی از تجربیات دهه اخیر ایران از تحولات و فشار های قبل از برجام تا بعد از عقد قرار داد برجام و حتی پس از خروج آمریکا از برجام و تحولات اقتصادی آن دوره و مقایسه با تحولات پیش بینی شده احتمالی برای دوره ی پسا کرونا نتیجه گیری شود که ایا تجربیات گذشته ایران را در برابر این ویروس نیز مقاوم می کند یا خیر چه عواملی کمک به مقاوم سازی و مقاومت اقتصادی می کند.

فلاح پسند (۱۳۹۹) در پژوهشی به شناسایی و افشاء تأثیرات حاصل از رویدادهای به وقوع پیوسته در تاریخ ترازنامه پرداخته است. برخی از رویدادها می توانند به صورت ناگهانی و بدون تعیین دقیق اثرات مثبت و منفی حاصل از آنها بر سود و زیان شرکت روی دهند. مواجه با همه گیری بیماری کوید-۱۹ که هم اکنون گستره ی عظیمی از کسب و کارهای خرد و کلان در جهان را تحت تأثیر قرار داده است، این پرسش را برای گزارشگران و استفاده کنندگان اطلاعات مالی پدید می آورد که شیوه شناسایی و طبقه بندی نتایج حاصل از بروز این رخداد فراگیر در صورت های مالی شرکت ها چگونه خواهد بود. بر این اساس هدف این پژوهش مطالعه و بررسی شیوه برخورد با رویدادهای غیرمترقبه همچون بیماری کرونا بوده که منجر به شناسایی و افشاء اطلاعات مربوطه به صورت جداگانه یا تعدیل اطلاعات گذشته در صورتهای مالی دوره متاثر از شرایط مذکور می گردد.

میرافشار، بهداد و شکوری، بهنام و خسروی، راحله (۱۳۹۹) در پژوهشی به شناخت عوامل موثر بر دورکاری کارکنان مشاغل کسب و کارها در عصر کرونا پرداخته است. پس از اپیدمی کرونا ویروس شرایط محیط کار جدید مبتنی بر حضور کاری و دورکاری شکل گرفته است که نیاز به ایجاد و توسعه بستر فناوری واطلاعات در فعالیت های جاری و فرایندهای کسب و کارمی باشد. تا کارکنان در زمان های برنامه ریزی شده به سامانه های کاری ارتباط برقرار کنند و به صورت آنلاین جوابگوی ارائه خدمات به مشتریان باشند از سوی دیگر به شهروندان این امکان داد شود تا در این بستردسترسی به برخی از نیازهای خود را از مشاغل دریافت نمایند و از خدمات دفاتر الکترونیک بهره مند شوند. در این راستا پس از مطالعه آخرین یادداشت ها و تحقیقات صورت گرفته عوامل هفت گانه تأثیرگذاری بر دورکاری توسط محقق ارائه و آزمون شد تا مبنای، مدیریت هوشمند فعالیتهای، ارتباطات موثر، قوانین کار و حقوق و دستمزد از میان برخی متغیرهای دیگر به عنوان عامل های دربرگیرنده دورکاری شناخته شوند.

صائب نیا، سمیه و کریمی، فرشته (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر بیماری کرونا (کووید-۱۹) بر عملکرد کسب و کار پرداخته است. جامعه آماری شامل تمامی مدیران و کارمندان ارشد صنایع کوچک و متوسط در استان اردبیل است به دست آمد که بر اساس روش نمونه گیری غیر تصادفی قضاوتی انتخاب شدند. به منظور اندازه گیری متغیرهای مربوط به عملکرد از پرسشنامه استاندارد مامون-آکروش و سامرالحمود، (۲۰۱۰) و برای بیماری کرونا (کووید-۱۹) از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. روایی پرسشنامه بر اساس روایی سازه، تشخیصی و همگرا و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید. آزمون مدل پژوهش بر اساس روش معادلات ساختاری و نرم افزار LISREL ۸٫۸ انجام گرفت. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنادار بیماری کرونا بر عملکرد مشتری با ضریب تأثیر ۰٫۷۳ تأیید شد و همچنین رابطه معنادار بیماری کرونا بر عملکرد بازار با ضریب ۰٫۶۹ مورد تأیید قرار گرفت و رابطه مثبت و معنادار عملکرد مالی بر بیماری کرونا با ضریب تأثیر ۰٫۷۱ تأیید شد.

کریمی، لیلا، (۱۳۹۹) راهکار برون رفت از رکود اقتصادی پسا کرونا در سال جهش تولید " در دنیای تجارت دوطرف معامله در پی آن هستند که درمقابل تعهد طرف مقابل، برای تحویل کالا و ارائه خدمات و یا دریافت وجه تضمین مالی و اعتباری کافی داشته باشند. یکی از شیوه های تقابل با این تضاد منافع در قالب اعتباراسنادی در بانکداری داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. در شرایط خاص شیوع ویروس کرونا جهت تقویت اقتصاد کشور و تامین نیازهای شر.

۳- چارچوب نظری

الف. بیماری کرونا (کووید-۱۹):

کرونا ویروس ها^۱ خانواده بزرگی از ویروس ها و زیرمجموعه کروناویروس هستند از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری های شدیدتری همچون سارس، مرس و کووید-۱۹ را شامل می شود کروناویروس ها در دهه ۱۹۶۰ کشف شدند و مطالعه بر روی آنها به طور مداوم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. این ویروس به طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می کند، با

این حال تاکنون هفت کروناویروس منتقل شده به انسان کشف شده است. آخرین نوع آنها، کروناویروس سندرم حاد تنفسی ۲ (SARS-CoV-2) در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین با همه‌گیری در انسان شیوع پیدا کرد.

در ایران در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۸، به دنبال فوت ۲ بیمار با عوارض تنفسی در بیمارستان کامکار قم، شایعاتی درباره مرگ این بیماران به علت کروناویروس شکل گرفت. اما دانشگاه علوم پزشکی قم با تکذیب شایعات مربوط به مبتلا بودن این دو بیمار فوت شده به کروناویروس، اعلام کرد که تاکنون هیچ گونه شواهدی تشخیصی مبنی بر ابتلا به بیماری کرونا دیده نشده است. در تاریخ ۳۰ بهمن اولین موارد از کرونای جدید در شهر قم از طریق روابط عمومی وزارت بهداشت گزارش شد. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت بهداشت اعلام کرد که نتایج آزمایش اولیه ۲ مورد از موارد مشکوک را از نظر ابتلا به کروناویروس مثبت گزارش شده است. بیمارستان کامکار قم نیز بعنوان محل قرنطینه و مراجعین بیماران و موارد مشکوک به کرونا مشخص شد.

تا روز نهم اسفند، ۱۶ کشور کانادا، لبنان، امارات، بحرین، کویت، افغانستان، عراق، عمان، پاکستان، گرجستان، چین، استونی، نیوزلند، بلاروس، بریتانیا و آذربایجان اعلام کرده‌اند که افرادی مبتلا به کروناویروس را شناسایی کرده‌اند که از مبدأ ایران آمده‌اند. این چالش‌های فوری، شدید و گسترده، نیاز مدیریتی به یک چارچوب اشاره دارد که متغیرهای گسترده اجتماعی، تکنولوژیکی و ساختاری نامتنبط را برای درک تأثیر و پاسخ‌های احتمالی به بیماری همه‌گیر COVID-19 در نیروی فروش به حساب می‌آورد. (بوستروم و هاینس، ۱۹۷۷). نظریه سیستم‌های فنی و اجتماعی که بر اهمیت ارتباط متقابل اجتماعی تأکید می‌کند (یعنی افراد و تعامل آنها) و جنبه‌های فنی (یعنی مراحل و دانش مرتبط با آن از جمله نرم‌افزار و سخت‌افزار) و نتایج مدل، و الگوی تغییر سازمانی لوویت (۱۹۶۵) می‌تواند مسلماً چنین بنیادی باشد. مدل لوویت که بر اساس آن تئوری سیستم‌های اجتماعی و فنی ساخته شده است (سیدل و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

ب. عملکرد کسب و کار:

عملکرد کسب و کار یکی از مهم‌ترین سازه‌های مورد بحث در پژوهش‌های مدیریت است. ولیکن به طور کلی درباره اینکه شاخص‌های عملکرد کدام هستند، به طور کلی شاخص‌های سنجش عملکرد به دو دسته ذهنی و عینی تقسیم پذیر است. شاخص‌های عینی عملکرد شاخص‌هایی است که بصورت کاملاً واقعی و بر اساس داده‌های عینی مثل بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام بازده سرمایه‌گذاری و غیره اندازه‌گیری می‌شود. اما شاخص‌های ذهنی عملکرد بیشتر معیارهایی را شامل می‌شود که بر مبنای قضاوت گروه‌های ذی‌نفع سازمان شکل می‌گیرد و از جمله آنها می‌توان به رضایتمندی مشتری، تصویر ذهنی در بازار، تعهد شغلی کارکنان و غیره است (احمدزاده‌فرد و همکاران: ۲۰۱۸).

ج. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط:

ادبیات مربوط به اشتغال واحدهای کوچک بسیار گسترده‌اند و این گستردگی نیز باعث شده است که در کشورهای مختلف تعاریف گوناگونی برای این واحد ارائه شود. این تعاریف با توجه به ساختار سنی، جمعیتی، فرهنگی و درجه توسعه یافتگی متفاوت هستند. بنگاه‌های کوچک در کشورهای مختلف جهان دارای شباهت‌های بسیاری هستند، اما با وجود این نمی‌توان تعریف واحد و یکسانی از آنها به دست آورد. هر کشور با توجه به شرایط خاص خود تعریفی از این کسب‌وکارها ارائه کرده است. (محمدپور ترکاش و همکاران: ۱۳۸۹).

د. نقش کسب‌وکارهای کوچک در رشد اقتصادی

بستری برای افراد حقیقی که توانایی راه اندازی کسب‌وکارهای بزرگ را ندارند فراهم می‌کنند تا در مقیاس کوچک تر بتوانند توانائی‌ها و قابلیت‌های خود را بروز دهند و کارآفرین باشند (ونگ^۲، ۲۰۰۴). نقش بسیار مهمی در بوجود آورد فرصت شغلی برای افراد جامعه ایفا می‌کنند و سهم بالایی از اشتغال را در دست دارند (روبرستون^۳، ۲۰۰۴). بعنوان منابع نوآوری در محصولات، خدمات، فرآیندها و تجربیات کاری جدید به شمار می‌آیند. با تامین انواع محصولات و خدمات، تشکیل دهنده عمده بدنه اقتصادی کشورها هستند. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در نقاط مشخص و بازارهای ویژه‌ای که صنایع بزرگ امکان ورودشان به آن بازارها نیست، فعالیت می‌کنند. (ویتکر^۴، ۱۹۹۷).

اکثریت صنایع بزرگ متمایل به کنترل و در دست داشتن قیمتهای محصولات کلیدی خود بمنظور افزایش حاشیه سودشان می‌باشند. صنایع کوچک در این حالت با فراهم کرد رقابت سالم و جلوگیری از انحصار و نیروهای بازار نقش ایفا می‌نمایند در این

1 Seidel et al.
2 Wong
3 Robertson
4 Whittaker

مسیر آنها به اطمینان داد به سیستم اقتصادی از کاراً بود خود کمک می کنند (کروس^۱: ۱۹۸۹؛ محمدپور ترکایش و همکاران: ۱۳۸۹).

۴- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش پیمایشی بوده است. فنون و تکنیک‌هایی مورد استفاده استفاده از تکنیک پرسشنامه بوده است. تحقیق حاضر یک پژوهش توصیفی-همبستگی، پهنانگر، مقطعی در سطح جامعه شناسی خرد و از نوع کاربردی بوده است. اطلاعات آن در سطح کمی جمع آوری شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه صاحبان کسب و کارها کوچک در سطح شهر الشتر در استان لرستان در سال ۱۳۹۹ بوده است. و حجم نمونه ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین کسب و کارهای کوچک شهر الشتر به صورت تصادفی انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری این پژوهش از نمونه‌گیری احتمالی و به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است و از این بین، چهار کسب و کار کوچک به صورت تصادفی انتخاب شدند و صاحبان این کسب و کارها، به سوالات پرسشنامه‌ای این پژوهش پاسخ دادند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها و بازنگری پرسشنامه‌های تکمیل شده محقق به کدگذاری متغیرها بر حسب سطوح اندازه‌گیری در بین متغیرها و همچنین شاخص‌های آن پرداخته و اقدام به ورود داده‌ها به کامپیوتر کرده است، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخصه‌های آمار توصیفی تلخیص و طبقه‌بندی گردید و در بخش آمار استنباطی از ضرایب همبستگی، آزمون t، و رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است. برای اندازه‌گیری اعتبار پرسشنامه محقق ساخته از اعتبار صوری استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از مصاحبه و ابزار پرسشنامه استفاده گردید. برای تهیه پرسشنامه ابتدا شاخصه‌های هر یک از متغیرها تعریف و بر اساس آن پرسشنامه طراحی شد و همچنین پرسشنامه‌هایی که درباره موضوع و متغیرهای مورد نظر تنظیم شده بود با بررسی و تطبیق آن با جامعه آماری مورد نظر ملاک طراحی و تهیه پرسشنامه پژوهش حاضر قرار می‌گیرد. سوالات پرسشنامه شامل سوالات اختصاصی است. این بخش ۱۰ سؤال درباره مولفه‌های فرضیه‌های پژوهش حاضر (کرونا و ویروس- تعدیل نیروی کار- کاهش میزان درآمد- ساعت کاری) است. این پرسشنامه به شکل طیف هفت درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است (۱ = کاملاً مخالفم تا ۷ = کاملاً موافقم).

۵- فرضیه های پژوهش

- کرونا و ویروس بر تعدیل نیروی کار کسب و کارهای کوچک تأثیر معنی دار و مستقیمی می‌گذارد.
- کرونا و ویروس بر کاهش میزان درآمد کسب و کارهای کوچک تأثیر معنی دار و مستقیمی می‌گذارد.
- کرونا و ویروس بر ساعت کاری کسب و کارهای کوچک تأثیر معنی دار و مستقیمی می‌گذارد.

۶- یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۱، متغیرهای کرونا و ویروس، تعدیل نیروی کار، کاهش میزان درآمد و ساعت کاری از نرمال بودن برخوردار است.

جدول ۱. مشخصه‌های توصیفی کرونا و ویروس- تعدیل نیروی کار- کاهش میزان درآمد و ساعت کاری

متغیرها	کمینه	بیشینه	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد
کرونا و ویروس	۴	۴۴	۷/۰۲	۱۵/۱۱	۱۰۰
تعدیل نیروی کار	۹	۳۰	۴/۲۸	۲۳/۵۵	۱۰۰
کاهش میزان درآمد	۱۰۱	۴۵	۷۰/۵۵	۲۳۲	۱۰۰
ساعت کاری	۲۱	۶۹	۸/۰۶	۴۵/۵۹	۱۰۰

جدول ۲. بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیر	چولگی	کشییدگی	نتیجه گیری
کرونا و ویروس	-۰/۹۸۲	۱/۲۶۶	نرمال است
تعدیل نیروی	-۱/۴۷۷	۱/۱۸۹	نرمال است
کاهش میزان درآمد	-۱/۳۹۷	۱/۱۸۰	نرمال است
ساعت کاری	-۱/۱۹۰	۱/۵۹۱	نرمال است

با توجه به نتایج جدول فوق، مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرها، در بازه (۲، -۲) قرار دارد. یعنی از لحاظ کجی این متغیرها، نرمال بوده و توزیع آن متقارن است. مقدار کشیدگی آنها در بازه (۲، -۲) قرار دارد. این نشان می‌دهد توزیع متغیرهای پژوهش، از کشیدگی نرمال برخوردار است.

جدول ۳. بررسی تأثیر کرونا بر تعدیل نیروی کار کسب‌وکارهای کوچک شهرستان الشتر

سطح معنی‌داری	میزان آماره t	ضریب رگرسیون استاندارد نشده		ضریب	تعدیل نیروی کار
		ضریب رگرسیون استاندارد شده	خطای استاندارد		
۰/۰۰۰*	۶/۵۸۲	۰/۲۴۱	۰/۰۴۰	۰/۲۶۲	کاهش میزان درآمد
۰/۰۰۰*	۳/۸۱۲	۰/۲۱۲	۰/۰۵۴	۰/۲۰۶	ساعت کاری
۰/۰۰۰*	۴/۰۲۰	۰/۲۵۸	۰/۰۶۸	۰/۲۷۳	

*sig < 0/05

نتایج جدول بالا نشان داده است که مقدار سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰ است. و کوچکتر از مقدار خطا ۰/۰۵ و قدر مطلق آماره "t" متغیرها بزرگتر از مقدار ۱/۹۶ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد شده و فرض یک تایید شده است لذا متغیرهای تعدیل نیروی کار، کاهش میزان درآمد و ساعت کاری در مدل باقی می‌ماند و مقدار ضریب آنها به ترتیب ۰/۲۶۲، ۰/۲۰۶ و ۰/۲۷۳ می‌باشد.

بنابراین بر اساس داده‌ای موجود جدول شماره ۳ و نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها و بیان فرضیات به ترتیب در پژوهش حاضر نشان داده است که: کرونا ویروس بر تعدیل نیروی کار کسب‌وکارهای کوچک تأثیر معنی‌دار و مستقیمی می‌گذارد تایید و رابطه معنی‌داری را نشان داده است. ضریب و مقدار رگرسیون آن برابر با ۰/۲۴۱ بوده است. و مقدار t محاسبه شده طبق جدول شماره ۳ ۶/۵۸۲ را نشان داده است.

فرض دوم: کرونا ویروس بر کاهش میزان درآمد کسب‌وکارهای کوچک تأثیر معنی‌دار و مستقیمی می‌گذارد تایید و رابطه معنی‌داری را نشان داده است. ضریب و مقدار رگرسیون آن برابر با ۰/۲۱۲ بوده است. و مقدار t محاسبه شده طبق جدول شماره ۳ ۳/۸۱۲ را نشان داده است.

فرض سوم: کرونا ویروس بر ساعت کاری کسب‌وکارهای کوچک تأثیر معنی‌دار و مستقیمی می‌گذارد. می‌گذارد تایید و رابطه معنی‌داری را نشان داده است. ضریب و مقدار رگرسیون آن برابر با ۰/۲۵۸ بوده است. و مقدار t محاسبه شده طبق جدول شماره ۳ ۴/۰۲۰ را نشان داده است.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر کرونا بر کسب‌وکارهای کوچک شهرستان الشتر در سال ۱۳۹۹ است. کسب‌وکارهای کوچک بخش جدایی‌ناپذیر فرایند تحول و دگرگونی در بازار رو به گسترش دنیای امروز هستند. از سوی دیگر با توجه به رشد سریع این بیماری، موجب بسته شدن بسیاری از کسب‌وکارهای سراسر جهان از جمله کسب‌وکارهای کوچک شده است که این امر تأثیر مشهودی در عملکرد کسب و کارها ایجاد نموده است. علل بررسی تحقیق حاضر در واقع نشان داده است که کرونا ویروس تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر کسب و کارها و مشاغل کوچک اقتصادی دارد به طوری که صاحبان این مشاغل و کسب و کارها با مراقبت‌های بهداشتی، منابع انسانی این مشاغل به کاهش فشارهای روانی و آرامش برسند و بتوانند به وسیله دورکاری و فاصله‌گذاری اجتماعی برای کاهش زنجیره بیماری مورد توجه قرار گیرند.

روش پژوهش پیمایشی و فنون و تکنیک‌هایی مورد استفاده استفاده از تکنیک پرسشنامه بوده است. تحقیق حاضر یک پژوهش توصیفی-همبستگی، پهنانگر، مقطعی در سطح جامعه‌شناسی خرد و از نوع کاربردی بوده است. اطلاعات آن در سطح کمی جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه صاحبان کسب و کارها کوچک در سطح شهر الشتر در استان لرستان در سال ۱۳۹۹ بوده است. حجم نمونه ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین کسب‌وکارهای کوچک شهر الشتر به صورت تصادفی انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری این پژوهش از نمونه‌گیری احتمالی و به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است و از این بین، چهار کسب و کار کوچک به صورت تصادفی انتخاب شدند داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخصه‌های آمار توصیفی تلخیص و طبقه‌بندی گردید و در بخش آمار استنباطی از ضرایب همبستگی، آزمون t، و رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است. برای اندازه‌گیری اعتبار پرسشنامه محقق ساخته از اعتبار صوری استفاده شده است

نتایج یافته های پژوهش بر اساس آزمون تی نشان داده که کرونا ویروس بر تعدیل نیروی کار کسب و کارهای کوچک تأثیر معنی دار و مستقیمی گذاشته است و رابطه معنی داری را نشان داده است و مقدار ضریب و مقدار رگرسیون آن برابر با $0/241$ بوده است. و مقدار t محاسبه شده طبق جدول شماره ۳ $16/582$ را نشان داده است. نتایج این داده ها با تحقیقات اسد پور (۱۳۹۹) همسو و همخوانی دارد. و هم چنین کرونا ویروس بر کاهش میزان درآمد کسب و کارهای کوچک تأثیر معنی دار و مستقیمی گذاشته است تأیید و رابطه معنی داری را نشان داده است. ضریب و مقدار رگرسیون آن برابر با $0/212$ بوده است. و مقدار t محاسبه شده طبق جدول شماره ۳ $3/812$ را نشان داده است. نتایج این داده ها با تحقیقات میر افشار و بهداد و شکوری (۱۳۹۹) همسو و همخوانی دارد.

و در فرض نهایی تحقیق کرونا ویروس بر ساعت کاری کسب و کارهای کوچک تأثیر معنی دار و مستقیمی گذاشته است تأیید و رابطه معنی داری را نشان داده است. ضریب و مقدار رگرسیون آن برابر با $0/258$ بوده است. و مقدار t محاسبه شده طبق جدول شماره ۳ $4/020$ را نشان داده است. نتایج این داده ها با تحقیقات صائب و کریمی (۱۳۹۹) همسو و همخوانی دارد.

در تبیین اساسی پژوهش می توان بیان داشت که وجود ویروس کرونا تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر زندگی انسان ها و کسب و کار های اقتصادی بزرگ و کوچک به جا گذاشته است و آنچه در این پژوهش مورد توجه پژوهشگر بوده است موضوعی تحت عنوان تأثیر کرونا در بحران کسب و کارهای کوچک در شهر الشتر لرستان بوده است. شهری در استان با امکانات زیر ساختی اقتصادی بسیار پایین با وجود شرایط بسیار مناسب آب و هوایی در شمال غربی استان و مردمی که مشغول کسب و کار های کوچک با درآمد بسیار ناچیز مشغول فعالیت هستند اما همانند سایر شهرهای کمتر برخوردار از جهت اقتصادی و درآمدی، با وجود ویروس کرونا همین درآمد پایین هم از بین رفته است. کسب و کارهای کوچک بخشی جدایی ناپذیر فرایند تحول و دگرگونی در بازار رو به گسترش دنیای امروز هستند. این کسب و کارها در ابداع شیوه های جدیدی که به تغییرات فناوری و افزایش توانایی تولید منجر خواهد شد. همچنین ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط سیاستی مهم در ایجاد مشاغل جدید تسریع در بهبود اوضاع اقتصادی و رشد کشورها به شمار می رود و به این دلیل است که باید توجه ویژه ای به کسب و کارهای کوچک شود. بستری برای افراد حقیقی که توانایی راه اندازی کسب و کارهای بزرگ را ندارند فراهم کنند تا در مقیاس کوچکتر بتوانند توانائی ها و قابلیت های خود را بروز دهند و کار آفرین باشند.

References

1. Asadpour, Shahin (1399). Investigating the Economic Impact of the Corona Virus on the Current Turmoil of the Iranian Economy Based on Iran's Experiences of the Last Decade in Economic Stabilization and Ways to Deal with It, Third Economic Management Conference, Tehran.Iran.
2. X, Zoltan G (1383). Small Industries and Economic Growth, the first article in the book The Role of Small Industries in Modern Economy, translated by Jahangir Majidi, second edition, Tehran, Rasa Cultural Institute. Iran.
3. Beit Siyahi, Masoumeh and Javadi Rad, Mohammad and Goodarzi, Maryam (1399). Investigating the effects of coronary heart disease and several global epidemics on several economic variables, 2nd International Conference on Innovative Technologies in Science, Engineering and Technology, Iran.
4. Barkhordari, Fatemeh (1389). Challenges and Strategies for Home Business Development, Labor Market Monthly, Eleventh Year, No. 593. Iran.
5. Saebnia, Somayeh and Karimi, Fereshteh (1399). The effect of coronary heart disease (Covid-19) on business performance (Case study: small and medium businesses in Ardabil province, Iran.
6. Rahimonia, Fariborz; Sajjad, Atefeh (1394). The Impact of Strategic Orientation on the Performance of Companies Based in Khorasan Science and Technology Park through Organizational Innovation, Innovation Management, Volume 4, Number 2, pp. 114-87. Iran.
7. Ali Pourfallah Pasand, Ali (1399). Financial Reporting in the Age of Corona (Quaid-19), The Second International Conference on Innovation in Business and Economic Management, Tehran, Iran.
8. Mir Afshar, Behdad and Shakoory, Behnam and Khosravi, Raheleh (1399). Factors affecting telecommuting of business employees in the age of Corona, 7th National Conference on Modern Studies and Research in the field of Humanities, Management and Entrepreneurship of Iran, Tehran
9. Karimi, Leila (1399) The way out of the post-corona recession in the year of the production leap, the third international conference on modern management, accounting, economics and banking tricks with a business growth approach, Tehran, Iran.
10. Mohammadpour Torkayesh, Mehdi; Mirzadeh Barijogh, Farshad (1387). Investigating the impact of creating and developing small and medium businesses on economic growth, a specialized site for small business management.Iran.

11. Lelenwa L, et al. The emerging spectrum of cardiopulmonary pathology of the coronavirus disease (2019) (covid-19): report of three autopsies from houston, texas and review of autopsy findings from other united states cities. *Cardiovasc Pathol* 2020; 48: 107233.
12. Chen N, Zhou M, Dong X, Qu J, Gong F, Han Y. Epidemiological and clinical characteristics of 99 cases of (2019) novel coronavirus pneumonia in Wuhan, China: a descriptive study. *The Lancet*. (2020) 395(10223): 507-13. DOI:10.1016/s0140-6736(20)30211-7.
13. Cross M.(1983), *The United Kingdom*, in Storey, D.J.(Ed), *The Small Firm – An International Survey*, Croom Helm, London, pp.84-119.
14. Mohhammd Hasan Ahmadzadeh Fard, Mahmod Gholami, Ali Taghavi, Amir Sadeghi. (2018). Impact of Strategic Orientation on Business Performance through Marketing Capabilities (Case of Study: Mehr Eghtesad Bank Branches in Isfahan). *Quarterly Journal of Modern Marketing Research*. Pp.87-104.
15. Jennifer F. Kawwass, MD, (2020), Prior and Novel Coronaviruses, COVID-19, and Human Reproduction: What Is Known? *Fertility and Sterility* (2020), doi: <https://doi.org/10.1016/j.fertnstert.2020.04.025>. pp 1-27.
16. Robertson, James. (2004), *Developing a knowledge management strategy*, Step Two Designs Pty Ltd . www.steptwo.com.au.
17. Seide S., Recker, J., & Brocke, J. vom. (2013). Sensemaking and Sustainable Practicing: Functionall Affordances of Information Systems in Green Transformations. In *MIS Quarterly* (Vol. 37, pp. 1275–1299). Management Information Systems Research Center, University of Minnesota.
18. Whittaker, D. H. (1997). *Small Firms in the Japanese Economy*, Cambridge University Press, Cambridge.
19. WHO. Novel Coronavirus (2019-nCoV): Situation Report-13: WHO website; 2020 [cited 2020 February 3]. Available from: <https://www.who.int/docs/default-srouce/coronaviruse/situation-reports/20200202-sitrep13-ncov-v3.pdf>.
20. Wong, K. Y., & Aspinwall, E. (2004), Characterizing knowledge management in the small business environment. *Journal of Knowledge Management*, 8(3), 44–61.

The impact of the corona on the small business crisis

Abstract

Background and Objective: Research on corona in society is doubly important and necessary in terms of its impact on various economic factors such as businesses, political, social and cultural factors. Alshtar was.

Methods: The research method is descriptive-correlation. The statistical population of the study included all small business owners in the city of Al-Sharhtaristan with a population of seventy thousand people. The sample size was 100 people who were selected using multi-stage systematic sampling method. The instrument used in this research is a researcher-made questionnaire to collect and obtain the data to evaluate them.

Findings: The results of the data show that the corona has been effective in adjusting the workforce of small businesses in Aleshtar ($P < 0.05$).

Conclusion: Corona has also shown a significant effect on reducing the income of small businesses ($P < 0.05$). And Corona has had an impact on the working hours of small businesses ($P < 0.05$), in other words, it has shown a direct and significant impact.

Keywords: Corona, Small Business, Labor Adjustment, Income Reduction, Working Hour Reduction

خط‌مشی سازمان و حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان؛ مورد مطالعه؛ شهرداری‌های استان آذربایجان شرقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

کد مقاله: ۷۱۶۳۳

حسین محمودی دانشجوی ^{۱*}، ماهرخ لطف الهی حقی ^۲

چکیده

عملکرد سازمان‌ها همواره جزو یکی از مهم‌ترین عوامل در جذب مشتریان بیشتر برای سازمان‌ها می‌باشد. هرچه سازمان‌ها عملکرد بهتری داشته باشند قادر به عرضه محصولات بهتر و در نتیجه جذب مشتریان بیشتر خواهند بود. از این‌رو توجه به عملکرد سازمان و عوامل مؤثر بر آن بسیار مهم و ضروری می‌باشد. خط‌مشی‌های سازمان و تصمیم‌هایی که سازمان اتخاذ می‌نماید، می‌تواند عملکرد سازمان را بهبود بخشد و بقای سازمان را تضمین نماید. مدیران ارشد سازمان نیز در اتخاذ تصمیمات درست و بهبود عملکرد کارکنان و در نتیجه بهبود عملکرد سازمان بی‌تأثیر نیستند. از این‌رو توجه به نقش خط‌مشی‌های سازمانی و مدیران ارشد و حمایت آنان از تصمیمات اتخاذ شده در این جهت مهم و ضروری است. لذا ما در این پژوهش به بررسی نقش خط‌مشی سازمان و حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان در شهرداری‌های استان آذربایجان شرقی پرداختیم. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر اساس ماهیت و روش تحقیق توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری آن را مدیران شهرداری‌های استان آذربایجان شرقی تشکیل دادند که ۵۰ نفر از آنان به صورت تصادفی انتخاب شدند. جهت گردآوری داده از پرسشنامه محقق ساخت استفاده شد که آلفای کرونباخ آن ۰٫۸۵۹ به دست آمد. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل آزمون شدند. نتایج به شرح زیر بدست آمد؛ خط‌مشی سازمان، حمایت مدیریت ارشد، هوشمندی، تعیین اهداف، تدوین زیرساخت‌ها، حمایت از نوآوری، حمایت شغلی و حمایت معنوی بر عملکرد سازمان تأثیرگذار است. در ادامه پیشنهادهایی برای بهبود پژوهش ارائه شدند.

واژگان کلیدی: خط‌مشی سازمان، حمایت مدیریت ارشد، عملکرد سازمان شهرداری‌ها، استان آذربایجان شرقی

۱- دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)
hossein_mahmodi90@yahoo.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ارومیه، ایران

۱- مقدمه

عملکرد سازمان‌ها همواره جزو یکی از مهم‌ترین عوامل در جذب مشتریان بیشتر برای سازمان‌ها می‌باشد. هرچه سازمان‌ها عملکرد بهتری داشته باشند قادر به عرضه محصولات بهتر و در نتیجه جذب مشتریان بیشتر خواهند بود. از این رو توجه به عملکرد سازمان و عوامل مؤثر بر آن بسیار مهم و ضروری می‌باشد. خط‌مشی‌های سازمان و تصمیم‌هایی که سازمان اتخاذ می‌نماید، می‌تواند عملکرد سازمان را بهبود بخشیده و بقای سازمان را تضمین نماید. مدیران ارشد سازمان نیز در اتخاذ تصمیمات درست و بهبود عملکرد کارکنان و در نتیجه بهبود عملکرد سازمان بی‌تأثیر نیستند. از این رو توجه به نقش خط‌مشی‌های سازمانی و مدیران ارشد و حمایت آنان از تصمیمات اتخاذ شده در این جهت مهم و ضروری است. لذا ما در این پژوهش به بررسی نقش خط‌مشی سازمان و حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان در شهرداری‌های استان آذربایجان شرقی پرداختیم.

۱-۱- خط‌مشی

خط‌مشی قاعده و اصول کلی و لازم برای اقدامات و حرکت‌های برنامه‌ای مطلوب است. خط‌مشی قاعده‌ای کلی است که باید بر قوانین و آیین‌نامه‌ها اشراف داشته باشد. برای مثال قانون اساسی نسبت به قوانین عادی جنبه خط‌مشی دارد و هیچ قانونی نباید مغایر و ناقض قانون اساسی باشد. خط‌مشی مشخص کننده محدوده ای است که تصمیم های آتی باید در داخل آن اتخاذ شود. خط‌مشی ها را می توان با توجه به موضوع آنها با عنوان خط‌مشی‌های شخصی و غیره نامگذاری کرد. خط‌مشی یک برنامه عمومی است که به منزله راهنمای عمل مد نظر مدیران قرار می گیرد. معنای لغوی خط‌مشی، اساسنامه، مرام نامه، روش و رویه است. اولین واژه ای که از خط‌مشی به ذهن می رسد به معنای "سیاست" است؛ اما گاه معنای یک واژه مستقیماً از خود کلمه استنباط نمی شود، مثل واژه "انگیزه" که اغلب در مدیریت به جای هدف، قصد و عزم به کار می رود اما در عربی به معنای محرک بوده و در درون آن "حرکت نهفته است. خط‌مشی از صراحت و وضوح، قابلیت اجرا، انعطاف پذیری، جامعیت، هماهنگی، مستدل بودن، متمایز بودن از قانون و کتبی بودن برخوردار است. (فرد دیوید، ۲۰۰۰). خط‌مشی ها اصولی هستند که به تصمیم ها، اقدامات و فعالیت های سازمان جهت می دهند و آنها را در مسیر تحقق اهداف تنظیم می نمایند. خط‌مشی نشانگر خواست ها و انتظارات بخش های سازمان است که در فرایند تصمیم گیری به صورت آیین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات اجرایی، تقنینی و قضایی منعکس می شود. (اسمیت، ۲۰۰۳). خط‌مشی، تعیین کننده محدوده تصمیم‌گیری برای مدیران سازمان یا هیئت مدیره می‌باشد. مدیران برنامه‌ریزی و اجرایی در هر سازمان همواره در قلمرو تعیین شده توسط خط‌مشی را مد نظر قرار داشته و تصمیمات را با قید سازگاری با خط‌مشی سازمان اتخاذ می‌نمایند. افزون بر آن خط‌مشی را باید یک معیار و شاخص مهم در کنترل و ارزیابی عملیات نیز به حساب آورد. خط‌مشی یاهمان سیاست‌های سازمان به صورت رسمی توسط مدیرعامل یا مدیریت ارشد یک سازمان تعیین می‌گردند. با تدوین سیاست‌های کلان سازمان این اطمینان فراهم می‌گردد که از بروز تضاد یا تعارضی در تصمیمات مدیران سازمان ممانعت بعمل آید. به عبارت بهتر خط‌مشی، مسیر تفکر یا شیوه اندیشه اعضای سازمان را مشخص نموده؛ تا از این رهگذر شیوه اندیشیدن و تصمیم‌گیری مدیران با اهداف سازمان سازگار گردد، یا منافات نداشته باشد. بر خلاف بسیاری از کلمات مدیریتی زبان انگلیسی که در ترجمه آنها دشواری و اختلاف نظر وجود دارد، تقریباً همه، خط‌مشی را به خط‌مشی ترجمه می‌کنند. به همین سبک، خط‌مشی گذاری به خط‌مشی گذاری و خط‌مشی تجاری به خط‌مشی کسب و کار ترجمه می‌شود؛ اما کمی مطالعه و بررسی دقیق تر نشان می‌دهد که اتفاقاً مفهوم خط‌مشی از جمله مفاهیم بسیار گنگ است که هر کس به فراخور نیاز و کار خود، تعریف خط‌مشی را به شکل متفاوتی ارائه کرده است. با توجه به اینکه لغت مشی در زبان عربی به معنای راه رفتن است، از لحاظ لغوی می‌توان فرض کرد که مفهوم خط‌مشی، مسیری برای حرکت است. با رواج مدیریت دولتی در ایران و جهان، بسیاری از دانشگاهیان ترجیح دادند لغت استراتژی را برای کسب و کارها و سازمان‌ها (انتفاعی یا غیرانتفاعی) به کار بگیرند و وقتی از استراتژی کلان دولت‌ها و نهادهای دولتی حرف می‌زنند، به جای واژه‌ی استراتژی از واژه‌ی خط‌مشی استفاده کنند. خط‌مشی باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد: صراحت و وضوح، جامعیت، متمایز بودن از قوانین، قابلیت اجرا، هماهنگی، کتبی بودن، انعطاف‌پذیری و مستدل بودن.

۱-۲- موانع اجرای خط‌مشی

موانع خط‌مشی گذاری به شرح زیر می باشند (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۷):

۱. عدم تمایل به آینده نگری و گرایش به نتایج زودرس
۲. جزئی نگری و یک بعدی شدن در تصمیمات
۳. نارسایی های اطلاعاتی در تصمیم گیری
۴. گرایش ساده انگاری و به دنبال راه حل های ساده رفتن
۵. اعمال نظر شخصی در تصمیم گیری و اتکای بیش از حد بر تجربیات
۶. عدم تمایل به اجرای آزمایشی خط مشی ها و فقدان بازخورد فرایند خط مشی گذاری عمومی

۷. عدم تمایل به تصمیم گیری
۸. انعطاف ناپذیری تصمیمات
۹. وضع خط مشی های صوری و ظاهری
۱۰. عدم آگاهی عامه مردم و احساس بی نقشی آنها در جامعه

۳-۱- مراحل تدوین خطمشی

- مراحل خط مشی گذاری به شرح زیر ارائه شده اند (رضاییان، ۱۳۸۷):
۱. شناسایی مشکلات تدوین خطمشی های پیشنهادی
 ۲. انتخاب یک پیشنهاد
 ۳. تدوین راه حل ها
 ۴. جلب پشتیبانی سیاسی برای خطمشی
 ۵. قانونی کردن (مشروعیت بخشیدن) خطمشی ها
 ۶. اجرای آن به صورت یک قانون سازماندهی دیوان سالاری ها
 ۷. تامین منابع مالی یا ارائه خدمات
 ۸. وضع مالیات ها
 ۹. اجرای خطمشی ها
 ۱۰. بررسی برنامه ها
 ۱۱. نتایج برنامه های دولت «بازده» گزارش
 ۱۲. ارزیابی تاثیر برنامه ها بر گروه های موردنظر در جامعه و سایر گروه ها
 ۱۳. پیشنهاد تغییرات و اصلاحات

۴-۱- حمایت مدیران ارشد

حمایت مدیران ارشد یک ارزش اصلی مهم است که برای نشان دادن تعهد و تقویت مشارکت کارکنان استفاده می شود. طبق نظر محققان، مدیران باید فرهنگ و ارزش های شرکت را درک کنند و جنبه های مفید فرهنگ را حفظ کرده و مهارت فناوری را از طریق یک فرآیند یادگیری سازمانی ترویج دهند. (میانو و همکاران، ۲۰۱۹). حمایت مدیریت ارشد برای توانمند سازی سازمان ها جهت دسترسی، جذب و کاربرد دانش برای اهداف تجاری ضروری است. (گارسیا مورالز و همکاران، ۲۰۱۴).

۵-۱- عملکرد سازمان

عملکرد سازمانی، میزانی است که سازمان اهداف موردنظر خود را به انجام می رساند (نشکووا و گوو، ۲۰۱۲) در واقع عملکرد مفهوم کلی است که عملکرد کلی سازمان را از ابعاد مختلف مدنظر قرار می دهد. ادبیات گذشته از اندازه گیری عملکرد با ابزارهای ذهنی و عینی دفاع می کند، اما مسلماً استفاده از ابزارهای عینی اعتبار بیشتری دارد. (کمیسون و ویلار لویز، ۲۰۱۴)؛ بنابراین عملکرد سازمان را می توان این گونه تعریف کرد: یک سازه چندوجهی است که شامل چهار بعد: ۱. عملکرد مشتری محور شامل رضایت مشتری و عملکرد محصول یا خدمات؛ ۲. عملکرد مالی و بازار شامل درآمد، سود، موقعیت بازار، دوره زمانی گردش پول نقد و سود هر سهم؛ ۳. عملکرد منابع انسانی شامل رضایت کارکنان و ۴. اثربخشی سازمانی شامل زمان ورود به بازار، سطح نوآوری، تولید و انعطاف پذیری زنجیره تأمین است. (میتاس و همکاران، ۲۰۱۱).

۶-۱- رابطه حمایت مدیریت ارشد و عملکرد

مقالات معدودی رابطه حمایت مدیریت ارشد را با عملکرد بررسی نمودند. طبق مقاله یزدی زاده و همکاران (۱۳۹۷) حمایت مدیریت ارشد را با کمک نقش میانجی مهارت های فن آوری و ظرفیت جذب بر عملکرد شعب بانک ملی شهر تهران نشان دادند. حیدری و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که حمایت مدیریت ارشد با نقش میانجی تعهد عاطفی بر کارآفرینی و عملکرد سازنده دارد. حقیقی نسب و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که حمایت مدیریت ارشد بر استراتژی های بازاریابی سبز و عملکرد زیست محیطی تأثیر داشته اند.

۲- پیشینه های پژوهشی

حیدری و همکاران (۱۴۰۰) تأثیر حمایت مدیران ارشد را بر کارآفرینی سازمانی با نقش میانجی تعهد عاطفی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز بررسی نمودند. نتایج نشان داد که بین متغیرها روابط مستقیم معنادار وجود دارد. همچنین نقش میانجی تعهد

عاطفی در بین حمایت مدیران ارشد و کارآفرینی سازمانی تأیید گردید. یزدی زاده و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد شعب بانک ملی شهر تهران با نقش میانجی مهارت های فناوری و ظرفیت جذب را بررسی کردند. نتایج نشان داد که تأثیر حمایت مدیریت ارشد بر مهارت های فناوری و ظرفیت جذب مثبت و معنادار است. همچنین تأثیر مهارت های فناوری بر عملکرد سازمانی مثبت و معنادار است؛ اما تأثیر ظرفیت جذب بر عملکرد سازمان معنادار نیست. همچنین حمایت مدیریت ارشد از طریق مهارت های فناورانه و ظرفیت جذب منجر به افزایش عملکرد سازمانی می شود. حقیقی نسب و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر حمایت مدیریت ارشد از اقدامات زیست محیطی را بر استراتژی بازاریابی سبز و عملکرد زیست محیطی کسب و کارهای صنعتی در ایران بررسی نمودند. یافته ها نشان داد که فرهنگ زیست محیطی در درون کسب و کارهای ایرانی، عملکرد اقتصادی را بهبود می بخشد اما با توجه به اینکه موضوع محیط زیست به عنوان یک موضوع استراتژیک در کشور ما در نظر گرفته نمی شود و کسب و کارها از استانداردهای به روز استفاده نمی کنند. بشارتی و همکاران (۱۳۹۵)، تأثیر عوامل سیاست گذاری و تعیین اهداف را بر فرآیند برنامه ریزی عملیاتی در بیمارستان های دولتی ایران بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان دهنده تأثیر سیاست گذاری و تعیین اهداف بر برنامه ریزی عملیاتی تأیید شد. روح الهی و رجبی فرهاد (۱۳۹۴) آثار خطمشی های مدیریت منابع انسانی را بر عملکرد سازمانی بررسی کردند. مطالعه حاضر نشان داد که مولفه های استخدام، آموزش، ارزیابی عملکرد، مشارکت کارکنان و جبران خدمات رابطه ای مثبت، معنی دار و مستقیم دارند. همچنین بین خطمشی های مدیریت منابع انسانی و عملکرد سازمانی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. گل پرور و نادری (۱۳۸۹) رابطه حمایت مدیریت از رفتارهای اخلاقی با رضایت شغلی معلمان را بررسی کردند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که سن رابطه بین حمایت مدیریت از رفتارهای اخلاقی با رضایت از پرداخت فقط در گروه سنی تا ۴۰ سال، دارای رابطه معناداری است. سابقه خدمت نیز رابطه حمایت مدیریت از رفتارهای اخلاقی با رضایت از پرداخت و رضایت از ترفیع تعدیل نمود.

۳- روش شناسی پژوهش

۳-۱- روش پژوهش و جامعه آماری

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر اساس ماهیت و روش تحقیق توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری آن را مدیران شهرداری های استان آذربایجان شرقی تشکیل دادند که ۵۰ نفر از آنان بصورت تصادفی انتخاب شدند. جهت گردآوری داده از پرسشنامه محقق ساخت استفاده شد که آلفای کرونباخ آن ۰.۸۵۹ بدست آمد. فرضیه های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل آزمون شدند.

۳-۲- فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی اول: خطمشی سازمان بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.

فرضیات فرعی اول:

- هوشمندی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- تعیین اهداف بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- تدوین زیر ساخت ها بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.

فرضیه اصلی دوم: حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.

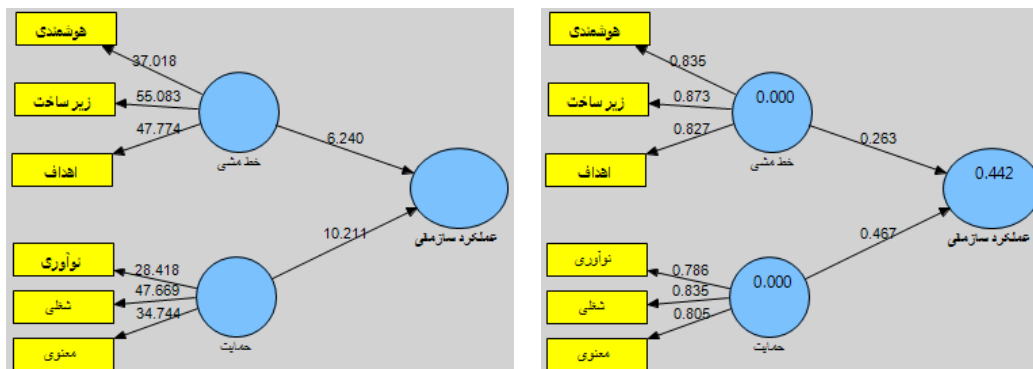
فرضیه های فرعی دوم:

- حمایت از نوآوری بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- حمایت شغلی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- حمایت معنوی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.

۴- تحلیل یافته ها

۴-۱- آزمون فرضیه ها با استفاده از روابط ساختاریافته خطی

پس از تعیین مدل های اندازه گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، فرضیه های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیه ها در نمودار منعکس شده اند.



شکل (۱). نمودار اندازه گیری مدل کلی و نتایج فرضیه ها در حالت استاندارد

شکل (۲). اندازه گیری مدل کلی و نتایج فرضیه ها در حالت معنی دار

۲-۴- روایی، پایایی و برازش مدل

جهت سنجش پایایی از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده و جهت سنجش روایی از روایی همگرا استفاده شده و جهت سنجش برازش مدل از شاخص برازش مدل استفاده شده است:

جدول (۱). ضرایب آلفای کرونباخ

بزارش مدل	روایی همگرا	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
۰,۷۶	۰,۵۱	۰,۸۰	۰,۶۶
	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰
	۰,۷۸	۰,۹۵	۰,۹۴

مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، نشانگر پایایی قابل قبول است. مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد. مقدار روایی همگرا بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می دهد. با توجه به سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش مدل، حاصل شدن ۰/۷۶ نشان از برازش قوی مدل دارد. جدول زیر ضریب معناداری و نتایج فرضیه های مطرح شده را به طور خلاصه نشان می دهد.

جدول (۲) نتایج فرضیه ها

نتیجه	معناداری	استاندارد	فرضیه ها
فرضیات اصلی			
تایید	۶,۳۴	۰,۲۶	خطمشی سازمان بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
تایید	۱۰,۲۱	۰,۴۶	حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
فرضیات فرعی			
تایید	۳۷	۰,۸۳	هوشمندی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
تایید	۵۵	۰,۸۷	تعیین اهداف بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
تایید	۴۱	۰,۸۲	تدوین زیر ساخت ها بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
تایید	۲۸	۰,۷۶	حمایت از نوآوری بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
تایید	۴۷	۰,۸۳	حمایت شغلی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
تایید	۳۴	۰,۸۰	حمایت معنوی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.

۱. در فرضیه اصلی شماره ۱ پژوهش ادعا شده بود که خطمشی سازمان بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲): عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.

۲. در فرضیه اصلی شماره ۲ پژوهش ادعا شده بود که حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.
۳. در فرضیه فرعی شماره ۱ پژوهش ادعا شده بود که هوشمندی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.
۴. در فرضیه فرعی شماره ۲ پژوهش ادعا شده بود که تعیین اهداف بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.
۵. در فرضیه فرعی شماره ۳ پژوهش ادعا شده بود که تدوین زیر ساخت ها بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.
۶. در فرضیه فرعی شماره ۴ پژوهش ادعا شده بود که حمایت از نوآوری بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.
۷. در فرضیه فرعی شماره ۵ پژوهش ادعا شده بود که حمایت شغلی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.
۸. در فرضیه فرعی شماره ۶ پژوهش ادعا شده بود که حمایت معنوی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

در شرایط پر رقابت کنونی سازمان ها به دنبال داشتن عملکردی بهتر بوده تا بتوانند به مشتریان محصولات و خدمات بهتری عرضه نموده و آنان را حفظ نمایند و مشتریان بیشتری جذب کنند. از این رو داشتن عملکرد بهتر برای آنان بسیار مهم است. سیاست های سازی و مدیرانی که در این سیاست گذاری ها و اتخاذ تصمیمات در جهت تحقق اهداف نقش دارند، تضمین کننده عملکرد سازمان هستند. مدیران ارشد سازمان با حمایت از تصمیمات اتخاذ شده و برنامه ریزی های صورت گرفته، به رشد سازمان کمک می کند. از این رو نقش بسزایی می توانند در این زمینه داشته باشند. لذا ما در این پژوهش نقش خطمشی سازمان و حمایت مدیریت ارشد را بر عملکرد سازمان بررسی نمودیم و به نتایج زیر رسیدیم؛

- خطمشی سازمان بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- هوشمندی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- تعیین اهداف بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- تدوین زیر ساخت ها بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- حمایت از نوآوری بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- حمایت شغلی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.
- حمایت معنوی بر عملکرد سازمان تأثیر گذار است.

در ادامه پیشنهادهایی برای بهبود پژوهش به شرح زیر ارائه شدند؛

- ایجاد محیط داخلی مطلوب برای کارکنان از سوی مدیران سازمان می‌تواند به رضایت شغلی هرچه بیشتر کارکنان منجر شده و عملکرد سازمان را بهبود بخشد.
- ادراک عمیق ارزش های سازمان می‌تواند به اتخاذ تصمیمات بهتر در سازمان و عملکرد هرچه بهتر سازمان منجر گردد.
- اتخاذ تصمیمات استراتژیک و آگاهانه از سوی مدیران سازمان می‌تواند عملکرد بهتری را برای سازمان فراهم نماید.
- تعیین درست و به موقع اهداف در سازمان می‌تواند به حرکت هرچه بهتر سازمان در مسیر رسالت سازمانی و عملکرد هرچه بهتر سازمان منجر گردد.
- تعیین زیر ساخت های مناسب از سوی مدیران می‌تواند به بهبود عملکرد کارکنان و در نتیجه بهبود عملکرد سازمان منتج گردد.
- حمایت مدیران از نوآوری و روش های نوآورانه به داشتن عملکرد هرچه بهتر برای سازمان منتهی می گردد.
- حمایت شغلی مدیران می‌تواند رضایت شغلی کارکنان را افزایش داده و عملکرد بهتری را برای کارکنان و سازمان رقم بزند.

منابع

۱. الوانی، مهدی و شریف زاده، فتاح. (۱۳۸۷). فرایند خطمشی گذاری عمومی. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
۲. بشارتی، رضا؛ رئیس، پوران، نصیری پور، امیر اشکان و طیبی، جمال الدین. (۱۳۹۵). تأیید عوامل سیاست گذاری و مدیریت اهداف بر فرایند برنامه ریزی عملیاتی در بیمارستان های دولتی ایران. مجله طب انتظامی. دوره ۵. شماره ۱. صص ۶۸-۵۵
۳. حقیقی نسب، منیژه؛ یزدانی، حمیدرضا و داورپناه کیاسرای، فاطمه. (۱۳۹۵). تأثیر حمایت مدیریت ارشد در اقدامات زیست محیطی بر استراتژی های بازاریابی سبز و عملکرد زیست محیطی کسب و کارهای صنعتی در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین. سال ششم. شماره اول صص ۳۸-۲۳
۴. حیدری، زهرا؛ رحیمی اقدم، صمد و حسینی، سیدصمد. (۱۴۰۰). تأثیر حمایت مدیران ارشد بر کارآفرینی سازمانی با نقش میانجی تعهد عاطفی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز. توسعه کارآفرینی. دوره ۱۴. شماره ۱. صص ۶۰-۴۰
۵. دانایی فرد، ج. و ثقفی، ع. و مشبکی اصفهانی، ا. (۱۳۸۹). اجرای خطمشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خطمشی. پژوهش های مدیریت در ایران، ۱۴ (پیاپی ۶۹)، ۷۹-۱۰۶.
۶. رضائیان، علی. (۱۳۸۷). مبانی سازمان و مدیریت. انتشارات سمت
۷. روح الهی، احمدعی و رجبی فرجاد، حاجیه. (۱۳۹۴). بررسی آثار خطمشی های مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمانی. فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی. سال ۷. شماره ۳. صص ۱۳۰-۱۰۵
۸. فردآر، دیوید، (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک. ترجمه؛ دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی.
۹. گل پرور، محسن و نادری، محمدعلی. (۱۳۸۹). رابطه حمایت مدیریت از رفتارهای اخلاقی با رضایت شغلی معلمان. مجله روانشناسی ۵۴. سال ۱۴. شماره ۲. صص ۱۶۰-۱۴۲
۱۰. یزدی زاده، علی؛ نامداری، مهدی و افغانپور، مژگان. (۱۳۹۷). تأثیر حمایت مدیریت ارشد بر عملکرد شعب بانک ملی شهر تهران با نقش میانجی مهارت های فناوری و ظرفیت جذب. فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی. سال نهم. شماره دوم. صص ۱۷۵-۱۵۷
11. Camisón, C., & Villar-López, A. (2014). Organizational Innovation as an Enabler of Technological Innovation Capabilities and Firm Performance. Journal of Business Research, 67(1), 2891-2902.
12. Garcia-Morales, V. J., Ruiz-Moreno, A., & Llorens-Montes, F. J. (2014). Effects of technology absorptive capacity and technology proactivity on organizational learning, innovation and performance: an empirical examination. Technology Analysis & Strategic Management, 19(4), 527-558
13. Miao, Q., Eva, N., Newman A., & Cooper, B. (2019). CEO Entrepreneurial Leadership and Performance Outcomes of Top Management Teams in Entrepreneurial Ventures: The Mediating Effects of Psychological Safety. Journal of Small Business Management, 57(3), 1119-1135.
14. Mithas, S., Ramasubbu, N., & Sambamurthy, V. (2011). How Information Management Capability Influences Firm Performance. MIS quarterly, 35(1), 237-256.

تحلیل مضمون مثنوی معنوی بر اساس تمثیل‌ها و بیانات استعاری در درمان‌های موج سوم رفتاری؛ درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد ACT

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

کد مقاله: ۲۶۷۳۰

فائزه سوری^{۱*}، محمد اسماعیل ابراهیمی^۲، مرتضی رزاق پور^۳

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر به منظور استخراج تمثیل‌ها و بیانات استعاری مرتبط با درمان‌های موج سوم رفتاری و به صورت اختصاصی اکت از آثار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ارائه شده است.

روش: پژوهش حاضر کیفی و از نوع تحلیل مضمون به شیوه ریشه‌یابی مفاهیم در متن با استفاده از دستورالعمل بران و کلارک (۲۰۰۶) می‌باشد، طی این تحلیل، متخصصین طی مصاحبه، مضمون‌های مکنون موجود در آثار مولانا را با مضمون‌های مشهود موجود در پذیرش و تعهد درمانی را شناسایی کردند. جامعه مورد پژوهش شرح جامع شش دفتر مثنوی معنوی زمانی (۱۳۷۳) می‌باشد. ابزار پژوهش فیش‌برداری و مصاحبه می‌باشد. جامعه آماری، حکایات و تمثیل‌های دفترهای اول تا ششم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی می‌باشد. حکایات و تمثیل‌های مرتبط فهرست‌بندی شده است.

یافته‌ها: برای تعیین روایی و پایایی، پژوهشگر بعد از تعیین مضمون و طبقه‌بندی حکایات آن‌ها را به روئیت شش نفر از اساتید و صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی و ادبیات رسانید. هدف کلی از این پژوهش یافتن مضمون‌های مکنون در شش دفتر مثنوی معنوی و ارتباط آن با مؤلفه‌های درمانی، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد می‌باشد.

نتیجه‌گیری: تحلیل نتایج نشان داد در مضامین این دفترها نیز اشاره به درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد شده است.

واژگان کلیدی: اکت، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، استعاره، تمثیل، تحلیل مضمون.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)
mse_2007@yahoo.com

۲. دکتری تخصصی روانشناسی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

۳. دکتری تخصصی ادبیات فارسی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران.

درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد^۱ (ACT) از جمله درمان‌های مبتنی بر ذهن آگاهی^۲ و پذیرش می‌باشد که به‌عنوان درمان‌های موج سوم رفتاری شناخته شده است. این روش توسط هیز^۳ و همکاران از ابتدای دهه (۱۹۸۰) معرفی شد که ریش در نظریه فلسفی عمیقی به نام (زمینه گرایی عملکردی)^۴ دارد. از لحاظ نظری، این درمان براساس نظریه چهارچوب رابطه‌های ذهنی استوار است که بر زبان و شناخت تأکید دارد. درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد اساساً درمانی زمینه گراست و می‌کوشد به جای تغییر محتوای بالینی رفتار، زمینه اجتماعی کلامی آن را تغییر دهد (هایس و همکاران، ۲۰۱۱).

درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد از استعاره، تمرینات تجربه ای و تناقض منطقی برای رها شدن از محتوای لفظی زبان و برقراری ارتباط بیشتر با جریان مداوم تجربه در زمان حال استفاده می‌کند. در این درمان به جای تغییر شناخت‌ها و چالش با آن‌ها، سعی می‌شود تا ارتباط روان‌شناختی فرد با افکار و احساساتش افزایش یابد (هایس و همکاران، ۲۰۱۱). هدف اصلی درمان ایجاد انعطاف پذیری روان‌شناختی^۵ است. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی عبارت است از توانایی ارتباط برقرار کردن با زمان حال به طور کامل و به‌عنوان یک انسان هشیار و آگاه و تغییر یا تداوم رفتار در جهت اهداف ارزشمند فرد (آرچ و سراک^۶، ۲۰۰۸). انعطاف پذیری روان‌شناختی در درمان مبتنی بر تعهد و پذیرش از طریق شش فرایند اصلی و زیر بنایی ایجاد می‌شود که عبارت اند از گسلش^۷، پذیرش^۸، تماس با لحظه^۹، مشاهده خود^{۱۰}، ارزش‌ها^{۱۱}، و عمل متعهدانه^{۱۲} (هایس و همکاران، ۲۰۱۱).

مثنوی معنوی اثر ارزشمند مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی، از شاهکارهای ادب پارسی و حتی ادبیات جهان، در بردارنده معانی بلند، اندیشه‌های ژرف و مضامین مختلف است. در عصر حاضر مثنوی مرجعی است که راه را از بیراه و خوب را از بد می‌شناساند و در هنگام ضرورت، راه‌هایی برای نجات انسان‌ها می‌تواند ارائه دهد. هدف علم روانشناسی مطالعه رفتار آدمی برای جلوگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی و درمان افراد مبتلا به بیماری‌های روانی است. یکی از ویژگی‌های مهم نظریه‌های روان‌شناسی کاربردی بودن اصول و مفاهیم مطرح در آن‌ها است. مضامین مثنوی در همه زمان‌ها و برای همه انسان‌ها کاربردی است. از آنچه بیان شد می‌توان دریافت که علم روان‌شناسی و مثنوی مولانا حداقل در بعضی سطوح هدف مشترکی دارد و شناخت چنین هدفی در پرتو بررسی دقیق این کتاب ارزشمند است (متقی نیا و همکاران، ۱۳۹۶).

روان‌درمانی‌های موج سوم با خیز گرفتن درمان‌های رفتارگرایی مبتنی بر اصول شرطی سازی عاملی و کنشگر آغاز شد که می‌توان این پدیده را واکنشی به رویکردهای روان‌تحلیلی در دهه ۱۹۵۰ تلقی کرد. از روش‌های رفتارگرایی می‌توان به مهارت آموزی، حساسیت زدایی منظم و روش‌های مبتنی بر مواجهه و پیشگیری اشاره کرد که در درمان اختلالات کودکان و بزرگسالان مؤثر بودند. برای مثال فنون شرطی سازی عاملی برای درمان کودکان مبتلا به اختلالات شدید زبانی مؤثر بوده است و مشابه تکنیک‌های شرطی سازی پاسخگر مانند مواجهه، در درمان افراد مبتلا به مشکلات اضطرابی مؤثر بوده است (سهرابی، ۱۳۹۴). و خیز دوم علیه افراطی گرای دیدگاه رفتارگرایی کلاسیک و در واکنش به نادیده گرفتن بعد شناختی اختلالات در دهه ۱۹۷۰ توسط آبرون تی بک^{۱۳} ابتدا برای درمان افسردگی و بعدها برای اختلالات اضطرابی و خوردن روی کارآمد که بر نقش فرایندهای شناختی در پدیدآیی، بقا و درمان اختلالات روانشناختی تأکید می‌کرد از رویکردهای برجسته خیز دوم می‌توان به شناخت درمانی بک و درمان عقلانی - عاطفی الیس^{۱۴} اشاره کرد که هر دو روش بر شناسایی و اصلاح شناخت‌های تحریف شده و غیر منطقی و غیر عقلانی تأکید دارد. در پایان دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ رویکردهای مربوط به خیز اول و خیز دوم با هم ادغام شده و مجموعه‌ای از درمان‌ها را تحت عنوان درمان‌های شناختی - رفتاری ایجاد کردند (سهرابی، ۱۳۹۴).

موج سوم نیز، تلفیقی از سنت‌های معنوی شرقی از جمله فنون مراقبه تفکر نظاره‌ای با رفتار درمانی شناختی سنتی است که (هایس و همکاران، ۲۰۱۱) از این تلفیق به‌عنوان موج سوم رفتار درمانی یاد می‌کنند که در اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع شد و روی آگاهی نسبت به لحظه حال و پذیرش آن تأکید می‌کرد (آقا علی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۱). مقایسه‌های بین منطقه‌ای نشان می‌دهند که تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ایده‌های سیاسی، حتی با وجود شباهت‌های زبانی و فرهنگی، می‌توانند موجب نیاز به دریافت خدمات روانشناختی متفاوت در هر منطقه شوند (دینگ^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۵). لذا گستره ادبی و ارتباط‌های فرهنگی هر منطقه، می‌توانند منابع شفابخشی باشند که مشاوران برای بهزیستی روانشناختی افراد بومی استفاده کنند (کانستانتینگ^{۱۷} و

1. acceptance and commitment therapy
2. mindfulness
3. Hayes
4. functional context
5. psychological flexibility
6. Arch, Craske
7. defusion
8. acceptance
9. with the present moment contact
10. observing self
11. values
12. committed action
13. Aaron Temkin Beck
14. Albert Ellis
15. AqaAli
16. Ding
17. Constantine

همکاران، ۲۰۰۵). با نگاهی به کتب و متون کهن فارسی از قبیل سندبادنامه، مرزبان نامه، کلیله و دمنه، مثنوی معنوی، گلستان سعدی در می‌یابیم که افسانه‌ها، داستان‌ها، اساطیر و تمثیل‌های فارسی همچون پارچه ظریف اصیلی هستند که به دقت تمام برای مقاصد خاص آموزشی-تربیتی، طراحی شده‌اند (صاحبی، ۱۳۹۳).

استعاره‌ها ممکن است نقش مهمی در تسهیل فرایندهای تغییر در مشاوره و روان درمانی داشته باشند و نتایج همچنین نشان می‌دهد که استفاده از استعاره در درمان، روش خلاق است که با استفاده از قدرت تصویر سازی‌اش، مراجع آسان تر به بینش و بصیرت می‌رسد. مولانا همواره با بیانی ادیبانه، خواننده را به عالم واقع دعوت می‌کند و دریچه‌ای از واقعیت را در چشم او می‌گشاید. تمثیل و استعاره با ظرافت خاص خود از طریق تصویر سازی عینی مفاهیم پیچیده، به شنونده یا خواننده می‌آموزد که هر چیزی واجد یک ساخت است و در درون هر ساختی، همواره تغییر امکان‌پذیر است و اینکه همواره بیش از یک منظر یا چشم انداز وجود دارد (جنتنر^۱، ۱۹۸۹).

در زبان انگلیسی، متافور به استعاره، قصه‌های کوتاه و حکایت‌ها نیز اطلاق می‌شود. در زبان فارسی، استعاره با تمثیل متفاوت است، اگر چه خویشاوندی نزدیکی بین آن‌ها وجود دارد. در واقع تمثیل‌ها، داستان‌های آموزشی‌اند که به صورت غیر مستقیم، اما بسیار با قدرت، به مثابه یک خودرو یا وسیله حمل و نقل، معانی متفاوتی را برای بازسازی تجارب فرد و ارائه نگاهی نو از چشم اندازی غیر منتظره یا غیرعادی ارائه می‌کنند. تمثیل و استعاره، نوعی خیال‌پردازی شاعرانه یا لفظی تزئیناتی یا ادبی نیست، بلکه وسیله‌ای قدرتمند برای شکل‌دهی به ادراک و تجربه انسان شنونده است. هر تمثیل و استعاره واجد قدرت خاص خود است و می‌توان از آن به منزله یک ابزار ضروری برای انتقال مفاهیم استفاده کرد. درواقع تمثیل‌ها و استعاره‌ها، مدل‌ها یا الگوهایی هستند که شکاف بین تجربه (من) به‌عنوان یک فرد آدمی و نظریه‌ای را که می‌توانم برای تبیین و توضیح تجربه‌ام خلق کنم، پر می‌کنند (مرتضایی، ۱۳۹۰).

تمثیل‌ها خاصیت چالشگری فکری-ذهنی و آموزش و تفویض تجربه‌های اجتماعی را به همراه دارند. در واقع آن‌ها به گونه فرا زمانی-فضایی عمل می‌کنند. تمثیل، گذشته را به حال ربط می‌دهد و آنگاه هر دو زمان گذشته و حال را به آینده فرا می‌افکند. در واقع تمثیل با ایجاد رابطه بین زمان‌ها و بافتارهای مختلف (موقعیت و شرایط)، بین افکار و مفاهیم و بین رفتارها و ارزش‌ها، شنونده را قادر می‌سازد تا فکر و عملش را بازنگری و پیش‌بینی کند (بورنس^۲، ۱۹۹۹).

۲- روش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر کیفی و از نوع تحلیل مضمون به شیوه ریشه‌یابی مفاهیم در متن با استفاده از دستورالعمل براون و کلارک (۲۰۰۶) می‌باشد، طی این تحلیل، متخصصین طی مصاحبه به عمل آمده میزان مطابقت مضمون‌های مکنون مولانا را با مضمون‌های مکنون مؤلفه‌های ACT ثبت کردند.

آزمودنی: جامعه در این پژوهش عبارتند از: شش دفتر شرح جامع مثنوی معنوی، پایگاه‌ها، سایت‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در آغاز با مطالعه و رجوع به کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، آیت‌های مورد نیاز تعیین، فیش برداری، دسته‌بندی و تنظیم گردید. سپس به ترتیب به دفترهای اول تا ششم شرح جامع مثنوی معنوی نوشته زمانی مراجعه شد و با بررسی حکایت‌ها، تمثیل‌ها و ادبیات مولانا، مباحث مرتبط با پایان‌نامه فیش‌برداری، دسته‌بندی، تنظیم و تدوین گردید. و تمثیل‌های و حکایت‌هایی که در نظر پژوهشگر مرتبط بودند جمع‌آوری و طی انجام مصاحبه به رویت شش نفر از اساتید روان‌شناسی و ادبیات پاریسی رسیدو در نهایت نتایج مصاحبه به روش تحلیل مضمون (به شیوه ریشه‌یابی براون و کلارک) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش اعتبار سنجی داده‌های کیفی استفاده شده است، بر این اساس فرایند تحلیل داده‌ها، تحلیل کیفی واحد تحلیل مضمون می‌باشد. در ابتدا شش دفتر مثنوی معنوی نوشته کریم زمانی کامل مورد مطالعه قرار گرفت سپس حکایات و تمثیل‌ها و ادبیات مرتبط با مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و عدم انعطاف‌پذیری شناختی در درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد فیش‌برداری شد و پس از دسته‌بندی، نتایج به استاد راهنما و استاد مشاور ارائه گردید و پس از اظهار نظر و رفع نقص توسط اساتید، به صورت پرسشنامه تنظیم شد و جهت سنجش نهایی در خصوص میزان انطباق حکایات با مؤلفه‌های درمانی ACT، به شش نفر از متخصصین که سه نفر از اساتید روان‌شناسی و سه نفر از اساتید ادبیات پاریسی بودند، ارائه گردید متخصصین طی مصاحبه مضمون‌های مکنون موجود در آثار مولانا را با مضمون‌های مشهود موجود در درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد که توسط پژوهشگر استخراج شده بودند مورد بررسی قرار دادند و پس از ثبت نظرات خود با گزینه‌های (کاملاً متناسب، تا حدودی متناسب و نامتناسب) پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار: فرایند گام به گام روش تحلیل مضمون: روش‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آن‌ها، فرایندهای خاصی را دنبال می‌کند. در این بخش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله، شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود. همان طور که در جدول آمده است فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم نمود: (براون و کلارک، ۲۰۰۶) الف- تجزیه و توصیف متن، ب- تشریح و تفسیر متن، ج- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. در حالی که همه

1. Gentner
2. Burns

این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید فرایند تحلیل مضمون، زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد؛ البته ممکن است این کار در طول جمع‌آوری داده‌ها اتفاق بیفتد. نقطه پایان این فرایند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است. همچنین، تحلیل، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله اجرا شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶). نوشتن نیز بخشی اساسی از این فرایند است که از همان گام اول شروع می‌شود و تا گام نهایی، تداوم می‌یابد. نکته مهم دیگر این است که تحلیلهای کیفی، از مجموعه‌هایی از خطوط راهنما استفاده می‌کنند و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص؛ این امر باعث انعطاف‌پذیری آن‌ها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های تحقیق می‌شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

از این رو، هر پژوهشگری با توجه به ماهیت و سؤالات تحقیق خود و با توجه به تصمیمات و ابزارهایی که به کار می‌برد می‌تواند از روش خاص خودش استفاده کند. همچنین، این فرایند، فرایندی خطی نیست زیرا تحلیل مضمون، مستلزم فرایندی رفت و برگشتی در کل مجموعه داده‌هاست. فرایند گام به گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین: ۱- تجزیه و توصیف متن، ۲- آشنا شدن با متن، ۳- مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم)، ۴- مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها، ۵- نوشتن ایده‌های اولیه، ۶- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، ۷- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین، ۸- تفکیک متن به بخش‌های کوچکتر، ۹- کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها، ۱۰- جست‌وجو و شناخت مضامین، ۱۱- تطبیق دادن کدها با قالب مضامین، ۱۲- استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن، ۱۳- پالایش و بازبینی مضامین، ۱۴- تشریح و تفسیر متن، ۱۵- ترسیم شبکه مضامین، ۱۶- بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج، ۱۷- مرتب کردن مضامین، ۱۸- انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، ۱۹- ترسیم نقشه(های) مضامین، ۲۰- اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین، ۲۱- تحلیل شبکه مضامین، ۲۲- تعریف و نامگذاری مضامین، ۲۳- توصیف و توضیح شبکه مضامین، ۲۴- ترکیب و ادغام، ۲۵- تدوین گزارش متن، ۲۶- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن، ۲۷- استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها، ۲۸- مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری، ۲۹- نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

معیارهای ارزیابی تحلیل مضمون، این معیار بر اساس معیار براون و کلارک (۲۰۰۶) بود. شناسایی مضمون‌ها در متن: متن زیر پس از بررسی متون مربوطه و مصاحبه با متخصصین روان‌شناسی و اتفاق نظر آن‌ها تهیه شده است. پذیرش و تعهد درمانی دارای دو شش ضلعی انعطاف‌پذیری و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی می‌باشد. اضلاع شش ضلعی انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی شامل مواردی است که در ادامه توضیح داده می‌شود. خود مفهوم سازی شده (مضمون شماره ۱) یعنی هر فردی از خود برداشتی دارد. اگر فرد عمیقاً به برداشت خود از خودش در یک موقعیت خاص چسبیده باشد و در موقعیت‌های دیگر نتواند برداشت‌های مناسبی برای آن موقعیت از خود داشته باشد، بدین معنی است که به یکی از روایت‌های زندگی خود دلبسته شده است و ممکن است باعث شود در موقعیت‌های دیگر که نمی‌تواند انعطاف‌پذیری مناسب آن را پیدا کند، دچار مشکلاتی شود. آمیختگی (مضمون شماره ۲) یعنی حالت چسبندگی به خود اما این بار به چسبیدن به برداشت از دنیا و دیگران تبدیل می‌شود و مانع از تعامل درست با دیگران و واقعیت‌های جهان بیرونی می‌شود. در اجتناب تجربه‌ای (مضمون شماره ۳) شخص بر این باور است که برخی از احساسات و افکار همچون خشم و ناامیدی و غم و اضطراب و... احساسات ناخوشایندی هستند و به هر قیمتی باید از آن‌ها اجتناب نماید یا بگریزد که معمولاً این امر با شدت یافتن مشکل فرد همراه است. تسلط گذشته و آینده (مضمون شماره ۴) به این معنی است که فرد نشخوار می‌کند چرا در گذشته چنین شد، ای کاش چنین می‌شد یا چنین بشود و... اگر چنین یا چنان نشود چه و... دور شدن از ارزش‌ها (مضمون شماره ۵) یعنی فرد ارزش‌هایی برای خودش انتخاب کرده بوده اما بر اثر آمیختگی، اجتناب تجربه‌ای و یا تسلط گذشته و آینده از آن ارزش‌ها دور شده است. اقدام نامؤثر (مضمون شماره ۶) یا اقدام‌های تکانشی، اعتیادی، و انفعالی بدین معنی است که بر اثر دوری از ارزش‌ها و تحت تسلط اضلاع دیگر شش ضلعی فوق‌الذکر، فرد رفتارهای نامؤثری چون انفعال و تکانشگری و اعتیاد بروز می‌دهد. در شش ضلعی انعطاف‌پذیری، تماس با لحظه حال (مضمون شماره ۷) اولین مؤلفه این درمان می‌باشد که به معنی ارتباطی کامل و همه‌جانبه داشتن با لحظه اکنون، به جای بودن در گذشته و آینده می‌باشد. مؤلفه بعدی، پذیرش (مضمون شماره ۸) می‌باشد که به معنی پذیرا بودن هر چیزی که در کنترل ما نیست می‌باشد. همچنین پذیرش به معنی تمایل به تجربه رویدادهای دردناکی که در مسیر ارزش‌های ما هستند، به جای جنگیدن با آن‌ها می‌باشد. مؤلفه سوم این درمان، گسلش (مضمون شماره ۹) می‌باشد که طی این مؤلفه، افراد یاد می‌گیرند افکار و احساس‌های خود را به‌عنوان موجودیتی مجزا از خود تصور کنند و به جای آمیخته شدن با آن‌ها، فقط از حضور آن‌ها آگاه باشند. چهارمین مؤلفه این درمان، خود را به‌عنوان ناظر دیدن (مضمون شماره ۱۰) می‌باشد که طی این فرایند افراد یاد می‌گیرند به جای درگیر شدن با افکار و احساس‌هایشان، آن‌ها را بدون قضاوت مشاهده کنند. مؤلفه دیگر این درمان، ارزش‌ها (مضمون شماره ۱۱) می‌باشد. ارزش‌ها به معنی ندای قلب انسان‌ها برای چطور رفتار کردنشان در زندگی می‌باشد. آخرین مؤلفه از پذیرش و تعهد درمانی، اقدام متعهدانه (مضمون شماره ۱۲) می‌باشد که به معنی متعهد بودن به انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که می‌تواند کیفیت زندگی افراد را بالا ببرد.

جدول ۱) دسته‌بندی مضامین مربوط به پذیرش و تعهد درمانی

کد	مضمون استخراج شده	کد	مضمون استخراج شده
۱	خود مفهوم‌سازی شده	۷	تماس با لحظه حال
۲	آمیختگی	۸	پذیرش
۳	اجتناب تجربه‌ای	۹	گسلش
۴	تسلط گذشته و آینده	۱۰	خود به عنوان ناظر
۵	دور شدن از ارزش‌ها	۱۱	ارزش‌ها
۶	اقدام نامؤثر	۱۲	اقدام متعهدانه

مضامین مکتون شناسایی شده در جدول ۱ پس از مصاحبه با متخصصین ادبیات پارسی شناسایی و مورد اتفاق نظر متخصصین روان شناسی قرار گرفت.

جدول ۲) خلاصه مضامین مکتون موجود در آثار مولانا مرتبط با مضمون‌های مشهود پذیرش و تعهد درمانی

کد	مضمون مشهود	کد	مضمون‌های مکتون موجود در آثار مولانا	نظر متخصصین روان شناسی		
				متخصص اول	متخصص دوم	متخصص سوم
۱	خود مفهوم سازی شده	۱۳	در حکایت نحوی و کشتی‌بان بیان شده است که نحوی با غرور به کشتی‌بان می‌گوید اگر علم نحو نمی‌دانی، نصف عمرت بر فنا رفته است. پس از مدتی کشتی در طوفان گرفتار می‌شود و نحوی شنا بلد نبود. این حکایت به این موضوع اشاره دارد که نحوی سفت و محکم به این روایت از خودش که من نحوی هستم چسبیده است و فراموش کرده است که در دریا باید روایت‌های دیگری از خود داشته باشد.	کاملاً متناسب	تأحدی متناسب	تا حدی متناسب
		۱۴	نقل شده است که روزی دانش‌آموزان که از دست استاد خسته شده بودند، به او گفتند که مریض احوال و رنگ و رو پریده به نظر می‌رسد. سایر دانش‌آموزان نیز همین امر را به استاد گفتند تا جایی که استاد با این باور آمیخته شد و با حالی زار و خسته به خانه رفت و احساس سنگینی در سر داشت. در این داستان استاد آنقدر به روایت خود از مدرس بودن دلبسته شده بود تا جایی که شاگردان را آزرده خاطر کرده بود و فرصت‌های دیگری برای زندگی به آن‌ها نمی‌داد.	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
۲	آمیختگی	۱۵	در داستان طوطی و بقال بیان شده است که بقال به دلیل شکسته شدن ظرف روغن بر سر طوطی می‌زند و طوطی کچل می‌شود. پس از مدتی طوطی فرد کچلی را می‌بیند و ناگاه از او می‌پرسد تو چرا کچل شده‌ای، مگر توام ظرف روغن شکسته‌ای؟ طوطی چنان با این باور خود آمیخته شده بود که هر آنچه را می‌دید، تصور می‌کرد او هم به مانند خودش می‌باشد.	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	تا حدی متناسب
		۱۶	مگسی روی برگ کاه و پیشاب خر مانند یک کشتی بان سر بلند می‌کرد. او می‌گفت من قبلاً درباره کشتی و دریا خوانده ام و بی شک این همان کشتی و دریاست و من هم کشتی بانی ماهر هستم.	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
		۱۷	نقل شده است که روزی دانش‌آموزان که از دست استاد خسته شده بودند، به او گفتند که مریض احوال و رنگ و رو پریده به نظر می‌رسد. سایر دانش‌آموزان نیز همین امر را به استاد گفتند تا جایی که استاد با این باور آمیخته شد و با حالی زار و خسته به خانه رفت و احساس سنگینی در سر داشت.	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
		۱۸	در حکایت نحوی و کشتی بان بیان شده است که نحوی با غرور به کشتی‌بان می‌گوید اگر علم نحو نمی‌دانی، نصف عمرت بر فنا رفته است. پس از مدتی کشتی در طوفان گرفتار می‌شود و نحوی شنا بلد نبود. این حکایت به این موضوع اشاره دارد که نحوی با باور خود که علم نحو تنها علم مورد نیاز اوست آمیخته شده بود.	کاملاً متناسب	تأحدی متناسب	تا حدی متناسب
۳	اجتناب		مضمونی مورد اتفاق متخصصین یافت نشد.			

کد	مضمون مشهود	کد	مضمون‌های مکتون موجود در آثار مولانا			نظر متخصصین روان‌شناسی		
						متخصص اول	متخصص دوم	متخصص سوم
	تجربه ای							
۴	تسلط گذشته و آینده	۱۹	در حکایت ماهی و صیاد، یکی از ماهی‌ها فرصت را از دست داده بود و افسوس این موضوع را می‌خورد که چرا من چنین کردم و نشخوار رویدادهای گذشته بر او تسلط پیدا کرده بود.			کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
		۲۰	نقل شده است که گاوی در جزیره‌ای تنها بود و صبح‌ها به چرا می‌پرداخت و فربه می‌شد و شب از این نگران می‌شد که همه صحرا را خوردم و فردا چه کنم و از غصه لاغر می‌شد. سال‌ها او چنین بزیست و هر شب از بیم فردا لاغر گشت.			کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
۵	دور شدن از ارزش‌ها		مضمونی مورد اتفاق متخصصین یافت نشد.					
۶	اقدام نامؤثر	۲۱	در حکایت نصیحت دانا به منع از خوردن بچه پیل بیان شده است که دانا عده‌ای گرسنه را پند داد که از خوردن بچه فیل-هایی که در مسیر خود می‌بینید پرهیز کنید، چرا که مادر آن‌ها انتقام سختی از شما خواهد گرفت. با این حال، گرسنگان همین که در مسیر خود با بچه پیلی فربه روبرو شدند، آن را گرفتند و کباب کردند و مادر آن همه آن‌ها را قطعه قطعه کرد.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	کاملاً متناسب
۷	تماس با لحظه حال	۲۲	در داستان مرد تشنه و انداختن کلوخ در آب، مرد تشنه از روی دیوار درون آب کلوخ پرتاب می‌کرد و به طنین افتادن کلوخ در آب توجه می‌نمود.			کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
۸	پذیرش	۲۳	در حکایت ماهی و صیادان، یکی از ماهی‌ها برای رسیدن به تمایل‌های خود عزم سفر کرد و با وجود سختی‌های مسیر، پذیرای همه آن‌ها بود و به حرکت خود ادامه داد.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
		۲۴	در حکایت حکیم و طاووس، طاووس برای رسیدن به تمایل خود که همان حفظ جان‌ش می‌باشد، پره‌های خود را کند و پذیرای ظاهر جدید خود شد تا بتواند در مسیر زندگی به حیات ادامه دهد و شکار و شکارچی‌ان نشود.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
		۲۵	در حکایت فکر مانند مهمان است، مولانا می‌گوید افکار را مانند مهمانی در نظر بگیر که هر روز به مهمانی تو خواهند آمد.			کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
۹	گسلش	۲۶	در حکایت فکر مانند مهمان است، از فرد خواسته می‌شود تا افکارش را مانند شخصیتی مجزا در نظر بگیرند.			کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
۱۰	خود به‌عنوان ناظر	۲۷	در قصه هدهد و سلیمان، هدهد بیان داشت که اگر بر اوج آسمان پرواز کنم و از آنجا نظاره‌گر باشم، می‌توانم سرچشمه را پیدا کنم.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
۱۱	ارزش‌ها	۲۸	در روایت مربوط به جنگیدن علی (ع) چنین آمده است که حضرت شمشیر خود را می‌اندازد و بیان می‌کند من برای رضای حق شمشیر می‌زنم و بنده حق هستم.			کاملاً متناسب	کاملاً متناسب	کاملاً متناسب
		۲۹	حکایت لقمان و خواجه به این موضوع اشاره می‌کند که لقمان به دلیل اینکه نعمت‌های زیادی از دست خواجه گرفته بود، می‌خواست ارزش نمک‌شناسی خود را دنبال کند و زمانی که خربزه‌ای تلخ به او داده شد، بدون آنکه اعتراضی به خواجه کند به خوردن آن پرداخت.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
		۳۰	در داستان پادشاه و ایاز بیان شده است که پادشاه سنگ گران بهایی را به وزیران و امیران می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد آن را بشکنند. همه از فرمان شاه سر باز می‌زنند و می‌گویند حیف است چنین سنگ گران بهایی خرد شود. نوبت که به ایاز می‌رسد، بی درنگ این کار را می‌کند و بیان می‌دارد اطلاعات از فرمان شاه، از هر سنگی گران بهاتر است.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
۱۲	اقدام متعهدانه	۳۱	در داستان کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در آب، او تکه تکه از کلوخ‌های دیوار جدا می‌کرد تا ارتفاع دیوار کوتاه شود و به آب زلال دست پیدا کند.			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب
		۳۲	در داستان پادشاه و ایاز بیان شده است که پادشاه سنگ گران-			کاملاً متناسب	تا حدی متناسب	تا حدی متناسب

کد	مضمون مشهود	کد	مضمون‌های مکنون موجود در آثار مولانا	نظر متخصصین روان شناسی		
				متخصص اول	متخصص دوم	متخصص سوم
			بهایی را به وزیران و امیران می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد آن را بشکنند. همه از فرمان شاه سر باز می‌زنند و می‌گویند حیف است چنین سنگ گرانمایی خرد شود. نوبت که به ایاز می‌رسد، بی‌درنگ این کار را می‌کند و بیان می‌دارد اطلاعات از فرمان شاه، از هر سنگی گران به‌تر است.	متناسب	متناسب	متناسب

۴- بحث

آیا مضامین مکنونی در آثار مولانا برای مضامین مشهود پذیرش و تعهد درمانی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت، همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، برای کد ۱، مضامینی در کدهای ۱۳ و ۱۴ وجود دارد. برای کد ۲، مضامینی در کدهای ۱۵، ۱۶، ۱۷، و ۱۸ وجود دارد. برای کد ۳ مضمونی که مورد اتفاق نظر متخصصین باشد یافت نشد. برای کد ۴، مضامینی در کدهای ۱۹ و ۲۰ یافت شد. برای کد ۵، مضمونی مورد اتفاق نظر متخصصین یافت نشد. برای کد ۶ مضمونی در کد ۲۱ وجود دارد. برای کد ۷، مضامینی در کدهای ۲۲ و ۲۳ وجود دارد. برای کد ۸، مضامینی در کدهای ۲۴ و ۲۵ یافت شد. برای کد ۹، مضمونی در کد ۲۶ یافت شد. برای کد ۱۰ مضمونی در کد ۲۷ وجود دارد. برای کد ۱۱، مضامینی در کدهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ وجود دارد. برای کد ۱۲، مضامینی در کدهای ۳۱ و ۳۲ یافت شد.

در دیدگاه مولانا، زبان از آنجا که آسیب و درمان را راه اندازی می‌کند علت فاعلی به شمار می‌آید و از آنرو که به اندیشه و شناخت آسیب‌زا و یا رهایی بخش ساخت می‌دهد، علت صوری محسوب می‌شود. زبان به دو صورت حقیقی و مجازی به کار می‌رود، زبان مجازی که نمونه بارز آن استعاره است با هیجانات و نیمکره راست مغز در ارتباط است (متقی نیا و همکاران، ۱۳۹۶). مولانا اهمیت ویژه‌ای برای زبان مجازی قائل است و از نظر او انسان در قالب استعاره و روایت، فهم و ادراک و تفسیر خویش از واقعیت را شکل می‌دهد. افراد در تحلیل و تفسیر گذشته، حال و آینده، از قالب روایت استفاده می‌کنند. داستان‌ها راهنمایی می‌کنند که افراد چگونه فکر، احساس و عمل کنند و تجارب جدید را بفهمند. آسیب در روایت‌های ناسالم افراد از زندگی رخ می‌دهد و درمان از طریق ساخت‌زدایی داستان‌های ناسالم و شکل‌گیری داستان‌های سازنده ممکن می‌شود.

مثنوی با کلمه "بشنو" آغاز می‌شود و مولانا کتاب خود را با روایت و داستان آغاز می‌کند و همواره در مثنوی مخاطب را به شنیدن داستان دعوت می‌کند تا از طریق داستان و تمثیل بر ذهنیت و رفتار مخاطب تأثیر بگذارد. استعاره‌ها و روایت‌هایی که مولانا در مثنوی به کار می‌گیرد به گونه‌ای است که ادراک و ذهنیت مخاطب را در جهت رهایی از عوامل آسیب‌زایی که او را گرفتار ساخته، تحت تأثیر قرار دهد. شیوه آموزشی تمثیلی و استفاده از آن در جلسات درمانی از طریق تولید و تشدید حافظه معنایی برای اطلاعات درمانی تبادل شده سبب حفظ اطلاعات در سیر فرسایشی زمان شده و از طریق دسترس پذیری اطلاعات درمانی، سبب عود کمتر خواهد شد. چرا که به‌عنوان نمونه در بیماران افسرده یکی از مشکلات، عدم به‌خاطر سپاری اطلاعات جلسه درمان وجود دارد و در پژوهش‌های حوزه علوم شناختی نیز لزوم کاربست ابزارهای زبانی ویژه مانند تمثیل برای تجسم مناسب‌تر از مفاهیم گزاره‌ای - انتزاعی، تأکید شده است (لاکوف^۱، ۱۹۸۹).

با الحاق تکنیک‌های تمثیلی - استعاره‌ای به محتوای روان درمانی می‌توان یک مفهوم سازی درمانی از طریق زبان نمادین (استعاره - تمثیل) نمای ادراکی روشن تری از عناصر درمان را برای بیماران طراحی کرد، زیرا برخی بیماران به لحاظ کلامی (تئوریک) موضوعاتی را که به صورت بیان گزاره‌ای از سوی درمانگر طرح می‌شود، در جلسه درمان می‌شنوند، اما نسبت به ادراک عمیق و یاد سپاری این مفاهیم اثر بخشی درمانی زیادی ندارند و از طریق زبان نمادین (استعاره - تمثیل) است که در فرایند اثر بخش‌تر در دریافت اطلاعات، ذخیره سازی، سازماندهی، بازیابی اطلاعات نقش دارند. و می‌توان اطلاعات ناهمطراز از دو طبقه زبان شناختی مختلف را از یک نظام ادراکی روان شناختی انتزاعی تر به نظام ادراکی روانشناختی غالباً عینی منتقل کرد، بنابراین می‌توان با واژگانی عینی به توصیف بهتر و روشن‌تر مفاهیم انتزاعی پرداخت (جهان دیده کوهی، ۱۳۹۲) موج سوم درمان‌های نوین، حرکتی عمیق در بردارد که انسان را به شعار زیبایی سازمان بهداشت جهانی با عنوان ((جهانی فکر کنید، محلی عمل کنید)) سوق می‌دهد. و مولانا نماینده فرهنگ عرفانی مشرق زمین است و تامل در کلام مولانا می‌تواند راههایی برای درمان‌های نوین رفتاری در اختیار انسان قرار دهد. غلبه بر گذشته و آینده از اینرو که انسان بپذیرد در کنترل گذشته و آینده خود نقشی ندارد، پذیرش زندگی در زمان حال و تلاش برای لذت بردن از زندگی و نیز گام نهادن در جهت یک زندگی پربار و غنی و محکم و استوار بودن در برابر عوامل بیرونی و درونی برای اینکه مطابق با ارزش‌ها زندگی و عمل کنیم از جمله پیام‌های اشعار، تمثیل‌ها و حکایت‌های مولانا در شش جلد مثنوی می‌باشد.

محدودیت پژوهش: ۱- هر چند پژوهشگران روانشناس حاضر سعی بر این داشتند تا جای ممکن با مثنوی مولانا و ادبیات ویژه وی آشنا شوند، ولی به هر حال این کتاب ارزشمند بحری بود و توان ما کوزه‌ای و فرصت هم چند روزه‌ای! بنابراین ادامه

مطالعات مولانا شناسی برای حصول بهتر نتایج دقیق لازم به نظر می‌رسد. ۲- اساتید حوزه ادبیات نیز تمام لطف و محبت خود را در هر چه دقیق تر ساختن این پژوهش به کار گرفته اند که جای قدردانی و سپاسگزاری فراوان دارد. اما به هر حال به طور طبیعی، روش‌های پژوهش روانشناختی برای این عزیزان نسبتاً تازگی داشته و نیاز به تعاملات بین رشته‌ای بیشتر احساس می‌شود. در راستای نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: به مدرسان حوزه نظریه‌های روان درمانی و سایر دروس و نیز به درمانگران حوزه‌های شناختی و رفتاری توصیه می‌شود که با توجه به نتایج پژوهش کنونی، از تمثیل‌های مثنوی معنوی در آموزش و درمان استفاده بیشتری نمایند.

تشکر و قدردانی

از همه افرادی که با سعه صدر در این پژوهش، پژوهشگران را یاری نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

۱. جهان‌دیده کوهی، سینا. (۱۳۹۲) ساختار و خلق تمثیل در مثنوی معنوی. Theol Art، (۱)، ۲۸-۱۰۵.
۲. متقی نیا، ویس کرمی، محمدزاده م. (۱۳۹۶). رویکردهای روان‌درمانی‌بخش مولانا در حکایت پادشاه و کنیزک مثنوی. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا). Available from، (۱)، ۵۸-۱۴۳.
۳. سهرابی. روان‌درمانی‌های موج سوم: خاستگاه، حال و چشم انداز، با تأکید ویژه بر طرحواره درمانی. مطالعات روان‌شناسی بالینی. ۱۳۹۴؛ ۵(۱۸): ۱-۱۴.
۴. صاحبی، علی (۱۳۹۳). تمثیل درمانگری کاربرد تمثیل در بازسازی شناختی. تهران: سازمان سمت.
۵. مرتضایی جواد (۱۳۹۳). تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟. متن‌شناسی ادب فارسی. ۲(۴).
6. Hayes SC, Strosahl KD, Wilson KG. Acceptance and commitment therapy: The process and practice of mindful change. Guilford Press; 2011.
7. Arch JJ, Craske MG. Acceptance and Commitment Therapy and Cognitive Behavioral Therapy for Anxiety Disorders: Different Treatments, Similar Mechanisms? Clin Psychol Sci Pract [Internet]. 2008 Oct 23 [cited 2020 Oct 7];15(4):263–79. Available from: <http://doi.wiley.com/10.1111/j.1468-2850.2008.00137.x>
8. AqaAli F, zandipur T, Ahmadi MR. A Rewiew of the Effect of Cognitive-Behavioral Group Counseling on Increasing the Spirituality and Mental Health of MS (Multiple Sclerosis) Patients in Qom (1388 _ AH', solar), with Emphasis on Spiritual Thoughts. Ravanshenasi Va Din [Internet]. 2011;4(1):37. Available from: <https://www.magiran.com/paper/888450> - <https://www.magiran.com/paper/888450>
9. Ding Y, Jeanjean T, Stolowy H. Why do national GAAP differ from IAS? The role of culture. Int J Account. 2005 Jan 1;40(4):325–50.
10. Constantine MG, Kindaichi M, Okazaki S, Gainor KA, Baden AL. A qualitative investigation of the cultural adjustment experiences of Asian international college women. Cult Divers Ethn Minor Psychol [Internet]. 2005 May [cited 2020 Oct 7];11(2):162–75. Available from: /record/2005-04428-005
11. Gentner D. The mechanisms of analogical learning [Internet]. Cambridge University Press; 1989 [cited 2020 Oct 8]. p. 199–241. Available from: <https://www.scholars.northwestern.edu/en/publications/the-mechanisms-of-analogical-learning>
12. Burns DD. The feeling good handbook, Rev. Plume/Penguin Books; 1999.
13. Braun V, Clarke V. Using thematic analysis in psychology. Qual Res Psychol. 2006;3(2):77–101.
14. Lakoff G. Cognitive semantics: in the heart of language an interview with George Lakoff. Fórum Linguístico. 1998;1(1):83–119.

شبکه اجتماعی اینستاگرام و دموکراتیزه شدن فرهنگ سلبریتی در میان کاربران ایرانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

کد مقاله: ۱۵۲۱۴

فرشاد گودرزی^۱

چکیده

اینستاگرام یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در ایران است که در چند سال اخیر تبدیل به بستری برای ظهور سلبریتی‌های جدید شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شبکه اجتماعی اینستاگرام در ظهور سلبریتی‌های جدید و دموکراتیزه شدن فرهنگ سلبریتی در میان کاربران ایرانی اینستاگرام انجام شده است. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که امروزه با پیدایش فناوری و تکنولوژی‌های جدید، شبکه‌های اجتماعی مجازی به نوعی جامعه شبکه‌ای تبدیل شده‌اند که افراد از مجرای آنها با یکدیگر کنش ارتباطی دارند، در این میان شبکه اجتماعی اینستاگرام نیز با تمام قابلیت‌هایش از این قاعده مستثنی نیست. در این پژوهش با استفاده از روش کیفی قوم‌نگاری مجازی و نمونه‌گیری هدفمند، سه سلبریتی که در میان کاربران ایرانی به تازگی طرفدار شده‌اند را مورد بررسی قرار داده ایم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که سلبریتی‌های مورد مطالعه با تأکید بر مؤلفه‌هایی چون ایجاد حاشیه و رسوایی خود، کالایی کردن بدن و زیبایی و تأکید بر مصرف‌گرایی افراطی توانسته‌اند در میان کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام طرفدارن بسیاری پیدا کنند.

واژگان کلیدی: اینستاگرام، جامعه ایرانی، دموکراتیزه شدن، سلبریتی، شبکه اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
farshadgoudarzi262@gmail.com

در جهان معاصر نمی توان نقش رسانه ها و شبکه های اجتماعی مجازی را در شکل دهی به افکار عمومی و همچنین تأثیرگذاری آنها بر حوزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را نادیده گرفت. وضعیت انسان در شبکه های اجتماعی، آینه ای برای بازتابی وضعیت او در جامعه است. میل انسان به اجتماعی بودن و اجتماعی زندگی کردن انسان را بر آن داشت تا فضای مجازی را به یک جامعه مجازی تبدیل کند. شبکه های اجتماعی از لحاظ عمومیت یافتن در بین مخاطبان و با گسترش وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، بدل شدن به یک ارتباط خصوصی و رها بودن از هر نوع نظارت از سوی مراجع قدرت به وسیله ای بی بدیل در حوزه ارتباطات تبدیل شده اند و بسترهای اثر گذاری خارج از نظارت دولتها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده اند (معمار و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۶). امروزه بر کسی پوشیده نیست که شبکه های اجتماعی چون اینستاگرام، تلگرام، فیسبوک و ... چه نقش مهمی در زندگی روزمره ما دارند و به بخش جدایی ناپذیر زندگی ما تبدیل شده اند. فضای مجازی حوزه ای است که به وسیله آن افراد می توانند خودهای جدیدی را در دنیایی تازه بسازند. این امر ممکن است در دنیای واقعی اصلاً وجود خارجی نداشته باشد یا فرد بر مبنای تصور خودش، توانایی دستیابی به آن را نداشته باشد و این امر است که استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی را برای افراد جامعه جذاب کرده است.

شبکه های اجتماعی مجازی با وجود همه ویژگی هایی که دارند به دلیل خصلت افقی بودنشان، از عدم رهبری رنج می برند و نیروهای هدایت کننده در آنها وجود ندارد. هر عضوی از این شبکه ها ممکن است بر اساس نظر و دیدگاه شخصی اش عمل کند یا اینکه به رفتار دیگران رجوع کند و از آن پیروی کند (عقیلی و پوری، ۱۳۹۰: ۲۵). یکی از ویژگی های اساسی شبکه های اجتماعی مجازی حضور کاربرانی با برچسب سلبریتی است. در عصر حاضر با تمام دگرگونی ها شاهد رشد فرهنگ شهرت و در ادامه ظهور سلبریتی های جدیدی هستیم. سلبریتی ها در سرتاسر جهان به جز زمینه تخصصی خودشان در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... ورود پیدا کرده و به ایفای نقش می پردازند. تاریخ حضور سلبریتی ها به اوایل قرن بیستم بر می گردد و به نوعی می توان گفت که تاریخ پیدایش سلبریتی ها با پیدایش رسانه ها و صنعت سینما برابری می کند. سلبریتی ها افرادی هستند که رسانه های جمعی چون سینما، تلویزیون، مطبوعات و در سال های اخیر شبکه های اجتماعی چون فیسبوک و اینستاگرام آنها را تبدیل به چهره کرده و درون ساختار رسانه ای شکل گرفته و رشد پیدا کرده اند، به عبارت دیگر بین رسانه های جمعی و سلبریتی ها تعامل دو طرفه و نفع دو جانبه وجود دارد (سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۳). موکرجی^۱ بر این عقیده است که ارزش هایی که سلبریتی ها از آن حرف می زنند، برای دیگران مهم است و دیگران با توجه به این ارزش ها به پیروی از آنها ترغیب می شوند. به عبارت دیگر این شخصیت ها به دلیل برخورداری از خصوصیات متمایز با هنجارهای اجتماعی رایج چون سبک زندگی منحصر به فرد، جذابیت فردی یا مهارت های خاص و قدرت جلب توجه سایرین به مقوله ای که به آن ورود پیدا می کنند را به میزان بالایی دارا هستند (Mukherjee, 2009).

گراهام ترنر، دموکراتیزه شدن فرهنگ سلبریتی و شهرت را چرخش به سوی مردم عادی خوانده و این مفهوم را یکی از ویژگی های اساسی فرهنگ دیجیتال می داند (ترنر به نقل از اسلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۶). فرهنگ دیجیتال این امکان را به سلبریتی ها می دهد که با تکیه بر آن محتوای مورد نظر خود را تولید کرده و برای مخاطبان به نمایش بگذارند. با روی کار آمدن شبکه های اجتماعی مجازی چون اینستاگرام بسیاری از افراد معمولی بدون در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی و برخورداری از پیش نیازهای شهرت در شبکه های اجتماعی می توانند به فعالیت آزادانه در رسانه نوینی همچون اینستاگرام پرداخته و تعداد زیادی کاربر را مجذوب خود کنند.

اما برای بررسی مسئله اجتماعی چون ظهور سلبریتی ها، خرده سلبریتی ها و دموکراتیزه شدن فرهنگ سلبریتی در کشور توجه به بستر هایی که سلبریتی ها در آن رشد می کنند، دارای اهمیت است. یقیناً شبکه های اجتماعی مجازی خصوصاً شبکه اجتماعی اینستاگرام در رشد، آفرینش، بلوغ و سقوط سلبریتی ها تأثیر بسیار زیادی داشته است. اینستاگرام در میان مخاطبان ایرانی بسیار محبوب است و بعد از تلگرام به عنوان دومین شبکه اجتماعی پر مخاطب در ایران شناخته می شود. اینستاگرام در طی ده سال یعنی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ گسترش چشمگیری در سطح جهان داشته است و با توجه به آمار و ارقام مخاطبین این نرم افزار می توان دریافت که چه نقشی در زندگی روزمره انسان ها داشته است. بر اساس آمار های سال ۲۰۲۰ بیش از نصف جمعیت جهانی کاربران اینستاگرام کمتر از ۳۴ سال سن دارند. گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بزرگترین گروه جمعیتی اینستاگرام را تشکیل می دهند. ۵۱ درصد کاربران اینستاگرام را زن ها و ۴۹ درصد آن را مرد ها تشکیل می دهند. بیشترین تمرکز کاربران این برنامه در کشور آمریکا با ۱۱۶ میلیون کاربر، سپس هند با ۷۳ میلیون کاربر و برزیل با ۷۲ میلیون کاربر است (حدادی، ۱۴۰۰، <https://foloweran.com>).

به طور کلی در مورد تعداد کاربران اینستاگرام در ایران نمی توان آمار دقیقی ارائه داد، اما می توان با مراجعه به منابع در دسترس تعداد کاربران احتمالی آن را تخمین زد. بر اساس آمار ارائه شده در کافه بازار (فروشگاه دیجیتال مختص نرم افزار های موبایلی) اینستاگرام بیش از ۲۷ میلیون بار از این فروشگاه دانلود و نصب شده است که با توجه به ایرانی بودن این فروشگاه تصور

1. Mukherjee

می شود که عمده کاربران آن ایرانی هستند. در پلی استور گوگل^۱، نرم افزار اینستاگرام تا به حال حدود ۱۲۰ میلیون بار دانلود شده است^۲. با توجه به آمار ارائه شده و توجه به این مسأله که کاربران ایرانی از منبع های مختلفی برای نرم افزار اینستاگرام استفاده می کنند، می توان متصور شد که کاربران این شبکه اجتماعی به چیزی در حدود ۳۰ میلیون نفر رسیده باشد. مسأله شهرت و دیده شدن و به تأثی از آن گسترش فرهنگ سلبریتی گری، حوزه ای در حال رشد و پویا در جامعه است که با استفاده از بستریهایی چون اینستاگرام حوزه های مختلف جامعه اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. متأسفانه در چند سال اخیر توجه چندانی به این موضوع نشده است و برخی از اندیشمندان حتی پرداختن به مسأله سلبریتی ها را بی معنی و ناخوشایند می دانستند. به نظر می رسد که سلبریتی یا در ذات خود آسیب است یا خروجی یک سیستم ناقص چون سرمایه داری، ولی می تواند مسأله یابی شود، بدون آنکه آسیب ببیند. مقاله حاضر بر آن است تا با بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام به عنوان یک بستر قوی، مسأله گسترش سلبریتی های نوظهور جامعه ایرانی را واکاوی کند. به همین منظور در این پژوهش از روش کیفی قوم نگاری آنلاین^۳ که شبکه های اجتماعی و بستر اینترنت را به مثابه نوعی محیط یا فرهنگ مورد مطالعه قرار می دهد، به عنوان ابزار تحلیلی برای پرداختن به موضوع پژوهش استفاده می کنیم و در نهایت در پی پاسخگویی به این سوالات هستیم که سلبریتی ها از شبکه اجتماعی اینستاگرام چه استفاده هایی می کنند و خود را با چه مؤلفه هایی به مخاطبان معرفی می کنند؟

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش درباره سلبریتی ها و نحوه تأثیرگذاری و تعامل آنها با جامعه ایرانی بحث تازه ای است و به همین دلیل تحقیقاتی که در این عرصه در جامعه ما صورت گرفته، قدمت چندانی ندارد. جامعه علمی ما در حوزه مطالعات سلبریتی نوپا بوده و نیاز به تحقیقاتی بیشتری در این حوزه دارد. با این وجود در دهه اخیر پژوهش هایی در مورد سلبریتی ها انجام شده که توجه به آنها ضروری است.

عباسی و جعفری در سال ۱۳۹۹، در مقاله ای با عنوان «تأثیر کنش های اینستاگرامی سلبریتی ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی» به تبیین کنش های اینستاگرامی سلبریتی ها که تأثیر مهمی بر سبک زندگی کاربران دارد، پرداختند. این پژوهش به روش پیمایش صورت گرفته و جامعه آماری آن ۳۸۴ نفر از کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام بوده اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که کنش های سلبریتی ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی اینستاگرام تأثیر مستقیم دارد. همچنین در سال ۱۳۹۹، اسلامی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «سلبریتی های مجازی؛ غریبه های آشنا در عصر رسانه های اجتماعی گونه شناسی زنان مشهور ایرانی در اینستاگرام» به بررسی خرده سلبریتی های زن ایرانی که در فضای اینستاگرام مشهور هستند، پرداخته و آنها را به چند دسته طبقه بندی نموده که از جمله این طبقه بندی ها می توان به برند سازی، انتشار مداوم زندگی روزمره، واقعی جلوه دادن برخی امور و یک شبه راه صد ساله را طی کردن اشاره کرد.

اجتهادی و کشفی نیا سال ۱۳۹۸، در مقاله ای با عنوان «بررسی جامعه شناختی مخاطبان فرهنگ سلبریتی در اینستاگرام فارسی» به بررسی این مسأله پرداختند که فرهنگ سلبریتی گری چگونه ارزش ها و نگرش های خود را به مخاطبان اینستاگرام تحمیل می کند. این پژوهش به روش پیمایش و با جامعه آماری ۳۸۴ نفر از کاربران ایرانی اینستاگرام فارسی انجام شده و نتایج آن نشان می دهد که زنان به لحاظ جنسیت و گروه تحصیلی لیسانس به لحاظ تحصیلات، بیشترین گرایش را به فرهنگ سلبریتی دارند. خیامی و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله ای با عنوان «بازکاوی فرهنگ سلبریتی گری و تعامل رسانه ملی با چهره ها» به بررسی این موضوع پرداختند که رسانه ها با استفاده از ابزاری چون سلبریتی ها چگونه به شکل دهی افکار عمومی و تأثیر گذاری در حوزه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می پردازند و نقش سلبریتی ها در این فرآیند چگونه است. این پژوهش به روش مصاحبه عمیق انجام شده و نتایج حاصل از آن حکایت از این موضوع دارد که بهبود و ارتقای تعامل سلبریتی ها و رسانه ملی باید بر اساس سیاستگذاری روشنی باشد تا بتوان به معرفی استعدادها و چهره های جوان پرداخت و طبقه بندی مناسبی از سلبریتی ها ارائه کرد.

در میان پژوهش های خارجی در حوزه سلبریتی ها و رسانه ها نیز می توان به پژوهش دلر^۴ در سال ۲۰۱۶ اشاره کرد. وی در مقاله ای با عنوان «ستارگان تصویر؛ سلبریتی های واقعی تلویزیون و چرخه شهرت» به این موضوع پرداخت که در تلویزیون واقع نما، سلبریتی ها در نقاط مختلف چرخه شهرت هستند و مردم عادی نیز تلاش می کنند که مانند سلبریتی ها شناخته شوند و خود سلبریتی ها هم در پی یافتن فرصتی برای توسعه مهارت های جدید خود هستند. همچنین ویدهلم و بکر در سال ۲۰۱۵ در مقاله ای تحت عنوان «جشن های سلبریتی ها؛ تلویزیون فضای عمومی برای نمایش دو ازدواج سلطنتی» به بررسی صفحات شبکه های

1. Play Stor Google
2. تاریخ آخرین مراجعه ۱۴۰۰/۰۵/۲۸.
3. Netnography
4. Deller
5. Jan Van Dyke

اجتماعی سلبریتی‌ها پرداختند. آنها روی دو عروسی سلطنتی در انگلیس و سوئد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ تمرکز کرده و سعی داشتند آنچه را عموم مردم در حال تماشا هستند، با بازنمایی رسانه‌ای و در نهایت نوع مشارکت مخاطبان مقایسه کنند. با توجه به پژوهش‌های که در چند سال اخیر در رابطه با مسأله سلبریتی‌ها صورت گرفته می‌توان به این نتیجه رسید که نقش سلبریتی‌ها در جامعه چقدر مهم بوده و پژوهش در این حوزه چقدر حیاتی است. در هر کدام از پژوهش‌های ذکر شده، محققین به ابعاد مختلفی از تعامل و اثر گذاری سلبریتی‌ها با افراد جامعه پرداختند و نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که سلبریتی‌ها در تمام حوزه‌های زیسته انسان اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نقشی غیر قابل انکار دارند. اما پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد که سلبریتی‌های نوظهور جامعه ایرانی با استفاده از بستری چون شبکه اجتماعی اینستاگرام، چگونه خود را به مخاطبان ایرانی معرفی کرده و برای کسب شهرت و جذب کاربران بر چه مؤلفه‌های اجتماعی تأکید می‌کنند.

۳- مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری هر پژوهش به عنوان شاکله اصلی هر پژوهش شناخته می‌شود. در پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت مسأله پژوهش، مبانی نظری پژوهش را در دو بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بخش اول مباحثی پیرامون شبکه اجتماعی اینستاگرام و جامعه شبکه‌ای مطرح می‌کنیم و در بخش دوم به بررسی مسأله سلبریتی پرداخته و دیدگاه‌های اندیشمندان را در این حوزه بررسی می‌کنیم.

۳-۱- شبکه اجتماعی اینستاگرام به مثابه جامعه شبکه‌ای

ریشه‌های فکری «جامعه شبکه‌ای» را می‌توان در کارهای جرج زیمل یافت. زیمل پیامدهای سرمایه داری صنعتی را در الگوهای پیچیده‌ای از وابستگی، سازمان، تولید و تجربه تحلیل می‌کرد. در سال ۱۹۷۸ جیمز مارتین اصطلاحی به نام «جامعه سیمی» را به کار برد، تا جامعه‌ای را توصیف کند که اجزای آن به وسیله شبکه‌های انبوه و ارتباطات از راه دور به هم مرتبط و متصل می‌شوند، اما برای اولین بار اصطلاح جامعه شبکه‌ای توسط استین براتن اندیشمند نروژی در سال ۱۹۸۱ میلادی به کار رفت (نیک نیا، ۱۳۹۴: ۲۳۸). در دو دهه اخیر اصطلاح جامعه شبکه‌ای بیشتر بیانگر نظریات دو متفکر جامعه‌اطلاعاتی، مانوئل کاستلز و یان فن دایک است. به عقیده فن دایک، جامعه شبکه‌ای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از حضور فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش شبکه‌های مجازی را توصیف می‌کند. وی جامعه شبکه‌ای را جامعه‌ای می‌داند که در آن ترکیبی از شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های رسانه‌ای، مبانی و ساختارهای کلیدی جامعه را در هر سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی شکل می‌دهد. به باور فن دایک، جامعه به طور فزاینده سازماندهی می‌شود و ارتباطات خود را تغییر می‌دهد و این تمایز به وسیله ارتباطات و فناوری اطلاعات میسر می‌شود (فن دایک، ۲۰۱۲: ۲۹). از سوی دیگر مانوئل کاستلز بر این باور است که ارتباطات نقش حیاتی در شکل دهی فرهنگ دارند و انتقال و اشاعه فرهنگ از مجرای ارتباطات صورت می‌گیرد. فرهنگ‌ها یا به عبارت دیگر نظام‌های عقیدتی و رفتاری ما که محصول تاریخ هستند با ظهور سیستم‌های تکنولوژیک جدید، دچار تغییرات بنیادین می‌شوند و این امر با گذشت زمان شدت می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۹: ۳۸۳). بر همین اساس کاستلز یادآور می‌شود که کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات به شکل قابل توجهی در ارتباط با شبکه‌ها سازمان می‌یابد. شبکه‌ها ریخت‌شناسی تازه جوامع ما را شکل می‌دهند و تکنولوژی اطلاعاتی جدید مبنایی برای گسترش همه جانبه خود در سرتاسر ساختار اجتماعی ایجاد می‌کند (همان، ص ۴۶۹).

تافلر تحلیل‌های خود از رسانه‌ها را بر مبنای سه موج از تحولات بشری ارائه می‌کند. در موج اول که مختص جوامع کشاورزی است، ارتباطات بیشتر در بین گروه‌های بسیار کوچک و به شکل رو در رو و از طریق دهان به گوش است. در موج دوم، نظام ایجاد ثروت که بر تولید انبوه و سرمایه داری مبتنی بود به ارتباطات از راه دور نیاز داشت و از این رو تلویزیون، رادیو، تلگراف، روزنامه‌ها، مجلات و ... به وجود آمد و سرانجام در موج سوم، رسانه‌ها ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته و در هم ادغام شده‌اند. این رسانه‌ها با تبادل داده‌ها، نمادها و تصاویر یکدیگر را تغذیه می‌کنند (تافلر به نقل از منصور نژاد، ۱۳۸۷: ۱۰۳). به عقیده تافلر موج سوم به راستی شیوه نوین را با خود به همراه دارد. موج سوم دگرگونی محصول انقلاب فراصنعتی است، انقلابی در ارتباطات، اطلاعات و دانایی. در موج سوم رایانه‌ها نقش حیاتی دارند و بر همین اساس تافلر مدعی است که در عصر پسا صنعتی که با انقلاب دیجیتال همراه است، قدرت از صورت عریان و آشکار به قدرت نامرئی و پنهان تبدیل شده است (گرامیان و مطهری، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

بر اساس آنچه گفته شد، شبکه اجتماعی مجازی چون اینستاگرام نوع جدیدی از رسانه است که در یک دهه اخیر در سطح جهان بسیار پر طرفدار شده است. شبکه اجتماعی اینستاگرام محل رویارویی صدها میلیون کاربر است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگی به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند. اینستاگرام در سال‌های اخیر به بخش مهمی از زندگی روزمره افراد در فضای مجازی تبدیل شده است. فعالیت در این شبکه اجتماعی نیز همانند سایر شبکه‌ها در محورهای مختلفی همچون کسب و

کار، ترویج عقاید، هنر، تبلیغات و ... صورت می‌گیرد و با استفاده از قابلیت‌هایی چون هشتک گذاری امکان جست و جو و دستیابی به سوژه به راحتی میسر می‌شود (عباسی و جعفری، ۱۳۹۹: ۳۹).

در تعریفی کلی اینستاگرام را می‌توان: «نرم افزاری برای به اشتراک گذاری عکس و ویدئو که به کاربران خود امکان می‌دهد تا برخی از فیلترهای خاص را به تصاویر خود اعمال کنند و عکس‌ها و ویدئوهای خود را از طریق آن به اشتراک بگذارند (حسینی و کلانتری، ۱۳۹۶: ۳۶). اینستاگرام شبکه اجتماعی است که از سال ۲۰۱۰ در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی شناخته شده و تا سال ۲۰۲۰ مخاطبان آن تقریباً دو برابر شده است. با توجه به امکانات فنی و ساختاری اینستاگرام حتی می‌توان آن را به مثابه نوعی جامعه مجازی در نظر گرفت که هر کدام از ویژگی‌های آن به مانند نوعی مؤلفه اجتماعی شناخته می‌شوند. شبکه اجتماعی اینستاگرام چند ویژگی اساسی دارد که باید به آن پرداخته شود. هر کدام از این قابلیت‌ها نمودی از اعمالی است که افراد در جامعه واقعی انجام می‌دهند و به همین دلیل است که اینستاگرام را باید به مثابه یک جامعه شبکه‌ای در نظر بگیریم. روابط درهم تنیده و قابلیت‌های فنی شبکه اجتماعی اینستاگرام نمودی از جامعه اطلاعاتی است که اندیشمندانی چون فن دایک، تافلر، کاستلز و ... به آن اشاره نموده‌اند.

یکی از قابلیت‌های شبکه اجتماعی اینستاگرام، لایک کردن است. در فضای اینستاگرام، لایک کردن بیشتر برای افراد به معنای ارزشمند شمردن است و دریافت لایک کمتر به معنای رو به افول بودن مقبولیت فرد است. بر این اساس می‌توان گفت لایک کردن در فضای مجازی اینستاگرام برابر با همان مفهوم تأیید شدن در جامعه واقعی است. یکی دیگر از قابلیت‌های اینستاگرام ابزاری است به نام کامنت گذاشتن. با تکیه بر این قابلیت نظر دادن و امکانی برای تقریباً هر نوع نظر و بیانی به وجود می‌آید. از نقدهای منطقی و بحث‌های اصولی در مورد پست‌ها گرفته تا فحاشی و نقد‌های غیر منطقی از قابلیت‌هایی است که کامنت در اختیار کاربران قرار می‌دهد (حسینی و کلانتری، ۱۳۹۶: ۶۰). در فضای اینستاگرام تعداد دنبال کنندگان^۱ نمادی از قدرت و ارزشمندی است و افراد در این فضا به هر طریقی می‌کوشند، حتی با خرید لایک و کامنت و یا افزایش دنبال کنندگان و در مقابل کمتر دنبال کردن دیگران، به دیگران نشان دهند که افراد مهمی هستند (همان منبع، ص ۶۱). از این منظر نقد به شبکه اجتماعی اینستاگرام وارد است که تلاش در جهت کمی کردن دنبال کنندگان موجب می‌شود تا ارتباطات میان افراد و دنبال کننده‌هایشان، کیفیت روابط دوستانه دنیای واقعی را نداشته باشد.

برخورداری شبکه اجتماعی اینستاگرام از مخاطب میلیونی باعث شده است که نه تنها افرادی که پیش از این مشهور بودند، بتوانند با حجم وسیعی از هواداران خود ارتباط برقرار کنند، بلکه کاربران معمولی نیز بتوانند برای جمع‌آوری چند هزار یا چند صد هزار دنبال کننده با هم رقابت کنند. آنها انتظار دارند در نظر گرفته شوند، علاقه‌مندند بخش‌های خصوصی زندگی‌شان را برای تماشاچیان آشنا و غریبه به نمایش بگذارند و این احساس در آنها ایجاد می‌شود که زندگی‌شان اگر دیده نشود، ارزش زندگی کردن ندارد (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷).

۳-۲- فرهنگ سلبریتی گری در شبکه اجتماعی اینستاگرام

شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال مبتنی بر ارتباط همه گیر هستند. با رخ دادن چنین تمایزی فرهنگ سلبریتی هم از ویژگی کنترل شده و ساختارمند خود خارج شده و وارد دنیایی گسسته و بدون ساختار می‌شود. در عصر حاضر دسترسی افراد به فناوری‌های تولید و انتشار محتوا شبکه‌های مجازی را به وسیله‌ای تبدیل کرده که مردم عادی نیز به واسطه آن می‌توانند مشهور شده و وارد چرخه شهرت شوند.

ظهور سلبریتی‌های جدید موجب استحاله شهرت شده است. در جوامع پیشامدرن، پدیده‌ای مانند شهرت عموماً به شکل اکتسابی، انتسابی و اعطایی بروز پیدا می‌کرد (اجتهادی و کشافی نیا، ۱۳۹۸: ۱۱۹). آلیس مارویک^۲ معتقد است خرده سلبریتی یا سلبریتی‌های نوظهور را که تحت تأثیر رواج فرهنگ سلبریتی در دنیای مجازی پیدا می‌شوند، باید مجموعه‌ای از شیوه‌های تفکر و عملکردهای مورد نیاز برای نمایش خود در رسانه‌های مجازی دانست که بر اساس عملکردهای خاصی در شبکه‌های اجتماعی به صورت هدفمند و استراتژیک، پروفایل‌هایی برای خود می‌سازند و طرفدار پیدا می‌کنند و از جزئیات شخصی زندگی خود پرده بر می‌دارند. این عمل از جانب سلبریتی‌ها با هدف جلب توجه دیگران انجام می‌شود تا دنبال کنندگان و تأییدکنندگان بیشتری کسب کنند. به عقیده مارویک تنها کاری که سلبریتی‌های جدید باید انجام دهند این است که نقابی بر روی صورت خود بگذارند که برای دیگران متفاوت بوده و به راحتی قابل مصرف باشد، مدام به اطلاعاتی شخصی بپردازد که بین او و مخاطبش رابطه عاطفی برقرار کند و خودش را با نیازهای دنبال کنندگانش هماهنگ کند (مارویک به نقل از اسلامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۱ و ۵۲). به عقیده گامسون^۳ در جوامع معاصر این امکان برای همه افراد فراهم است که ستاره شوند. وی خاطر نشان می‌سازد که فرهنگ

1. Followers
1. Alice Marwick
2. Gamson
3. Bel
4. Nayar

شهرت به شکل عجیبی دچار تغییر شده است و به شکل قابل توجهی از سوی افراد عادی که شهرت یافته اند و افراد مشهوری که عادی شده اند، دچار دگرگونی شده است (Gamson, 2011: 1061).

به عقیده بل سلبریتی‌ها در فضای رسانه محور، نقشی انکار نشدنی دارند. افرادی که تنها با رسانه ها می توانند خود را مطرح کنند و حضور خود را به نوعی مدیون رسانه هستند. وی سلبریتی‌ها را پیاده نظام قدرت می داند که این توانایی را دارند تغییراتی فرهنگی شگرفی را در جامعه خودی و غیر خودی ایجاد کنند (Bell, 2001). نایار فرهنگ سلبریتی را تحت تأثیر رسانه های جمعی مورد بررسی قرار داده و معتقد است که در جوامع معاصر فرهنگ سلبریتی گسترده شده و در شکل های تازه ای رخ می دهد. براساس دیدگاه نایار سلبریتی‌ها تنها اثرات عاطفی قابل تأملی بر مردم به جای می گذارند، سلبریتی‌ها در نظام معنایی جوامع جدید نقش فرهنگی مهمی را ایفا می کنند. آنها به طرفدارانشان درد و رنج، شادی و لذت می دهند و در مقابل این عمل یا رسوای می شوند یا ستایش دریافت می کنند (Nayar, 2009).

آنچه از سلبریتی‌ها به نمایش گذاشته می شود، تولید رسانه هاست که در زندگی روزمره جای می گیرد و همین فرآیند و چرخه فرهنگ سلبریتی را ایجاد می کند. از نظر نایار رسانه های جمعی به دلیل خلق سلبریتی از طریق بازنمایی های رسانه ای و تولید قدرت سمبلیک گسترده و به حرکت درآوردن صنعت سلبریتی سازی مهم و قابل اعتنا تلقی می شوند (همان منبع). الگوی رفتاری سلبریتی‌ها می تواند شامل شرایطی چون ارائه کلیه رفتارهای خیلی ساده و پیش پا افتاده ولی مهم در زندگی خانوادگی یا اجتماعی نسل جوان باشد مانند مدل مو و لباس. اثرگذاری سلبریتی‌ها را می توان در نحوه چیش و رنگ آمیزی منزل، سبک غذا خوردن، آرایش صورت و مدل مو، نوع تفریحات و سرگرمی افراد، روابط عادی روزانه آنها و واژه گزینی شان دید (کوچک‌زایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۴). از این رو می توان چند ویژگی اساسی برای سلبریتی‌های نوظهور در شبکه اجتماعی برشمرد. واسطه محوری اولین ویژگی های سلبریتی‌های جهان معاصر است. در شکل جدید ظهور سلبریتی‌ها، هیچ سلبریتی بدون کمک واسطه های فرهنگی نمی تواند به شهرت دست یابد. شبکه های اجتماعی، آژانس تبلیغاتی، مد، باشگاه های بدنسازی و ... از جمله واسطه هایی هستند که با عث دیده شدن سلبریتی‌ها توسط عامه مردم می شوند. هواداران یا مخاطبان نیز به عنوان یکی از شاخصه های اصلی شناخته شدن سلبریتی‌ها شناخته می شوند. شهرت سلبریتی‌ها در عصر حاضر بر خلاف اشکال سنتی شهرت به شکل قابل توجهی بستگی به بازشناسی یا تصدیق از جانب مخاطبان یا هواداران دارد. ویژگی سوم سلبریتی‌های عصر جدید، سرعت بالای رسیدن به شهرت و گستردگی دامنه آن است. بر اساس این ویژگی ممکن است افراد به صورت تصادفی و ناگهانی به شکل سریع و سرسام آوری در شبکه های اجتماعی مشهور شوند. تنوع بخشی را می توان چهارمین ویژگی سلبریتی‌ها دانست. بر خلاف اشکال سنتی شهرت که فقط محدود به برخی حوزه های خاص می شود، شهرت سلبریتی‌های نوظهور بسیار متنوع است، تأکید بر تقدس بدن و زیبایی، مصرف، کسب و کار، طنزپردازی، کسب و کار، آشپزی، ورزش و ... می توان نام برد (اجتهادی و کشفی نیا، ۱۳۹۸: ۱۲۰ و ۱۲۱). در نهایت آخرین ویژگی سلبریتی‌ها جابه جایی شهرت است. درینز ۱ در مورد فرآیند جابه جایی معتقد است که سلبریتی‌ها با توجه به شهرتی که دارند این توانایی را پیدا می کنند که از جایگاه و موقعیت خود برای ورود به عرصه های دیگر استفاده کنند» (همان منبع).

الیس کشمور این نکته را متذکر می شود که شهرت و سلبریتی گری نان خوردن از رسوایی است. اگر در گذشته طلاق، الکلیسم، خودکشی و ... برای یک شخصیت رسوایی محسوب می شد، امروزه اعتبار یک شخصیت را در مهارت ناخواسته او در ارتکاب اعمال غیر اخلاقی می بینیم که به نوعی حس خشم یا شادی را در مردم ایجاد می کند و به جای ویران کردن زندگی حرفه ای او، آن را خلق می کند. (کشمور، ۱۳۹۵: ۱۶).

در ارتباط با بحث شبکه اجتماعی اینستاگرام باید این نکته را مورد توجه قرار که افراد معمولاً چیزی را می پسندند که آن را خواستنی می یابند. اصطلاح خواستنی بیش از هر چیز در بازاریابی و شرایطی است که مردم تمایل به داشتن آن دارند، اما معمولاً نمی توانند به آن دست یابند. بر این اساس مشهور بودن در فضای اینستاگرام به صورت برابانه نمی باشد، بلکه تثبیت کننده سلسله مراتب شهرت موجود است که در آن مجموعه ای از نمادهای پر زرق و برق، تجمل گرایانه، ثروتمند، خوش قیافه و ارتباط در یک شبکه اجتماعی مجازی که خاصیت بصری بودن دارد، ثباتی دوباره می یابند (Marwick, 2015: 141).

۴- روش شناسی پژوهش

قوم نگاری مجازی از جمله روش هایی کیفی است که تحت تأثیر اینترنت مورد استفاده بسیاری از محققین قرار گرفته است. قوم نگاری آنلاین بر مبنای پارادایم تفسیری و یک تکنیک مردم نگارانه برای مطالعه گروه ها و اجتماعات آنلاین است. برای به کار بستن روش قوم نگاری آنلاین از ابزارهایی استفاده می شود که فعالیت های عادی و معانی اجتماعی افراد را ثبت می کنند. به دلیل پنهان بودن افراد در ارتباطات شبکه های اجتماعی پژوهشگران این امکان را دارند که پیش از ایفای نقش مشارکتی، موضعی نظرات گرانه اتخاذ کنند و اطلاعات مفیدی از عرصه مورد بررسی خود به دست آورند (بیگوند و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۶).

همان طور که کازینتس بیان می کند مطالعه قوم نگاری مجازی از بررسی چارچوب میدانی فرهنگ ها و جوامع آنلاین با ابزار کامپیوتر و ارتباطات مبتنی بر اینترنت منتج می شود. به عقیده کازینتس قوم نگاری مجازی بر اساس اجتماعات و ارتباطاتی شکل گرفته که به واسطه رایانه، رسانه ای شده و هدف آن تبیین قوم نگارانه بازنمایی یک مفهوم فرهنگی و جمعی در اینترنت است (Kozinets, 2010). در قوم نگاری مجازی اینترنت یک مکان یا نوعی بودن به حساب می آید و بر این اساس می توان اینترنت را به منزله نوعی محیط یا فرهنگ مورد مطالعه قرار داد که در آن انسان ها شکل های خاصی از ارتباطات، یا گاهی، هویت های خاصی به وجود آورند. تفاوت قوم نگاری مجازی با سایر انواع قوم نگاری در این نکته است که قوم نگاری مجازی به جای محیط طبیعی در محیط تکنیکی جای دارد (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۹۴).

۴-۱- نمونه های مورد مطالعه

در قوم نگاری، برای انتخاب یک یا چند مورد از کل جامعه از نمونه گیری قضاوتی یا هدفمند که نوعی نمونه گیری غیر احتمالی است، استفاده می شود. در نمونه گیری هدفمند محقق تعمداً به انتخاب محیط ها، افراد و وقایع خاصی می پردازد که حاوی اطلاعات مهمی است که کسب آن از طریق انتخاب های دیگر ممکن نیست (ایمان، ۱۳۹۱: ۵۱). در قوم نگاری مجازی نیز نمونه گیری هدفمند است و تحلیل اطلاعات گردآوری شده مانند سایر شکل های قوم نگاری انعطاف پذیر است (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۹۸). در این پژوهش نیز نمونه های مورد مطالعه به صورت هدفمند انتخاب شده اند. هر یک از نمونه های انتخاب شده در حوزه خاصی در فضای اینستاگرام در میان کاربران ایرانی مشهور شده اند. نمونه های مورد مطالعه بر اساس تعداد دنبال کننده ها، که معمولاً بالای یک میلیون نفر باشند و به طور مستمر و به مدت بیش از یکسال در شبکه اجتماعی اینستاگرام فعالیت داشته اند، انتخاب شده اند. در جدول زیر نمونه های مورد مطالعه و سایر مشخصات آن ها چون تعداد دنبال کنندگان، حوزه های فعالیت، وضعیت صفحه و ... مشخص شده است.

جدول (۱): مشخصات نمونه های مورد مطالعه در شبکه اجتماعی اینستاگرام

ردیف	نام صفحه	تعداد دنبال کنندگان	وضعیت صفحه	نام حساب کاربری
۱	مستر تیستر	۲ میلیون	عمومی	@Mr.taster
۲	صدف بیوتی	۳/۶ میلیون	عمومی	@sadaf_beauty
۳	نگین عابدزاده	۲ میلیون	عمومی	@negin_abedzade

۴-۲- شیوه تحلیل یافته ها

در این پژوهش فرهنگ سلبریتی به عنوان یک پدیده در نظر گرفته شده و چگونگی رواج این فرهنگ در عصر شبکه های اجتماعی مجازی از طریق مشاهده رفتارهای سلبریتی های جدید ایرانی در فضای اینستاگرام به عنوان محیط اصلی مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این پژوهش به صورت آنلاین به دست آمده و مبتنی بر تحلیل تصاویر و متن هایی است که در صفحه هر سلبریتی موجود است. بر این اساس سلبریتی هایی که به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار می گیرند به عنوان واحد تحلیل شناخته شده و واحد مشاهده نیز صفحات اینستاگرامی آن هاست. در این پژوهش صفحات اینستاگرامی سلبریتی های مورد نظر را به عنوان محیطی در نظر گرفته ایم که از طریق آن سلبریتی ها معنا تولید کرده و جهانی به موازات جهان واقعی خلق می کنند. به طور مشخص صفحات اینستاگرامی افرادی مورد بررسی قرار گرفته اند که هر روز تصاویر و ویدئوهایی از خود در بخش «اشتراک گذاری» یا «استوری»^۱ نشر می دهند و به عنوان مرجعی برای سایر مخاطبان تبدیل می شوند. بازه زمانی مطالعه صفحات اینستاگرامی این سلبریتی های مورد مطالعه سه ماه از فعالیت آنها در صفحاتشان است. در این بازه زمانی همه فعالیت های افراد مورد نظر در فضای شبکه اجتماعی اینستاگرام اعم از لایک، پست گذاشتن و تعاملات با کاربران و ... بررسی و تحلیل شده است. باید این نکته را ذکر کرد که در این تحلیل، یافته ها از روش مشاهده غیر مشارکتی استفاده شده و در ابتدا یافته ها توصیف و سپس به تفسیر یافته ها پرداخته می شود.

۵- یافته های پژوهش

در بخش یافته های پژوهش ابتدا توصیفی از هر یک از سلبریتی های مورد مطالعه داده شود و سپس تصاویری از صفحات هر یک از این افراد و توضیحاتی درباره بیوگرافی آنها نوشته شود و در ادامه توصیفی مختصر از هر کدام از آنها ارائه شود. پس از توصیف، تفسیری از یافته های پژوهش نیز ارائه می شود.

۱. Story: قابلیت از اینستاگرام که می توان تصاویر و ویدئو ها را تا ۲۴ ساعت به اشتراک گذاشت.

مستر تیستر

مستر تیستر با نام اصلی حمید سپیدنام، ۴۴ ساله در چند سال اخیر به عنوان یکی از چهرهای سرشناس اینستاگرام شناخته شده است. اصلی ترین فعالیت مستر تیستر در معرفی رستوران ها و غذای های متفاوت است اما داستان به اینجا ختم نمی شود، در کنار معرفی رستوران ها ایجاد حاشیه نیز در جذب دنبال کنندگان وی بی تأثیر نبوده است. عکس پروفایل او کاریکاتوری از روی چهره خود اوست که فردی چاق است و این تصور را ایجاد می کند که عاشق غذا است. در قسمت بیوگرافی او عبارت (Food Lover) دیده می شود که به معنای «عاشق غذا» بودن است، همچنین مستر تیستر در صفحه شخصی خود به معرفی اپلیکیشن شخصی خود پرداخته است که رستوران های ایرانی را معرفی می کند. عمده پست های او اشتراک گذاری از مواد غذایی و افراط در خوردن و مصرف کردن است. پست های وی در هر بازدید نزدی بیست هزار لایک دارند و کامنت هایی فراوانی از سوی کاربران وجود دارد که به تعریف و تمجید از وی می پردازند. متن هایی که مستر تیستر برای پست های خود بر می گزیند علاوه بر معرفی رستوران ها به شکل وسوسه برانگیزی نوشته می شوند تا مخاطب را علاوه بر دیدن ویدئو و عکس ها از طریق متن نیز اغوا کند.

صدف بیوتی

صدف بیوتی با نام اصلی صدف مسائلی ۳۲ ساله ساکن سن فرانسیسکو، از دیگر سلبریتی های نوظهور اینستاگرام است که در میان کاربران ایرانی طرفدار بسیاری دارد. او به جای فامیلی خودش از کلمه «بیوتی» در کنار اسم کوچکش استفاده کرده که به معنای زیبایی است. عمده فعالیت وی در فضای اینستاگرام مربوط به معرفی لوازم آرایشی و بهداشتی و تقدس بدن می باشد. عکس پروفایل او تصویری از خودش است که با ژست خاصی سعی دارد زیبایی خودش را به مخاطبانش نشان دهد. در قسمت بیوگرافی صفحه صدف بیوتی محل سکونت و آدرس صفحه او در اینستاگرام است که مربوط به سبک زندگی او می باشد. عکس های صفحه این سلبریتی در هر بار اشتراک گذاری نزدیک به یک میلیون لایک خورده و چیزی حدود پانزده هزار کامنت نیز از سوی کاربران برای او فرستاده می شود. او زیبا بودن را به عنوان نوعی سبک زندگی به مخاطبان معرفی کرده و با کالایی کردن زیبایی سعی در جذب دنبال کنندگان بیشتر دارد. بیوتی در یکی از آخرین پست های خود عکسی به اشتراک گذاشته است که نمایی کلی از صورت او است و در ادامه این عکس این متن را به اشتراک گذاشته است با این مضمون که «این آرایش کلن تو ۵ دقیقه انجام شده. جدیداً نمیدونم تأثیر تبلیه یا هر دو ولی خیلی به آرایش فوری علاقه مند شدم» این نوع نگرش به زیبایی علاوه بر تقدس زیبایی و ترویج زیبایی پرستی به نوعی اشاره به فقدان عمق در زندگی انسان مدرن دارد. سلبریتی ها اساساً با فقدان عمق شناخته می شوند زیرا به مسائل ظاهری بیش از مسائل دیگر اهمیت می دهند.



تصویر (۱): صفحه مستر تیستر در شبکه اجتماعی



تصویر (۲): صفحه صدف بیوتی در شبکه اجتماعی اینستاگرام

نگین عابدزاده



تصویر (۵): صفحه نگین عابدزاده در شبکه اجتماعی اینستاگرام

نگین عابدزاده ۲۸ سال سن دارد. عمده فعالیت عابدزاده در حوزه سبک زندگی است و توانسته با تصاویری که از خود، همسرش و فرزندش به اشتراک می‌گذارد، توجه کاربران بسیاری را در اینستاگرام به خود جلب کرده و توانسته از این راه درآمد زیادی کسب کند. عابدزاده فعالیت خود در فضای مجازی را از سال ۲۰۱۳ آغاز کرده و عمده ترین کار او عمومی کردن زندگی شخصی اش برای جذب دنبال کننده است. همچنین او به خاطر عمل های زیبایی که انجام داده و عمومی کردن فیلم عروسی اش حواشی زیادی را ایجاد کرد که باعث جذب دنبال کننده های بسیاری شده است. مهمترین نکته در مورد عابدزاده ترویج سبک زندگی تجملاتی است. تصویر پروفایل عابدزاده عکسی از خودش در کنار همسر و فرزندش است، بیوگرافی او علاوه بر نام خودش، شامل تاریخ شروع به کار صفحه اش در اینستاگرام بوده و وجود لینکی که از مخاطبان می خواهد جهت همکاری در فعالیت های تبلیغاتی به آن لینک رجوع کنند. عمده تصاویر و ویدئوهایی که عابدزاده در صفحه خود قرار می دهد مربوط به فعالیت های تبلیغاتی و عکس هایی است که در کنار همسر و فرزندش دارد. عکس و ویدئوهای او در هر بار اشتراک گذاری نزدیک به ۳۰ هزار لایک و چیزی حدود ۵۰۰ کامنت دریافت می کنند. عابد زاده نیز با ایجاد حواشی زیاد توانسته خود را در شبکه اجتماعی اینستاگرام در میان کاربران ایرانی به عنوان یک سلبریتی مطرح کند. در یکی از پست های اخیر او عکسی از او در کنار همسرش دیده می شود که بازنمایی از سبک زندگی او است. در این عکس علاوه بر نمایش میزان صمیمیت می توان به صورت شوهر او هم قابل تأمل است، این نوع تبریک تولد که با یکی کردن صورت همسرش همنشین شده است، نشانه ای از نمایش متفاوت سبک زندگی است. سلبریتی ها می خواهند هر طور شده متفاوت باشند زیرا این تفاوت است که به آنها در فضای اینستاگرام قدرت می دهد.

۶- تحلیل یافته ها

پس از توصیف یافته های پژوهش، تفسیری از آنها ارائه می شود تا مولفه هایی را که سلبریتی های جدید جامعه ایرانی در فضای اینستاگرام بر آن تأکید کرده و از طریق آنها مخاطبان زیادی را جذب کرده و به شهرت رسیده اند را تحلیل کنیم.

شبکه اجتماعی اینستاگرام و ایجاد رسوایی برای کسب شهرت

یکی از ویژگی های شبکه اجتماعی اینستاگرام، ایجاد رسوایی و حاشیه سازی برای کسب دنبال کننده است. فضای مجازی به گونه ای است که نمی توان با عادی بودن در آن نگاه دیگران را به خود جلب کرد، در فضای مجازی نیز به مانند جهان واقعی اغلب افراد نوعی رقابت با یکدیگر دارند و این رقابت باعث می شود که آنها دست به هر کنشی بزنند. انجام برخی امور در شبکه اجتماعی اینستاگرام بسیار راحت تر از انجام آنها در جهان واقعی است. همانگونه که کشمور متذکر می شود در فضای شبکه های اجتماعی افراد با ایجاد حاشیه و رسوایی به جای اینکه مورد توجه قرار نگیرند، بیشتر مورد توجه قرار می گیرند و خلق می شوند (کشمور، ۱۳۹۵). مصداق بارز این مسأله را می توان در رفتارهای سلبریتی هایی چون نگین عابدزاده که با عمومی کردن زندگی شخصی خود و علاقه نشان دادن به اظهار نظرات دیگران درباره زندگی شخصی اش مشاهده کرد. در نهایت اینکه اینستاگرام را اگر به مانند یک جامعه شبکه ای در نظر بگیریم، رسوایی و حاشیه سازی یکی از معیارهای اصلی دیده شدن و جلب توجه دیگران است. دلیل این امر هم سرگردان بودن کاربران در خیل عظیمی از اطلاعات است که توانایی تشخیص درست یا غلط بودن آن را ندارند.

کالایی کردن انسان در شبکه اجتماعی اینستاگرام: خودشیفتگی فرد در جامعه مصرفی لذت بردن از منفرد بودن نیست، بلکه انحراف از ویژگی های جمعی است. این امر همواره به عنوان از خود مایه گذاشتن از روی خود شیفتگی از طریق کوچکترین تمایزات نهایی تلقی شده است. همه جا از افراد خواسته می شود که از خودش خوشش بیاید و مورد پسند دیگران واقع

شود. این امری پذیرفته شده است که با خوش آمدن از خود، فرد می تواند از شانس مورد پسند دیگران واقع شدن نیز بهره مند شوند (بودریار، ۱۳۶: ۱۳۸۹). در جامعه مجازی اینستاگرام سلبریتی‌هایی چون نهال سلطانی و صدف بیوتی نمادی از کالایی شدن انسان و زیبایی او هستند. این افراد هر روزه ویدئوها و عکس‌هایی با مدل‌های مختلف از حالت چهره و اندام‌های خود برای طرفدارن خود به نمایش می‌گذارند. آنها می‌خواهند با زیبا نشان دادن خود و تقدس بدن نشان دهند که از دیگران متمایز هستند. اینستاگرام به دلیل دسترسی سریع و انتشار سریع عکس‌ها بهترین مکان برای نمایش تصاویری از زیبایی و بدن آنهاست، زیرا در فضای واقعی جامعه امکان این گونه دیده شدن وجود ندارد. به طور کلی کالایی شدن زیبایی و بدن در میان سلبریتی‌ها یک ابزار است که هر فردی که آن را داشته باشد می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرت از آن استفاده کند و از آن جهت کسب مقبولیت استفاده کند.

مصرف گرایی افراطی در اینستاگرام: یکی از ویژگی‌های مهم زندگی انسان معاصر، مصرف گرایی است. مصرف گرایی در ذات خود نتیجه فرایند جهانی سازی و نفوذ ایدئولوژی‌های نظام سرمایه داری متأخر در جوامع مختلف است. مصرف گرایی و جامعه مصرفی بازتاب خودشیفتگی است. فرایند مصرف در یکایک افراد رخنه پیدا کرده، بی‌آنکه کارکرد جمعی خود را از دست بدهد، به همین دلیل مغایر با هم‌نواپی نیست. امروزه فرهنگ مصرف گرایی به شکل بسیار سرسام‌آوری در شبکه اجتماعی اینستاگرام در حال گسترش است. در اینستاگرام شخصی که بیشتر مصرف می‌کند، بیشتر دنبال می‌شود و طرفدارن بیشتری پیدا می‌کند. همه نمونه‌های مورد مطالعه نشانه‌ای از مصرف گرایی افراطی هستند. سلبریتی‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند نمودی از مصرف گرایی افراطی هستند. هر کدام از آنها بر نوع خاصی از مصرف گرایی افراطی تأکید دارند. فعالیت‌های سلبریتی چون مستر تیسستر به مثابه همان چیزی است که جرج ریتزر آن را مک‌دونالیزه شدن می‌خواند، مستر تیسستر از طرفداران خود می‌خواهد به رستوران‌های غذای آماده برون‌د و تا می‌توانند مصرف کنند. به عقیده ریتزر رستوران‌های غذای سریع به عقلانیت صوری به معنای عام و نیز به هر یک از ابعاد ویژه آن، شدت تازه‌ای می‌بخشد. از این گذشته، انواع بیشمار از فعالیت‌های اقتصادی و شاخه‌های دیگر جهان اجتماعی، از همه یا برخی از نوآوری‌های اعمال شده در این رستوران‌ها تقلید می‌کنند (ریتزر، ۱۳۹۴: ۷۴۰). اگر شبکه اجتماعی اینستاگرام را نیز به مثابه یک جامعه مجازی در نظر بگیریم، شاهد این قضیه خواهیم بود که عقلانیت صوری چگونه بر شکل‌های دیگر عقلانیت از جمله عقلانیت ذاتی چیره شده و افرادی چون مستر تیسستر، صدف بیوتی، نگین عابدزاده و ... با تکیه بر همین نوع عقلانیت بر مخاطبان خود چیره شده و آن‌ها را به مصرف گرایی افراطی دعوت کرده و به هر سمتی بخواهند می‌کشانند.

۷- نتیجه گیری

جهان معاصر را باید جهان دگرگونی‌ها در ارتباطات و اطلاعات دانست، ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فناوری‌هایی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی گواه این ماجراست. پژوهش حاضر شبکه اجتماعی اینستاگرام را به مثابه بستری برای ظهور سلبریتی‌های جدید مورد بررسی قرار داد. مسئله سلبریتی‌ها نوظهور در فضای اینستاگرام یکی از چالش‌های جامعه ایرانی است. بر این مبنا همانگونه که اندیشمندی چون فن دایک، کاستلز، تافلر و بل از جامعه اطلاعاتی سخن می‌گویند، شبکه اجتماعی اینستاگرام را نیز باید به عنوان یک جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی در نظر گرفت که سلبریتی‌ها، قدرتمندان آن هستند. همانگونه که در جامعه فیزیکی سیاستمداران بر قدرت سوارند، در شبکه‌های مجازی چون اینستاگرام، این سلبریتی‌ها هستند که قدرت را در دست دارند. در این پژوهش از روش کیفی قوم‌نگاری آنلاین استفاده شد که جوامع مجازی را به مانند یک محیط فرهنگی در نظر می‌گیرد و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند پنج نمونه از سلبریتی‌های نوظهور شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام که در میان کاربران ایرانی پرطرفدار بوده و به نوعی از آنها الگو برداری می‌شود، انتخاب شد و سپس به توصیف ویژگی‌های آنها در شبکه اجتماعی اینستاگرام پرداخته شد. در فضای اینستاگرام به مثابه یک جامعه استفاده از هر قابلیت مانند انجام کنش در جامعه واقعی است. لایک کردن سلبریتی‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که هر کدام در هر بار اشتراک گذاری حداقل نیم میلیون لایک و بیش از هزار کامنت دریافت می‌کنند و از جانب افراد زیادی دنبال می‌شوند که این کنش‌ها و استفاده از قابلیت‌ها نشان‌دهنده تأیید فعالیت‌های سلبریتی‌ها و مشروعیت بخشیدن به آنها می‌باشد، هر چه تعداد لایک، کامنت و دنبال‌کننده یک سلبریتی بیشتر باشد، مقبولیت او نیز بیشتر می‌شود.

ابتدا به مستر تیسستر پرداختیم که بر مقوله مصرف گرایی بیش از هر چیز دیگری تأکید می‌کند. صدف بیوتی نیز یکی از نمونه‌های مورد مطالعه این پژوهش بود که با ایجاد حاشیه و جنجال پا به میدان مجازی اینستاگرام گذاشته و سپس بر مقوله‌ای چون کالایی کردن زیبایی بیش از هر چیز دیگری تکیه دارد در نهایت نگین عابدزاده نیز به مانند سلبریتی‌های دیگر با تأکید بر مصرف و ایجاد حاشیه‌هایی چون عمومی کردن زندگی شخصی خود شناخته می‌شود. پس از بررسی نمونه‌های مورد مطالعه سه مقوله اصلی که سلبریتی‌های مورد مطالعه بر آن تأکید می‌کنند را می‌توان شناخت که عبارتند از: مصرف گرایی افراطی، کالایی شدن زیبایی و تقدس بدن و ایجاد رسوایی و حاشیه برای کسب مشروعیت. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش اسلامی و همکاران (۱۳۹۹) که بر معرفی خرده سلبریتی‌های ایرانی و گونه‌شناسی آنها تأکید داشت، عباسی و جعفری (۱۳۹۹) با تأکید بر مرجعیت

سلبریتی‌ها در رواج سبک زندگی، اجتهادی و کشافی نیا (۱۳۹۸) با تأکید بر فرهنگ سلبریتی و دِلر (۲۰۱۶) با تأکید بر نقش سلبریتی‌ها در چرخه شهرت قرابت دارد.

شبکه اجتماعی اینستاگرام آمیزه‌ای از فرصت و تهدید است و این نوع فرهنگ سازی در یک جامعه است که مشخص می‌کند فرصت‌ها بیشتر باشد یا بالعکس تهدیدها. کنترل و نظارت در شبکه‌های اجتماعی مجازی چون اینستاگرام غیر ممکن به نظر می‌رسد و به همین دلیل است که آلیس مارویک معتقد است افراد و خصوصاً سلبریتی‌ها در این فضا می‌توانند نقابی بر چهره زده و خود را به هویتی دروغین به مخاطبان معرفی کنند. اینکه بدن پرستی، مصرف‌گرایی و کالایی شدن بدن از جمله ایدئولوژی‌های قدرتمندان برای کسب قدرت بیشتر است بر کسی پوشیده نیست، اینکه از دهه‌ها قبل نظام سرمایه‌داری با استفاده از این نوع ایدئولوژی‌ها توانسته به استثمار انسان‌ها بپردازد سخن تازه‌ای نیست و به همین دلیل است نایار از نفوذ دو چندان اینگونه ایدئولوژی‌های فرهنگی از طریق شبکه‌های مجازی و با استفاده از ابزاری چون سلبریتی‌ها ابراز نگرانی می‌کند. حاشیه‌سازی و رسوا کردن خود و به حاشیه راندن ارزش‌ها و فضیلت‌های انسانی امر دیگری است که آلیس کشمور آن را موجب نگرانی می‌داند و مورد استفاده قرار گرفتن آن توسط سلبریتی‌هایی چون نمونه‌های مورد مطالعه تهدید جدی برای جامعه ایرانی است، چرا که امروزه با استقبال شدید نسل نوجوان و جوان ایرانی از شبکه اجتماعی اینستاگرام سلبریتی‌ها به عنوان یک مرجع و الگو شناخته می‌شوند. در نهایت باید این نکته را دانست که شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند اینستاگرام به مانند شمشیر دولبه‌ای است که می‌توان هم در راه تهدید جامعه از آن استفاده کرد و هم در ایجاد فرصت برای ساخت جامعه بهتر. ایجاد بستر و شرایط مناسب و فرهنگ سازی درست می‌تواند یک راه کار مناسب برای دفع تهدیدهای شبکه‌های مجازی باشد که نیاز به برنامه ریزی طولانی مدت را می‌طلبد.

منابع

۱. اجتهادی، مصطفی؛ کشافی نیا، وحید. (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی مخاطبان فرهنگ سلبریتی در اینستاگرام»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، دوره پنجم، شماره ۲۰، ص ۱۱۳-۱۴۸.
۲. اسلامی، الهه؛ موسوی، سیدهاشم؛ علیخواه، فردین. (۱۳۹۹). «سلبریتی‌های مجازی: غریبه‌های آشنا در عصر رسانه‌های اجتماعی گونه‌شناسی زنان مشهور ایران در اینستاگرام»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره شانزدهم، شماره ۵۹، ص ۴۵-۷۴.
۳. ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بودریار، ژان (۱۳۸۹). جامعه مصرفی؛ اسطوره‌ها و ساختارها، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نشر ثالث.
۵. بیگوند، مینا؛ کاظمی، عباس؛ بصیریان جهرمی، حسین. (۱۴۰۰). «سوپرمام‌ها و مفهوم مادری در فضای اینستاگرام»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن در فرهنگ و هنر، سوره سیزدهم، شماره ۱، ص ۱۲۹-۱۶۳.
۶. حدادی، زینب. (۱۴۰۰). آمار اینستاگرام در سال ۲۰۲۰، وب سایت تخصصی فالووران، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰، لینک دسترسی: [https:// followeran.com/blog/instagram-stats](https://followeran.com/blog/instagram-stats)
۷. حسینی، حسین؛ کلاتنری، عبدالحسین. (۱۳۹۶). «تحلیل پدیدار شناختی تجربه زیسته کاربران شبکه اجتماعی تصویری اینستاگرام در ایران»، فصلنامه مطالعه فرهنگ - ارتباطات، دوره هجدهم، شماره ۴۰، ص ۳۳-۶۳.
۸. خیامی، عبدالکریم؛ اسکندری، علی؛ خلعتی، مرضیه. (۱۳۹۸). «بازکاوی فرهنگ سلبریتی گری و تعامل رسانه ملی با چهره‌ها»، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره سیزدهم، شماره ۳۰، ص ۷-۳۲.
۹. ریتزر، جرج. (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ بیستم، تهران، نشر علمی.
۱۰. سلطانی فر، مهدی؛ گرانمایه پور، علی؛ هاشمی، شهناز. (۱۳۹۹). «خلافت سلبریتی‌ها در اینستاگرام بر فرآیند سیاستگذاری عمومی»، فصلنامه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره نهم، شماره ۴، ص ۲۱۷-۲۴۲.
۱۱. عباسی، عاطفه؛ جعفری، علی. (۱۳۹۹). «تأثیر کنش‌های اینستاگرامی بر سبک زندگی کاربران ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، دوره بیست و هفتم، شماره ۱، ص ۳۳-۵۴.
۱۲. عقیلی، سیدوحید؛ پوری، احسان. (۱۳۹۰). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ارتباطات بین فردی کاربران»، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ و ارتباطات، دوره اول، شماره ۳، ص ۲۵-۴۵.
۱۳. فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۱۴. فن دایک، یان. (۱۳۸۴). «قدرت و سیاست در جامعه شبکه‌ای»، ترجمه اسماعیل یزدان پور، فصلنامه رسانه، شماره ۶، ص ۱۶۱-۱۲۱.
۱۵. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد ۱، ترجمه افشین خاکباز و احد علیقلیان، چاپ ششم، تهران، نشر طرح نو.
۱۶. کشمور، الیس. (۱۳۹۶). فرهنگ شهرت، ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۷. کوچکزیایی، مصطفی؛ فیضیان، مجیدرضا؛ شاه‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۷). «بررسی سلبریتی سازی در رسانه و بحران هویت نوجوان در جامعه»، فصلنامه علمی - ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، سال هفتم، شماره ۲۹، ص ۱۰۳-۱۲۱.
۱۸. گرمیان، سعیده‌السادات؛ مطهری، زینت‌السادات. (۱۳۹۴). «تحول ماهیت قدرت در عصر فراصنعتی بررسی؛ بررسی دیدگاه آلون تافلر»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم خبری، دوره چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۰۹-۱۴۰.

۱۹. معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد؛ خاکسار، فائزه. (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت؛ با تأکید بر بحران هویت ایرانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات و تحقیقات فرهنگی ایران، دوره اول، شماره ۴، ص ۱۵۵-۱۷۶.
۲۰. منصور نژاد، محمد. (۱۳۸۷). «نقد و بررسی نظریه‌های موجود درباره نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران با تأکید بر نظریه آلون تافلر»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)، دوره پانزدهم، شماره ۵۵، ص ۹۹-۱۱۱.
۲۱. نیک نیا، معصومه. (۱۳۹۴). «جامعه شبکه‌ای: بنیادها و کارکردها»، فصلنامه نقد کتاب اطلاع رسانی و ارتباطات، دوره دوم، شماره ۵، ص ۲۳۷-۲۴۹.
22. Bell, D. (2001). An in troduction to cyber cultures, Publisher: Routledge, place of publication: London.
23. Deller, R. A. (2016). Star image, celebrity reality television and the fame, cycle celebrity studies, v (3), p 373-389.
24. Gamson, Joshua. (2011). The unwatched life is not worth living: The Elevation of the ordinary in celebrity culture, PMLA 126, No 4, p 69-1081.
25. Kozinets, R.V. (2010). Netnography: Doing ethnographic research online. Los Angeles: Sage.
26. Marwick,A. (2015). Insta fame: Luxury selfies in the Attention Economy, copy right 2015 by Duke university press, public culture journal.
27. Mukherjee, D. (2009). Impact of celebrity endorsement on brand image, social science electronic publishing August (8), p 2-35.
28. Nayar, P.K. (2009). Seeing Stars: spectacle, society and celebrity culture, v (14), p 99-220.
29. Widholm, A; Becker, K. (2015). Celebrating with the celebrities: Television in public space during two royal weddings, celebrity studies, v (8), p 6-22

Instagram social network and democratization of celebrity culture among Iranian users

Abstract

Instagram is one of the most popular social networks in Iran, which in recent years has become a platform for the emergence of new celebrities. The aim of this study was to investigate the role of Instagram social network in the emergence of new celebrities and the democratization of celebrity culture among Iranian Instagram users. Many thinkers believe that today, with the advent of new technologies and technologies, virtual social networks have become a kind of network community through which people interact with each other, including the social network Instagram with all its capabilities. The rule is no exception. In this study, using the qualitative method of virtual ethnography and purposeful sampling, we have examined Three celebrities who have recently become popular among Iranian users. The results of this study show that the celebrities studied by emphasizing components such as creating their own margin and scandal, commodifying the body and beauty and emphasizing extreme consumerism have been able to find many fans among Instagram users .Proper policy-making in the field of cyberspace, especially the social network Instagram, is very important and vital, and those in charge are expected to inform the general public by creating a proper culture and increasing media literacy in this field.

Keywords: Instagram, Iranian society, celebrity, Democratization, social network

آسیب‌شناسی اجتماعی در محلات کم‌برخوردار؛ مطالعه موردی: محله انجیراب گرگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

کد مقاله: ۱۴۹۳۹

یونس پیری^۱

چکیده

موضوع مقاله، شناسایی وجود انواع گونه‌های آسیب‌های اجتماعی و میزان شیوع و مبتلابودن محله به این آسیب‌ها می‌باشد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای با حجم نمونه، ۴۰۶ نفر است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و استخراج گردیده است. جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص‌های پنج‌گانه در بین مردان و زنان از آزمون t-test و در مورد گروه‌های سنی مختلف، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است که تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. میانگین به‌دست‌آمده برای شاخص آسیب اجتماعی برابر با ۳۰/۲۸ بوده که در سطح کم قرار می‌گیرد. میانگین شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی ۱۴/۲۳ و در سطح متوسط، شاخص خشونت ۹/۸۳ و در سطح کم، میانگین شاخص آسیب جنسی ۱/۱۸ و در سطح کم و شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان برابر با ۵/۰۳ می‌باشد که در سطح کم قرار دارد. به جز شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی که به سطح متوسط نزدیک است سایر شاخص‌ها در سطح پایینی قرار دارد. توانمندسازی جامعه محلی، ارتقاء مشارکت اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی از جمله راهکارهای موثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی در این محله است

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، دارائی محلی، خشونت، آسیب جنسی، حاشیه‌نشینی.

۱- مقدمه

ساختار بی‌سازمان محله، خود زمینه ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی است. محله‌هایی که وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی دارند، عمدتاً سه ویژگی دارند: جمعیت ناهمگون، تحرک جمعیت بالا و تعلق اکثر ساکنان آنها به پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین. این شرایط مانع شکل‌گیری هنجارهای تأثیرگذار بر افراد می‌شود که نتیجه آن شکستن هنجارها و قواعد اجتماعی و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی در سطح درون محله و حتی فراتر از آن است. (پروین و همکاران، ۱۳۹۵). روند تحولات اجتماعی، قدرت سازگاری و انطباق افراد و گروه‌های اجتماعی را کاهش داده است و در این میان برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی در معرض آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین قرار دارند. پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی همواره یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان اجتماعی بوده است. برنامه‌ریزی برای کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مستلزم شناخت و تبیین این آسیب‌های اجتماعی و نیز شناخت شیوه‌های اجرایی پیشگیرانه و مزایا و چالش‌های عملی آنهاست.

از این روی در مقاله حاضر که یافته‌های حاصل از آن در ذیل برنامه‌شناسی با عنوان «ایجاد و فعالسازی دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی^۱ در محلات حاشیه‌نشین» جهت حمایت، بهسازی و توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین کشور است و به بررسی ویژگی‌ها، مسائل و مشکلات منطقه حاشیه‌نشین محله انجیراب می‌پردازد. ساختار اجرایی مقاله به گونه‌ای است که برای دستیابی به نتایج مورد نظر و انتظار، از پرسشنامه‌ای با مؤلفه‌هایی نظیر حس تعلق به مکان، میزان مشارکت رسمی و غیر رسمی، آسیب‌های حوزه کودکان، آسیب‌های حوزه زنان، آسیب‌های مرتبط با مواد مخدر، آسیب جنسی، خشونت، میزان تعاملات اجتماعی، سلامت عمومی و... استفاده شده است. یافته‌های این مقاله صرفاً در چهار حوزه مربوط با آسیب‌های حوزه کودکان، خشونت، آسیب‌های مرتبط با مواد مخدر، و آسیب جنسی متمرکز خواهد بود.

با همین نگاه کلی و جامع‌نگر به تأثیرات وجودی آسیب‌های اجتماعی در سطح ملی، می‌توان آسیب‌های اجتماعی یک جامعه کوچک‌تر با مقیاس «محله‌ای» را تبیین نمود؛ اهمیت پرداختن به این موضوع زمانی آشکار می‌گردد که جامعه هدف، محلات حاشیه‌نشین شهری باشند؛ چرا که اینگونه محلات، خود به عنوان یکی از مسائل اجتماعی حاد مبتلا به شهری مطرح هستند که منشأ بروز و وقوع بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌باشند. محله انجیراب نیز در شهر گرگان، به عنوان یکی از محلات حاشیه‌نشین شهری محسوب می‌شود که همانند سایر محلات حاشیه‌نشین دارای ویژگی‌هایی نظیر جمعیتی ناهمگن، با ساخت و سازهای غیرمجاز و غیراستاندارد، اشتغال به مشاغل غیرعادی، فقر، درآمد پایین، ظرفیت مهاجرپذیری بالا، پذیرش اتباع به بافت جمعیتی است.

۲- پیشینه تحقیق

در این بخش به مطالعات پیشین داخلی و خارجی پرداخته خواهد شد. کلیفورد شو (۲۰۱۲) در پژوهشی جرائم شهری را متأثر از مناطق خاصی در سطح شهر دانسته که ویژگی‌های حاشیه‌نشینی داشته و به «گتو» معروف هستند. یافته‌های این پژوهش عبارتند از: ۱- به طور کلی بزهکاران مناطق حاشیه از حیث ضریب هوشی و شخصیتی با بزهکاران مناطق دیگر، تفاوت معناداری ندارند. ۲- در مناطق حاشیه‌ای، سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که از طریق آنها محله‌ها، رفتار افراد را کنترل می‌کنند، به طور عمده از هم فروپاشیده‌اند. ۳- مناطق حاشیه‌ای، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی، اعمال خرابکارانه و تجاوزانه فراهم می‌کند. ۴- فعالیت‌های بزهکارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شوند (Shaw & Mckay, 2012). در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل و اثرات موثر بر حاشیه‌نشینی (۱۳۹۰)، بیشترین آسیب‌های اجتماعی در مناطق یادشده از نظر پاسخگویان شامل: اعتیاد، توزیع مواد مخدر، ولگردی، تكدی‌گری و اعمال غیر اخلاقی است. همچنین خانه‌های فساد، پارک‌ها، قهوه‌خانه‌ها، تپه‌ها و میادین خرید به ترتیب مهم‌ترین مکان‌هایی هستند که تجمع افراد خلافکار در آنها بیشتر از سایر اماکن است. (شکیبا، ۱۳۹۰). یافته‌های تحقیق عزیز (۱۳۸۷) نشان داد که متغیرهای فرهنگ بزهکاری، سرمایه اجتماعی و احساس ناامیدی دارای بیشترین تأثیر بر سوءمصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی هستند. فرهنگ بزهکاری و احساس ناامیدی باعث افزایش سوءمصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و افزایش سرمایه اجتماعی باعث کاهش آن در میان افراد میشود.

۳- مبانی نظری

آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که در قرن نوزدهم میلادی از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند. با شکلگیری و رشد جامعه‌شناسی، این اصطلاح برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار گرفته شد. مسأله مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیر باز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان

۱- دفتر تسهیل‌گری و توسعه محلی انجیراب و افسران.

برآورده شدن خواسته‌ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحرافات جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است. مجموعاً در بینش جامعه‌شناختی در تعیین انحرافات و کجروی‌ها روی چند نکته تأکید بیشتری می‌شود؛ یکی اجتماعی بودن این پدیده یعنی انحراف و جرم ... و دیگری نسبت آن است. انحرافات نسبی هستند به این دلیل که تابع زمان و مکان‌اند؛ زیرا چه بسا در زمانی ممکن است عملی قبیح و ناپه‌نجار تعریف شود در حالیکه در زمان و مکان دیگر همان عمل اینگونه تعریف نشود یا حتی پسندیده تلقی گردد (فتحی و فدوی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منبع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی، طرد اجتماعی مواجه می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۵). هرگاه در یک نظام اجتماعی، رفتاری به‌طور مشخص با هنجارهای اجتماعی تعارض پیدا کند که موجب کاهش یا از دست دادن کارایی و عملکرد مثبت فرد، خانواده یا گروه‌های اجتماعی شود، این پدیده به عنوان آسیب اجتماعی شناخته می‌شود. (کمالی، ۱۳۸۴)

در ادامه به مفهوم برخی از آسیب‌های اجتماعی اشاره می‌شود:

خشونت عمل فرد معینی است که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می‌نماید. در هر حال خشونت به رفتاری اطلاق می‌شود که دربرگیرنده سه مفهوم کلیدی زیر است ۱: ناهنجار بودن؛ ۲: ارادی بودن؛ ۳: آسیب رساندن (میرجعفری و بیابانی، ۱۳۸۷: ۳۱). محسنی تبریزی در کتاب وندالیسم، خشونت را اینگونه تعریف می‌کند: خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی می‌توان کنش و عملی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی و روانی به دیگران انجام می‌پذیرد. (همان، ۳۰). رفتارهای خشن، طیف وسیعی از کنش‌ها و واکنش‌ها را شامل می‌شود که از خشونت کلامی می‌آغازد و به فجیع‌ترین نوع جرائم خشونت‌بار نظیر قتل‌های دسته‌جمعی می‌انجامد (همان، ۲۸).

آسیب جنسی به هر تمایل و رفتار جنسی غیرطبیعی و انحرافی که به هر شیوه‌ای به سلامت جسمی، روانی و معنوی و اجتماعی فرد آسیب برساند و او را از تعالی و رشد انسانی باز دارد آسیب جنسی می‌گویند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۶۴). این نوع آسیب علاوه بر زندگی شخصی فرد، سلامت جامعه‌ای را که فرد در آن زندگی می‌کند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و ناهنجاری‌هایی را در آن ایجاد می‌کند که مانع از رشد و تعالی آن خواهد شد.

تکدی‌گری فعالیتی سازمان‌یافته است که فرد با وجود توان کار، گدایی را به کارکردن ترجیح می‌دهد (اشرف، ۱۳۸۵).

کودکان خیابانی بخشی از گروه بزرگتر «کودکان آسیب‌پذیر شهری» یا «کودکان در وضعیت دشوار» هستند. با این تفاوت که آنان دارای تماس کمتری با نهادهای اجتماعی و حمایت معمول مانند خانواده و مدرسه هستند و در جریان رشد شخصیت و جامعه‌پذیری خود، از تأثیرات و حمایت‌های این نهادهای اجتماعی، به نسبت بیشتری محروم می‌باشند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲).

۴- اهداف

یکی از اساسی‌ترین قسمت‌های هر مقاله اهداف آن است. در مقاله حاضر نیز اهداف کلی و جزئی عبارتند از:

هدف کلی: شناسایی نظر پاسخگویان در مورد آسیب‌های اجتماعی محله انجیراب می‌باشد.

اهداف جزئی: در این مقاله برخی از اهداف جزئی نیز وجود دارند که عبارتند از:

شناخت نظر پاسخگویان در رابطه با میزان خشونت در محله.

شناخت نظر پاسخگویان در رابطه با فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی در محله.

شناخت نظر پاسخگویان در رابطه با آسیب جنسی در محله.

شناخت نظر پاسخگویان در رابطه با آسیب اجتماعی حوزه کودکان.

۵- روش‌شناسی

۵-۱- روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، روش تحقیق توصیفی است که پیمایش به عنوان زیر مجموعه آن به حساب می‌آید. از آنجا که اطلاعات توسط یک نمونه تصادفی از جامعه اصلی به دست آمده و نتایج حاصله از نمونه تصادفی پس از تجزیه و تحلیل لازم به جامعه اصلی تعمیم داده می‌شوند، جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده می‌شود. از این رو، پژوهش کنونی از انواع پژوهش‌های پیمایشی نیز محسوب می‌شود. از نظر مسئله و هدف پژوهش در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

۵-۲- ابزار جمع‌آوری داده‌ها

اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر نیز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و استخراج گردیده است.

۳-۵- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در پژوهش حاضر، شامل کلیه ساکنین محله انجیراب می‌باشد که برابر با ۴۷۰۴ نفر می‌باشد. واحد تحلیل در این تحقیق «فرد» پاسخگو است و سطح تحلیل نیز «خرد» می‌باشد.

جدول ۱: توزیع جامعه و نمونه آماری

محله	جامعه آماری	نمونه آماری نهایی
انجیراب	۴۷۰۴	۴۰۶

۴-۵- روش نمونه‌گیری

به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. و با دقت احتمالی پنج درصد تعیین گردید که با عنایت به عناصر فرمول کوکران و بر مبنای محاسبات انجام گرفته و ۱۰ درصدی که به آن اضافه گشته، حجم نمونه ۴۰۶ نفر تعیین شد. در نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای عناصر نمونه اصلی طی چند مرحله انتخاب می‌شوند، یعنی انتخاب نمونه از نمونه‌ی دیگر. به همین منظور پس از تعیین حجم نمونه، به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای توأم با تصادفی سیستماتیک استفاده شد.

۵-۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تجزیه و تحلیل آمار توصیفی، محقق داده‌های جمع‌آوری شده را با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی خلاصه و طبقه‌بندی می‌کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار spss استفاده شده که دارای دو بخش توصیفی و تحلیلی بوده که برای بخش توصیفی آن از میانگین و ... و برای بخش تحلیلی آن از آزمون‌های T.test و Anova استفاده شده است. بنابراین در پژوهش حاضر برای نیل به این مقصود در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های همبستگی پیرسون، اسپیرمن، آنالیز واریانس و ... با استفاده از نرم افزار آماری spss به دست آمده است.

۶- یافته‌ها

شاخص آسیب‌های اجتماعی محله در چهار حوزه مطالعه و جمع‌بندی می‌شود:

- میزان خشونت؛
- فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی؛
- آسیب جنسی؛
- آسیب اجتماعی حوزه کودکان؛

۱-۶- شاخص خشونت

در این پژوهش شاخص خشونت با استفاده از گویه‌های زیر مورد سنجش قرار گرفته‌اند که از دید کلی تمامی این موارد کمتر از حد متوسط میانگین (۵-۰) بوده است،

- خودزنی: به خود آسیب رساندن با تیغ، چاقو و ... (میانگین: ۱/۲۶)
- خودکشی یا اقدام به خودکشی (میانگین: ۱/۱۴)
- اذیت و آزار کودکان: رها کردن، غفلت کردن، کتک زدن، فحاشی کردن (میانگین: ۱/۰۶)
- اذیت و آزار زنان: کتک زدن، ندادن خرجی، رها کردن، فحاشی کردن (میانگین: ۱/۰۲)
- اذیت و آزار سالمندان: رها کردن، بی توجهی، کتک زدن (میانگین: ۰/۸۰)
- تخریب اموال عمومی (میانگین: ۰/۸۸)
- زورگیری، چاقو کشی و قمه کشی، ضرب و جرح (میانگین: ۰/۹۲)
- نزاع‌های دسته جمعی: قومی قبیله ای، مذهبی، اوباشگری (میانگین: ۱/۳۵)
- مزاحمت‌های خیابانی برای زنان و دختران (میانگین: ۱/۴۰)

جدول ۲: شاخص خشونت

شاخص	خیلی کم (۰-۹)	کم (۹-۱۸)	متوسط (۱۸-۲۷)	زیاد (۲۷-۳۶)	خیلی زیاد (۳۶-۴۵)
خشونت	۲۶۴	۶۰	۴۱	۳۶	۵
	۶۵/۰	۱۴/۸	۱۰/۱	۸/۹	۱/۲
	میانگین (۰-۴۵)				۹/۸۳

شاخص خشونت از مجموع ۹ گویه ساخته شده و می‌توان گفت که از نظر پاسخگویان میزان خشونت در این محله به طور میانگین در سطح پایین قرار دارد. با عنایت به این نکته که میانگین شاخص خشونت (۹/۸) از ۴۵ به دست آمده و از میانگین فرضی کمتر است، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود که میزان خشونت در محله انجیراب در سطح پایینی قرار دارد. اما با توجه به مشاهدات میدانی و اظهار نظر برخی افراد اثرگذار محلی که درون و یا خارج از محله سکونت دارند، مواردی همچون خودکشی یا اقدام به خودکشی، نزاع‌های دسته‌جمعی قومی و قبیله‌ای، اذیت و آزار کودکان و زنان و مزاحمت‌های خیابانی برای دختران و زنان در مواردی به وضوح دیده می‌شود. از جمله بارزترین تبعات وجود این ناهنجاری‌های اجتماعی در محله، بی‌نظمی و احساس ناامنی است. در این رابطه، اقدامات بازدارنده مؤثر جهت کنترل و پیشگیری خشونت در جامعه محلی، آموختن شیوه‌ها و روش‌های کنترل خشم، بهبود وضعیت اقتصادی و اشتغال و ... می‌باشد. مهمترین مسئله‌ها و چالش‌ها در مورد وضع خشونت محله عبارتند از:

- ۱- افزایش چشمگیر آمار جرایم عمد و غیرعمد؛
- ۲- بی‌نظمی و احساس ناامنی؛
- ۳- اخلال در آرامش و ظهور بیماری‌های روانی.

۲-۶- شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی

مواد مخدر و مشروبات الکلی و فعالیت‌های مرتبط با آنها از دیگر آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه امروزی است که با درگیر کردن افراد مختلف سلامت روانی، جسمانی، اجتماعی و ... مردم را به خطر انداخته و علاوه بر این باعث بوجود آمدن برخی از دیگر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... شده است که به تبع آن مانع رشد و توسعه جامعه نیز می‌شود. در این پژوهش شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی با استفاده از گویه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از دید کلی در حد متوسط میانگین (۵-۰) بوده است.

- تولید مواد مخدر و روان گردان؛ (میانگین: ۲/۱)
- توزیع (فروش) مواد مخدر و روان گردان؛ (میانگین: ۲/۵۸)
- مصرف مواد مخدر و روان گردان؛ (میانگین: ۲/۶۷)
- تولید مشروبات الکلی؛ (میانگین: ۲/۲۱)
- توزیع (فروش) مشروبات الکلی؛ (میانگین: ۲/۵۱)
- مصرف مشروبات الکلی؛ (میانگین: ۲/۱۶)

جدول ۳: شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی

شاخص		خیلی کم (۰-۶)	کم (۶,۰۱-۱۲)	متوسط (۱۲,۰۱-۱۸)	زیاد (۱۸,۰۱-۲۴)	خیلی زیاد (۲۴,۰۱-۳۰)
فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی	فراوانی	۱۴۰	۲۹	۶۱	۱۳۳	۴۳
	درصد معتبر	۳۴/۵	۷/۱	۱۵/۰	۳۲/۸	۱۰/۶
	میانگین (۰ - ۳۰)	۱۴/۲۳				

میانگین کلی برای شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی ۱۴/۱ (۰-۳۰) است که در سطح متوسط قرار دارد، توجه به این نکته از چند جهت حائز اهمیت است؛ لذا با توجه به مشاهدات محقق و با استناد به اظهارات افراد اثرگذار محلی و همچنین اولویت‌بندی سه مشکل اول خود از نگاه پاسخگویان می‌توان اذعان نمود که ترتیب و اولویت‌بندی به دست آمده در خصوص انواع فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی درست و مطابق با واقعیت می‌باشد، اما شدت؛ رشد و شیوع آن، بیش از آن چیزی است که پاسخگویان بدان اظهار نموده‌اند. همه‌ی اشکال ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله سرقت، قتل، قاچاق، خودکشی، اعتیاد، فحشا و ... معلول ناسازگاری‌های اجتماعی هستند که بر روابط فرد و جامعه حاکم بوده و در مناطق کم‌برخودار نمود بیشتری می‌یابند.

مهمترین مسئله‌ها و چالش‌ها در مورد وضعیت فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی محله عبارتند از:

- ۱- شکل‌گیری و شیوع سایر ناهنجاری‌ها و جرایم در سطح محله؛
- ۲- احساس ناامنی و سطح پایین امنیت در محله
- ۳- افزایش خشونت و درگیری

۳-۶- شاخص آسیب جنسی

این نوع آسیب علاوه بر زندگی شخصی فرد، سلامت جامعه‌ای را که فرد در آن زندگی می‌کند را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش آسیب جنسی با سه گویه زیر مورد بررسی قرار گرفته شده است که از دید کلی در سطح خیلی کم (۵-۰) بوده است.

- خانه ها و مراکز فساد (میانگین: ۰/۷۸)
- روسپی گری (میانگین: ۰/۴۰)

جدول ۴: شاخص آسیب جنسی

خیلی زیاد (۸,۰۱-۱۰)	زیاد (۶,۰۱-۸)	متوسط (۴,۰۱-۶)	کم (۲,۰۱-۴)	خیلی کم (۰-۲)	شاخص	آسیب جنسی
۱	۶	۱۷	۵۷	۳۲۵	فراوانی	
۰/۲	۱/۵	۴,۲	۱۴/۱	۸۰/۰	درصد معتبر	
۱/۱۸					میانگین (۰-۱۰)	

بر اساس مقادیر میانگین به دست آمده از دو مؤلفه شاخص آسیب جنسی، همچنان که در جدول ۴، ملاحظه می‌شود میانگین این شاخص برابر با ۱/۱۸ (۰-۱۰) است که در سطح خیلی کم قرار داشته و از چندان اهمیتی برای پاسخگویان در حوزه آسیب‌های اجتماعی برخوردار نیست. با توجه به نتایج مطروحه و مشاهدات میدانی محقق و اظهارات افراد اثرگذاری که درون و خارج از محله زندگی می‌کنند، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود که وجود آسیب جنسی در محله انجیراب هر چند در سطوح پایین و در موارد معدودی قابل مشاهده است، لذا فرآیند روبه‌رشدی به خود گرفته است که نبود امنیت و کمبود گشت‌زنی نیروی انتظامی بر این موضوع تأثیرگذار بوده است.

۴-۶- شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان

کودکان آسیب دیده طیف وسیعی از کودکان را در بر می‌گیرد که زیر ۱۸ سال سن دارند و علاوه بر اینکه به نیازهای آنها توجهی نمی‌شود به گونه‌ای نیز مورد آسیب جسمی، روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و بزهکاری قرار گرفته‌اند. کودکان مذکور گاه ممکن است در درون خانواده و یا در جامعه مورد این نوع آسیب‌ها قرار گیرند. وجود این دسته از کودکان در خانواده، محله یا جامعه و عدم رسیدگی به وضعیت آنان و بهبود آن علاوه بر اینکه آینده آنان را تهدید می‌کند بلکه حضور آنان در محله و جامعه و عدم بهبود وضعیت آنان خود می‌تواند باعث بوجود آمدن برخی از آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی و برای محل زندگی آنان باشد. در این پژوهش آسیب اجتماعی حوزه کودکان را با استفاده از گویه‌های زیر مورد بررسی قرار داده‌ایم که از دید کلی در سطح خیلی کم (۰-۵) بوده است.

- ممانعت از تحصیل کودکان (میانگین: ۰/۸۷)
- کودکان کار (میانگین: ۰/۸۵)
- بزهکاری کودکان خرید و فروش مواد مخدر، سرقت (میانگین: ۰/۷۹)
- توزیع مواد توسط کودکان زیر ۱۸ سال (میانگین: ۰/۷۰)
- مصرف مواد توسط کودکان زیر ۱۸ سال (میانگین: ۰/۷۸)
- تکدی گری کودکان زیر ۱۸ سال (میانگین: ۰/۵۴)
- سوء استفاده جنسی از کودکان (میانگین: ۰/۵۱)

جدول ۵: شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان

خیلی زیاد (۳۵-۳۸)	زیاد (۲۸-۳۱)	متوسط (۱۴,۰۱-۲۱)	کم (۷,۰۱-۱۴)	خیلی کم (۰-۷)	شاخص	شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان
۱	۹	۲۸	۸۳	۲۸۵	فراوانی	
۰/۲	۲/۳	۶/۹	۲۰/۴	۷۰/۲	درصد معتبر	
۵/۰۳					میانگین (۰-۳۵)	

میانگین بدست آمده برای شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان برابر با ۴/۹ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که با توجه به نظر پاسخگویان میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان در این محله به طور میانگین در سطح پایین قرار دارد. اما با توجه به مشاهدات محقق و اظهارات افراد اثرگذار درون و خارج از محله انجیراب، در مجموع می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود که به مراتب میانگین آسیب جنسی حوزه کودکان، خصوصاً در زمینه ممانعت از تحصیل، کودکان کار و تکدی‌گری بیش از آن چیزی است که پاسخگویان به آن اشاره نموده‌اند.

مهمترین مسئله‌ها و چالش‌ها در مورد وضع آسیب اجتماعی حوزه کودکان محله عبارتند از:

- ۱- آسیب جنسی کودکان؛

۲- ممانعت از تحصیل کودکان؛

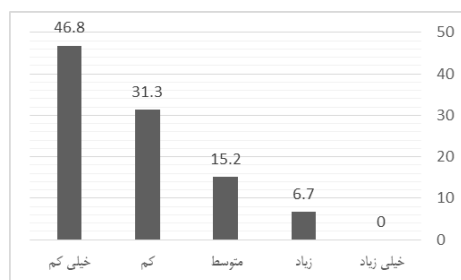
۳- کودکان کار و تکی‌گر.

۵-۶- شاخص آسیب اجتماعی

آسیب اجتماعی از مجموع گویه‌های مربوط به خشونت، فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی، آسیب جنسی و آسیب اجتماعی حوزه کودکان ساخته شده است.

جدول ۶: شاخص آسیب اجتماعی

شاخص	خیلی کم (۰-۲۴)	کم (۲۴,۰۱-۴۸)	متوسط (۴۸,۰۱-۷۲)	زیاد (۷۲,۰۱-۹۶)	خیلی زیاد (۹۶,۰۱-۱۲۰)
فراوانی	۱۹۰	۱۲۷	۶۲	۲۷	۰
درصد معتبر	۴۶/۸	۳۱/۳	۱۵/۲	۶/۷	۰
میانگین (۰-۱۲۰)	۳۰/۲۸				



نمودار شماره ۱: شاخص آسیب اجتماعی محله انجیراب

میانگین به‌دست‌آمده برای شاخص آسیب اجتماعی برابر با ۳۰/۲۸ بوده که در سطح کم قرار می‌گیرد. میانگین بدست آمده در محله انجیراب برای شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی برابر با ۱۴/۲۳ می‌باشد که از نظر پاسخگویان میزان خشونت در این محله در سطح متوسط قرار دارد. میانگین شاخص خشونت برابر با ۹/۸۳ می‌باشد، که در سطح کم قرار دارد؛ شاخص آسیب جنسی برابر با ۱/۱۸ می‌باشد، که در سطح کم قرار دارد؛ و در نهایت شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان برابر با ۵/۰۳ می‌باشد که در سطح کم قرار دارد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی بجز شاخص مواد مخدر و مشروبات الکلی که به سطح متوسط نزدیک است، سایر شاخص‌ها در سطح پایینی قرار دارد.

مهمترین مسئله‌ها و چالش‌ها در مورد وضع آسیب اجتماعی محله عبارتند از:

۱- فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی؛

۲- خشونت.

۶-۶- رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با آسیب اجتماعی و ابعاد آن

در این پژوهش متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت فعالیت، تعلق خاطر، وضعیت مالکیت واحد مسکونی، قومیت، هزینه ماهیانه خانوار، درآمد ماهیانه خانوار و مدت اقامت می‌باشد. شاخص آسیب اجتماعی نیز دارای چهار زیر مجموعه (خشونت، فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی، آسیب جنسی و آسیب اجتماعی حوزه کودکان) است که هر کدام از زیرمجموعه‌های آن با استفاده از گویه‌هایی سنجیده شده‌اند و ما برای ساختن شاخص آسیب اجتماعی از تمامی گویه‌های آنها استفاده کرده‌ایم. در این بخش از گزارش از بین متغیرهای زمینه‌ای دو متغیر جنس و سن انتخاب شده و به بررسی تفاوت میانگین آسیب اجتماعی و هر یک از ابعاد آن (خشونت، فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی، آسیب جنسی و آسیب اجتماعی حوزه کودکان) بر حسب گروه‌های جنسی و سنی پرداخته شده است.

۶-۶-۱- تفاوت میانگین شاخص خشونت در محله انجیراب از دیدگاه زنان و مردان

جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص خشونت از نظر زنان و مردان از آزمون t-test استفاده شده است. جهت بررسی معنادار بودن و یا نبودن تفاوت میانگین شاخص خشونت از نظر دو گروه مردان و زنان می‌توان گفت از آنجا که سطح معنی‌داری مربوط به آزمون لون بزرگتر از ۰/۰۵ بوده، لذا از مقدار t و سطح معنی‌داری مربوط به شرط برابری واریانس‌ها استفاده شده است و می‌توان گفت که بین نظر زنان و مردان در رابطه با میانگین شاخص خشونت تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. لازم به ذکر است که مقدار آماره t نیز برابر با ۱/۲۶ می‌باشد. می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود که از نگاه هر دو گروه مردان و زنان، میزان خشونت در محله انجیراب متفاوت و معنادار نمی‌باشد. این امر بدان معناست که هر دو گروه مردان و زنان، نسبت به وجود و میزان خشونت در محله، نظرات مشابه و یا حداقل، نزدیک به هم داشته‌اند، که این همسانی به‌ویژه در نظرات زنان می‌تواند به دلیل ترس از اظهارنظر درباره این مسائل و تابو دانستن این مسائل در این محله باشد، چرا که ساختار خانوادگی پدرسالار و ارزش‌های مردم‌محور اجازه چندان به زنان جهت بیان این موارد را نمی‌دهد.

جدول ۷: بررسی تفاوت میانگین شاخص خشونت از دیدگاه زنان و مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	آماره t	sig
خشونت	زن	۲۰۴	۱۰/۴۰	۱/۲۶	۰/۲۱
	مرد	۲۰۲	۹/۱۸		

۶-۲- تفاوت میانگین شاخص خشونت در محله انجیراب از دیدگاه گروه‌های سنی مختلف

جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص خشونت در بین گروه‌های سنی مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. میانگین شاخص خشونت از نظر افراد در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر متفاوت بوده ولی با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده برای آزمون مذکور (بزرگتر) از ۰/۰۵ است می‌توان گفت که تفاوت میانگین شاخص خشونت در بین گروه‌های سنی مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و ممکن است تفاوت مشاهده شده ناشی از شانس و تصادف باشد. از مقایسه مقادیر میانگین شاخص خشونت در هر یک از گروه‌های ششگانه سنی با مقدار آماره آزمون (۱/۲۳) و سطح معنی‌داری (۰/۲۹) می‌توان این چنین نتیجه‌گیری نمود که تفاوت معناداری از نظر میزان خشونت در محله انجیراب، از نظر پاسخگویان در گروه‌های سنی مختلف وجود ندارد؛ چرا که این افراد از خدمات شهری بهره‌ی کمتری برده و کمتر در محور برنامه‌های حمایتی دولت قرار دارند؛ فقر، مسکن مناسب، مسائل بهداشتی، عرضه خدمات درمانی در زمره‌ی مسائل پر اهمیت برای این گروه‌های سنی است.

جدول ۸: بررسی تفاوت میانگین شاخص خشونت از دیدگاه گروه‌های سنی مختلف

متغیر	گروه‌های سنی	میانگین خشونت	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	sig
خشونت	۱۵-۲۴ سال	۹/۸۰	۱۰/۴۰	۱/۲۳	۰/۲۹
	۲۵-۳۴ سال	۱۰/۳۶	۱۱/۰۵		
	۳۵-۴۴ سال	۹/۹۰	۱۱/۲۴		
	۴۵-۵۴ سال	۱۰/۸۶	۱۰/۳۰		
	۵۵-۶۴ سال	۵/۲۰	۵/۳۴		
	۶۵ سال و بالاتر	۹/۶۸	۹/۹۰		

۶-۳- تفاوت میانگین شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی در محله

انجیراب از دیدگاه زنان و مردان

جهت بررسی معنادار بودن و یا نبودن تفاوت میانگین می‌توان گفت از آنجا که سطح معنی‌داری مربوط به آزمون لون بزرگتر از ۰/۰۵ بوده لذا از مقدار t و سطح معنی‌داری مربوط به شرط برابری واریانس‌ها استفاده شده است. در شرط برابری واریانس‌ها نیز از آنجا که سطح معنی‌داری بدست آمده بیشتر از ۰/۰۵ است لذا می‌توان گفت که بین نظر زنان و مردان در رابطه با میانگین شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی تفاوت آماری معناداری وجود ندارد لازم به ذکر است که مقدار آماره t نیز برابر با ۰/۵۳ می‌باشد.

از نگاه هر دو گروه مردان و زنان، میزان فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی در محله انجیراب متفاوت و معنادار نمی‌باشد. این امر بدان معناست که هر دو گروه مردان و زنان، نسبت به وجود و میزان فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی در محله، نظرات مشابه و یا حداقل، نزدیک به هم داشته‌اند. در محله انجیراب به دلیل نوع نگاه منفی به این گونه مسائل هم از جانب مردان و هم زنان، میزان پایداری از اینگونه فعالیت‌ها وجود دارد، هر چند که نمی‌توان منکر وجود اینگونه آسیب‌ها در محله شد، از طرف دیگر، به دلیل نسبت‌های فامیلی متوالی با یکدیگر، اکثریت پاسخگویان نسبت به ابراز دقیق نظرات خود در باب این موضوعات، دچار شک و تردید می‌شوند.

جدول ۹: بررسی تفاوت میانگین شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی از نظر زنان و مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی	آماره t	sig
فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی	زن	۲۰۴	۱۴/۴۸	۰/۵۳	۰/۵۹
	مرد	۲۰۲	۱۳/۹۸		

۶-۴- تفاوت میانگین شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی در محله

انجیراب از دیدگاه افراد در گروه‌های سنی مختلف

جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین گروه‌های سنی مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است که با توجه به یافته‌های پژوهش میانگین شاخص از نظر افراد در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و در جدول زیر قابل مشاهده است؛ با این وجود، این میزان در بین گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله، ۲۴-۳۴ ساله و ۳۴-۴۴ ساله و بالاتر، بالاتر از سایر گروه‌های سنی است ولی با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده برای آزمون مذکور (بزرگتر) از ۰/۰۵ است می‌توان گفت که تفاوت میانگین شاخص خشونت در بین گروه‌های سنی مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و تفاوت مشاهده شده ممکن است ناشی از شانس و تصادف باشد. اختلاف نسلی و اختلاف سلیقه‌ها عاملی تاثیرگذار در شکل‌گیری دیدگاه افراد در باب مسائل مختلف است.

جدول ۱۰: بررسی تفاوت میانگین شاخص فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی از دیدگاه افراد در

گروه‌های سنی مختلف

متغیر	گروه‌های سنی	میانگین فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	sig
فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر و مشروبات الکلی	سال ۱۵-۲۴	۱۴/۴۹	۹/۱۱	۱/۸۵	۰/۰۹
	سال ۲۵-۳۴	۱۳/۰۴	۱۰/۲۱		
	سال ۳۵-۴۴	۱۱/۵۸	۹/۴۶		
	سال ۴۵-۵۴	۱۵/۹۲	۱۰/۰۴		
	سال ۵۵-۶۴	۱۱/۶۵	۸/۷۹		
	سال ۶۵ و بالاتر	۱۴/۲۳	۹/۵۲		

۶-۵- تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی در محله انجیراب از دیدگاه زنان و مردان

جهت بررسی معنادار بودن و یا نبودن تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی از نظر دو گروه مردان و زنان می‌توان گفت از آنجا که سطح معنی‌داری مربوط به آزمون لون بزرگتر از ۰/۰۵ بوده لذا از مقدار t و سطح معنی‌داری مربوط به شرط برابری واریانس‌ها استفاده شده است. در شرط برابری واریانس‌ها نیز از آنجا که سطح معنی‌داری بدست آمده بیشتر از ۰/۰۵ است لذا می‌توان گفت که بین نظر زنان و مردان در رابطه با میانگین شاخص آسیب جنسی تفاوت آماری معناداری وجود ندارد لازم به ذکر است که مقدار آماره t نیز برابر با ۰/۷۸ می‌باشد.

از نگاه هر دو گروه مردان و زنان، میزان آسیب جنسی در محله انجیراب متفاوت و معنادار نمی‌باشد. این امر بدان معناست که هر دو گروه مردان و زنان، نسبت به وجود و میزان آسیب جنسی در محله، نظرات مشابه و یا حداقل، نزدیک به هم داشته‌اند.

جدول ۱۱: بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی در محله انجیراب از دیدگاه زنان و مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین آسیب جنسی	آماره t	sig
آسیب جنسی	مرد	۲۰۲	۱/۱۱	۰/۷۸	۰/۴۳
	زن	۲۰۴	۱/۲۴		

۶-۶- تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی در محله انجیراب از دیدگاه گروه‌های

سنی مختلف

جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی در بین گروه‌های سنی مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین شاخص آسیب جنسی از نظر افراد در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر متفاوت است و در جدول زیر قابل مشاهده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده برای آزمون مذکور (بزرگتر) از ۰/۰۵ است می‌توان گفت که تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی در بین گروه‌های سنی مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و تفاوت مشاهده شده ناشی از شانس و تصادف می‌باشد.

یکی از دلایل معنادار نشدن تفاوت میانگین، به تابو بودن این مسائل و نوع انگاره‌های سنتی نسبت به این مسائل در محله چه در بین زنان و مردان و چه گروه‌های سنی مرتبط می‌باشد. مردان و زنان به شدت به انگاره‌های سنتی و مذهبی باورداشته و نوع نگاه این افراد به این مسائل مشابه می‌باشد.

جدول ۱۲: بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب جنسی از دیدگاه افراد در گروه‌های سنی مختلف

متغیر	گروه‌های سنی	میانگین آسیب جنسی	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	sig
آسیب جنسی	۱۵-۲۴ سال	۱/۲۶	۱/۸۷	۰/۸۲	۰/۵۳
	۲۵-۳۴ سال	۱/۳۷	۱/۹۱		
	۳۵-۴۴ سال	۱/۰۹	۱/۵۳		
	۴۵-۵۴ سال	۱/۳۰	۱/۹۶		
	۵۵-۶۴ سال	۰/۶۴	۱/۲۲		
	۶۵ سال و بالاتر	۱/۰۷	۱/۵۶		

۶-۶-۷- تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان در محله انجیراب از دیدگاه زنان

و مردان

همانطور که در جدول ۱۳ مشخص است، میانگین بدست آمده برای زنان برابر با ۵/۰۹ و برای مردان برابر با ۴/۹۸ می‌باشد، حال جهت بررسی معنادار بودن و یا نبودن تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان از نظر دو گروه مردان و زنان می‌توان گفت از آنجا که سطح معنی‌داری مربوط به آزمون لون بزرگتر از ۰/۰۵ بوده لذا از مقدار t و سطح معنی‌داری مربوط به شرط برابری واریانس‌ها استفاده شده است. در شرط برابری واریانس‌ها نیز از آنجا که سطح معنی‌داری بدست آمده بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا می‌توان گفت که بین نظر زنان و مردان در رابطه با میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

از نگاه هر دو گروه مردان و زنان، میزان آسیب اجتماعی حوزه کودکان در محله انجیراب متفاوت و معنادار نمی‌باشد. این امر بدان معناست که هر دو گروه مردان و زنان، نسبت به وجود و میزان آسیب اجتماعی حوزه کودکان در محله، نظرات مشابه و یا حداقل، نزدیک به هم داشته‌اند. مشاهدات میدانی محقق و اظهار نظر برخی افراد اثرگذار محلی، مواردی همچون ممانعت از تحصیل کودکان، کودکان کار و تکدی‌گری کودکان را به وضوح تایید می‌کند.

جدول ۱۳: بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان از دیدگاه زنان و مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین آسیب اجتماعی حوزه کودکان	آماره t	sig
آسیب اجتماعی حوزه کودکان	مرد	۲۰۲	۴/۹۸	۰/۱۸	۰/۸۶
	زن	۲۰۴	۵/۰۹		

۶-۶-۸- تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان در محله انجیراب از دیدگاه افراد

با گروه‌های سنی مختلف

جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان در بین گروه‌های سنی مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است که با توجه به یافته‌های پژوهش میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان از نظر افراد در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر متفاوت است ولی با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده برای آزمون مذکور بزرگتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان در بین گروه‌های سنی مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول ۱۴: بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی حوزه کودکان از دیدگاه افراد در گروه‌های سنی مختلف

متغیر	گروه‌های سنی	میانگین آسیب اجتماعی حوزه کودکان	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	sig
آسیب اجتماعی حوزه کودکان	۱۵-۲۴ سال	۵/۶۱	۷/۱۷	۱/۹۱	۰/۹۲
	۲۵-۳۴ سال	۶/۱۹	۷/۲۸		
	۳۵-۴۴ سال	۳/۲۲	۳/۶۴		
	۴۵-۵۴ سال	۵/۶۴	۶/۴۰		
	۵۵-۶۴ سال	۴/۰۸	۵/۴۷		
	۶۵ سال و بالاتر	۴/۴۲	۴/۹۳		

با مقایسه مقادیر میانگین هر یک از گروه‌های ششگانه سنی، مقدار آماره آزمون (۱/۹۱) و سطح معناداری (۰/۹۲)، می‌توان این‌چنین نتیجه‌گیری نمود که تفاوت معناداری از نظر میزان آسیب اجتماعی حوزه کودکان در محله انجیراب، از نظر پاسخگویان در

گروه‌های سنی مختلف وجود ندارد. در محلات کم‌برخوردار مانند انجیرآب، مسائل مربوط به حوزه کودکان از درجه سوم و چهارم اهمیت برخوردار است، چرا که فقر، مسکن، اعتیاد هستند که عمده دغدغه ذهنی و توجه والدین و گروه‌های سنی را به خود جلب کرده و موجب توجه کم‌تر به کودکان و آسیب‌های آنان می‌شود.

۹-۶-۶- تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی در محله انجیرآب از دیدگاه زنان و مردان

همانطور که در جدول ۱۵ مشخص است میانگین بدست آمده برای شاخص خشونت با توجه به نظر زنان برابر با ۳۱/۳۶ و با توجه به نظر مردان برابر با ۲۹/۲۰ می‌باشد. حال جهت بررسی معنادار بودن و یا نبودن تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی از نظر دو گروه مردان و زنان می‌توان گفت از آنجا که سطح معنی‌داری مربوط به آزمون لون بزرگتر از ۰/۰۵ بوده لذا از مقدار t و سطح معنی‌داری مربوط به شرط برابری واریانس‌ها استفاده شده است. در شرط برابری واریانس‌ها نیز از آنجا که سطح معنی‌داری بدست آمده بیشتر از ۰/۰۵ است لذا می‌توان گفت که بین نظر زنان و مردان در رابطه با میانگین شاخص آسیب اجتماعی تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. لازم به ذکر است که مقدار آماره t نیز برابر با ۰/۹۲ می‌باشد. ناپسامانی‌های اجتماعی- اقتصادی چون: فقر، تورم، گرانی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث محرومیت در چنین محلات کم‌برخوردار می‌شوند، زمینه مساعدی را برای انواع مختلف آسیب اجتماعی فراهم کرده و به دلیل تاثیر یکسانی که بر مردان و زنان گذاشته (به دلیل وابستگی شدید زنان به مردان) باعث شده تا در هر دو گروه مردان و زنان، نسبت به وجود و میزان انواع آسیب اجتماعی در محله، نظرات مشابه و یا حداقل، نزدیک به هم داشته باشند.

جدول ۱۵: بررسی تفاوت میانگین شاخص میزان آسیب اجتماعی از دیدگاه زنان و مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	آماره t	sig
آسیب اجتماعی	مرد	۲۰۲	۲۹/۲۰	۰/۹۲	۰/۳۵
	زن	۲۰۴	۳۱/۳۶		

۱۰-۶-۶- تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی در محله انجیرآب از دیدگاه گروه‌های سنی مختلف

جهت بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی در بین گروه‌های سنی مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است که با توجه به یافته‌های پژوهش میانگین شاخص آسیب اجتماعی از نظر افراد در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر متفاوت است، ولی با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده برای آزمون مذکور (بزرگتر از ۰/۰۵) است، می‌توان گفت که تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی در بین گروه‌های سنی مختلف به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. یکی از دلایل چنین نتیجه‌گیری به فرسایش سرمایه اجتماعی و وجود انواع آسیب‌های اجتماعی برمی‌گردد که در این محلات حاشیه نشین مستلزم توجه مسئولین مربوطه بوده ولی عدم توجه کافی به نحوی سبب انباشت این مسائل اجتماعی شده و باعث شده تا مردم این محله که ترکیبی از چند قومیت هستند، به نوعی عادی‌سازی و هم‌زیستی با این معضلات و بحران‌ها روی آورده و تفاوتی معنی‌دار در بین افراد گروه‌های سنی مختلف، مشاهده نشود، از طرف دیگر، وجود دغدغه‌های مختلف ذهنی، اقتصادی، اجتماعی، روانی نیز سبب شده تا افراد به نوعی واپس‌گرایی از مسئولیت‌های اجتماعی روی آورده و اهمیت یا عدم اهمیت چنین آسیب‌هایی در سطح محله و اجتماع برای افراد مختلف یکسان شود.

جدول ۱۶: بررسی تفاوت میانگین شاخص آسیب اجتماعی از دیدگاه افراد در گروه‌های سنی مختلف

متغیر	گروه‌های سنی	میانگین آسیب اجتماعی	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	sig
آسیب اجتماعی	۱۵-۲۴ سال	۳۱/۲۰	۲۴/۳۸	۱/۴۳	۰/۲۱
	۲۵-۳۴ سال	۳۱/۰۰	۲۷/۶۸		
	۳۵-۴۴ سال	۲۵/۷۹	۲۱/۴۱		
	۴۵-۵۴ سال	۳۳/۷۲	۲۴/۳۴		
	۵۵-۶۴ سال	۲۱/۵۷	۱۷/۱۴		
	۶۵ سال و بالاتر	۳۰/۴۷	۲۱/۲۵		

۷- جمع‌بندی، تبیین مسئله‌ها و دارایی‌های مرتبط با حوزه آسیب‌های اجتماعی

محله انجیراب گرگان جمعیتی در حدود پنج هزار نفر داشته و نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از اتباع افغان را که فاقد هرگونه مدارک هویتی هستند، پذیرا می‌باشد. سطح برخورداری از امکانات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی در این محله در سطح ابتدایی بوده و فاقد هرگونه سرانه فرهنگی و ورزشی است. چهار مورد از شاخصه‌های آسیب اجتماعی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت که در زمینه آسیب مواد مخدر و مشروبات الکلی در حد متوسط قرار داشت. در زمینه آسیب خشونت هر چند در سطح کم گزارش شد، ولی مشاهدات گویای آثار پرنرنگ آن در سطح محله است، خودکشی، تخریب اموال عمومی، زورگیری به راحتی مشاهده می‌گردد. آسیب جنسی و فراگیر شدن آن در این محله در سطح خیلی کم برآورد شده است. در خصوص آسیب اجتماعی حوزه کودکان، کلیه موارد در سطح کم برآورد شده است که تا حد زیادی با واقعیات در سطح محله سنخیت داشته ولی تعداد کودکان کار، به دلیل نبود مدرسه ابتدایی و زیرساخت‌های آموزشی و فرستادن کودکان به مشاغل یدی جهت کسب درآمد، تبدیل به نوعی هنجار و ارزش شده است که در صورت عدم پیگیری نهادهای مسئول، شاهد شکل‌گیری موج مخربی از آسیب‌های اجتماعی مورد ذکر، در آینده‌ای نه چندان دور خواهیم بود. بر اساس مطالب فوق و مشاهدات صورت گرفته توسط محقق طی دو سال حضور در محله و گفت‌وگوهای متعدد با مردم و معتمدان که گاهی تبدیل به مصاحبه‌هایی عمیق و ساختارنیافته شده است، می‌توان مسئله‌های کلیدی و دارایی‌های قابل استفاده برای بهبود وضعیت حوزه آسیب اجتماعی در محله را به شرح زیر دانست:

گره‌ها که شامل: اعتیاد به مواد مخدر سنتی و صنعتی (جوانان، سرپرستان خانوار)، حضور و فعالیت توزیع کنندگان مواد مخدر و مشروبات الکلی در محله، نزاع‌های بین قومی، کودکان کار و تکی‌گر، بزهکاری کودکان و نوجوانان، اذیت و آزار کودکان و همسر، خودکشی (بالا بودن نرخ خودکشی جوانان)، ازدواج دختران در سنین پایین و ممانعت از تحصیل کودکان، اعتیاد والد یا والدین که یکی از مهم‌ترین دلایل خشونت خانگی علیه همسر و فرزند است، اعتیاد ناشی از فقر اقتصادی و فرهنگی در میان ساکنان، فروش مواد مخدر برای تأمین هزینه‌های زندگی، کودکان کار و تکی‌گر و شروع بسیاری از بزهکاری‌ها و جرایم، ازدواج (به بیان صحیح‌تر، فروش دختران) در سنین پایین به دلیل اعتیاد والد یا والدین، وجود نزاع‌های دسته‌جمعی و اغلب بین قومی ناشی از فروش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی است. دارایی‌های قابل استفاده جهت بهبود این وضعیت و کاهش آسیب‌های محله شامل: افراد (افراد اثرگذار محلی، افراد علاقمند و دغدغه‌مند محلی (هیئت امناء، اعضای بسیج، شورایار)، نهادهای (بهریستی، آموزش و پرورش، اساتید دانشگاه، نیروی انتظامی)، انجمن‌ها (پایگاه بسیج)، برپایی و برگزاری فعالیت‌ها و برنامه‌های مشترک فرهنگی با نهادهای و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و ایجاد تمایل برای ساکنین برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با موضوع است.

منابع

۱. اشرف، احمد، (۱۳۸۵)، «مسائل اجتماعی و آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران: انتشارات آموزشگاه عالی خدمات.
۲. امیری، مجتبی؛ پورموسوی، سیدموسی؛ صادقی، منصوره (۱۳۹۲)، «مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره پنجم.
۳. پروین، ستار؛ درویشی‌فرد، علی‌اصغر و کاظمی، قباد (۱۳۹۵)، بی‌سازمانی اجتماعی و آسیب‌های پنهان شهری (مطالعه موردی: محله هرنیدی)، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، دوره ۲۳، شماره ۱.
۴. شکبیا، زهره (۱۳۹۰)، بررسی عوامل و اثرات موثر بر حاشیه‌نشینی در شهرستان اندیمشک، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
۵. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات دومین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: آگه.
۶. عزیزی، جلیل، (۱۳۸۷)، «فقر اقتصادی و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان شهر تهران و شمیرانات با استفاده از تکنیک تحلیل عامل»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۹، صص ۷۱-۹۰.
۷. فتحی، سروش و جمیله، فدوی (۱۳۹۱). تحلیلی بر آسیب‌های اجتماعی جوانان طی سال‌های ۸۷-۱۳۷۸، Quarterly of Sociological Studies of Youth، شماره هشتم، صص ۱۴۴-۱۲۱.
۸. کمالی، عادل، (۱۳۸۴)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی»، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۹. مقدادی، محمد مهدی و مریم، جوادپور (۱۳۹۶). پیشگیری از آسیب‌های جنسی کودکان در اسلام، اخلاق زیستی، شماره بیست و سوم، صص ۷۷-۶۲.
۱۰. میرجعفری، امیر و غلامحسین، بیابانی (۱۳۸۷). درآمدی بر خشونت و جرائم خشونت بار، فصلنامه علمی کارگاه، شماره دوم، صص ۴۴-۲۸.

11. shaw, Clifford R, McKay, Henry D., (2012), the social disorganization theory center for spatially integrated social sciense, Retrieved from: www.csiss.org/calssics/content/66.



فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۵ (پیاپی: ۱۸)، زمستان ۱۴۰۰، جلد یک

کودکان کار و تحصیل مدرسه‌زدایی شده؛ بررسی جامعه‌شناختی مدرسه کودکان کار صبح رویش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

کد مقاله: ۲۱۸۲۷

علیرضا اسکندری نژاد^۱

چکیده

مطالعه حاضر که بر اساس روش تحلیل اسنادی صورت گرفته است، ساختار و الگوی آموزشی مدرسه کودکان کار صبح رویش واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران را بر اساس نظریه مدرسه‌زدایی از جامعه که ایوان ایلچ مطرح کرده است، تحلیل می‌کند. بر اساس تحلیل انجام‌شده، این مدرسه در برخی از جنبه‌ها نظیر تأکید بر آموزش غیررسمی، تأکید بر منعطف بودن محیط مدرسه و تأکید بر سنجش کیفی به جای سنجش کمی به نظریه ایلچ نزدیک می‌شود اما در برخی دیگر از جنبه‌ها همچنان درگیر برنامه‌های رایج و صلب آموزش رسمی است.

واژگان کلیدی: کودکان کار، مدرسه‌زدایی، ایوان ایلچ، آموزش و پرورش

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. anezhad@gmail.com

۱- مقدمه

چند دهه‌ای است که مسئله کار کودکی و کودکان کار به یکی از مسائل اصلی جامعه ایرانی بدل شده است. پژوهشگران بسیاری از جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و غیره به موضوع کودکان کار پرداخته‌اند اما یکی از مسائلی که در خلال این پژوهش‌های کثیر به آن توجه اندکی شده است، مسئله آموزش و تحصیل کودکان کار است. این پژوهش در نظر دارد تا با مطالعه جامعه‌شناختی یکی از سازمان‌های ارائه‌دهنده آموزش به کودکان کار، کیفیت آموزش و تحصیل کودکان کار منطقه دروازه غار را بسنجد. به باور بسیاری، یکی از مهم‌ترین راه‌های اجتماعی‌شدن مجدد گروه‌های جمعیتی، آموزش آنهاست. بنابراین به نظر می‌رسد که مطالعه کودکان کار از منظر کیفیت و نحوه آموزش که می‌بینند اهمیت بسیار زیادی در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی دارد. از این رو، مطالعه حاضر از منظر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به مسئله کودکان کار ورود پیدا می‌کند. یکی از نظریه‌پردازان برجسته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ایوان ایلچ است. او در دهه ۷۰ مجموعه‌ای از اندیشه‌ها را بسط داد که بعدها تحت عنوان رویکرد انتقادی در آموزش و پرورش شناخته شد. یکی از تأثیرگذارترین آثار او، کتاب «مدرسه‌زدایی از جامعه» است که در سال ۱۹۷۱ منتشر شده است. ایلچ در این کتاب، مؤلفه‌هایی را برای گذار از مدرسه و تحصیل مدرسه‌زده ارائه می‌کند. به باور او، جوامع صرفاً با گذار از فرم مدرسه می‌توانند دانش واقعی و انتقادی را به نسل‌های جدید منتقل کنند. او عناصر مختلفی را مطرح می‌کند که به باور او مدارس آنها را نهادینه کرده‌اند؛ عناصری مانند نمره به‌عنوان سنج دانش، قدسی‌بودن معلم و مدرسه، طبقاتی‌بودن آموزش و غیره (ایلچ، ۲۰۱۹).

مطالعه حاضر بنا دارد تا با تکیه بر روش اسنادی، یکی از مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات آموزشی به کودکان کار منطقه دروازه غار تهران را مورد بررسی قرار دهد. در این مطالعه که با رهیافت تفسیری انجام می‌شود، مفاهیم حساسی که از نظریه ایوان ایلچ استخراج شده است مورد نظر قرار می‌گیرد: مفاهیمی نظیر اهمیت مدرسه به نمره به‌مثابه ابزار سنجش علم، جایگاه معلم و دانش‌آموزان در سلسله مراتب مدرسه، توجه مدرسه به آموزش غیررسمی، توجه مدرسه به شبکه‌های یادگیری و یادگیری از پایین به بالا. تلاش شده است تا با بررسی و تفسیر اسناد مرتبط با آموزش این مؤسسه، نکات فوق مورد مذاقه و بررسی قرار بگیرند. بسیاری از پژوهشگران و متخصصان کودک کار را فردی می‌دانند که زیر سن قانونی ۱۸ سال قرار دارد و برای دریافت حقوق خارج از منزل کار می‌کند (حسینی، ۱۳۸۴). مقوله‌بندی‌های متفاوتی از کودکان کار و کودکان خیابانی ارائه شده است. این پژوهش، نهاد آموزشی آن دسته از کودکان کاری را بررسی می‌کند که همچنان به خانواده خود متصل هستند و برای امرار معاش و کمک به خانواده‌شان به اشتغال پرداخته‌اند. از این نظر، پژوهش حاضر کودکان خیابانی که بنا به تعریف ارتباطی با خانواده خود ندارند یا با نهادهای مدنی کمتر در ارتباط هستند را بررسی نمی‌کند. از طرفی پژوهش حاضر در پی مطالعه الگوی آموزشی خاص مدرسه کودکان کار صبح رویش است. منظور از الگوی آموزشی به باور بسیاری شیوه‌های آموزشی، خط مشی‌ها، خطوط قرمز، اصول سازمانی، اصول یادگیری، اصول طرح درس نویسی و هر آن چیزی است که بر شیوه‌ها و استراتژی‌های آموزشی تأکید دارد (پدرسون و دیگی، ۱۹۹۵).

۲- پیشینه پژوهشی

در ارتباط با سازمان‌های آموزشی مرتبط با کودکان کار در ایران پژوهش‌های انگشت‌شماری صورت گرفته است و توجه بسیار کمی نسبت به الگوهای آموزشی این گونه سازمان‌ها وجود داشته. از سوی دیگر پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش تقریباً هیچ اعتنایی نسبت به نظریه ایلچ درباره مدرسه‌زدایی از جامعه و نسبت آن با الگوهای آموزشی مدارس ایران نداشته‌اند. با این حال، در این قسمت تلاش شده است تا مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در ارتباط با آموزش کودکان کار صورت گرفته است، بررسی شوند. شکوری (۱۳۹۳) در یک بررسی کمی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران را در توان‌مندسازی کودکان کار بررسی کرده است. در این پژوهش که جامعه آماری آن را کودکان کار تحت پوشش سازمان‌های مردم‌نهاد منطقه ۱۲ تشکیل می‌دهند، پس از بررسی‌ها این نتیجه حاصل شد که کودکان کار نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در تحصیل و توان‌مندسازی خود بسیار پررنگ ارزیابی می‌کنند و از نظر آنها، این سازمان‌ها توانسته‌اند که نقش خود را تا حد زیادی ایفا کنند. شهرکی و قادری (۱۳۹۴) نیز در یک مطالعه کمی نسبت تصمیم به اشتغال کودکان کار را با تحصیلشان سنجیدند. بر اساس پژوهش آنها، که منتج از تحلیل یک نمونه تقریباً ۱۴۰۰۰ نفری است، افزایش تمایل کودکان کار پسر نسبت به تحصیل آنها را بیشتر از دختران نسبت به کار دلسرد می‌کند و عدم تحصیل آنها نیز شانس کار کردنشان را بیش از دختران افزایش می‌دهد. علاوه بر اینها، احتمال ترک تحصیل کودکان پسر بیشتر از دختران است.

سایر پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص آموزش و تحصیل کودکان کار در حوزه روان‌شناسی صورت گرفته است و مهم‌ترین آنها تشریح خواهد شد. علیزاده فرد و سرائی (۱۳۹۸) یک پژوهش نیمه‌آزمایشی را با استفاده از ۲۰ نمونه به انجام رساندند تا اثربخشی آموزش تغییر درک زمان را بر کاهش نشانه‌ها اضطراب و افزایش خودکارآمدی کودکان کار بسنجند. بر اساس نتایج پژوهش آنها می‌توان ادعا کرد که آموزش تغییر درک زمان به میزان معناداری بر کاهش نشانه‌های اضطراب و افزایش خودکارآمدی کودکان کار تأثیر می‌گذارد. در پژوهش دیگری، فتعی آذر و همکاران (۱۳۹۸) در یک مطالعه نیمه‌آزمایشی اثربخشی

برنامه‌های آموزش فلسفه برای کودکان را در ارتباط با خودتنظیمی هیجانی کودکان کار سنجیدند. آنها بر اساس مطالعه‌ای که روی ۳۶ نمونه داشتند به این نتیجه رسیدند که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، پنهان‌کاری کودکان کار را کاهش می‌دهد و سازش‌کاری و تحمل آنان را افزایش می‌دهد. سیادت و جدیدی (۱۳۹۴) نیز در یک مطالعه تماماً آزمایشی و بر اساس مطالعه نمونه‌ای ۱۲۵ نفری به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان کار، عزت نفس آنها را افزایش می‌دهد و ابعاد هویت آنها را وسیع‌تر می‌سازد.

در ارتباط با پیشینه پژوهشی غیرفارسی یا خارجی نیز می‌توان ادعا کرد که تقریباً هیچ پژوهشی به بررسی الگوهای آموزشی سازمان‌های مرتبط با کودکان کار نپرداخته است و بیشتر سایر جنبه‌های تحصیلی و آموزشی کودکان کار مورد توجه بوده است. بسیاری از پژوهشگران جنوب جهان به بررسی ارتباط کار کودکی با تحصیل آنها پرداخته‌اند و ادعا کرده‌اند که کودکان کار بنا به دغدغه‌های معیشتی و خانوادگی غالباً یا از تحصیل محروم می‌شوند و یا کیفیت تحصیل آنها با تحصیل سایر کودکان قابل مقایسه نیست (هایل و هایل، ۲۰۱۲؛ راموهان، ۲۰۱۱؛ کوتاری و واتکینز، ۲۰۱۹).

به‌صورت کلی می‌توان ادعا کرد که در زمینه پیشینه یا ادبیات پژوهشی، موضوع حاضر تا به حال مورد بررسی قرار نگرفته و از این نظر موضوعی است بسیار بدیع و کشف‌نشده. از این نظر کشف الگوهای حاکم بر سازمان آموزشی مدارس کودکان کار در ایران می‌تواند بینش‌هایی را به دست ما برساند که تا پیش از این به آن دسترسی نداشته‌ایم.

۳- روش‌شناسی

مطالعه حاضر از روش تحلیل اسنادی بهره می‌گیرد. روش تحلیل اسنادی به هر روشی اطلاق می‌شود که در پیش مطالعه اسنادی است که حاوی اطلاعاتی در خصوص موضوع یا پدیده مورد نظر هستند (بیلی، ۱۹۹۴). همچنین از این روش جهت بررسی و مقوله‌بندی منابع فیزیکی، نظیر اسناد و نوشته‌ها، در حوزه عمومی یا خصوصی استفاده می‌شود (پین و پین، ۲۰۰۴). از آنجا که ما در این پژوهش قصد داریم تا با استفاده از نظریات متفکر انتقادی آموزش و پرورش، ایوان ایلچ، خوانشی از نهاد آموزش و پرورش در ایران بر اساس اسناد خصوصی یکی از مدارس آموزش کودکان کار به‌دست آوریم، روش تحلیل اسنادی بهترین و کاراترین روش به نظر می‌رسد. در واقع، سند به هر آن چیزی اطلاق می‌شود که به‌صورت متنی مکتوب درآمده و ماحصل زندگی افراد، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی است. از طرفی، یک سند مکتوب، برخلاف سخنرانی‌ها، می‌تواند فارغ از زندگی نویسنده و خواسته‌های او جریان داشته باشد و در بافتارهای متفاوتی مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد (اسکات ۱۹۹۰؛ جری و جری، ۱۹۹۱). با این همه، باید در نظر داشته باشیم که در تحلیل اسناد در حوزه علوم اجتماعی، دو گونه سند وجود دارد: اسناد اولیه و اسناد ثانویه. اسناد اولیه شامل نوشته‌ها و مکتوبات افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها از هر آن چیزی است که در حوزه کاری و تجربیاتشان می‌گذرد و لازم است که به رشته تحریر در بیاید. این اسناد می‌تواند شامل قوانین، دستورالعمل‌ها، زندگی‌نامه‌ها، خاطرات و سایر منابع مکتوب باشد. اسناد ثانویه شامل هر آن متن مکتوبی می‌شود که ماحصل تجارب افرادی است که در ارتباط با یک پدیده وضعیتی بیرونی دارند و آن را از نگاه یک فرد بیرونی به رشته تحریر در می‌آورند (موگالاکو، ۲۰۰۹).

بر اساس توضیحاتی که ارائه شد، پژوهش حاضر به بررسی آن دسته اسنادی می‌پردازد که دست اول یا اولیه خوانده می‌شوند؛ یعنی آن اسنادی که توسط خود افراد، گروه یا سازمان مورد نظر نوشته شده است و جنبه رسمی دارد. پژوهش حاضر اسناد آموزشی مدرسه کودکان کار صبح رویش را مورد بررسی قرار می‌دهد. این اسناد که در مدرسه کودکان کار صبح رویش به‌عنوان اسناد فذک شناخته می‌شوند شامل چهار سند اصلی است: الف) محتوای الگوی رویش؛ ب) نمادهای الگوی رویش؛ ج) اصول رفتار سازمانی و د) خط قرمزهای ارتباط با کودکان. سند اول مرتبط است با الگوی آموزشی خاص مدرسه کودکان کار صبح رویش که در این پژوهش بیشتر از سایر اسناد از آن بهره خواهیم برد. سند دوم مرتبط است با نمادها، مکان‌ها و نام‌گذاری‌های مدرسه کودکان کار صبح رویش. سند سوم که بیشتر در ارتباط با اصول سازمانی و نحوه ارتباط کارمندان با یکدیگر است. و نهایتاً سند چهارم که خطوط قرمز ارتباط معلمان و کادر مدرسه با دانش‌آموزان را بیان می‌کند. پژوهش حاضر این چهار سند آموزشی و سازمانی دست اول را با نظریات ایوان ایلچ در خصوص مدرسه‌زدایی از جامعه بررسی کرده و در قالب نتایج، این بررسی و تحلیل را ارائه می‌کند.

۴- مدرسه به‌مثابه تفرجگاه یا مدرسه به‌مثابه پاسگاه

یکی از نکاتی که ایلچ در کتاب مدرسه‌زدایی در جامعه به آن اشاره می‌کند آن است که مدارس نوین دانش‌آموزان را وارد یک محیطی شبیه به محیط نظامی می‌کنند. در این بافت، دانش‌آموزان خودشان را به‌مثابه سرباز و معلمان نیز خودشان را به‌مثابه افسران ارشد بازشناسی می‌کنند. از این رو، مدرسه به مکانی تبدیل می‌شود که سلسله‌مراتب قدرت به واضح‌ترین و آشکارترین شکل آن در جریان است و همه برای پاسداشت این سلسله‌مراتب می‌کوشند. در این سلسله‌مراتب، دانش‌آموزان معلمان و کادر مدرسه را به‌مثابه افرادی قدسی و محترم می‌بینند. اندیشه ایلچ که در این نقطه به نظریه دین دورکیم نزدیک می‌شود حاوی این نکته است که دانش‌آموزان به‌علت قدسی دیدن معلمان و کادر مدرسه توانایی برخورد انتقادی با آنها و مفاهیمی که منتقل می‌سازند

را از دست می‌دهند. «خرد نهاده شده مدرسه به والدین، دانش‌آموزان و مربیان می‌گوید که معلم، اگر بنا دارد که واقعاً تدریس کند، باید از اقتدارش به‌صورتی قدسی بهره بگیرد» (ایلچ، ۲۰۱۹: ۳۰).

از همین رو، یکی از مواردی که به‌هنگام مطالعه اسناد آموزشی مربوط به مدرسه کودکان کار صبح رویش حائز اهمیت است، اسنادی است که نوع نگاه آنها را نسبت به ماهیت مدرسه نشان می‌دهد. در میان چهار سند آموزشی اصلی محتوای الگوی رویش، نمادهای رویش، اصول رفتار سازمانی و خط قرمزهای ارتباط با کودکان بندهایی که این نوع نگاه را به‌خوبی تشریح می‌کرد، استخراج و تحلیل شد.

در سند اول، یعنی محتوای الگوی رویش، مدرسه بر اساس چند جنبه تعریف شده است. در تعریف اول، «مدرسه جایی برای کودکی»، اشاره شده است که «یکی از ابعادی که کودکان نیاز دارند از محیط دریافت کنند، برطرف شدن انواع نیازهای آنان از قبیل دریافت محبت، حمایت و پشتیبانی، پاسخ به سؤالات، ابهامات، و تأمین نیازها و خواسته‌های مختلف زیستی است» (مدرسه کودکان کار صبح رویش، ۱۳۹۹). در تعریف سوم، یعنی «مدرسه سلامت»، اشاره شده است که «در الگوی رویش، سلامت به‌عنوان مؤلفه تأثیرگذار بر رشد همه‌جانبه و یادگیری مؤثر، موردتوجه ویژه‌ای قرار می‌گیرد و تحقق سلامت در همه ابعاد آن، در معنای آرامش جسمی، روانی و اجتماعی دنبال می‌گردد» (همان). در تعریف چهارم، یعنی «مدرسه یادگیرنده، پویا و نوآور»، اشاره شده است که «مدرسه یادگیرنده سازمانی است که با قدرت و به‌صورت جمعی یاد می‌گیرد و دائماً خودش را طوری تغییر می‌دهد تا بتواند به‌نحو بهتری اطلاعات را جمع‌آوری و از آن استفاده کند. یادگیری، نیاز همیشگی کلیه افراد تلقی می‌شود و در آن، ضمن تأکید بر آموختن، چگونه آموختن، جذب و توزیع دانش‌نو، خلق و تولید اطلاعات و دانش جدید و مورد نیاز پرداخته می‌شود و تمامی این دانش‌ها در رفتار و عملکرد افراد شاغل در آن سازمان، متجلی می‌گردد» (همان). و در تعریف پنجم، یعنی «مدرسه مشارکتی»، بحث از این است که «طراحی آموزشی بر اساس ترغیب به سمت حل مسئله و مشارکت فعال در جریان یادگیری است. استفاده از روش‌های مشارکتی، تشویق به کار گروهی، بحث و گفتگو درباره مسائل، از اولویت‌های مهم طراحی آموزشی در صبح رویش، است» (همان). آنچه در تمامی این تعاریف مشخص است، آن است که در این تعاریف، مدرسه جایی است برای تفریح و اجتماعی شدن همراه با مشارکت و بازی. در تعریف اول دیدیم که مدرسه نه‌مأیبه نهاد و سازمانی و انضباطی که به‌مأیبه جایی برای بازی کردن و فعالیت‌های کودکان تعریف شده است. این نوع نگاه، دقیقاً خلاف نگاه مدارس سلسله‌مراتبی است که در آنها کنش‌های افراد بر اساس قواعد سخت و سفت تنظیم می‌شود. در تعریف سوم دیدیم که سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان دارای اهمیت بسیاری است، امری که در مدارس انضباطی توجه چندانی به آن نمی‌شود و جسم و روان دانش‌آموزان تحت شدیدترین خشونت‌ها و کنترل‌ها قرار می‌گیرد. در تعریف چهارم نیز دیدیم که مدرسه بر یادگیری همه از سوی همه تأکید دارد، امری که مشخصاً ایلچ از آن به‌عنوان بسیج همه توسط همه یاد می‌کند و جامعه مدرسه‌زدایی‌شده انضباطی عکس آن را اجرایی می‌کند، یعنی صرفاً دانش‌آموزان از معلمان یاد می‌گیرند نه بالعکس (ایلچ، ۲۰۱۹: ۲۲). و نهایتاً در تعریف پنجم نیز دیدیم که مدرسه بنا به مشارکت تمامی افراد اداره می‌شود نه اینکه صرفاً اداره مدرسه بر عهده معلمان و کادر مدرسه باشد. مجموعه این تعاریف از اهمیت تفریح، مشارکت، عدم رعایت سلسله‌مراتب، عدم انضباطی‌بودن و انعطاف‌پذیری مدرسه خبر می‌دهد، امری که ایلچ به‌عنوان مؤلفه‌های جامعه یا اجتماع مدرسه‌زدایی‌شده به آنها اشاره می‌کند.

در ادامه این سند نیز مواردی و مفاهیمی وجود دارد که درک بهتری از ماهیت مدرسه به‌دست می‌دهد. در قسمت مربوط به مهم‌ترین نکات الگوی رویش اشاره شده است که «ترس در مدرسه ما جایی ندارد حتی زمانی که دانش‌آموز کار اشتباهی انجام داده است ما فضا را برای گفت‌وگو باز می‌کنیم. مدرسه ما جایی برای ترس نیست» (مدرسه کودکان کار صبح رویش، ۱۳۹۹). معمولاً یکی از نکاتی که در ارتباط با نهادهای انضباطی و سلسله‌مراتبی ذکر می‌کنند، کنترل افراد از طریق ترس است. نهادهای انضباطی مانند ارتش، ترس از مافوق و قوانین را در دل سربازان جای می‌دهند و از این رو آنها را نسبت به محیط جامعه‌پذیر می‌کنند. جامعه مدرسه‌زدایی‌شده نیز از همین ترس بهره می‌گیرد و دانش‌آموزان را با ترس از معلم و کادر مدرسه جامعه‌پذیر می‌کند. اما الگوی رویش دقیقاً خلاف این مسیر گام بر می‌دارد و به‌صراحت اعلام می‌کند که ترس در مدرسه جایی ندارد و دانش‌آموزان نباید از معلمان و کادر مدرسه ترسی داشته باشند. یکی دیگر از نکات درخور توجه آن است که نهادهای انضباطی تلاش می‌کنند تا افراد را در سلسله‌مراتب خود استاندارد کنند. از همین روست که لباس یونی‌فرم یا اصلاح یونی‌فرم موی سر و سایر موارد معنا می‌یابد. در الگوی رویش برخلاف این رویکرد، اشاره شده است که «یک اساسی جهت ارتباط با دانش‌آموزان صبح رویش پذیرش آن‌هاست. پذیرش یعنی دانش‌آموزان را به همان‌گونه که هست در کلاس و مدرسه پذیرا باشیم با تمام صفات خوب یا بد دانش‌آموزان در مدرسه ما احساس نکنند که به دلیل رفتار نامناسب کنار گذاشته شده‌اند» (همان). یکی دیگر از اصولی که ما را در این تحلیل یاری می‌کند، نحوه نگاه به ماهیت کلاس درس است. از نظر الگوی رویش «کلاس محیط خشک و دستوری نیست و دانش‌آموزان می‌توانند در کلاس آزاد باشند و هر جا که دوست دارند بنشینند» (همان). در محیط‌های انضباطی، از آنجا که همه چیز از صدر تا ذیل امور از پیش تعیین شده و مشخص است پس جایگاه افراد نیز باید مشخص و منظم باشد. مدارس انضباطی نیز همین وضعیت را دارند. آنها جایگاه دانش‌آموزان را مشخص می‌کنند و آزادی عمل آنها در محیط مدرسه را تا حد بسیار زیادی سلب می‌کنند. اما در ارتباط با مدرسه مورد بررسی ما وضعیت به‌گونه دیگری است.

در سند «اصول رفتار سازمانی» نیز به مواردی اشاره شده است که می‌تواند در این زمینه افق‌هایی را به روی پژوهش باز کند. در این سند به مواردی جهت برقراری ارتباط کارکنان با سایر افراد (اعم از دیگر کارکنان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها) اشاره شده است. اول از همه بر درک نیازها و استعدادها و افراد و دوست‌داشتن افراد به‌عنوان یار و دانش‌آموز اشاره شده است. این نکته دقیقاً خلاف امری است که در نهادهای انضباطی روی می‌دهد. در نهادهای انضباطی جایی برای بروز عواطف و احساسات انسانی نیست. آنچه در اینگونه نهادها اتفاق می‌افتد صرفاً قواعد و روابط رسمی و خشک سازمانی است. از این رو زمانی که از عشق معلم به دانش‌آموز صحبت می‌کنیم، این امر برای جامعه مدرسه‌زدایی شده امری است غیرعادی در حالی که در الگوی رویش بر دوست‌داشتن دانش‌آموزان تأکید ویژه‌ای شده است: «رفتار دوستانه همراه با احترام در مدیریت آموزشی و آموزش، مفهوم ژرفی دارد. تا کسی نتواند کودکان یا نوجوانان را دوست داشته باشد، در آن‌ها نفوذ نخواهد کرد» (همان).

یکی دیگر از نکاتی که از دیرباز در ارتباط با نهادهای انضباطی و خاصه مدارس به آن اشاره می‌شده است، نحوه و کیفیت رفتار معلمان و کادر مدرسه با دانش‌آموزان است. در نهادهای انضباطی، افراد بالادستی خود را مجاز می‌دانند تا با انواع رفتارها از قبیل تنبیه بدنی، توهین، تحقیر و مجازات‌های شدید افراد زیردست خود را منضبط سازند. در اینجا مهم است که نگاهی به خطوط قرمز مدرسه مورد پژوهش بن‌دازیم و ببینیم که قواعد این مدرسه در ارتباط با این موارد چیست. در سند مربوط به خطوط قرمز صبح رویش اشاره شده است که «یکی بدترین شیوه‌های برخورد با کودکان هنگام بروز مشکل تنبیه بدنی و برخوردهای فیزیکی است» (همان). در ارتباط با توهین و تحقیر نیز اشاره شده است که «کودکانی که مورد توهین‌های کلامی قرار می‌گیرند، در شرایطی عصبی، پرخاشگرانه و به‌شدت غیراجتماعی بزرگ می‌شوند. اکثر این کودکان به دانش‌آموزانی قلدر در مدرسه تبدیل می‌شوند و تعدادی هم که این توهین‌ها در وجودشان درونی شده تبدیل به افرادی وابسته به دیگران و یا انتقادناپذیر می‌شوند» (همان). از این نظر اعمالی نظیر تنبیه بدنی، توهین یا تحقیر دانش‌آموزان جزو خطوط قرمز این مدرسه قرار گرفته است و رفتاری است که بر عدم انجام آن توسط معلمان و کادر مدرسه تأکید بسیار زیادی می‌شود.

نهایتاً به نظر می‌رسد که کودکان و نوجوانانی که در مدرسه کودکان کار صبح رویش تحصیل می‌کنند بیش از آنکه با یک نهاد انضباطی سروکار داشته باشند که آنها را در یک سلسله‌مراتب سفت و سخت قرار می‌دهد و با یک انضباط شدید سازمانی روبه‌رو می‌کند با محیطی سروکار دارند که بر اهمیت کودکی کردن و تفریح کردن و روابط دوستانه با اعضای مدرسه تأکید دارد. از این روست که این مدرسه بنا به اسنادی که دارد بیشتر در جایگاه یک تفرجگاه قرار می‌گیرد نه یک پاسگاه مبتنی بر نظم سازمانی سلسله‌مراتبی یا آنچنان که ایلچ کوننی را خطاب می‌کند: نه یک «رحم جادویی» (ایلچ، ۲۰۱۹: ۳۲). در این مدرسه تأکید بیش از آنکه بر آموزش و نظم‌دهی از بالا به پایین باشد، تأکید بر آموزش مشارکتی و انضباط درون‌زا و خودجوش است. این امری است که در گذار به جامعه مدرسه‌زدایی شده باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

۵- سنجش‌پذیری کمی یا سنجش‌پذیری کیفی

یکی از موارد دیگری که ایلچ در ارتباط با جامعه مدرسه‌زدایی شده اشاره می‌کند، تأکید مدارس این نوع جامعه بر ارزیابی کمی دانش‌آموزان است. در این بافت، یادگیری دانش‌آموزان صرفاً به‌واسطه ابزاری کمی نظیر امتحان و نمره سنجیده می‌شود و بر کیفیات انسانی و ویژگی‌هایی که از این نظر قابل سنجش نیستند هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. «دانش‌آموزان آموزش را با یادگیری و پیشرفت پایه را با تحصیل اشتباه می‌گیرند» (ایلچ، ۲۰۱۹: ۱) و «ارزش‌های نهادینه‌شده‌ای که مدارس آنها را در ذهن افراد می‌کارند، ارزش‌هایی کمی هستند، آنها جوانان را وارد جهانی می‌کنند که همه‌چیز در آن قابل سنجش و اندازه‌گیری [کمی] است» (همان: ۴۰). از نظر نوع سنجش و ارزشیابی، اسناد مربوطه بررسی شد و برخی از مفاهیم مرتبط با این مورد استخراج شد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

در تمامی جزوات مربوط به سند آموزش مدرسه صبح رویش هیچ نقطه‌ای یافت نشد که در آن بر اهمیت ارزشیابی دانش‌آموزان بر پایه امتحانات استاندارد و ارزیابی نمره‌ای و کمی آنها تأکید شده باشد. از طرف دیگر در این اسناد بیشتر بر کاربردی بودن دروس و تحلیلی بودن آنها تأکید شده بود نه بر ارائه دروسی استاندارد و غیرکاربردی که صرفاً برای ارزیابی کمی به‌کار می‌آیند. در ارتباط با کاربردی بودن مطالب آموزشی، امری که می‌توان در اسناد آموزشی مشاهده کرد آن است که واحدی در مدرسه تحت عنوان «دهکده» وجود دارد که در آن ماده درسی، امتحان و نمره وجود ندارد و دانش‌آموزان صرفاً امور مختلف زندگی را به‌صورت عملی می‌آموزند و در قبال آموخته‌هایشان صرفاً به‌صورت انسانی و کیفی سنجیده می‌شوند. «در دهکده هیچ آموزش و کتاب، جزوه و ماده درسی وجود ندارد هیچ امتحان و نمره‌ای در کار نیست. کودکان به کمک هم به کشف طبیعت و تولید محصول و تجربه کردن زندگی می‌پردازند. در مواجهه به سوالات و مشکلات با گفت‌وگو به راه‌حل می‌رسند تا مشورت و همدلی را بیاموزند. آن‌ها دست به ساخت پروژه می‌زنند تا کار گروهی را تمرین کنند» (مدرسه کودکان کار صبح رویش، ۱۳۹۹).

۶- آموزش رسمی در برابر آموزش غیررسمی

یکی از نکاتی که ایلچ بر آن تأکید بسیار زیادی دارد آن است که اکثر یادگیری ما در محیط زندگی اتفاق می‌افتد و مدارس نقش بسیار کمی در یادگیری ما دارند. برای مثال ما صحبت کردن یا غذا خوردن را از محیط زندگی (عمدتاً خانواده و گروه همالان) می‌آموزیم نه از مدرسه. «اکثر یادگیری تصادفی رخ می‌دهد و حتی یادگیری عامدانه نیز نتیجه آموزش برنامه‌ریزی شده نیست» (ایلچ، ۲۰۱۹: ۱۲). از همین رو ایلچ تأکید دارد که در جامعه مدرسه‌زدایی شده آموزش باید به سمت کانال‌های غیررسمی بازگردد و از انحصار مدرسه دریابد. با توجه به این مورد، گویی که مدرسه خود مانعی است بر سر راه آموزش غیررسمی. با این حال، می‌توان از ساختار مدارس کنونی نیز برای کانالیزه کردن آموزش غیررسمی بهره گرفت. اسناد آموزش مدرسه صبح رویش نیز این مورد را به صورت معناداری نشان می‌دهند.

ابتدا باید به یکی از مواردی اشاره کرد که در مدرسه صبح رویش آموزش را تا حد بسیار زیاد از شکل رسمی آن خارج می‌کند و آن هم مسئله نام‌گذاری دروس و کلاس‌هاست. به عنوان مثال چیزی تحت عنوان کلاس درس ریاضی در این مدرسه وجود ندارد. در عوض آنچه وجود دارد «عددکده» است. دلیل این تغییر نام به خصوص، که در ارتباط با سایر مفاد درسی نیز می‌توانیم آن را مشاهده کنیم، آن است که «بسیار از دانش‌آموزان از درس ریاضی معمولاً هراس دارند با تغییر عنوان کلاس ریاضی به عددکده استرس کمتری به دانش‌آموزان وارد می‌شود» (مدرسه کودکان کار صبح رویش، ۱۳۹۹) و دانش‌آموزان از این طریق مفاهیم مرتبط با اعداد را از خلال امور زندگی روزمره خود می‌آموزند نه آنچه کتاب درسی به عنوان دانشی استاندارد برای آنها تعیین کرده است. این مورد را در ارتباط با تک‌تک دروس دیگر نیز می‌توان مشاهده کرد. مثلاً ادبیات فارسی به «ادب‌کده»، دروس دینی به «وطن‌کده» و درس علوم به «عجب‌کده» تغییر یافته‌اند و محتوای آنها نیز بنا به مسائل زندگی روزمره دانش‌آموزان و آنچه آنها در طول روز به آن نیاز پیدا می‌کنند، تغییر یافته است. علاوه بر این تغییر عناوین و محتواهای درسی، عناوینی هم اضافه شده‌اند که برای آموزش غیررسمی دانش‌آموزان تدارک دیده شده‌اند. در بررسی اسناد به وجود یک محیط غیررسمی تحت عنوان «بازی‌کده» برخورد کردیم که هدفش انتقال مفاهیم علمی از طریق بازی‌های جذاب مختص کودکان و نوجوانان است. از این رو، به نظر می‌رسد که مدرسه کودکان کار صبح رویش تلاش می‌کند تا دانش‌آموزان را نه از طریق آموزش استاندارد و رسمی که از طریق کانال‌های غیررسمی و مفاهیم زندگی روزمره آموزش دهد. این نوع نگاه به آموزش غیررسمی می‌تواند گام مهمی به سوی مدرسه‌زدایی باشد.

۷- سازمان فریبکار یا سازمان سرزنده

یکی دیگر از مباحثی که ایلچ در کتاب خویش آن را مطرح می‌کند، طیف نهادی اوست که بر این اساس نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه را بررسی و طبقه‌بندی می‌کند. از نظر او سازمان‌های فریبکار آن دسته از سازمان‌ها هستند که با نیرنگ مردم را متقاعد می‌کنند تا محصولات آنها را مصرف کنند. از نظر ایلچ مهم‌ترین این سازمان‌ها مدارس، بیمارستان‌ها، کلیساها، ارتش و سایر نهادهای مشابه هستند. در واقع مردم نیازی به محصولات این نهادها ندارند اما اینها با فریبکاری و تقلب محصولات خود را به آحاد جامعه می‌فروشند. در سوی مقابل ایلچ از نهادهای سرزنده نام می‌برد که مردم برای بهره‌گیری از محصولات آنها نیازی به توجیه ندارند. «در اصل این طیف به ما کمک می‌کند تا انسان‌ها و ایدئولوژی‌هایشان را مشخص کنیم» (ایلچ، ۲۰۱۹: ۵۳).

در سند الگوی رویش اشاره شده است که این سازمان مردم‌نهاد است و بر اساس کمک‌های مردمی اداره می‌شود. با این حال، طی سالیان گذشته مباحث انتقادی بسیاری پیرامون سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت‌های خاص آنها صورت گرفته است و نمی‌توان صرفاً به‌خاطر مردم‌نهاد بودن یک سازمان آن را در مقوله سازمان سرزنده جای داد و خود این طیف نهادی مقوله‌ای است که باید با توجه به مطالعات عمیق‌تر مورد بررسی قرار بگیرد. اما در ارتباط با اسناد می‌توان این ایده را مطرح کرد که مدرسه کودکان کار صبح رویش از آنجا که به دانش‌آموزان محصولی را نمی‌فروشد پس نمی‌تواند در سر طیف سازمان‌های فریبکار جای بگیرد اما اینکه آیا می‌توان این سازمان را در سر طیف سازمان‌های سرزنده‌ای قرار داد که افراد بدون اینکه نیازی به متقاعد شدن به مصرف محصولات آنها می‌پردازند یا خیر جای پرسش و مطالعه بیشتر است.

۸- مدرسه سن‌گرا یا مدرسه همگانی

یکی از موضوعاتی که ایلچ در خصوص اسطوره‌های مربوط به مدرسه بیان می‌کند آن است که مدارس نوین بر پایه این فرض بنا شده‌اند که صرفاً کودکان و نوجوانان واقع در سنی خاص می‌توانند به مدرسه ورود پیدا کنند و از امکانات و محصولات آن بهره ببرند. «مدرسه مختص به کودکان است، این گروه‌بندی [سنی] بر سه پیش‌فرض تشکیک‌نشده استوار است: کودکان به مدرسه تعلق دارند، کودکان در مدرسه می‌آموزند و کودکان را صرفاً باید در مدرسه آموزش داد» (همان، ۲۶).

از این نظر، اسناد آموزشی مرتبط با مدرسه کودکان کار صبح نشان می‌دهند که علی‌رغم محدودیت‌های رسمی‌ای که نهاد آموزش و پرورش در خصوص سن دانش‌آموزان دارد اما مدرسه صبح رویش تا جایی که بتواند از دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده،

دانش‌آموزان تکرار پایه و به‌صورت کلی دانش‌آموزانی که سنشان بیشتر از دانش‌آموزان هم‌پایه‌شان برای تحصیل حمایت می‌کند. اما آنچه ایلچ در اسطوره سن مطرح می‌کرد آن است که نهاد آموزشی در جامعه باید به روی همگان باز باشد و نه گروه سنی خاصی. با این حال، مدرسه کودکان کار صبح رویش تلاش می‌کند تا با توجه به محدودیت‌های رسمی گامی به سوی همگانی کردن مدرسه بردارد.

۹- بحث و نتیجه‌گیری

نظریات ایلچ که عمدتاً در حوزه نظریات انتقادی آموزش و پرورش جای می‌گیرد، زمینه خوبی را برای مطالعه و بحث در خصوص نهاد آموزش و پرورش در ایران به‌دست می‌دهد. در مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از نظریه ایوان ایلچ، مفهوم مدرسه‌زدایی از جامعه را در خصوص مدرسه کودکان کار صبح رویش بررسی کردیم. این بررسی نشان داد که این مدرسه در برخی از جنبه‌های کلیدی نظیر عدم وجود سلسله‌مراتب و محیط انضباطی، سنجش‌پذیری کیفی به‌جای سنجش‌پذیری کمی و تأکید بر آموزش غیررسمی به نظریه ایلچ نزدیک شده است. در خصوص طیف نهادهای اظهار کردیم که نمی‌توان ارزیابی دقیقی بر اساس بررسی اسناد داشت و باید پژوهش‌های عمیق‌تر و بیشتری در این خصوص صورت بگیرد چراکه سرزنده بودن یک نهاد زمانی محرز می‌شود که مردم با اشتیاق و شور فراوان و بدون آنکه نیرویی بیرونی چیزی را بر آنها تحمیل کند، محصولات آن نهاد را مصرف کنند. در ارتباط با تخصیص مدرسه به گروه‌های سنی خاص نیز اظهار کردیم که مدرسه کودکان کار صبح رویش، علی‌رغم محدودیت‌های رسمی‌ای که از سوی نهاد آموزش و پرورش با آنها روبه‌روست، تلاش کرده است تا مدرسه را به محیطی همگانی‌تر تبدیل کند اما هنوز شرایط برای حضور تمامی گروه‌های سنی در مدرسه فراهم نشده است و به نظر هم نمی‌رسد که این مورد خاص بدون تغییرات رادیکال و ساختاری در نهاد آموزش و پرورش صورت بگیرد. با این همه، باید توجه داشته باشیم که ایلچ یک متفکر رادیکال بود و نظریات او نیز حائز همین ویژگی است. ایلچ تغییر را برای کلیت جامعه می‌خواست و معتقد بود که تغییر نهاد آموزش و پرورش باید به‌صورت یکپارچه صورت بگیرد. از نظر او زمانی جامعه مدرسه‌زدایی می‌شود که ما دیگر با مکانی به اسم مدرسه سروکار نداشته باشیم و تمامی نهادها و سازمان‌های عمومی جامعه به مکانی برای آموزش کودکان، نوجوانان و بزرگسالان تبدیل بشوند. از این نظر جامعه ایرانی فاصله بسیاری با مدرسه‌زدایی دارد و به نظر نمی‌رسد که چنین امری در یک دوره زمانی کوتاه‌مدت یا حتی میان‌مدت صورت بگیرد. اما آنچه از بررسی الگوهای آموزشی مدارس نظیر مدرسه کودکان کار صبح رویش به‌دست می‌آید آن است که می‌توان با اتکا به این الگوهای آموزشی گامی هرچند کوچک و کوتاه به سمت جامعه مدرسه‌زدایی‌شده برداشت و از تجربیات مدارس مختلف بهره گرفت.

منابع

۱. حسینی، سید حسن (۱۳۸۴) وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۵ (۱۹): ۱۷۴-۱۵۵.
۲. سیادت، سید مرتضی و جدید، محسن (۱۳۹۴) تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. ۱۱ (۳۷): ۸۳-۱۰۱.
۳. شکوری، علی (۱۳۹۳) بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توان‌مندسازی کودکان کار خیابانی؛ مطالعه موردی؛ منطقه ۱۲ تهران. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی. ۳ (۳): ۶۰-۳۳.
۴. شهرکی، مهدی و قادری، سیمین (۱۳۹۴) بررسی تصمیم به اشتغال و تحصیل کودکان کار در ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری. ۹ (۴): ۸۹-۶۷.
۵. علیزاده فرد، سوسن و سرائی، محمدمین (۱۳۹۸) اثربخشی آموزش تغییر درک زمان بر اضطراب و خودکارآمدی کودکان کار. دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر. ۱۴ (۱): ۶۸-۶۱.
۶. فتحی آذر، اسکندر؛ تقی‌پور، کیومرث؛ حاج آقایی خیابانی، آيسان (۱۳۹۸) تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی کودکان کار. دوفصلنامه علمی تفکر و کودک. ۱۰ (۲): ۱۱۴-۹۵.
۷. مدرسه کودکان کار صبح رویش (۱۳۹۹) اسناد فدک.
8. Bailey, K. 1994. Methods of social research. 4th Edition. New York: The Free Press.
9. Haile, G., & Haile, B. (2012). Child labour and child schooling in rural Ethiopia: Nature and trade-off. Education Economics, 20(4), 365-385. doi:10.1080/09645292.2011.623376
10. Illich, I. (2019). Deschooling society. London: Marion Boyars.
11. Jary, D. and Jary, J. 1991. Collins dictionary of Sociology. Glasgow: HarperCollins Publishers.
12. Mogalakwe, M. (2009). The Documentary Research Method – Using Documentary Sources in Social Research. Eastern Africa Social Science Research Review, 25(1), 43-58. doi:10.1353/eas.0.0006
13. Payne, G., & Payne, J. (2004). Key concepts in social research. London: SAGE.

14. Pedersen, J. E., & Digby, A. D. (Eds.). (1995). Secondary schools and cooperative learning: Theories, models, and strategies. New York: Garland Pub.
15. Quattri, M., & Watkins, K. (2019). Child labour and education – A survey of slum settlements in Dhaka (Bangladesh). *World Development Perspectives*, 13, 50-66. doi:10.1016/j.wdp.2019.02.005
16. Rammohan, A. (2012). The trade-off between child labour and schooling in India. *Education Economics*, 22(5), 484-510. doi:10.1080/09645292.2011.641271
17. Scott, J. (1990). *A Matter of Record: Documentary Sources in Social Research*. Cambridge: Polity Press.

نوسازی و تغییرات اجتماعی نهادی ناشی از آن در ایران از اواخر حکومت قاجار تا اواخر پهلوی اول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

کد مقاله: ۷۹۸۶۲

سعید مبین شهیر^{۱*}، علی عبدالهی ترکمانی^۲

چکیده

این مقاله با روش تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی نوسازی و تغییرات نهادی آن در عصر پهلوی اول می‌پردازد. نوسازی اغلب مفهوم تغییر را به ذهن متبادر می‌کند. این نوشتار سعی می‌کند ابتدا به مفهوم نوسازی و چگونگی پیدایش آن در غرب بپردازد و سپس عناصر بنیادین نوسازی در ایران را بیان کند. این مقاله در پی پاسخ دادن به این سوالات است که تغییرات ناشی از نوسازی در ایران چه تغییراتی بوده است، چگونه و توسط چه کسانی انجام شده است و نهایتاً تا چه اندازه موفق بوده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که نوسازی راه‌های متفاوتی را در غرب و ایران طی کرده است. به گونه‌ای که در ایران بانیان نوسازی گاه در تضاد با بنیان‌های فکری نوسازی قرار می‌گرفتند.

واژگان کلیدی: نوسازی، پهلوی اول، قاجار، تغییرات اجتماعی

۱- دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

saeedmobayyen@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، ایران

ما در عصر مدرن زندگی می‌کنیم. عصری که در آن ارتباطات جدید شکل گرفته و این صنعت و ارتباطات جدید با مناسبات اجتماعی مختلف سبب شده است که ما نگاه جدیدی به جهان پیرامون خود داشته باشیم. طبق گفته دانیل بل (فیوضات، ۱۳۹۰: ۲۳) در عصر جدید، جامعه ما بیش از آنکه به تولید کالا بر تولید اطلاعات استوار است. هنگامی که از نوسازی و مدرنیته سخن به میان می‌آید لاجرم پای سنت نیز به میان کشیده می‌شود. نمی‌توان سنت و مدرنیته را که همچون دو روی سکه اند از هم جدا کرد. مدرنیته در اروپا محصول کنش های اجتماعی بسیاری است که زنجیروار سبب ایجاد تحرکی عظیم در اصالت فکری، صنعت، اقتصاد، فرهنگ، جامعه و سیاست شد. زنجیره ای به هم پیوسته از پارادایم های جدید که ریشه در تجارب زندگی غربیان در طول تاریخ داشت. وقوع رنسانس، کاهش قدرت کلیسای رم پس از فروپاشی دادگاه های تفتیش عقاید و جنگ های صلیبی امری بدیهی در به وجود آوردن پایه های مدرنیته است. مدرنیته در اروپا در لایه لایه عناصر فرهنگی غرب نفوذ کرد و حتی در هنر نیز خود را نشان داد. به نظر نویسنده مقاله یکی از بزرگترین تغییرات اجتماعی طول تاریخ را در جهان می‌توان به دوره رنسانس تا امروز غرب آن هم به شکل تصاعدی نسبت داد. اگر بخواهیم درباره نوسازی و ریشه های آن در غرب صحبت کرده و آن را با نوسازی ایران و عوامل شکل گیری آن مقایسه کنیم بدون شک نیاز به مقاله ای بسیار گسترده خواهیم داشت. سابقه نوسازی در ایران به قرن اخیر باز می‌گردد. اگر ما به عوامل جمعیت شناختی در ۱۰۰ سال اخیر نگاه کنیم خواهیم دید الگوهای گذار جمعیتی در ایران الگوی غرب را در مدت زمان بسیار کوتاهتری ۳۰-۴۰ سال طی کرده است. می‌توان از این نکته به این نتیجه رسید که به گفته عمران، توسعه درون زا و پایدار حداقل در جامعه ایران و بحث های جمعیت شناختی و الگوی مورد انتظار از جمعیت نقش نداشته است. برونزا بودن توسعه را نیز می‌توان به نوسازی یا مدرنیته تعمیم داد. "انقلاب مشروطه تاثیر بسزایی در نوسازی ایران داشته است. در فاصله یک قرن ایران توانسته است از تحولات و دستاوردهای علمی و فنی و اقتصادی و سیاسی و... غرب تاثیر پذیرفته و بر اساس ظرفیت و توان خویش از آن تحولات عظیم دست به گزینش زده است" (احمدی و ذاکرف، ۱۳۹۴: ۷). تاثیری که ایران طول دوره خاصی از تاریخ از غرب گرفته است، بسیار حائز اهمیت است. این دوره را می‌توان از اواسط دوره قاجار تا امروز دنبال کرد ولی من دوره رضاشاه را به سبب سرعت زیاد نوسازی بیشتر بررسی خواهیم کرد. ایران در دوره صفویه و به طور جدی در دوره قاجار متوجه تفاوت بین خود و اروپا شد. ایرانیان به این نکته واقف بودند که غرب به چیزهای جدید و تازه ای رسیده است که در ایران وجود ندارد. من می‌خواهم به این نوآوری ها چه در قالب ابزار باشند و چه بخشی از عناصر نهادی غرب به عنوان یک برساخت اجتماعی نگاه کنم. به دلیل گستره وسیع موضوع سعی خواهم کرد بیشتر به عوامل نهادی موثر در نوسازی ایران توجه کرده و از بررسی عناصر ریزتر فرهنگی بپرهیزم. بخش قابل توجهی از توسعه اقتصادی در غرب ریشه در پروتستانتیسم دارد. این سخن را وبر نیز تایید می‌کند. پروتستانتیسم صرفا یک نگاه دینی نبود بلکه تاثیر شگرفی به نگاهی که انسان به خود و جهان پیرامونش داشت گذاشت. ایجاد نظام تفتیش عقاید پای و اسقفی (بکراش، ۱۳۹۲) که تا قرن هجدهم در اسپانیا ادامه داشت در ابتدا با هدف مبارزه با عقاید جدید مسیحیت همچون کاتاریسم و پروتستانتیسم شکل گرفت. پروتستانتیسم شدن در غرب به راحتی راه خود را باز نکرد. اگر به تاریخ نگاه کنیم حتی "در اوج رنسانس یعنی زمان ملکه الیزابت دوم، خواهر وی از طرفداران پاپ و کاتولیک متعصب که به ماری خونین مشهور بود، پروتستان ها را در آتش می‌سوزاند" (وردلی، بحری: ۱۳۸۹). پروتستانتیسم با تاکید بر فردگرایی بیشتر و اهمیت کار و تلاش در زندگی، مبنای اقتصادی تغییرات اجتماعی غرب را رقم زد. کلیسای کاتولیک با بی اهمیت جلوه دادن ارزش دنیا و تاکید بر ضرورت آخرت گرایی، فضایی الهیاتی پر از یاس و ناامیدی برای مسیحیان به وجود آورده بود. پروتستانتیسم به عنوان پرچم دار مبارزه با این رخوت و انفعال بر اهمیت کار و فردگرایی تاکید کرده و از این راه تبدیل به بخشی از عوامل توسعه در غرب شد. نوسازی در ایران را می‌توان در نگاهی که به غرب دارد بررسی کرد. مدرنیاسیون با بازتعریف هویتی نیز همراه است. کیستی انسان در جامعه تعریف می‌شود. مشخصا تعریفی که انسان از کیستی خود در جوامع شرق آفریقا دارد با تعریفی که انسان از کیستی خود در اروپای شمالی دارد تفاوت خواهد داشت. باید بدانیم مدرنیسم چه تغییری در هویت اجتماعی مردم غرب داشته است. مدرنیسم در غرب از نظر اقتصادی با کاپیتالیسم و جهان سرمایه داری همراه بوده است.

این همان تغییری است که جامعه فئودالی غرب در تغییر به سمت سرمایه داری (مارکس) و بروز و ظهور روابط کارگر و سرمایه دار دیده می‌شود. بررسی جامعه غرب برای آشنایی ما از چپستی نوسازی در ایران بسیار ضروریست "در یک نگاه مدرنیته، در همه تحولات به معنای جهان نگر نوع نگرش انسان به جهان تلقی میشود که از سده پانزدهم در غرب زایش یافت و سپس در دوران مختلف وارد سایر مناطق جهان شد" (احمدی و ذاکرف، ۱۳۹۴: ۹-۱۰). پس به عبارت کلی آنچه به آن رسیده ایم مینا و زادگاه مدرنیته است که بدون شک می‌توان آن را جامعه غرب دانست. ما می‌خواهیم بدانیم که مدرنیته چه تغییری در مدرنیاسیون ایران داشته است. این در تغییر در چه عناصری نمود یافته است و بیشتر از کدام دوره تاریخی با اهمیت شد. در متن مقاله سعی می‌شود به پنج سوال بنیادین پیرامون موضوع مقاله پاسخ داد:

۱. تغییرات اجتماعی ناشی از نوسازی در ایران چگونه تغییراتی است؟
۲. علل و عوامل موثر در ایجاد نوگرایی در ایران چه مواردی هستند؟
۳. نوسازی در ایران توسط چه افراد یا سازمان هایی شکل گرفته است؟
۴. سازمان ها و نهادهای موثر در ایجاد و ظهور نوسازی از چه راهها و در چه شرایطی موفق به نوسازی شده اند؟
۵. قواعد مهم نوسازی در ایران چه قواعدی بوده است؟

۲- تعاریف مفهومی

قبل از ورود به موضوع نوسازی و تغییرات حاصل از آن در ایران باید تعریفی از سنت داشته باشیم" منظور از سنت، شامل فرهنگ و آداب و رسوم، ارزشها و حتی دین و مذهب است" (همان). همچنین سنت در تعریف وبر (وبر، ۱۹۸۰: ۵۸۰ به نقل از راسخ، ۱۳۹۸: ۷۵) اعتقاد به مصونیت چیزی است که همواره بوده است. وقتی از سنت کنار مدرنیته یا نوسازی سخن به میان می آید، مفهوم عمومی ای که از این دو استنباط می شود حاکی از عناصر جدید و قدیمی یک جامعه است که نمود فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. برای مثال عنصر مجلس در مشروطه را می توان نمود سیاسی مدرنیته در جامعه دانست. نموده های فرهنگی جدید (مدرنیته) عمدتاً نرم افزاری و مبتنی بر سبک زندگی افراد است. تجدد را به عقیده من می توان بیشتر با توسعه همراه دانست تا رشد. زیرا که ما باید به کیفیت رشد نیز در کنار کمیت آن توجه کنیم. این کیفیت باید در روابط اجتماعی و مناسبات نیز داخل شود. به عقیده نویسنده مقاله عقلانیت صوری وبر (ریتزر، ۱۳۹۷) سبب یک پیشرفت بزرگ در جوامع اروپایی شد "از دید فلسفی و جامعه شناختی می توان گفت بنیاد علمی مدرنیسم به ویژه آنچه در قرن هیجدهم و نوزدهم رواج پیدا کرد، بر اندیشه ترقی و تکامل و تصور تاریخ و جامعه به عنوان موجودی پویا، دینامیک و متحول استوار است. مدرنیته با اندیشه ترقی شروع شد" (بشیریه، ۱۳۷۵: ۳۵۹) این اندیشه را می توان در سه منطقه جغرافیایی غرب (اروپای غربی)، شرق (ژاپن، چین، روسیه) و کشورهای جهان سوم بررسی کرد. در علم مردم شناسی نیز اندیشه در طول هم قرار گرفتن جوامع و پیشرفت آنها بر اساس یک تطور ارائه شد. ادوارد تایلر و مورگان از جمله تطورگرایان اولیه ای بودند که برای پیشرفت جوامع یک الگو با معیارهای مشخصی از جمله چگونگی تمشیت یا استفاده از ابزارها ارائه دادند. (امین مظفری، ۱۳) پس به نوسازی به عنوان فصل جدید و متفاوت نگاه نشده است بلکه مدرنیته به عنوان یک پیشرفت مد نظر است. "چهره تجدد در دو عنوان اندیشه آزادی و سازماندهی در مقابل لجام گسیختگی ها معرفی می شود" (بشیریه، ۱۳۷۵).

۳- چارچوب نظری

از نظر گیدنز چهار وجه اصلی برای مدرنیته وجود دارد که عبارت اند از کاپیتالیسم، صنعت گرایی، قدرت اداره هماهنگ تمرکز و قدرت نظامی" (قنبری، ۱۳۷۹: ۱۲۰). تغییر جوامع در افکار مارکس که اندیشه مبتنی بر تغییر در طول تاریخ دارد، دیده می شود. تغییر جوامع با تغییر شیوه تمشیت یا اقتصاد اتفاق می افتد. (ریتزر، ۱۳۹۷) وقتی غرب با مدرنیته تغییر پیدا کرد سوال در اذهان مردم ایران ایجاد شد که چرا غرب پیشرفت کرد؟ در پاسخ به این سوال دو گروه عمده به وجود آمد. گروهی که مانند علی شریعتی درصدد تطبیق اسلام با تجدد غرب و دنبال تفسیر جدیدی از نهاد دین در ایران بودند. گروهی نیز کنار گذاشتن نهاد دین را مد نظر قرار دادند. وجه مشترکی که این دو گروه باهم داشتند، این بود که اذعان داشتند فاصله ای بین ایران و غرب وجود دارد که باید به گونه ای پر شود. چگونه پر شدن این فاصله همیشه محل نزاع میان این دو گروه بوده است. در این میان اندیشه های مارکس و پوزیتیویسم بیش از همه مورد توجه جامعه شناسان ایران قرار گرفت. به طوری که ادبیی با اندیشه مارکس و غلامعلی توسلی با اثبات گرایی مانوس بوده است. گروه اول منافاتی بین این دنیایی و آن دنیایی نمی دیدند و اعتقاد بر این داشتند که می توان هم دنیا را داشت و هم در آخرت خوشبخت بود. این تفکر را می توان با تفکر مسیحیان پروتستان بسیار نزدیک دانست. گروه دوم اعتقاد بر این داشتند که داشتن دنیا و رسیده به خوشبختی در آن نیازمند کنار گذاشتن سنتها و در بخش اعظم سنت ها دین و اندیشه های مذهبی است. به نظر من موج اول ورود مدرنیته به ایران که با سوالات بسیاری پیرامون چگونگی پیشرفت غرب بود سبب شک در جهان بینی ایرانیان شد. نمی توان این شک را به همه تعمیم داد ولی نخبگان جامعه می توانستند در اندیشه های خود تردید کنند. این اندیشه می توانست آنها را در حالت انومی (دورکیم) قرار دهد. جایی که اندیشه های قبلی راهنمای عمل برای رسیدن به خواسته ها، برطرف کردن نیازها و داشتن موجودیت فکری منسجم نیست. از طرفی جامعه و افراد آن هنوز نتوانسته اند با شیوه زندگی و جهان بینی آن خو بگیرند. به عبارت ساده تر جامعه هنوز نمی دانست که آیا باید راه جدیدی انتخاب کند یا تنها با تغییر و بازتعریف در راهی که پیش گرفته است می تواند به توسعه دست یابد.

نوسازی را برخی "کاربرد منظم، حمایت شده و هدف دار انرژی های انسانی برای دراختیار گرفتن عقلایی محیط طبیعی و اجتماعی انسان به خاطر مقاصد گوناگون بشری" می دانند. (عالم، ۱-۳۸۰: ۱۰۹ به نقل از علم و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۵). در این تعریف عناصر تسلط بر طبیعت (زیگموند فروید) و کنش معطوف به هدف قابل برداشت است. یعنی مدرنیته و عناصر قابل مشهود آن یعنی مدرنیزاسیون با کنش های عقلانی معطوف به هدف می توانند شناخته شوند. این بسیار طبیعی است زیرا که شناخت هستی قرون وسطایی که مبتنی بر شهود بود جای خود را به عقلانیت جدیدی داد که با تسلط بر طبیعت می توانست آن را تغییر دهد. در این بین کار از جایگاه والایی برخوردار شد. مدرنیته در ایران نیز با عناصر عقلی صرف شناخته شد و بر همین اساس بود که برخی مبانی دینی که عمدتاً از منابع وحیانی، شهودی و غیر عقلی بود کمتر مورد توجه قرار گرفت. پس تغییر مهم دیگری که می توان در ورود ایران به مدرنیسم اهمیت یافتن کنش معطوف به هدف است. همه این مبانی فکری می تواند در عناصر دیگر اوپژه نیز دیده شود؛ برای مثال می توان از مجلس نام برد. مشروطیت و به وجود آمدن مجلس نتیجه کنش عقلانی و تفکر عقلانی بود. فرهی بودن پادشاهی از یک سو و تفکرخالفت خدایی توسط روحانیون زمان مشروطیت - که هر دو تفکر همیشه کم و بیش در طول تاریخ ایران وجود داشته است- و اقتداری سنتی را نشان می دهد با ورود تفکر عقلانی به ایران و اهمیت یافتن کنش

معطوف به هدف سبب مهم شدن عنصری در نهاد حکومت به نام مجلس شد. مجلسی که اقتدار آن از سوی سنت یا کاریزما تعریف نمی شد. عقلانیت یا بروکراسی و اقتدار قانونی (ریتزر، ۱۳۹۷) همراه است. مبانی فکری و نظری می توانست خود را در قالب نهاد آموزش، دین، حکومت، اقتصاد و خانواده خود را نشان دهد. در یک نگاه کلی هم در کیفیت (قدرت) این نهادها تغییر به وجود آمد و هم در کمیت (گستره) آن‌ها.

۴- تغییرات اجتماعی ناشی از نوسازی در ایران چگونه تغییراتی است؟

چیستی تغییرات اجتماعی در دو حوزه می تواند بررسی شود. ابتدا در حوزه تعاملات، شیوه زندگی و رفتار که عمدتاً عناصر نرم فرهنگی را شامل می شود. حوزه دوم حوزه سازمان ها، آموزش عالی، فرهنگستان، مجلس، انقلاب کشاورزی و... می باشد. البته تقسیم این حوزه ها برای مطالعه راحت تر آنهاست و شاید در عمل نتوان حوزه ها را تفکیک کرد. جرقه های مدرنیسم و آشنایی مردم ایران با مدرنیسم از دوره قاجار و علی الخصوص اواخر آن و مقارن با انقلاب مشروطه شکل گرفت. اقتداری که شاه داشت، سنتی بود. شاه نصب شده از سوی خداوند دانسته می شد. القابی چون ظل الله بیانگر این مسئله است. هرچند خدایی بودن پادشاه نسبت به تاریخ ایران باستان به دلیل آشنایی با جهان در حال توسعه و چالش هایی که میان روحانیون و شاه های قاجار وجود داشت مقبولیت کمتری میان مردم داشت. مشروطه جنبشی اجتماعی بود که به یک انقلاب ختم شد. مردم در خلال این انقلاب می خواستند که قدرت شاه را محدود به تصمیم مردم کنند. در واقع مردم می خواستند اقتدار سنتی تبدیل به اقتدار قانونی (کوئن، ۱۳۹۶:۳۲۲) یا شبه قانونی شود. جرقه های نوگرایی در ایران دوره قاجار با تغییر تشکیلات اداری همراه بود. اولین مفهومی که از تغییر تشکیلات اداری به ذهن می رسد تغییر بروکراسی است که ماکس وبر از آن سخن گفته است. تغییر یعنی پیچیده و نظام مند شدن. " برای اولین بار در زمان فتحعلی شاه وزارت داخله، خارجه، جنگ، عدلیه، خزانه، گمرک، پست، تلگراف، علوم و... به وجود آمد" (فلاح زاده، ۱۳۹۱:۶۳). اصلاحاتی که در دوره ناصرالدین شاه در ادارات کشوری انجام شد متأثر از سفرهای وی به اروپا بود. به گونه ای که وی پس از بازگشت از سه سفر خود به اروپا، تغییراتی در تعداد وزارت خانه ها اعمال کرد. نوسازی در دوره قاجار با نام افراد متفاوتی گره خورده است. "عباس میرزا خود را مردی نوگرا و نوخواه می دانست و از رای قائم مقام نیز بهره می جست. بنیادگذار نوگرایی در ایران، عباس میرزا مردی بود بی همتا. دلبستگی فراوان به بهره گیری از فن، دانش و کارشناسی غرب و... از او مردی بی همتا ساخته بود " (همان: ۶۹). مهم ترین موتور محرکه نوگرایی در ایران را می توان در عصر رضا شاه بررسی کرد. یکی از مولفه هایی که در تغییر مثبت اجتماعی باید به آن دقت کرد پیوند نهاد حکومت با الگوی توسعه است. به عبارت ساده تر باید بررسی شود که کدام نوع از دولت می تواند توسعه را و با چه مشخصاتی به وجود بیاورد. دولت مدرن از نظر وبر دولتی است که مشروع بوده و به وسیله نمایندگان و بخش های قانون گذاری محدود شود. ویژگی بارز این دولت مدرن بروکراسی است. در بروکراسی سلسله مراتب و وظایف هر فرد مشخص است و انتخاب عضو در شبکه بروکراتیک دولت بر اساس شایستگی هاست. نظرات درباره این که شیوه اداره کشور در دوره رضا شاه مبتنی بر مجلسی تشریفاتی بوده است یا نه متفاوت است. برخی افراد مانند ارواند آبراهامیان بر این باورند که مجلس در زمان رضاشاه به مکانی برای اعمال تشریفات بدل شده بود. از لحاظ مذهبی نیز رضاشاه از جمله افرادی بود که مذهب را مانع توسعه می دانست. اردشیر جی در وصیت نامه خود به رضاشاه میگوید: "همان طور که موبدان زرتشتی در زمان ساسانیان موجب افول قدرت شاه شدند، همین روحانیون نیز می توانند موجبات سقوط وی را فراهم کنند " (فردوست، ۱۳۷۰:۱۵۲). در دوره رضاشاه علی اکبر داور عدلیه را توانست از دست روحانیون خارج سازد. این تغییر به وضوح پیامد های اجتماعی ختم می شود. به معنی دیگر می توان تغییر در قدرت نهاد های مختلف را دید. اقدامات دیگری نیز وجود دارد که چیستی تغییر در عصر جدید (اواخر قاجار) را نسبت به عصر قدیم نشان می دهد. با مقایسه این تفاوت هاست که می توانیم بگویم تغییرات اجتماعی چه چیزهایی هستند. در حوزه ادبیات نیز روشنفکران عصر مشروطه پایه توجه به زبان فارسی اصیل را بنا گذاشتند. از طرفی رواج اندیشه های ناسیونالیستی در مقابل اندیشه های سنت گرای دینی سبب شد که زبان و خط فارسی از اهمیت برخوردار شود. این تغییر را می توان در توجه به کلمات فارسی اصل دانست. از دیگر تغییرات مهم اجتماعی که در حوزه نهاد آموزش اتفاق افتاد توجه به آموزش عالی بود. آموزش عالی یعنی آموزش تخصصی برای انجام کنشی خاص. وقتی از ترویج آموزش عالی صحبت می شود ذهن به سمت نظریه تقسیم کار دورکیم می رود. تجربه نشان داده است که هر چه قدر جوامع به سمت مدرنیسم حرکت می کنند، افزایش جمعیت و تغییر مناسبات بشری ایجاب می کند همبستگی اجتماعی شان از طریق تفاوت ها و در پاسخ به نیاز همدیگر ایجاد گردد. بروکراتیک شدن و آموزش عالی به خوبی نشان می دهد که در ایران نیز به آرامی این اتفاق افتاد. این دو عنصر نشان از تقسیمات اداری گسترده و نظام مند شدن ارتباطات رسمی در جامعه ایران بود. این تغییر را می توان یکی از تغییرات مهم اجتماعی به شمار آورد. آموزش عالی با آموزش رشته های دانشگاهی مختلف، با هدف آماده کردن افراد به انجام تخصصی کارها شکل گرفت. از دیگر خصایصی که می توان از آن سخن به میان راند تغییر در آموزش عالی در اروپا پس از صنعتی شدن بود. این امر در ایران نیز دیده می شود. آموزشی که از طریق خانواده به فرزندان منتقل می شد، در شهر نمی توانست مفید واقع شده و کاربردی شود لذا آموزش به مدارس، دانشگاه ها و به عبارت کلی به نهاد آموزش واگذار شد. در ایران نیز در انتقال سنت به مدرنیته می بینیم که آموزش های سنتی خانواده ها نمی توانست تعاملات کاری به صورت اخص و سبک زندگی جدید را به طور اعم شکل دهد. بدین منظور قدرت نهاد آموزش رو به فزونی نهاد. از تغییراتی که می توان آن را در شاخه تغییرات فرهنگی و صوری قرار داد، تغییر در لباس های رسمی دولتیان، نظامیان و... و به صورت غیر رسمی بین عامه مردم دانست. تغییراتی

علاوه بر این موارد در حوزه هویت اجتماعی- ملی ایرانیان رخ داد. این تغییر در نام کشور، استفاده از ماه‌های شمسی به جای قمری و... یکی از تفاوت‌هایی که در مدرنیسم ایران و غرب وجود دارد منشا نهادی آن است. مدرنیسم در غرب از عموم جامعه صادر شد. عموم جامعه متشکل از همه نهادها و همه مردم است. در اقتصاد نیز دست نامرئی آدام اسمیت می‌توانست اقتصاد را اداره کند و منافع فردی منافع جمعی را می‌ساخت. در ایران ضرورت نوگرایی از سوی نخبگان مطرح شد نه عموم جامعه. یکی دیگر از تغییرات اجتماعی در حوزه دین در زمان رضاشاه توجه به اقلیت‌های مذهبی بود. توجه به اینکه راه مدرنیته از پامال کردن سنت دینی می‌گذرد، رضا شاه را وا داشت که در نهاد دین دو گونه عمل داشته باشد. اول: فشار

بیرونی که با گسترش نهادهای آموزش و حکومت سبب کم فروغ شدن نهاد دین می‌شد و دوم اقدام داخل خود نهاد دین با اهمیت به زرتشتیان که پیوند بیشتری با ناسیونالیسم داشتند و از طرفی نمی‌توانستند تهدیدی برای حکومت باشند. گفتیم که طبق نظر گیدنز یکی از مشخصه‌های مدرنیته داشتن قدرت نظامی است. این مشخصه در دوران رضاشاه تقویت شد. از طرفی گیدنز از توسعه صنعت و صنعت گرایی به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های مدرنیته حرف می‌زند. توسعه کشاورزی و توسعه صنعتی از جمله اعمال رضاشاه در دوره حکومت خود بود. صرف نظر از اهدافی که رضا شاه برای توسعه صنعتی در نظر گرفته بود می‌توان گفت توسعه به صورت محسوس نسبت به قبل دیده می‌شود. از نظر کشاورزی چالش حکومت بر آن بود که کشاورزی سنتی جای خود را به کشاورزی صنعتی با بهره‌وری بالا دهد. علاوه بر آموزش عالی و ارتباط آن با تقسیم کار که از آن سخن گفته شد، نظام آموزشی تغییرات شگرفی در آموزش اولیه و ابتدایی داشت. این تغییرات به صورت کمی و کیفی قابل بیان شدن است. مکاتبی که بر پایه اصول مذهبی و سنتی متأثر از مذهب و ادبیات تعلیمی بوستان و گلستان سعدی اداره می‌شد جای خود را به سیستم یکپارچه و منظم مدرسه‌ای داد که دانش‌آموزان در آن با انواع مختلفی از دروس آشنا می‌شدند. این مدارس بر خلاف قبل با قانون واحد اداره می‌شد. بروکراسی را در مدارس نیز می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. سنت معمول ایران در حوزه جنسیتی بر برتر بودن مرد تأکید داشت "مردسالاری دوره پیشامدرنیسم در ایران، زنان را در حوزه‌های عمومی محدود می‌کرد. در حوزه آموزش در دوره رضاشاه دختران نیز اجازه حضور در مدارس و آموزش را یافتند اگر چه این حضور با مشکلات و سدی به نام سنت روبرو بود. در مطالعه (عارفی گوروان: ۱۰۲) که پیرامون مدرنیته و جایگاه زنان نوشته شده است، تغییر تصویر جنسیتی از زن و مرد منجر به ورود زنان به عرصه‌های اقتصادی پس از نوسازی شده است. به نظر می‌آید تغییر دیگری که مدرنیته در طول سالیان بر جای گذاشت، کاهش جمعیت است. به این پدیده می‌توان به صورت فرصت یا تهدید نگاه کرد. اگر به الگوی عمومی گذار جمعیتی کارلوس بلکر (۱۹۴۷) نگاه کنیم خواهیم دید جمعیت به سبب توسعه اقتصادی- اجتماعی سبب کاهش در طول سالیان دراز می‌شود. کشورهایمانند نروژ، انگلستان، فرانسه و در کل اروپای غربی و شمالی که پیشتر از دیگر جوامع این گذار را شروع کرده‌اند، به مرحله کاهش جمعیت رسیده‌اند و برای مقابله با پیری جمعیت مهاجرت به این کشورها برای کار یا تحصیل و اقامت را مبنای مناسبی برای افزایش جمعیت قرار داده‌اند. طبیعی است که قبل از انقلاب صنعتی و خصوصاً تا قرن بیستم نیاز چندان به تنظیم خانواده وجود نداشت زیرا که بنا بر گفته عمران مرگ و میر ناشی از بیماری‌های عفونی همه گیر، قحطی و جنگ‌ها خود جمعیت را کنترل می‌کرد و نیاز به جایگزینی جمعیت سبب افزایش تولدها می‌شد. ایران نیز از مدرنیسم حداقل به صورت نسبی آن بی بهره نبود. همین مدرنیسم و توسعه عمدتاً برونزا سبب شد که جمعیت آن طی چند دهه کاهش یابد. البته وقوع انقلاب اسلامی در ایران در این معادله تغییری به وجود آورد اما در دو دهه اخیر باز کاهش فرزندآوری سبب افزایش جمعیت در ایران شده است. من نمی‌خواهم از جمعیت به عنوان تغییر اجتماعی یاد کنم ولی به سبب اهمیت کمی آن به آن اشاره کردم. مخالفان کاهش جمعیت معتقدند که مدرنیته با تأثیر بر عواملی چون ترویج مصرف گرایی سبب کاهش جمعیت شده است. در مطالعه‌ای (جوکار، ۱۳۹۳: ۵۹) به این نکته اشاره شده که ورود مدرنیته به ایران سبب افزایش مصرف گرایی شده است. مصرف گرایی نیز ارتباط جدایی ناپذیری با افزایش هزینه‌ها دارد. لذا والدین برای کاهش هزینه‌ها کمتر فرزندآوری می‌کنند.

به نظر من نوسازی را می‌توان با مهم‌ترین ویژگی آن یعنی آزادی مترادف دانست. آزادی به معنای امروزین آن در قالب انقلاب فرانسه که بر ارزش‌های فردی تأکید داشت نمود پیدا کرد. از همین رو بود که کلمه اگوالیتریانیسم یا آزادی و استقلال فردی از این انقلاب مستخرج شده است. آزادی از قید و بندها فرصت رشد و تغییر را به جامعه اروپایی داد. همان طور که گفته شد کلیسای کاتولیک و پاپ به دلیل القائاتی که به اهمیت عقبی و بی ارزش بودن دنیا به مردم داشتند، آزادی پیشرفت هر آنچه در دنیا می‌توانست یک زندگی مرفه بسازد از مردم گرفته بودند. مارتین لوتر (سامرویل، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۵) می‌گوید: زمانی که به خاک مقدس رم قدم گذاشتیم، مردمی را دیدم که سکه‌های طالی خود را برای بخشش گناهان به کشیش‌ها داده و گناهان چهل ساله شان بخشیده می‌شد.

پس اهمیت آخرت برای مردم بسیار زیاد بوده و رسیدن به دنیایی بهتر در گرو داشتن دنیایی پر از مشقت، درد و شب‌زنده‌داری‌های طولانی بود. انسان گرایی یا اومانیزم نیز در مدرنیته بسیار برجسته می‌شود. انسان گرایی که از مکاتب هنری ایتالیا شروع شد بازگشت به مبانی فکری یونان و روم باستان بود. یعنی بازگشت به عصر شکوه، خرد و قدرت. خردی که در آن انسان بسیار اهمیت داشت در موج جدید و پس از رنسانس انسان گرایی بار ارزشی پیدا کرد و انسان را محور عالم هستی دانست. انسانی که می‌توانست جهان را تغییر دهد، بر آن تسلط یابد و همه کنش‌ها را بر اساس عقل خود انجام دهد. در قرون وسطی انسان در حاشیه بود و خدای مسیحیت و کلیسا محوریت داشت. در ایران نیز روشنفکران به این فکر افتادند که باید انسان ارج داده شود تا از

حالت انفعال درآمده و تحرک را تجربه کند. باید همه این فرآیندها در چارچوبی صورت می‌گرفت که بتوان آن را کنترل کرد. قانون داشتن شناسنامه در سال ۱۳۰۴ یکی از این تصمیمات بود.

۵- علل و عوامل موثر در ایجاد نوگرایی در ایران چه مواردی هستند؟

شاید به صورت خلاصه به علل و عوامل ایجاد تغییرات اجتماعی ناشی از ورود نوگرایی به ایران اشاره شد. می‌توان با نگاه‌های مختلفی این تغییر را بررسی کرد. می‌توان گفت که این اتفاق باید می‌افتاد! اگر مانند مارکس به این تغییر نگاه کنیم، باید از عدم اجتناب ناپذیری در تغییر تاریخ (ریتزر، ۱۳۹۷) سخن بگوییم. به عبارت دیگر تغییر در جوامع لاجرم باید اتفاق بیفتد تا در نهایت جوامع به کمونیسم ثانویه دست پیدا کنند. برای رسیدن به این جامعه گذر از سرمایه داری ضروریست. علل و عوامل را اگر بخواهیم به صورت موضوعی دسته بندی کنیم می‌توانیم از علل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حرف بزنیم. به عقیده من نوسازی حاصل کوچک تر شدن مرزهای اجتماعی بین کشورهاست. مک لوهان در کتاب خود دهکده جهانی به این نکته اشاره می‌کند که رسانه‌ها سبب ارتباط سریع بین انسان‌ها شده و همین سرعت از جهان یک دهکده کوچک می‌سازد. نوسازی در ایران به وسیله رسانه‌های جمعی مجازی شکل نگرفت ولی ارتباط صرف نظر از چگونگی آن بین ایران و غرب آغاز شد. ارتباط به معنی آشنایی با تمدن جدید غرب و درک یک نیاز بود. پس علل و عواملی که از آن بحث می‌شود ریشه در آگاهی مردم و به ویژه نخبگان با غرب دارد و در خلال این مقایسه است که تفکر تغییر در ذهن نخبگان ایجاد می‌شود. به نظر نویسنده مقاله ارتباط اولیه حکومت قاجار با دستاوردهای غرب را می‌توان جرعه نوگرایی حداقل در سطح آگاهی به آن دانست. تغییر زمانی صورت می‌گیرد که احساس نیاز به آن بوده باشد. عرضه نیز برای تقاضا انجام می‌شود نه صرفاً برای نیاز. پس نیاز باید به صورت تقاضا بیان شود تا عرضه ای برای آن صورت گیرد. آشنایی با غرب به صورت رفت و آمدهای نخبگان، شاهان و وزرا به غرب شروع شد. ناصرالدین شاه چند بار به غرب سفر کرد و با دستاوردهای آن آشنا شد. ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و احمد شاه قاجار بارها به غرب سفر کردند. "در اوایل حکومت رضاشاه حدود ۶۰ نفر از دانشجویان ایرانی به دانشکده‌های نظامی فرانسه اعزام شدند. در سال ۱۳۰۰ ه.ش ۳۳ نفر از دانشجویان با هزینه شخصی در آلمان تحصیل می‌کردند. این تعداد در سال ۱۳۰۱ به ۷۰ و در سال ۱۳۰۲ به ۲۸۰ نفر رسید. در سال ۱۳۱۰ جمعا ۱۶۳۲ دانشجوی ایرانی در خارج تحصیل می‌کردند که هزینه ۱۰۱ نفر آنها بر عهده وزارت جنگ و بقیه بر عهده وزارت آموزش بود" (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۲۲). از دیگر دلایل آشنایی ایران با جهان غرب اثر اقتصادی-سیاسی خود غرب در ایران بود. جهان غرب با گسترش سرمایه داری نیاز به بازارهای جدیدی برای فروش محصولات خود داشت. از دوران صفویه به بعد، جهان غرب و به ویژه انگلستان به سبب پیشرفت صنعتی و رویکرد استعماری آغاز به کشف و استفاده از منابع کشورهای دیگر کرد. قبل از آشنایی با جهان غرب اقتصاد ایران به صورت سنتی اداره می‌شد. در خود غرب نیز صنعت تا قبل از جنگ جهانی اول به طور قابل توجهی محدود بود. "تا پیش از جنگ جهانی اول تعداد واحدهای کارخانه‌ای ناچیز بود و به شکل خویشاوندی اداره می‌شد. تولید انبوه در گسترش و فراگیری صنعت سهم عمده ای داشت. فرآیند انبوه سازی را نخست هنری فورد با تولید اتومبیل به شکل انبوه آغاز کرد. رفته رفته این فرآیند کشورهای صنعتی، تولید کنندگان مواد خام و کشورهای پیشاصنعتی را در بر گرفت" (فیوضات، ۱۳۹۰: ۳۳) "اقتصاد ایران در دوران قاجار مبتنی بر بازار سنتی و کالاهایی نظیر پارچه، پنبه ابریشم، شمش نقره، تریاک، اسب، مس قدیمی، خشکبار، فرش و گالب بود" (زاهد و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). دیری نپایید که ساختار اقتصادی ایران به کلی تغییر پیدا کرد. "سهم منسوجات در صادرات ایران در بین سالهای ۱۲۳۰ تا ۱۲۶۰ هجری شمسی - ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ میلادی، به شدت پایین آمد. از ۶۱ به ۱۹ درصد. و سهم منسوجات نخی و پشمی از ۲۳ درصد به ۱ درصد کل صادرات کاهش یافت. و این در حالی بود که سهم پنبه از ۱ به ۷ درصد کل افزایش یافت. افزون بر این، صادرات پارچه ایران نه فقط بطور نسبی، بلکه بطور مطلق نیز کاهش یافته و از سوی دیگر واردات پارچه افزایشی سریع داشت" (کاتوزیان، چاپ نهم، ۱۳۹۰). آنچه مشهود است سایه انداختن اقتصاد غرب بر ایران است. در حکومت‌های مرکزی دوران باستان مانند حکومت ساسانیان که بروکراسی تا حدی در آن وجود داشت، تجارت به سبب نیاز ارتش بزرگ و مصرف حکومت رشد نسبی پیدا کرد. در نظام‌های سیاسی کوچک نیازی به بروکراسی گسترده و ساماندهی تجارت عمدتاً وجود نداشت. زیرا که حکومت‌های محلی کوچک به دلیل ضعف در اداره قلمرو در معرض انواع تهدیدها قرار می‌گرفتند و نا امنی عامل مهمی در عدم توسعه تجارت بود. در ایران عصر قاجار با مواجهه با امپریالیسم اقتصادی غرب ساختار جدیدی شکل گرفت. شهرهای غربی تولیدات مبادله‌ای و شهرهای ایران تولیدات مصرفی داشتند. پس ایران تبدیل به مصرف کننده تولیدات غرب شد. "اقتصاد سنتی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم به ابتکار سرمایه داران غربی و تجار ایرانی و با تشویق و اعمال نفوذ قدرت‌های استعماری که در شمال و جنوب کشور مستقر بودند، به اقتصاد نوپای جهانی و بازارهای بین‌المللی وابستگی پیدا کرد. وابستگی به بازار جهانی در شرایط نیمه استعماری مستلزم دگرگونی‌هایی در اقتصاد سنتی جامعه ایرانی و اجزای تشکیل دهنده آن یعنی کشاورزی، صنایع دستی و مبادلت بازرگانی بود. آشکار ترین پیامد وابستگی به بازار جهانی، رشد شتابان بازرگانی خارجی در دهه آخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی هجری قمری بود" (احمد اشرف، ۱۳۵۹: ۸۹ به نقل از زاهد و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). "در اواخر قرن نوزدهم، ترکیب صادرات و واردات ایران نیز تغییر می‌یابد. بطور کلی می‌توان گفت که هم سهم صادرات مواد خام هم سهم واردات مولد و تولیدات صنعتی هر دو به تدریج افزایش یافت. صنایع ایران نیز به هیچ وجه توان رقابت و برابری با تولیدات صنعتی اروپاییان را نداشتند. اروپاییان با استفاده از

تکنولوژی پیشرفته و تولید انبوه در مقایسه با تولیدات داخلی محصولات مرغوب تر و به مراتب ارزان تری را وارد بازار ایران می کردند." (عیسوی، ۱۳۷۱: ۱۳۵ به نقل از زاهد و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). این یکی از عوامل آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب بود. اقتصاد فقط کارکرد مالی و تجاری نداشت بلکه در تغییر عناصر فرهنگی نیز نقش مهمی ایفا کرد. تأثیر اقتصاد را اگر بخواهیم به عنوان زیربنای بیان کنیم باید آن را مهم تر از هر بعد دیگری چون فرهنگ بدانیم. در نگاه غیر مارکس گرایانه نیز اقتصاد به عنوان یکی از نهادهای مهم (اقتصاد، سیاست، خانواده، آموزش و دین) بسیار حائز اهمیت است. آشنایی شاهان قاجار و به ویژه رضاشاه با فرهنگ غرب یکی از علت های موثر در تغییرات اجتماعی نوگرایی شد. "رضاشاه پس از سفر به ترکیه و دیدن کلاه شاپو، تصمیم گرفت آن را جایگزین کلاه پهلوی در ایران کند؛ زیرا که اعتقاد داشت این کلاه اختلافات ظاهری ایرانیان و اروپایی ها را برطرف می کند" (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۲). غالباً چگونگی استفاده از کلاه جدید به ادارات و در میان رجال دربار یکی از صورت های فرهنگی آشنایی ایرانیان با مدرنیزاسیون صوری است. یا می توان به ورود اولین خودرو به ایران توسط مظفرالدین شاه اشاره کرد. آشنایی با جنبه های صوری مدرنیته در آشنایی با مبانی نظری نیز تأثیر بسزایی داشت. هر یک از کالاهای تکنولوژی ها و صنایع پس از ورود به ایران فرهنگ خود را به وجود می آورد. این تماس هنگامی که در بین طیف وسیعی از افراد جامعه شناخته می شد، تغییرات خود را در پیامدها نشان می داد. برای مثال می توان به چگونگی استفاده از خودرو، ساخت جاده برای آن، تأثیر آن در تعاملات اجتماعی، تأسیس صنایع خودروسازی و... اشاره کرد. آنچه مشخص است وام گرفتن ایران در نوسازی از غرب است؛ حتی اگر ابداعاتی در نوسازی وجود داشته باشد. علل موثر در نوسازی ایران بیشتر مبتنی بر جهانی شدن غرب است. علاوه بر مواردی که بررسی کردیم، پیشرفت علمی و صنعتی در غرب را می توانیم ریشه جهانی شدن و تأثیر بر دیگر کشورها چون ایران بدانیم. این تنها ایرانیان نبودند که برای دیدن جهانی تازه تر به غرب قدم گذاشتند بلکه دولت های غربی نیز با کمک صاحبان سرمایه به دنبال سرزمین های جدید گشتند. بعد اقتصادی این تأثیر بررسی شد. در بعد نظامی و سیاسی غرب پس از انقلاب صنعتی با قدرت نظامی و اقتصادی بر دیگر کشورها چیره شد. با اینکه در طول تاریخ، ایران در وضعیت نیمه استعماری قرار داشت ولی ورود نظامیان و شبه نظامیان کشورهای غربی به ایران باعث آشنایی مردم با فرهنگ، شیوه زندگی و اهداف غریبان شد. جهانی شدن غرب خود را در استعمار، نوسازی، جنگ های جهانی و... نشان داد. ابزارهای استفاده شده در جنگ های جهانی دوم دیگر همان ابزارهایی نبودند که در قرون وسطی یا حتی قبل از انقلاب صنعتی استفاده می شد. در جریان جنگ جهانی دوم انگلیس و روسیه ایران را اشغال کردند و در خلال آن باز آشنایی بیشتری با بنیان های اندیشه غربی و دستاوردهای عینی آن به عمل آمد. "متفقین نیز کارگران ایرانی را استعمار و از آنان برای تدارک جنگ استفاده می نمودند. نزدیک به ۱۲۵ هزار کارگر ایرانی در بخش های حمل و نقل و کارخانه های مختلف مونتاژ با دستمزد بسیار ناچیز به خدمت متفقین درآمدند که مبلغ دستمزدشان از بودجه دولتی ایران پرداخت می گردید. در واقع بدون تلاش این کارگران و سوء استفاده از این نیروی عظیم کمک رسانی به شوروی از طریق ایران غیر ممکن بود" (ظهیری، ۱۳۷۹: ۳۳۱ به نقل از برهانی و طیبی، ۱۳۹۸: ۱۶). به طور خلاصه می توان گفت که علل موثر نوسازی در ایران به نزدیکی هرچه بیشتر ایران و غرب چه با کارکرد مثبت و چه با کژکارکردی برای ایرانیان بر میگردد.

۶- نوسازی در ایران توسط چه افراد یا سازمان هایی شکل گرفته است؟

همان طور که بیان شد اولین گروه هایی که با نوسازی و مظاهر آن آشنا شدند، پادشاهان و نخبگان جامعه ایران بودند. این نخبگان در مقام نویسنده، متفکر اجتماعی، جامعه شناس و یا نقشی که در دولت آن دوره داشتند به ظهور مدرنیزاسیون در ایران بسیار کمک کردند. به ترتیب به نقش افراد یا سازمان هایی که تأثیر بسزایی در ظهور مدرنیته داشته اند به صورت خلاصه می پردازیم.

الف) ناصر الدین شاه: ناصرالدین شاه تغییرات بسیار مهمی در ساختار دولت انجام داد. همچنین بسیاری از مظاهر مدرنیته همچون دوربین عکاسی در زمان ناصرالدین شاه وارد ایران شد. "دوربین عکاسی وسیله ای برای ایجاد تغییراتی همچون ثبت تاریخ تصویری و کمک به مطبوعات در جهت انتقال مفاهیم با تصویر بود." (جهانگلو، ۱۳۸۷: ۵۹). ناصر الدین شاه به جهت آشنایی با مفهوم مدرنیته در غرب در دولت نیز تغییراتی انجام داد. در زمان وی شش وزارت خانه (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۶۳) تأسیس شد. همچنین به فرمان وی شورایی متشکل از بزرگان کشور تشکیل شد که جنبه مشورتی داشت (همان). "ناصرالدین شاه پس از عزل نوری در طی اصلاحاتی سعی کرد نهادهایی به سبک دولتهای اروپایی پدیدآورد" (امانت: ۴۶۳). وی در طول سفرهایی که به غرب داشت نه تنها با سران کشورهای دیگر بلکه با هنرپیشگان، چهره های سرشناس و خوانندگان (همان) سخن گفته و هر چه بیشتر با فرهنگ غرب آشنا می شد. ناصر الدین شاه در صحتی که با سپهسالار داشته است (فراهانی منفرد، ۱۳۷۵) به وضوح مشخص می کند که هدف نوسازی ایران را همچون کشورهای اروپایی دارد. ناصرالدین شاه با تأثیرپذیری از غرب که کلیسا را از امر قضاوت برکنار و قوانین خود را بر محور توجه به انسان بناکرده بودند، در امر قضاوت نیز به دنبال نوسازی بود.

ب) مطبوعات: مطبوعات در ایران تأثیر عمده ای بر آشنایی مردم با مدرنیته داشته است. در جامعه بسته ای که هیچ راه ارتباطی ای برای شکل گیری گروه های همفکر وجود ندارد مطبوعات می تواند بسیار کارساز باشد. وقتی از مطبوعات حرف می زنیم باید جامعه آن دوره با فرهنگ خاصی را تصور کنیم. حال که شبکه های اجتماعی و پیام رسان ها گوی سبقت را از نشریات کاغذی گرفته اند، نمی توان مطبوعات را چون گذشته موثر به شمار آورد. حتی مطبوعات مطرح نیز سبک انتشار اطلاعاتشان را

تغییر داده اند. اولین روزنامه ایرانی در زمان محمدشاه قاجار بعد از سفر به انگلیس پدید آمد. "میرزا صالح شیرازی در بازگشت به ایران، با دستگاه چاپ نخستین نشریه ایران را به تقلید اسم انگلیسی نیز پیپر^۱ با عنوان کاغذ اخبار در تهران به چاپ رساند" (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۶۷) روزنامه هایی چون مجاهد، اتحاد و مجله صور اسرافیل از جمله مطبوعات بودند که دسترسی اولیه به اطلاعات ایران و جهان را برای مردم فراهم کردند. "تا پیش از انقلاب مشروطه، تفکر سیاسی-اجتماعی در انحصار معدود افراد زمانه بود. ولی گسترش فعالیت های روزنامه نگاری تا حدودی باعث شد که دیگر اقشار باسواد و کم سواد با حقوق فردی و اجتماعی خود آشنا شوند" (جبارلوی شبستری، نوزاد دیزجی، ۱۳۸۹: ۲۷۷). آشنایی مردم با حقوق خود زمینه را برای جنبشی چون مشروطه فراهم کرد که احقاق حقوق مردم در آن ممکن باشد. تا قبل از آشنایی ایرانیان با غرب جدید، مفهوم ملت معنی نداشته و همه رعیت شاه به شمار می آمدند. گاه نیز مطبوعات فارسی زبان در خارج از کشور چاپ می شد.

ج (رضا شاه: از جمله افرادی که مدرنیته با نام وی شناخته می شود، رضا شاه است. تغییرات فرهنگی، اقتصادی، اداری و سیاسی گسترده ای در زمان رضا خان انجام شد. یکی از مصادیق تاثیر وی تاسیس دانشگاه تهران است. حاج مهدی قلی خان هدایت در کتاب خاطرات و خطرات می نویسد: "مسافرت رضاخان به ترکیه و آگاه شدن از طرح دانشگاه کمال آتاتورک سبب طرح تبدیل و ارتقای موسسات موجود آموزش عالی به یک دانشگاه ملی بود".

د) میرزا ملکم خان: میرزا ملکم خان از جمله افرادی است که در بیشتر متون مربوط به نوسازی در ایران نامی از او آورده شده است. صرف نظر از زندگی شخصی او، اندیشه های او در تحقق انقلاب مشروطه تاثیرگذار بود (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). برای اثبات تاثیرگذاری تفکر وی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ادبیات: میرزا ملکم خان معتقد بود خطوط ملل اسلام امکان ترقی را از ایرانیان سلب کرده است. از این رو یکی از علل عقب ماندگی مسلمانان را نقص در الفبای آنان می دانست و معتقد بود این الفبا نمی تواند جامعه باسوادی بسازد.
 - عقل گرایی: راه رسیدن به مدارج عالی و پیشرفت مبتنی بر نوسازی استفاده از عقل حسابگر است. این عقل همان کنش عقلانی معطوف به هدفی است که ماکس وبر از آن سخن گفته است.
 - اصلاح ساختار اداری: از نظر وی حاکمیت قانون و اصلاح ساختار اداری از نیازهای ضروری و فوری است.
- ه) میرزا علی اکبر داور: در نوسازی سیستم قضایی نقش بسزایی داشت. رضاشاه با کمک وی دست روحانیون را از سیستم قضایی کوتاه کرد.

ر) عباس میرزا: وی در جهت نوسازی ارتش گام بزرگی در راستای تحول علمی و صنعتی و حتی فرهنگی برداشت. وی با فرستادن دانشجویان ایرانی به اروپا و همچنین اقدام به ترجمه و تالیف و چاپ کتاب هایی در زمینه دانش های نو اروپایی برای آشنایی ایرانیان با مدرنیته تلاش کرد. (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۶۹)

ز) امان الله خان و آتاتورک: به صورت غیر مستقیم و با تاثیر در اندیشه رضا شاه سبب تغییراتی اجتماعی و سیاسی در ایران شدند.

س) میرزا صالح شیرازی: او تصور میکرد که می شود وضعیت ایران را با تقلید از موسسات غربی اصلاح کرد. وی انگلستان را ولایت آزادی میدانست. وی آزادی را اصل مهم مدرنیته دانسته و افکار او در آشنایی ایرانیان با مدرنیته تاثیر بسزایی گذاشت (راسخ، ۱۳۹۸).

ش) دولت وقت: تاثیر دولت وقت را میتوان در اجرای تصمیمات شاه دانست. دولت انتخابی رضاشاه همگام با اهداف وی به تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دامن زدند. (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

م) روشنفکران فارغ التحصیل از دانشگاه های اروپا: روشنفکرانی که در دانشگاه های اروپایی تحصیل می کردند، پس از بازگشت به ایران در رشته های قضاوت و استادی استخدام شدند. این امر به خودی خود سبب ترویج مبانی نظری مدرنیته در ایران شد.

۷- سازمان ها و نهادهای موثر در ایجاد و ظهور نوسازی از چه راه ها و در چه شرایطی موفق به نوسازی شده اند؟

راه هایی که سبب تغییر شد بسیار است. قبل از راه ها به شرایط تغییر می پردازیم. در غرب، مدرنیته با افول تدریجی دستگاه کلیسا همراه شد. می توان در نهاد دین از کم رنگ شدن دینی منسجم چون آیین کاتولیک، در حوزه اقتصاد از بازار آزاد و صنعتی شدن، در آموزش از تجربه گرایی، در سیاست از آزادی مدنی و در برآیندی عظیم از این موارد و در سطح جامعه کل از رهاشدگی هدف دار سخن گفت. من این نام را برای این تغییرات برگزیدم زیرا که جامعه غرب می دانست که به چه سمتی می خواهد حرکت کند. افزایش آرا بین متفکران، فیلسوفان، جامعه شناسان و... در اروپا بدان معنی نیست که این تغییر عظیم بدون داشتن اهدافی مشخص صورت گرفته است. شکی نیست که جامعه اروپا پس از محرک های درونی چون نواندیشی در دین و محرک های بیرونی چون جنگ های صلیبی و تجارت با شرق به این نتیجه رسید که می خواهد کلیسا و در اصل دینی که توسط آن بر مردم دیکته می

شد کنار بگذارد. این یعنی فاصله گرفتن از چیزی برای رسیدن به چیز دیگر. غرب نمی‌خواست تنها جنبشی کم رنگ آغاز کند بلکه به انزوا کشیدن مصداق بزرگ سنت یعنی کلیسا و فرهنگ مصدور از آن نشان از تجدد خواهی بود. تشدد آرا در مصادیق و تعریف عملیاتی از تجددخواهی صورت گرفت. این تغییر در ایران به گونه‌ای دیگر صورت پذیرفت. به نظر من نوسازی در ایران بیشتر از متن قشر نخبه برخاست نه عامه مردم. عوامل و شرایطی که در غرب سبب نوسازی شد در ایران وجود نداشت. وقتی صحبت از این می‌شود که ایرانیان نیاز به تغییر پیدا کردند منظور این است که آنها متوجه فاصله بین خود و غرب شدند. سوال این است که آیا ایرانیان نیز مانند جامعه غرب حاضر به کنار گذاشتن دین یا به عبارت دیگر به حاشیه راندن دین برای سازگاری کامل با الگوی پیشرفت غرب شدند؟ جامعه غرب پس از رنسانس و به ویژه انقلاب علمی دین را در حاشیه زندگی خود بدون دخالت در دیگر نهادها پذیرفت. آیا ایرانیان نیز حاضر بودند دین در سیاست، آموزش، اقتصاد و ... دخالتی نداشته باشد؟ در ایران نهاد دین از اقتدار برخوردار بود. من دو گروه فکری در ایران را این گونه ترسیم می‌کنم.

۱. اشخاص خسته از سکون که ظلم شاهان و عقب ماندگی را در فاصله گرفتن از دین می‌دانستند. مشروطیت برای این گروه فرصتی برای بازگشت به دین بود.
۲. اشخاص خسته از سکون که اقتدار مطلق شاهان و عقب ماندگی را در پیروی از دین می‌دانستند و در واقع معتقد به ریشه دوانی سنت و دین در جامعه بودند. مشروطیت از نظر آنان فرصتی برای ورود عناصری چون آزادی نسبی به جامعه بود.

دین در سیاست حکومت ها، فرهنگ عمومی، اقتصاد و نهایتا در سبک زندگی ایرانیان نقش عمده ای داشت. بر خلاف جامعه غرب که از دین مسیحیت کاتولیک خسته شده بودند، در ایران به جز روشنفکران دیگر مردم با اینکه متوجه عقب ماندگی بودند ولی به دین به مثابه یک تهدید نگاه نمی‌کردند. در زمان مشروطیت فرهنگ ایران فرهنگی دینی بود این را در نمونه ای از سخنان محمدعلی شاه قاجار که در کتاب انقلاب مشروطه ابوالقاسم خان ناصرالملک آمده است می‌توان دید: شاه خود را دفع کننده بلا، روزی رسان و سایه خدا میدانند. گویا شاهان قاجار با اینکه می‌دانستند تغییرات در غرب چیست و به آن علاقه نیز داشتند ولی وقتی این تغییرات به ضرر آن‌ها و محدود شدن قدرت ایشان منجر می‌شد از آن روی بر می‌گردانند. تناقض در کاهش قدرت روحانیت و کاهش قدرت خود. جنبش‌هایی که با محوریت روحانیون و بازاریان انجام شد نشان از تاثیر نهاد دین در جامعه دارد. تفاوت دیگری که شرایط ایران با غرب دارد این است که در غرب نهاد دین نهاد محوری بود و سیاست نیز تحت امر نهاد دین اعمال می‌شد. مردم اروپا به کمک عاملان نهاد سیاست از علل عقب ماندگی آگاه شدند. این امر در زمان مارتین لوتر نیز انجام شد که شاهدگان آلمانی به وی کمک کردند. از طرفی این امر به نفع حکومت‌ها بود چون می‌توانستند به استقلال برسند. پس به نهاد دین به عنوان مقصر همه عقب ماندگی‌ها هجوم بردند. در ایران اینگونه نبود. با اینکه نهاد سیاست از دین تاثیر می‌پذیرفت ولی مردم نهاد سیاست را همان نهاد دین معنی نمی‌کردند. در واقع مردم نهاد دین را مقصر نمی‌شناختند. شرایطی که ایران در آن قرار داشت باید به طور کلان نگریسته شود. معادلات قدرت در سطح جهان داشت تغییر پیدا می‌کرد. غرب بسیار قدرتمندتر شده بود و ایران نیز می‌خواست قدرتمند شود. من شرایط موثری که سبب نوسازی شد به چند دسته تقسیم کرده‌ام.

احساس نیاز به تغییر: احساس نیاز به تغییر در ایران با قیاس صورت گرفت. اینکه چرا غرب در راه توسعه قدم برداشته ولی ایران نمی‌تواند این قدم را بردارد. مقایسه ایران و غرب متفکران را واداشت تا با مقایسه الگوهای فرهنگی، دینی، سیاسی و اقتصادی در دو جامعه بتوانند جنبش اصلاحی یا انقلابی‌ای تدارک ببینند.

مواجهه با غرب: جهان غرب و ماهیت جهانی شدن آن در حوزه فرهنگی و اقتصاد سبب آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب شد. از طرفی کالاهای غرب وارد ایران شد و از سوی دیگر فرهنگ از راه محصلان و سیاسیون به جامعه ایرانی قدم گذاشت. انفعال نهادهای روشنفکران در قیاس ایران با غرب متوجه بی‌کارکردی بخشی از نهادها در ایران شدند. اینکه نهاد سیاست با دین در تعریف آن زمان دیگر نمی‌تواند در معادلات جهانی موضوعیت داشته باشد. برای مثال دیگر اقتصاد سنتی که هدف آن رفع نیازهای یک محدوده معین بود نمی‌توانست کارایی داشته باشد و درون اقتصاد پویا و جهانی سرمایه داری که بعدها مفهوم عینی تر آن را می‌توان در شرکت‌های چند ملیتی دید، منحل می‌شود. بنابراین نهادهای موجود نمی‌توانستند راهنما و رفع کننده نیازهای جدیدی باشند که با جهانی شدن برای همه مردم دنیا تعریف می‌شود.

جنگ با روسیه: شکست ایرانیان از روسیه و دیدن ابزارهای مدرن ایرانیان را متوجه تغییری کرد که در جهان اتفاق افتاده است و بدین ترتیب نظام فعلی در مقابل تهدیدات خارجی، کارکرد مثبتی نخواهد داشت. "شکل‌گیری ذهنیت عقب ماندگی در ایران و پاسخ‌بدان، از زمان انقلاب مشروطه و حتی قبل از آن، از زمان شکست ایرانیان در جنگ با روس‌ها، به یکی از دغدغه‌های بزرگ جامعه و نیروهای فکری و سیاسی آن بدل گردید" (رهبری، ۱۳۸۶: ۵۵).

راه‌هایی که سبب تغییر اجتماعی (مواجهه با نوسازی) شد میتوان به راههای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقسیم کرد. از لحاظ اقتصادی اگر به زمان رضا شاه نگاه کنیم می‌بینیم بیش از یک دهه است که از جنگ جهانی اول می‌گذرد. تأکیدی که رضاشاه (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۲۰۲) بر امنیت راهها و جاده‌ها خود یکی از عواملی بود که سبب توسعه تجارت شد. از طرفی رایزنیهای رضاشاه با دیگر کشورها ثبات اقتصادی را فراهم کرده بود. اگر به جرقه‌های نوسازی در دوره قاجار و اوج گرفتن آن در زمان پهلوی اول نگاه کنیم، خواهیم دید که از لحاظ صنعت و کشاورزی پهلوی اول اقدامات قابل توجه تری نسبت به دوره قاجار انجام داده است. این اقدامات نیز در دل نوسازی و بنیانهای فکری حکومت قابل تبیین است. صرف نظر از اهداف حکومت پهلوی

اول از انجام اصلاحات در صنعت و کشاورزی که گاه برخی (آهنگران: ۵۹) آن را به نفع خود حکومت می‌دانند باید این واقعیت را پذیرفت که الگو گرفتن از غرب در توسعه اقتصادی پهلوی اول بسیار مشهود است. جامعه غرب پس از وارد شدن به دنیای مدرن بر مصرف‌گرایی - که یکی از اصول لیبرالیسم است - تأکید داشت. به دلیل وام گرفتن الگوی توسعه به معنای عام از غرب، مصرف‌گرایی به جامعه ایران نیز وارد شد. به خودی خود این مفهوم در فرهنگ عمومی و فولکلور مردم ایران تأثیر گذاشت. مفهوم قناعت دیگر نمی‌توانست در الگوی جدید توسعه خود را نشان دهد. "رضا شاه می‌کوشد با تقلید از جوامع غربی و در راستای مدرنیزاسیون با تولید و عرضه کالاهای مصرفی، جامعه را به مصرف‌گرایی سوق دهد" (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۲۱۱). از آن لحاظ تغییرات سیاسی میتوان روی شیوه حکومت و بروکراسی متمرکز شد. دستگاه‌های اداری در زمان رضا شاه افزایش چشمگیری یافت. همچنین دستگاه‌های اداری از پراکندگی در آمده و در پایتخت متمرکز شدند. رضاشاه طبق مطالعه (همان: ۱۳۴) بیشترین اهمیت را به نظامیان و افسران عالی رتبه داده و الگوی توسعه دولت خود را بر این مینا بنا نهاد. نظریه کاردوسو و اودانل (عالی زاد و همتی، ۱۳۹۶: ۹) بیان می‌کند که دولت اقتدارگرای بوروکراتیک چهار ویژگی دارد که عبارت است از ۱- حاکمیت دیوان سالاران نظامی ۲- انحصار سیاسی ۳- انحصار اقتصادی و ۴- تعمیق سرمایه داری وابسته. برخی افراد مانند فلاح زاده (۱۳۹۱) این الگو را مطابق با سیاست رضاشاه دانسته و نگاه منتقدانه‌ای به این سیاست دارند. رضاشاه برای وارد کردن ساختار جدید حکمرانی به ایران به نوسازی سیستم قضایی نیز روی آورد و سعی کرد سیستم قضایی ایران را که از مدت‌ها پیش به دست روحانیون اداره میشد از آنان گرفته و بر مبنای اصول قضایی غرب آن را ساماندهی نماید. در این راستا میرزا علی اکبر داور که یکی از کارکنان وزارت دادگستری بود و سپس به مقام دادستانی رسید نقش مهمی را ایفا کرد. وی برای آشنایی با نظام حقوقی غرب به سوئیس رفته و پس از اخذ مدرک لیسانس به ایران بازگشت. از مهم‌ترین اقدامات داور در تغییر سیستم قضایی تغییر قوانین از پایه شرعی به پایه عرفی بود. (همان: ۱۸۷). طبق قانون عرفی کردن قوه قضائیه و استخدام قضات که در دی ماه ۱۳۱۵ به تصویب مجلس وقت رسید، تمامی قضات باید دانشنامه لیسانس از دانشکده حقوق تهران یا یک دانشگاه خارجی میداشتند. این اقدامات در نوسازی سیستم قضایی ایران نقش مهمی ایفا کرد به طوری که بسیاری از قوانین حقوقی فرانسه و ایتالیا به جای قوانین شرعی رسمیت یافت. دیگر اقدام رضا شاه که در حوزه اجتماعی قرار میگیرد تأسیس فرهنگستان و دانشگاه تهران است. دانشگاه‌ها به معنای امروزی خود که محل یادگیری علم به معنی ساینس می‌باشند در روند مدرنیته از غرب شروع به رشد کرد و جای مدارس دینی را که عمدتاً توسط کلیسا اداره میشد گرفت. مشابه همین روند در ایران اتفاق افتاد. پیشینه ورود علوم جدید به ایران به روزگار قاجار باز میگردد. تأسیس دارالفنون و تدریس رشته‌های طب، مهندسی، داروسازی و... در این مدارس بیانگر نو بودن آن است. هدف رضاشاه از تأسیس دانشگاه تدریس علوم جدید در آن بود. به طوری که در سال ۱۳۱۶ تعداد دانشجویان این دانشگاه به ۲۰۰۰ نفر می‌رسید. تأسیس فرهنگستان نیز راه دیگری برای اجرای سیاست‌های نوسازی در ایران بود. اهمیت زبان و ادبیات که امروزه در مکاتب پست مدرن مورد توجه قرار میگیرد بر کسی پوشیده نیست. مشروطه خواهان با اصرار بر زبان و در اصل فرهنگ زبان فارسی به جای استفاده از عبارات عربی زمینه را برای تحقق این آرزو فراهم کردند. لجام گسیختگی توجه به زبان فارسی و ورود لغات نامانوس به زبان عامیانه سبب استهزاء زبان جدید و آشفتگی شد. به دنبال این وضع رضاشاه تصمیم گرفت فرهنگستان منسجمی با کمک ادبا و دانشمندان تأسیس کند. یکی از کارهای فرهنگستان حذف لغات عربی و جایگزینی لغات فارسی به جای آن بود. از آن جایی که زبان خود نماد فرهنگی (لسلی وایت به نقل از عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۹۶: ۲۳۰) به شمار میرود، از این رو حذف لغات عربی به معنی روی آوردن به تجدد در معنای کلی آن بود. دیگر اقدام رضاشاه که امروز توسط منتقدین بسیار مورد بحث قرار میگیرد کشف حجاب است. تغییر پوشش زنان ایرانی از نظر رضاشاه امری ضروری بود. علی‌اصغر حکمت در استدلال خود که موافق با کشف حجاب است می‌گوید: این رسم (حجاب زنان) نه تنها بر خلاف تمدن است بلکه بر خلاف طبیعت نیز هست. زیرا در دنیا هیچ یک از دو جنس مذکور و اناث در نباتات و حیوانات خلق نشده است که جنس ماده از جنس نر روی خود را پنهان کند (فلاح زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۶). رضاشاه در زمینه خدمات عمومی نیز متأثر از صور مدرنیته بود. این خدمات را میتوان در حوزه آموزش و پرورش، راه و راه آهن و بهداشت بررسی کرد. در حوزه آموزش و پرورش نیز از الگوی دانشگاه پیروی کرد. در سال ۱۳۰۰ تنها مدرسه عالی تربیت معلم، دارالمعلمین بود که در سال ۱۲۹۷ تأسیس شده بود و در سال ۱۳۰۱ فقط ۱۸۰ دانشجو داشت. بعدها در سال ۱۳۰۴ مدرسه تجارت تأسیس شد. در سال ۱۳۰۵ فارغ التحصیلان دبیرستان‌ها به مدت یک سال از خدمت نظام معاف شدند. مهم‌ترین عاملی که میتوان در تطبیق مدارس جدید صرف نظر از علوم جدید غرب عنوان کرد تهیه برنامه درسی یکپارچه از روی الگوی دبیرستان فرانسوی برای دبیرستان‌های ایران بود (همان: ۲۱۸). همچنین مهد کودکی برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۱۲ تأسیس شد. در زمینه راه آهن اسناد بسیاری به بررسی هدف و انگیزه‌های رضاخان پرداخته است که به دلیل ارتباط کمتر آن با موضوع نوسازی نهادی از آن صرف نظر میشود. آخرین موردی که در این قسمت به آن اشاره می‌شود، استفاده از نمادها و عناصر فرهنگی غرب مدرن برای مدرنیزه کردن ایران توسط رضاشاه است. حکومت در روزهای خاص و جشن‌ها کارناوال‌های شادی با عناصری چون آواز و رقص راه می‌انداخت. چیزی که در سنت و شرع تا آن دوران معنا نداشت (همان: ۱۹۰).

۸- نتیجه گیری

قواعد مهم نوسازی در ایران چه قواعدی بوده است؟

الگوهای کلی که میتوان از چهار مرحله قبل به دست آورد این است که سنت و دین چه در ایران و چه در اروپا با هم معنی میشود. انگار مدرنیاسیون از سنت و دین به یک اندازه به صورت مستقیم و غیر مستقیم دور است. الگویی که میتوان به آن اشاره کرد تصورگرایی است. گویا جوامع در حال تغییر برای تجربه اکتشافات جدید بشر و پارادایمهای ایجاد کننده آن هستند. قاعده دیگری که به نظر مهم می آید این است که مدرنیاسیون اجتناب ناپذیر است. در خلاء بودن اجتماعی قاعده دیگری است که به نظر در انتقال از سنت به مدرنیته وجود دارد. منظور از خلاء اجتماعی حالت رهایی یافتگی بی قید و بند است که اکثریت افراد جامعه آن را در چارچوب یک تعریف خاص قرار میدهد. تفاوت این چارچوب این است که آن را مردم بر اساس شرایط زمانی و مکانی خود تعریف می کنند نه دین و سنتی که ممکن بود کارکرد خود را از دست داده باشد. از همین رو خلاء اجتماعی سیال نیز هست و میتواند ماهیت خود را تغییر دهد. از دیگر تفاوت های خلاء اجتماعی با چارچوب سنتی تاکید مستقیم بر کلیات و تاکید غیرمستقیم بر جزئیات است. این در حالی است که در چارچوب سنتی بر کلیات و جزئیات سبک زندگی، باور و نمادها به صورت مستقیم تاکید می شد؛ به گونه ای که در تفکر مدرنیته هر شخص محدوده-ای برای خود دارد که دیگر نهادها تنها به صورت غیر مستقیم میتوانند به آن سرک بکشند. چیزی که در چارچوب سنتی وجود نداشت. مدرنیته را میتوان با کلماتی چون نوآوری و گستردگی و رقابت تعریف کرد. همه چیز در تفکر مدرنیته بی حد و حصر است چون انسان بی حد و حصر تصور می شود و در چارچوب بایدها و نبایدهایی که منشا آسمانی دارند قرار نمیگیرد. انسان در این جامعه اگر به نتیجه مطلوبی برسد آن را تقویت کرده و اگر به نتیجه دلخواه نرسد، نیرویی غیرانسانی را عامل آن نمی داند و پاسخ شکست خود را در ابژه ها پیدا میکند. در تعریف دیگری می توان درباره مدرنیته گفت "مجموعه تفکرانی که انسان را مختار و مرکز عالم هستی می داند؛ با همه کنشهای مطلوب یا نامطلوبش". در واقع کنش نامطلوب در مدرنیته به هسته آن یعنی "اهمیت داشتن انسان" صدمه ای نمی زند. ظاهراً به مدرنیته در ایران در معنی مدرنیاسیون نگاه شد. آنچه در غرب توسط شاهان قاجار و روشنفکران دیده میشد صورت های ظاهری سلسله تفکرانی بود که قدمتش به هزار سال میرسد. مجلس، مدارس، دانشگاه، پیشرفت صنعت و ... همه ریشه در تغییری داشت که سبب تغییر قرون وسطی به عصر رنسانس شد. توسعه غرب درونزا و با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بود در حالی که ایران باید با راه دیگری به این توسعه دست یافت. غرب خسته از سنت با تمام توان به سوی انسان محوری حرکت کرد در حالی که ایران خسته از سنت نبود و هنوز در چارچوب فکری دینی با تغییرات اندکی در سبک زندگی به سر میرد. شاهان قاجار و رضاشاه از طرفی خواهان مدرنیته شدن بودند و از طرفی با برخی اصول آن از جمله آزادی هر فرد و داشتن حریم خصوصی مخالف بودند. به نظر من رفتن به سمت توسعه توسط منابع قدرت راه درستی نبود. در جریان نوسازی بد دانستن حکومت در ایران به معنی خوب بودن نهاد دین دانسته شد و مردم را در دوراهی نهاد دین و حکومت قرار داد. در اروپا اینگونه نبود. نوسازی در ایران نتوانست جای خود را به خوبی باز کند زیرا که نه توده مردم و نه خود پادشاهان حاضر به پذیرش کامل آن نبودند و هر دو می خواستند بازنگری هایی در آن انجام شود. پادشاه کاهش قدرت و اقتدارش را قبول نمیکرد و توده مردم حاضر به پذیرفتن همه اصول مدرنیته -به ویژه کم رنگ کردن مذهب- نبودند. در مدرنیته نهاد دین و سیاست نیز بر اساس رای اکثریت به رسمیت شناخته میشود در حالی که رضاخان خواستار افزایش قدرت خود و کاهش قدرت روحانیت بود. این در تناقض با مدرنیته بود و از طرفی روحانیون این را بر نمی تابیدند. به طور خلاصه میتوان گفت که نهاد حکومت صور مدرنیته یعنی مدرنیاسیون را می پذیرفت ولی با مبانی فکری آن کاملاً موافق نبود.

منابع

۱. جهاننگلو، رامین، سامعی، حسین (۱۳۸۷)، ایران و مدرنیته: گفت و گوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن، تهران، قطره
۲. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۵)، . اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب، گنجینه اسناد، ص ۲۳-۲۴
۳. طباطبایی، جواد (۱۳۸۵)، تأملی درباره ایران، جلد نخست، دیپاچه ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نشر نگاه معاصر، ص ۲۶۷
۴. راسخ، کرامت الله (۱۳۹۸)، میرزا صالح شیرازی و سنت گرایی بازتابی، مجله مطالعات ایرانی، سال ۱۸، شماره ۳۵
۵. جبارلوی شبستری، بهرام، نوزاددیزجی، نازیلا (۱۳۸۹)، مطبوعات و روزنامه نگاری در دوران انقلاب مشروطه و اثر آن بر شیوه نگارش، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۲۵
۶. علی قنبری، فرج الله، طاهریان، محمدرضا، اعتمادی بزرگ، امیر (۱۳۹۳)، . تجددگرایی در ایران معاصر؛ مطالعه موردی : اندیشه میرزا ملکم خان ناظم الدوله، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۵، شماره ۳

۷. رهبر، مهدی (۱۳۸۶)، متجددان ایرانی و تجدد در عصر مشروطه، مطالعات ملی، سال ۸، شماره ۴، ص ۵۵
۸. فلاح زاده، حسین (۱۳۹۱)، رضاخان و توسعه ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (سازمان انتشارات)
۹. عالی زاد، اسماعیل، همتی، بهزاد (۱۳۹۶)، اقدامات اجتماعی و سیاسی دستگاه اداری پهلوی اول در انحصار ساختار سیاسی، علوم اجتماعی، ص ۹
۱۰. فیوضات، ابراهیم (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی صنعتی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (مرکز چاپ)
۱۱. برهانی، مرجان، طیبی، سید محمد (۱۳۹۸)، پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر اقتصاد صنعتی ایران، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ۱۰، شماره ۱۸
۱۲. امانت، عباس (۲۰۰۸)، قبله عالم، آی بی توریس
۱۳. قنبری، آیت (۱۳۷۹)، ایران و موج اول مدرنیته، علوم سیاسی، شماره ۱۲
۱۴. ریتزر، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: هوشنگ نایی (۱۳۹۷)، تهران، نشر نی، چاپ پنجم
۱۵. کوئن، بروس، درآمدی به مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی (۱۳۹۶)، تهران، نشر توتیا، چاپ ۳۷
۱۶. فردوست، حسین (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات
۱۷. عارفی گوروان، اسماعیل (۱۳۹۵)، تحولات سبک زندگی ایرانی-اسلامی در دوره مدرنیته، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت
۱۸. جوکار، محبوبه (۱۳۹۳)، مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران، زنان و خانواده، شماره ۲، سال ۲
۱۹. موسوی، هدی، زاهد، فیاض (۱۳۹۵)، نگاهی گذرا به گمرکات و قاچاق کالا در نیمه دوم قرن نوزدهم و تأثیر آن بر توسعه ملی در ایران، سال ۸، شماره ۲
۲۰. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی ایران، چاپ نهم، نشر مرکز
۲۱. احمدی قاسم آباد، یوسف، ذاکرف، گ (۱۳۹۴)، . بررسی مشکلات فرایند مدرنیزاسیون در ایران معاصر و اثرات آن بر جهانی شدن، علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۰
۲۲. وردلی، میرا، ملکه الیزابت اول، ترجمه: حسین بحری (۱۳۸۹)، تهران، نشر ققنوس
۲۳. علم، محمدرضا، میرزایی، بیژن، دشتی، فرزانه، برنامه تجدد و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۴، شماره ۱، ص ۶۱-۸۶
۲۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی تجدد، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره ۱، ص ۳۵۹
۲۵. بکراش، دیورا (۱۹۹۵)، تفتیش عقاید، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه (۱۳۹۲)، تهران، نشر ققنوس
۲۶. سامرویل، باربارای، مارتین لوتر پدر جنبش اصلاح دینی، ترجمه: رضا علیزاده (۱۳۸۹)، تهران، نشر ققنوس

پیش‌بینی هوش هیجانی توسط کیفیت دلبستگی به خدا در بین دانشجویان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

کد مقاله: ۵۱۶۲۸

بتول سعادت^۱

چکیده

امروزه دلبستگی به عنوان سازه‌ای تحولی و مؤثر بر رشد دانشجویان مورد توجه قرار گرفته است. در واقع دلبستگی به خدا نه تنها دانشجویان را در مسیر درست قرار می‌دهد بلکه آن‌ها را در توانایی بازشناختن، اداره کردن و استفاده از هیجان‌هایشان یا به طور دقیق‌تر هوش هیجانی‌شان یاری می‌رساند. هدف پژوهش حاضر بررسی پیش‌بینی هوش هیجانی توسط کیفیت دلبستگی به خدا در بین دانشجویان غیر انتفاعی خيام در سال ۹۶-۹۷ بود. از این رو تعداد ۳۶۲ پرسشنامه از طریق فرمول کوکران برای جامعه‌ی معلوم تعیین گردید. لذا ۳۷۰ پرسشنامه بین دانشجویان دختر و پسر توزیع شد که از این تعداد ۳۶۲ پرسشنامه قابل قبول و به منظور تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه‌ها شامل پرسشنامه‌های کیفیت دلبستگی به خدا و هوش بار-ان بودند. به منظور تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS و روش آماری رگرسیون خطی و چندگانه استفاده گردید. نتایج نشان داد که تمامی مولفه‌های کیفیت دلبستگی به خدا به غیر از اعتراض به جدایی بر هوش هیجانی درون فردی تأثیر گذار می‌باشد. در زمینه تأثیر اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود و دید مثبت نسبت به خدا به عنوان مولفه‌های کیفیت دلبستگی به خدا بر هوش هیجانی بین فردی تأثیر گذار می‌باشد. در زمینه تأثیر مولفه‌های کیفیت دلبستگی به خدا تنها پایگاه ایمن و منبع آرامش به عنوان مولفه‌های دلبستگی به خدا بر مدیریت استرس تأثیر گذار می‌باشد. همچنین از بین مولفه‌های کیفیت دلبستگی به خدا تنها پایگاه ایمن و منبع آرامش بر خلق و خوی عمومی تأثیر گذار می‌باشد. از بین مولفه‌های کیفیت دلبستگی به خدا تنها اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود بر سازگاری تأثیر گذار می‌باشد.

واژگان کلیدی: اعتراض به جدایی، پایگاه ایمن، جوارجویی، دلبستگی به خداوند، دید مثبت از خدا، دید مثبت نسبت به خود، منبع آرامش، هوش هیجانی

۱- مقدمه

دلبستگی را پیوند عاطفی نسبتاً پایداری تعریف می‌کنند که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افراد که در تعامل منظم و واقعی با وی هستند ایجاد می‌گردد (سلطانی، ۱۳۹۴). با دقت در تعریف فوق چند نکته اساسی قابل استناد است، نخست این که دلبستگی یک پیوند و رابطه بین فردی است. دوم این که این ارتباط، یک ارتباط عاطفی است و مسلم است که هیجان‌های مختلفی در این ارتباط درگیر خواهد بود سوم اینکه این ارتباط نسبتاً پایدار است. بنابراین با توجه به مفهوم الگوهای فعال درونی و بازنمایی‌های ذهنی از خود و دیگران، کیفیت این پیوند، موزه‌های وسیعی از روابط بین فردی و درون را در زمان حال و آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد. از طرف دیگر هوش هیجانی توانایی فرد در بازنگری احساسات و هان‌ها خود و دیگران، تمایز قائل شدن بین آنها و استفاده از اطلاعات هجانی در حل مسئله و تعلم بخشی رفتار تعریف شده است (تینام و ماید، ۲۰۱۵) در واقع هوش هیجانی بر توانایی توجه، پردازش و تعلم بخشی هیجان‌های تجربه شده در بطن روابط اشاره دارد. با ملاحظه مطالب فوق می‌توان استنباط کرد کیفیت پیوند عاطفی کودک با افراد مهم زندگی‌اش می‌تواند در رشد و شکل‌گیری قابلیت هیجانی وی نقش داشته و تأثیر فراوانی در روابط بین فردی و درون فردی آینده او داشته باشد. خدا به عنوان چهره دلبستگی، پایگاه امنی بر ای رفتارهای کاوش و پناهگاه ایمن در زمان پریشانی یا تهدید برای مؤمنان در نظر گرفته می‌شود و زمانی که مؤمنان از خدا دور یا جدا می‌شوند، احساس اضطراب می‌کنند. مؤمنان خواستار نزدیکی به خدا هستند و این تماس برای آنان در میان ارتباط با خدا در شکل‌های دعا و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی دلپذیر است. همچنین زمانی که مؤمن خبرهایی در مورد مرگ و از دست دادن عزیز خود دریافت می‌کند، تمایل دارد که به خدا به عنوان پناهگاه امن، نزدیک شود تا دوباره حس امنیت و آرامش را به دست آورد. همچنین فرد با اعتقاد به اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت نموده، اعتماد به نفسش هنگام اضطراب و ترس افزایش می‌یابد. این احساس ایمنی به آرامش درونی در فرد منجر شده، وی را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند. بنابراین، این احساس ایمنی، پادزهری در برابر ترس و اضطراب است (مشایخی، ۱۳۹۴).

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

اگر استدلال را از لحاظ قیاسی پیگیری کنیم، می‌توانیم بگوییم که همان فرایندی که در دلبستگی انسانی به عنوان میانجی بین سلامت و فشارهای محیطی عمل می‌کند، می‌تواند ارتباط دهنده سلامت و شکوفایی معنوی و دلبستگی به خدا باشد. افرادی که پیوند عاطفی ایمن در آنها شکل می‌گیرد می‌توانند طرحواره‌های شناختی-هیجانی خود را درونی کرده و الگوهای روانی خود (به عنوان افراد با ارزش برای مراقبت) و دیگران (به عنوان افرادی قابل اعتماد، اتکاء در درستی و حمایت کننده) را شکل داده و آنها را به صورت طرحواره‌های روانی در آورند (بالی، ۱۹۸۸، سروف و واترز، ۱۹۷۷). این پیوند عاطفی ایمن موجب حفظ عواطف و هیجان‌های مثبت شده و در کاهش شدت هیجان‌های منفی تأثیر گذاشته و افراد را در مقابل ناگواری‌های مقاوم می‌سازد (شور، ۲۰۱۳). طرحواره دلبستگی نایمن موجب پردازش اطلاعات سوگیرانه، تنظیم هیجانات ضعیف و آسیب‌پذیری در مقابل اختلالات روانی در ارتباط با استرس‌های محیطی می‌باشد (سروف، ۲۰۰۵، والتر و شیوت، ۲۰۰۶).

هوش هیجانی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم با سلامت روان رابطه دارد، سلامت روان یکی از موضوعات مورد علاقه متخصصان بهداشت، روان‌شناسان و پژوهشگران حوزه روان‌شناسی می‌باشد. هوش هیجانی بر بهداشت روانی افراد تأثیرگذار است (تقوی و همکاران، ۱۳۹۳). اصولاً فرض بهداشت روانی، منهایی معنویت دینی و فرزندی عرفانی، ناممکن است و ناشی از انسان‌شناسی کژتابانه است. خانه بهداشت روانی در سطوح متافیزیولوژیک، بی‌عرفان توحیدی دین، سست و شکننده است (طاهری پور، ۱۳۹۰) افراد جامعه با هم متفاوت هستند، ارزش‌ها، نیازها و مسائلشان در شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی و موقعیت‌های مختلف، تغییر و تحول پیدا می‌کند ولی آنچه که از همه مهم‌تر است، سطح بالای سازگاری و انطباق با محیط و شرایط بوده، به طوری که فرد بتواند با سبک زندگی که انتخاب می‌کند کنار بیاید و هم بتواند تضادها و کشمکش‌های درونی و عقده‌ها و بنیانهای سرکوفته درونی و ذهنی را حل کند و هم بتواند رابطه منطقی و معقول با افراد و محیط برقرار کند و به عنوان یک انسان متعادل، رفتاری بهنجار داشته باشد (نوابخش و پور یوسفی، ۱۳۹۴).

هوش هیجانی نقش اصلی در فرایند رهبری ایفا می‌کند و باعث تنوع در منابع قدرت می‌شود. از اختلالات روانی پیشگیری اولیه به عمل می‌آید و باعث توانمندی انسان و بعد شایستگی‌های شخصی و اجتماعی می‌شود با توجه به اهمیت کیفیت دلبستگی در بهزیستی افراد می‌توان خطوط پژوهشی زیر را برای آینده ترسیم نمود: بررسی ارتباط دلبستگی با مؤلفه‌های مختلف روان‌شناسی، سلامت مانند شادمانی، امیدواری، کیفیت زندگی، خلاقیت، بررسی میزان تغییر پذیری کیفیت دلبستگی از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی به کودکان و بزرگسالان می‌باشد.

دلبستگی به خدا یکی از سازه‌های مهم فرایند تحولی است که علیرغم ارتباط آن با متغیرهای روان‌شناختی، در تبیین هوش هیجانی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر این، آمیخته بودن دلبستگی به خدا با مذهب به عنوان سازه‌های پیچیده و دخیل بودن شرایط اجتماعی و فرهنگی در نوع برداشت از خدا و شرایط تحولی افراد و نوع آموزشی که افراد از جامعه، فرهنگ و والدین دریافت می‌کنند، شرایط متفاوتی را ایجاد می‌کند (فیلپس و دونلاوی، ۲۰۱۴).

۳- اهداف تحقیق

هدف اصلی: پیش بینی هوش هیجانی توسط کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن در بین دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی خیام

اهداف اختصاصی:

- پیش بینی بین هوش هیجانی درون فردی توسط کیفیت دلبستگی خدا و مولفه‌های آن در دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی خیام
- پیش بینی بین هوش هیجانی بین فردی توسط کیفیت دلبستگی خدا و مولفه‌های آن در دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی خیام
- پیش بینی بین مدیریت استرس توسط کیفیت دلبستگی خدا و مولفه‌های آن در دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی خیام
- پیش بینی بین خلق و خوی عمومی توسط کیفیت دلبستگی خدا و مولفه‌های آن در دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی خیام
- پیش بینی بین سازگاری توسط کیفیت دلبستگی خدا و مولفه‌های آن در دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی خیام

۴- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، هوش هیجانی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.

فرضیه فرعی:

- کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، هوش هیجانی درون فردی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.
- کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، هوش هیجانی بین فردی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.
- کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، مدیریت استرس در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.
- کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، خلق و خوی عمومی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.
- کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، سازگاری در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.

۵- مبانی نظری

۵-۱- هوش هیجانی

هوش هیجانی به منزله توانایی تشخیص، پردازش و مدیریت هیجانهای خود و دیگران تعریف شده است (انجل برگ و اسجو برگ، ۲۰۱۵، به نقل از نوری، ۱۳۹۴).

همزمان با توسعه مفهوم هوش هیجانی در گستره سازمان و مدیریت و مطرح شدن آن به عنوان یک توانمندی دارای اهمیت انسانی، تعاریف متفاوتی از آن نیز ارائه شده است که در ادامه به چند مورد از آنها از مهم‌ترین این حوزه اشاره خواهد شد. از نظر سالووی و مایر؛ هوش هیجانی عمدتاً به عنوان توانایی فرد در بازنگری احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، تمیز قائل شدن میان هیجان‌ها و استفاده از اطلاعات هیجان‌ها در حل مسئله و نظم بخشی رفتار تعریف می‌شود. (سالووی و مایر، ۱۹۹۷)

از دیدگاه دانیل گلمن هوش هیجانی شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف پذیری، توانایی حل مشکلات، توانایی مقابله با استرس و تکان‌ها تعریف می‌شود. بنابراین گلمن هوش هیجانی را توانایی حفظ انگیزه، پایداری در مقابل ناملایمات، کنترل در مقابل تکانش‌ها، به تعویق انداخت کامیابی، همدلی با دیگران و امیدوار بودن می‌داند (آقایار، ۱۳۹۰) در تعریف دیگری گلمن اشاره می‌کند. هوش هیجانی مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خود آگاهی ف روحیات خود را کنترل کند، از طریق خود مدیریتی آن را بهبود بخشد، از طریق همدلی تأثیر آنها را درک کند و از طریق مدیریت روابط به شیوه‌های رفتار کند که روحیه خود دیگران را بالا ببرد (دوستار، ۱۳۹۵)

باران در تعریف خود از هوش هیجانیان را مجموعه‌ای از مهارت‌ها استعدادها و توانایی‌های غیر شناختی می‌داند که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد (بار-آن، ۲۰۰۱؛ به نقل از دهکردی، ۱۳۹۲) از دیدگاه ریون بارون^۱ (۲۰۱۰)، هوش هیجانی یک نمونه از شایستگی‌های هیجانی و اجتماعی است که تعیین می‌کند ما نسبت به دیگران و در کنار آمدن با فشارها و تقاضاهای روزانه به چه خوبی می‌توانیم خودمان را درک و بیان کنیم. لیزا گاردنر در تعریف هوش هیجانی، معتقد است که هوش هیجانی توانایی فرد در شناسایی و ابزار هیجان‌ها در خود و دیگران است (آقایار و شریف درآمدی، ۱۳۸۹) تاکر (۲۰۰۰) هوش هیجانی را توانایی درک عواطف خود و دیگران و تمیز بین آن‌ها، برای جهت دهی فکر و عمل تعریف کرد (دهکردی، ۱۳۹۲)

وی سینگر^۱ هوش هیجانی را هوش بکارگیری عاطفه و احساس در جهت هدایت رفتار، افکار و ارتباط مؤثر با همکاران، سرپرستان، مشتریان و استفاده از زمان در چگونگی انجام کار برای ارتقای نتایج می‌داند (ونگ و لاو، ۲۰۱۳).
 بطور کلی می‌توان گفت که: هوش عاطفی، ظرفیت یا توانایی سازماندهی احساسات و عواطف خود و دیگران، برای برانگیختن و کنترل مؤثر احساسات خو و استفاده از آنها در روابط با دیگران است.
 هوش هیجانی مفهومی چند عاملی از تواناییهای شخصی و اجتماعی است که به ما در برابر مطالبات روزمره کمک می‌کند (نوری ۱۳۹۴). توانایی‌های هیجانی شخص و اجتماعی کلیدی که ساختار عاملی هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند به شرح زیر بیان می‌دارند:

- خود توجهی: توانایی ادراک و ارزیابی دقیق خود
- جرات مندی: توانایی بیان سازنده هیجانات
- تحمل استرس: توانایی مدیریت مؤثر هیجانات
- کنترل تکانه: توانایی کنترل هیجانات
- واقعیت آزمایی: توانایی رواسازی عینی احساسات و افکار
- انعطاف پذیری: توانایی سازش یافتگی با افکار و احساسات در موقعیت‌های جدید
- حل مسأله: توانایی حل مشکلات شخصی و بین شخصی
- همدلی: توانایی آگاهی و فهم هیجانات دیگران
- روابط بین فردی: توانایی برقرار کردن روابط بهینه با دیگران
- به اعتقاد آنها، علاوه بر این مولفه‌های کلیدی هوش هیجانی، مدل بار - ان پنج عامل دیگر را به عنوان تسهیل کنندگان رفتار هوشمندانه اجتماعی و هیجانی در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از:
- خوش بینی: توانایی مثبت اندیشی و نگاه به نیمه‌ی روشن زندگی
- خودشکوفایی: توانایی و مدیریت رسیدن به اهداف و تواناییهای بالقوه
- شادکامی: توانایی احساس سرخوشی با خود، دیگران و به طور کلی زندگی
- استقلال: توانایی رهاشدگی از وابستگی هیجانی به دیگران و اتکا به خود
- مسئولیت پذیری اجتماعی: توانایی شناسایی خود به منزله‌ی قسمتی از گروه اجتماعی خود و مسئولیت در قبال آن.

۵-۲- ویژگی‌های هوش هیجانی

وقایع زندگی را می‌توان به دو دسته وقایع مهم (مانند ازدواج و مرگ افراد خانواده) و وقایع روزمره (همچون ملاقات یک دوست) تقسیم نموده هوش هیجانی از عامل‌های مهم در زندگی افراد بوده که بر روی هر دسته از وقایع زندگی تأثیر بسیار دارد. ویژگیهای هوش هیجانی همچون درک، توصیف، فهم و مدیریت احساس باعث مقابله‌ی کارآمد افراد با استرس‌های روزانه و وقایع مربوط و نیز اتفاقات مهم زندگی بوده و نتایجی همچون سلامت روانی، کیفیت مطلوب روابط، رضایت شغلی، رضایت تحصیلی و سلامت بدنی را در پی خواهد داشت. بر اساس مطالب موجود در زمینه‌ی هوش هیجانی می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد: رویکرد نخست، تحت عنوان رویکرد توانایی است که توسط مایر، کارسو و سالووی (۲۰۱۳) مطرح گردید. بر اساس این دیدگاه هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها می‌باشد و بر اهمیت اطلاعات عاطفی تأکید دارد. منطق زیر بنایی رویکرد توانایی این است که هیجان‌ها یا عواطف علامت‌های روابط هستند. این رویکرد هوش هیجانی را شامل چهار توانایی می‌داند:

۱- توانایی هشیاری عاطفی و هیجانی برای درک صحیح هیجانات: این توانمندی، شناخت هیجانات در چهره‌ها، موسیقی و طرح‌ها را در بر می‌گیرد.

- ۲- توانایی کاربرد هیجانات، جهت بهبود تفکر شامل:
 - ارتباط دادن دقیق هیجانات با احساسات دیگر
 - کاربرد هیجانات در جهت تغییر دیدگاه‌ها
- ۳- توانایی فهم هیجانات و معنای آنها شامل:
 - توانایی تجزیه و تحلیل و طبقه بندی احساسات و تشخیص ارتباط بین واژه‌ها (برای مثال احساساتی چون دوست داشتن و عشق هر یک در طبقه‌ای مجزا جا می‌گیرند).
 - قابلیت درک تغییرات احتمالی از یک احساس به احساس دیگر.
 - توانایی فهم احساسات مرکب مانند احساس همزمان عشق و تنفر یا ترکیبی از آنها همچون احترام به عنوان ترکیبی از ترس و تعجب.
- ۴- توانایی مدیریت احساسات: که در بردارنده توانایی شخص در مدیریت احساسات خود و دیگران می‌باشد.

دومین رویکرد، اصطلاحاً رویکرد ترکیبی نامیده شده است (برای مثال بار - ان، ۱۹۹۷، به نقل از پارسا، ۱۳۸۰). این رویکرد هوش هیجانی را به عنوان یک توانایی با صلاحیت‌های اجتماعی، صفات و رفتارها توصیف می‌کند. رویکرد ترکیبی مهارت‌های عاطفی، ارزش‌های اجتماعی و رفتارها را با هم ترکیب می‌کند (کوب و مایر، ۲۰۱۴، به نقل از جوانشیر، ۱۳۹۳).

۵-۳- طبقه بندی بار - آن

طبق نظر بار - آن (۱۹۹۷، به نقل از سپهریان آذر، ۱۳۸۵) هوش هیجانی دارای پنج زیر مجموعه بوده که عبارت‌اند از:

- هوش هیجانی درون فردی که خودآگاهی - خود کنترلی، خود شکوفایی و نیز عدم وابستگی را در بر می‌گیرد.
- هوش هیجانی بین فردی که شامل همدلی، روابط بین فردی و مسئولیت اجتماعی می‌باشد.
- هوش هیجانی سازگاران که فرایند حل مسأله و رویارویی با موقعیت‌های واقعی را در بردارد.
- هوش هیجانی مدیریت استرس که شامل تحمل استرس و آسیب‌های زندگی می‌باشد.
- هوش هیجانی خلق عمومی که خوش بینی و شاد بودن را لحاظ می‌نماید.

۵-۴- طبقه بندی گلمن

بر اساس پیشنهاد گلمن (پارسا، ۱۳۸۰) زیر مجموعه‌های هوش هیجانی عبارتند از:

- خودآگاهی: به معنای شناخت احساسات و عواطف خود، تشکیل یک مجموعه واژگان برای بیان آنها و مشاهده‌ی حلقه‌های ارتباط میان اندیشه‌ها، احساسات و واکنش‌های افراد می‌باشد.
- خودتنظیمی: که شامل خودکنترلی، صداقت و ابتکار می‌باشد، به بیانی دیگر خود تنظیمی عبارت است از این مطلب که در ورای هر احساس چه چیزی نهفته است (برای مثال حسادت است که موجب خشم می‌شود یا عاملی دیگر)
- انگیزش: این بخش زیر مجموعه‌های همچون میل به پیشرفت و خوش بینی را در بر می‌گیرد.
- همدلی: که از فاکتورهای مهم آن، درک احساسات، دیگران و محترم شمردن تفاوت احساسات افراد در مورد موضوعات یکسان است.
- مهارت‌های اجتماعی: که از اساسی‌ترین آنها، نحوه‌ی ابزار احساسات درونی خویش می‌باشد.

۵-۵- ویژگی‌های شخصیتی افراد دارای هوش هیجانی بالا.

به زعم گلمن (پارسا، ۱۳۸۰) نیمرخ‌های آماری مردان و زنان در این خصوص تا حدودی متفاوت است به این صورت که:

مردانی که از نظر هوش هیجانی بالا هستند، از نظر اجتماعی متوازن، خوش برخورد و بشاش و در مقابل انکار نگران کننده یا ترس آور مقاومت آنان در زمینه‌ی خدمت به مردم یا حل مشکلات، قبول مسئولیت، برخورداری از دیدگاه‌های اخلاقی ظرفیتی قابل توجه دارند. در ارتباط خود با دیگران هم حسی و توجه نشان می‌دهند. زنان دارای هوش هیجانی سرشار، با جرأت هستند و احساسات خود را به طور مستقیم ابراز می‌دارند و درباره‌ی خودشان احساس بشی دارند، زندگی برای آنان سرشار از معناست، آنان هم مانند مردان، خوش برخورد و اجتماعی هستند و احساسات خود را به صورت مقتضی ابراز می‌دارند. خود را به خوبی با فشارهای عصبی منطبق می‌سازند، جایگاه اجتماعی آنان به آنها امکان می‌دهد تا به آسانی با افراد جدید روبرو شوند، با خودشان به قدر کافی راحت هستند تا آنکه بتوانند شوخ طبع، خود انگیزه و در مقابل تجارب عاطفی پذیرا باشند.

۵-۶- دلبستگی به خدا

به منظور درک درستی از دلبستگی به خدا ابتدا به مفاهیم مرتبط با آن پرداخته خواهد شد سپس این مفهوم به صورت جامع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۷- کیفیت دلبستگی

دلبستگی عبارت از پیوند یا رابطه هیجانی با یک فرد دیگر است جان باولی (۱۹۶۹) روان شناس نخستین نظریه پرداز دلبستگی بود. او دلبستگی را چنین توصیف کرده است در ارتباط روانی پایدار بین دو انسان (باولی^۱، ۱۹۶۹، به نقل از اسدی، ۱۳۹۰).

باولی عقیده داشت که پیوندهای اولیه که بین کودک و پرستارش شکل می‌گیرد تأثیر فوق العاده ای دارد و در طول تربیت احتمال بقای کودک را افزایش می‌دهد.

موضوع اصلی دلبستگی این است که مادرانی که نیازهای کودکانشان را برآورده می‌کنند، نوعی حس امنیت در آن‌ها به وجود می‌آورد. کودک می‌داند که پرستارش قابل اتکا است و این امر، پایه مطمئنی برای او به وجود می‌آورد تا به کشف جهان بپردازد.

جان بالبی پژوهش‌های گسترده‌ای درباره مفهوم دلبستگی به عمل آورد او دلبستگی را چنین توصیف کرد: ارتباط پیوند روانی پایدار بین دو انسان (بالبی، ۱۹۶۹). بالبی با این دیدگاه روانکاوانه موافق بود که تجربیات اولیه کودکی تأثیر مهمی بر رشد رفتارهای بعدی در زندگی دارد. به عقیده او سبک‌های دلبستگی اولیه مادر در دوران کودکی و از طریق رابطه کودک/پرستار شکل می‌گیرد (رضازاده، ۱۳۸۹، به نقل از حمیدی، ۱۳۹۲).

طبق نظر بالبی دلبستگی زمانی به وجود می‌آید که رابطه گرم، صمیمی و پایایی بین کودک و مادر که برای هر دو رضایت‌بخش و مایه خوشی است وجود داشته باشد. اصطلاح دلبستگی گاهی به صورت مترادف با پیوستگی به کار می‌رود اما در واقع آن دو پدیده‌های متفاوتی هستند پیوستگی به احساس مادر نسبت به کودک خود اطلاق می‌شود و با دلبستگی فرق دارد چون مادر طبیعتاً به عنوان منبع امنیت به کودک خود متکی نیست، رفتاری که از شرایط دلبستگی است. همچنین بین دو واژه دلبستگی و وابستگی تفاوت وجود دارد. در هفته‌های نخست زندگی یک نوزاد بدون تردید به خدمات مادر وابسته است اما کودک هنوز به مادر وابسته نشده است. در حالی که یک کودک ۳-۲ ساله که با ورود فرد ناآشنا رفتار دلبستگی به مادر را نشان می‌دهد به مادر دلبسته است و نه وابسته. وابستگی در موقع تولد در اوج خود است ولی در جریان تولد کودک رو به زوال می‌رود درحالی که دلبستگی در موقع تولد قابل مشاهده نیست و به تدریج بعد از ۶ ماهگی آشکار می‌شود (گلمن، ۱۹۹۵، به نقل از پارسا، ۱۳۸۳).

۵-۸- رفتار دلبستگی

با دلبسته شدن کودک به مادر یا مراقبت خود دوری مادر موجب می‌شود که کودک گریه سر دهد. از دیدگاه بالبی اساسی‌ترین خصوصیات رفتار دلبستگی این است که کودک به جستجوی مادر یا جانشین او برآمده و طوری رفتار می‌کند که حداکثر تماس با او را برای خود تأمین نماید. به نظر بالبی این رفتار واکنش به جدایی نیست بلکه واکنش طبیعی در مقابله هر گونه ناراحتی و احساس ناامنی است (پورافکاری، ۱۳۹۴).

نظر اریکسون درباره تأثیر حساسیت و پاسخ‌دهی مرتب و به موقع مادر در ایجاد یک دلبستگی ایمن در کودک و نقش این احساس ایمنی در تحول رفتاری-اجتماعی بعدی کودک، نظریه او را به نظریه بالبی نزدیک می‌سازد (دادستان، ۱۳۹۲).

۵-۹- تفاوت‌های فردی در کیفیت دلبستگی‌ها

پژوهش‌هایی که بر روی کیفیت دلبستگی انجام شده است بر دو نوع کلی دلبستگی کودک-مادر دلالت می‌کند. دلبسته ایمن و دلبسته ناایمن. دلبسته ناایمن خود دارای سه نوع است. دلبسته ناایمن اجتنابی، دلبسته ناایمن مقاوم و دلبسته ناایمن دوسوگرا. این الگو توسط هازن^۱ و شیور^۲ (۲۰۱۲) در سه گروه دلبستگی امن، اجتنابی و دوسوگرا دنبال شده است.

- دلبستگی بزرگسالان: گرایش پایدار شخصی است به تلاش ویژه برای دست یافتن و حفظ همجواری و ارتباط با یک یا چند شخص خاص که توانایی فراهم آوردن سلامت و امنیت جسمی و روان شناختی وی را دارا می‌باشد (برمن و اسپرلینگ^۳، ۲۰۱۰، به نقل از مظاهری، ۱۳۹۳).

- سبک دلبستگی ایمن: امنیت دلبستگی، وجود تعادل بین رفتارهای دلبستگی و اکتشاف محیط است.

- سبک دلبستگی اجتنابی: مکانیزم اجتناب یک مکانیزم دفاعی در مقابل اضطرابی است که یک مادر غیر قابل اعتماد در کودک بر می‌انگیزد. این افراد کسانی هستند که قبل از جلسه جدایی بودن هیچ درگیری و یا درگیری بسیار اندک با والدین با اکتشاف محیط می‌پردازند.

- سبک دلبستگی دوسوگرا: کودکان ناایمن دوسوگرا کسانی هستند که در موقعیت ناآشنا مشکل‌تر می‌توانند به احساس آرامش دست یابند. در برابر چیزهایی تازه محتاط‌ترند و انحصارگر و وابسته‌اند و نسبت به عواطف منفی خود هشیارند.

۵-۱۰- الگوهای دلبستگی در بزرگسالان و زوجین

پژوهشگران به طبقه‌بندی سبک‌های دلبستگی دست زدند و این پدیده تکاملی را به گونه‌های دیگر تبیین کرده‌اند که به این صورت طبقه‌بندی می‌شود:

دسته ایمن، دسته دلمشغول یا نگران، دسته ترسان، دسته اجتنابی (فطرت، ۱۳۹۰).

افراد ایمن: از نظر عاطفی برایشان ساده است به دیگران نزدیک شوند و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند از اینکه آنها به دیگران و دیگران به آنها وابسته شوند احساس ناراحتی نمی‌کنند. از اینکه تنها شوند و یا دیگران آنها را نپذیرند نگرانی ندارند.

افراد دلمشغول: خواهان این هستند که از نظر عاطفی با دیگران صمیمی شوند اما این را در می‌یابند که گویا آنقدری که آنها نزدیکی به دیگران را دوست دارند دیگران اینطور نیستند. از نداشتن روابط نزدیکی ناراضی‌اند اما نزدیک هم نمی‌شوند چرا که احساس می‌کنند شاید دیگران آنقدری که آنها برای خود ارزش قائلند ارزش قائل نباشند.

1 Hazen
2 Shaver
3 Berman and Sperling

افراد ترسان: از نزدیکی به دیگران ناراحت هستند و یا اینکه خواهان روابط عاطفی نزدیک هستند و از اینکه به دیگران اعتماد کنند یا نزدیک شوند می‌ترسند، چرا که نگران هستند از لحاظ عاطفی صدمه ببینند.

افراد اجتنابی: به روابط نزدیک عاطفی با دیگران راحت هستند و ترجیح می‌دهند احساس عدم دلبستگی و خود اتکایی و نه آنها به دیگران و نه دیگران به آنها وابسته نباشند.

در نهایت می‌توان سبک‌های دلبستگی را بر اساس دو محور اضطراب کم، اضطراب زیاد و اجتناب زیاد و همچنین با در نظر گرفتن مثبت یا منفی از دیگران به چهار نوع تقسیم بندی نمود (دیباجی، ۱۳۹۲).

۶- آزمون فرضیات

فرضیه یک: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، هوش هیجانی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه اول

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	نتیجه آزمون
کیفیت دلبستگی به خدا	۳۶۲	۰/۵۲۹	تأیید
هوش هیجانی	۳۶۲		

همانگونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار میان دو متغیر رد می‌شود یعنی رابطه مستقیم و معنی‌دار میان کیفیت دلبستگی به خدا و هوش هیجانی با شدت ۰/۵۲۹ وجود دارد. نتایج به دست آمده از رگرسیون به شرح زیر است:

جدول ۲: نتایج برازش مدل رگرسیون ساده برای متغیر وابسته هوش هیجانی و متغیر مستقل کیفیت دلبستگی به خدا

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معنی‌داری	نتیجه
۰/۵۲۹	۰/۲۸۰	۰/۲۷۷	۱۰۱/۱۲۳	۰/۰۰۰	تأیید

با توجه به جدول (۲) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ (میزان خطای آزمون) است و کیفیت دلبستگی به خدا بر هوش هیجانی اثر معنی‌داری دارد و متغیر مستقل ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۳: ضرائب به دست آمده از برازش مدل رگرسیون

نتیجه	سطح معنی‌داری	T آماره	ضریب استاندارد شده		
			ضریب استاندارد	خطای معیار	بتا β
تأیید	۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۹		۰/۱۲۰	۱/۷۹۵
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۲۵۶	۰/۵۲۹	۰/۰۳۹	۰/۳۹۴

بنا به جدول ضرائب مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیر دلبستگی به خدا کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر عدم تأثیر متغیر مستقل در مدل رد می‌شود یعنی متغیر دلبستگی به خدا اثر معنی‌دار بر هوش هیجانی دارد و بنابراین فرضیه فرعی اول تأیید می‌گردد.

(دلبستگی به خدا) $= ۱/۷۹۵ + ۰/۳۹۴$ = هوش هیجانی

فرضیه دوم: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، هوش هیجانی درون فردی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه اول

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	نتیجه آزمون
کیفیت دلبستگی به خدا	۳۶۲	۰/۴۱۵	تأیید
هوش هیجانی درون فردی	۳۶۲		

همانگونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار میان دو متغیر رد می‌شود یعنی رابطه مستقیم و معنی‌دار میان کیفیت دلبستگی به خدا و هوش هیجانی درون فردی با شدت ۰/۴۱۵ وجود دارد. نتایج به دست آمده از رگرسیون به شرح زیر است:

جدول ۴: نتایج برازش مدل رگرسیون ساده برای متغیر وابسته هوش هیجانی درون فردی و متغیر مستقل کیفیت

دلبستگی به خدا

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معنی‌داری	نتیجه
۰/۴۱۵	۰/۱۷۲	۰/۱۶۹	۵۴/۰۰۴	۰/۰۰۰	تأیید

با توجه به جدول (۵) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ (میزان خطای آزمون) است و کیفیت دلبستگی به خدا بر هوش هیجانی درون فردی اثر معنی‌داری دارد و متغیر مستقل ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۵: ضرائب به دست آمده از برازش مدل رگرسیون

نتیجه	سطح معنی‌داری	T آماره	ضریب استاندارد		
			بتا	خطای معیار	بتا β
ضریب ثابت	۰/۰۰۰	۱۰/۷۷۸		۰/۱۶۸	۱/۸۱۰
دلبستگی به خدا	۰/۰۰۰	۷/۳۴۹	۰/۴۱۵	۰/۰۵۵	۰/۴۰۴

بنا به جدول ضرائب مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیر دلبستگی به خدا کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر عدم تأثیر متغیر مستقل در مدل رد می‌شود یعنی متغیر دلبستگی به خدا اثر معنی‌دار بر هوش هیجانی درون فردی دارد و بنابراین فرضیه فرعی اول تأیید می‌گردد.

(دلبستگی به خدا) $۱/۸۱۰ + ۰/۴۰۴ =$ هوش هیجانی درون فردی

فرضیه سوم: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، هوش هیجانی بین فردی در دانشجویان را پیش بینی می‌کند. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه سوم

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	نتیجه آزمون
کیفیت دلبستگی به خدا	۳۶۲	۰/۳۶۵	تأیید
هوش هیجانی بین فردی	۳۶۲		

همانگونه که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار میان دو متغیر رد می‌شود یعنی رابطه مستقیم و معنی‌دار میان کیفیت دلبستگی به خدا و هوش هیجانی بین فردی با شدت ۰/۳۶۵ وجود دارد. نتایج به دست آمده از رگرسیون به شرح زیر است:

جدول ۸: نتایج برازش مدل رگرسیون ساده برای متغیر وابسته هوش هیجانی بین فردی و متغیر مستقل کیفیت

دلبستگی به خدا

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
۰/۳۶۵	۰/۱۳۳	۰/۱۳۰	۳۹/۹۹۹	۰/۰۰۰	تأیید

با توجه به جدول (۸) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ (میزان خطای آزمون) است و کیفیت دلبستگی به خدا بر هوش هیجانی بین فردی اثر معنی‌داری دارد و متغیر مستقل ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۷: ضرائب به دست آمده از برازش مدل رگرسیون

نتیجه	سطح معنی داری	T آماره	ضرب غیر استاندارد شده		
			ضرب استاندارد	خطای معیار	بتا β
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۴۴۱	۰/۱۷۸	۱/۸۵۷	ضرب ثابت
تأیید	۰/۰۰۰	۶/۳۲۴	۰/۳۶۵	۰/۰۵۸	دلبستگی به خدا

بنا به جدول ضرائب مشاهده می شود که سطح معنی داری متغیر دلبستگی به خدا کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر عدم تأثیر متغیر مستقل در مدل رد می شود یعنی متغیر دلبستگی به خدا اثر معنی دار بر هوش هیجانی بین فردی دارد و بنابراین فرضیه فرعی سوم تأیید می گردد.

(دلبستگی به خدا) $= ۱/۸۵۷ + ۰/۳۶۸$ = هوش هیجانی بین فردی

فرضیه چهارم: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه های آن، مدیریت استرس در دانشجویان را پیش بینی می کند.
نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۸: نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه چهارم

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	نتیجه آزمون
کیفیت دلبستگی به خدا	۳۶۲	۰/۳۲۶	تأیید
مدیریت استرس	۳۶۲		

همانگونه که در جدول (۱۰) مشاهده می شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی دار میان دو متغیر رد می شود یعنی رابطه مستقیم و معنی دار میان کیفیت دلبستگی به خدا و مدیریت استرس با شدت ۰/۳۲۶ وجود دارد.

نتایج به دست آمده از رگرسیون به شرح زیر است:

جدول ۹: نتایج برازش مدل رگرسیون ساده برای متغیر وابسته مدیریت استرس و متغیر مستقل کیفیت دلبستگی به خدا

ضرب همبستگی	ضرب تعیین	ضرب تعیین تعدیل شده	F آماره	سطح معنی داری	نتیجه
۰/۳۲۶	۰/۱۰۶	۰/۱۰۳	۳۰/۹۵۹	۰/۰۰۰	تأیید

با توجه به جدول (۱۱) مشاهده می شود که سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ (میزان خطای آزمون) است و کیفیت دلبستگی به خدا بر مدیریت استرس اثر معنی داری دارد و متغیر مستقل ۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند.

جدول ۱۰: ضرائب به دست آمده از برازش مدل رگرسیون

نتیجه	سطح معنی داری	T آماره	ضرب غیر استاندارد شده		
			ضرب استاندارد	خطای معیار	بتا β
تأیید	۰/۰۰۰	۷/۰۸۱	۰/۲۳۵	۱/۶۶۲	ضرب ثابت
تأیید	۰/۰۰۰	۵/۵۶۴	۰/۳۲۶	۰/۰۷۷	دلبستگی به خدا

بنا به جدول ضرائب مشاهده می شود که سطح معنی داری متغیر دلبستگی به خدا کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر عدم تأثیر متغیر مستقل در مدل رد می شود یعنی متغیر دلبستگی به خدا اثر معنی دار بر مدیریت استرس دارد و بنابراین فرضیه فرعی چهارم تأیید می گردد.

(دلبستگی به خدا) $= ۱/۶۶۲ + ۰/۴۲۷$ = مدیریت استرس

فرضیه پنجم: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه های آن، خلق و خوی عمومی در دانشجویان را پیش بینی می کند.
نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۱۱: نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه پنجم

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	نتیجه آزمون
کیفیت دلبستگی به خدا	۳۶۲	۰/۳۰۲	تأیید
خلق و خوی عمومی	۳۶۲		

همانگونه که در جدول (۴-۲۱) مشاهده می‌شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی-دار میان دو متغیر رد می‌شود یعنی رابطه مستقیم و معنی دار میان کیفیت دلبستگی به خدا و خلق و خوی عمومی با شدت ۰/۳۰۲ وجود دارد.

نتایج به دست آمده از رگرسیون به شرح زیر است:

جدول ۱۲: نتایج برازش مدل رگرسیون ساده برای متغیر وابسته خلق و خوی عمومی و متغیر مستقل کیفیت دلبستگی به خدا

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
۰/۳۰۲	۰/۰۹۱	۰/۰۸۸	۲۶/۰۵۳	۰/۰۰۰	تأیید

با توجه به جدول (۱۴) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ (میزان خطای آزمون) است و کیفیت دلبستگی به خدا بر خلق و خوی عمومی اثر معنی داری دارد و متغیر مستقل ۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۱۳: ضرائب به دست آمده از برازش مدل رگرسیون

نتیجه	سطح معنی‌داری	T آماره	ضریب استاندارد شده		
			ضریب استاندارد	خطای معیار	بتا
ضریب ثابت	۰/۰۰۰	۸/۷۷۶	۰/۲۱۶	۱/۸۹۳	۰/۳۱۶
دلبستگی به خدا	۰/۰۰۰	۵/۱۰۴	۰/۳۰۲	۰/۳۶۰	۰/۰۷۱

بنا به جدول ضرائب مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیر دلبستگی به خدا کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر عدم تأثیر متغیر مستقل در مدل رد می‌شود یعنی متغیر دلبستگی به خدا اثر معنی‌دار بر خلق و خوی عمومی دارد و بنابراین فرضیه فرعی پنجم تأیید می‌گردد.

(دلبستگی به خدا) $= ۱/۸۹۳ + ۰/۳۶۰ \times$ خلق و خوی عمومی

فرضیه ششم: کیفیت دلبستگی به خدا و مولفه‌های آن، سازگاری در دانشجویان را پیش بینی می‌کند.

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر است:

جدول ۱۴: نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد فرضیه سوم

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	نتیجه آزمون
کیفیت دلبستگی به خدا	۳۶۲	۰/۳۵۰	تأیید
سازگاری	۳۶۲		

همانگونه که در جدول (۴-۲۵) مشاهده می‌شود، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده و لذا فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار میان دو متغیر رد می‌شود یعنی رابطه مستقیم و معنی دار میان کیفیت دلبستگی به خدا و سازگاری با شدت ۰/۳۵۰ وجود دارد.

نتایج به دست آمده از رگرسیون به شرح زیر است:

جدول ۱۵: نتایج برازش مدل رگرسیون ساده برای متغیر وابسته سازگاری و متغیر مستقل کیفیت دلبستگی به خدا

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F آماره	سطح معنی‌داری	نتیجه
۰/۳۵۰	۰/۱۲۳	۰/۱۱۹	۳۶/۲۹۷	۰/۰۰۰	تأیید

با توجه به جدول (۴-۲۶) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ (میزان خطای آزمون) است و کیفیت دلبستگی به خدا بر سازگاری اثر معنی داری دارد و متغیر مستقل ۱۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۱۶-۴: ضرائب به دست آمده از برازش مدل رگرسیون

نتیجه	سطح معنی‌داری	T آماره	ضریب استاندارد شده		
			ضریب استاندارد	خطای معیار	بتا
ضریب ثابت	۰/۰۰۰	۸/۴۶۶	۰/۳۰۷	۱/۷۵۲	۰/۳۰۷
دلبستگی به خدا	۰/۰۰۰	۶/۰۲۵	۰/۳۵۰	۰/۴۰۸	۰/۰۶۸

بنا به جدول ضرائب مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیر دل‌بستگی به خدا کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر عدم تأثیر متغیر مستقل در مدل رد می‌شود یعنی متغیر دل‌بستگی به خدا اثر معنی‌دار بر سازگاری دارد و بنابراین فرضیه فرعی ششم تأیید می‌گردد.

(دل‌بستگی به خدا) $0/408 + 1/752 =$ سازگاری

۷- نتیجه گیری

هدف از این تحقیق پیش‌بینی هوش هیجانی توسط کیفیت دل‌بستگی به خدا در بین دانشجویان می‌باشد و اینکه آیا اساساً چنین رابطه‌ای منجر به بهبود هوش هیجانی در بین دانشجویان می‌شود یا خیر. به عبارت دیگر این تحقیق به دنبال تعیین اثر کیفیت دل‌بستگی به خدا بر هوش هیجانی می‌باشد. برای این منظور فرضیه‌هایی تدوین شده است که ارتباط بین ابعاد دل‌بستگی به خدا و مولفه‌های آن بر هوش هیجانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید این پرسشنامه شامل دو بخش سؤالات عمومی و سؤالات اختصاصی در برگرفته متغیرهای اصلی پژوهش کیفیت دل‌بستگی به خدا و هوش هیجانی می‌باشد. متغیر هوش هیجانی شامل ۵ مؤلفه هوش هیجانی درون فردی، هوش هیجانی بین فردی، مدیریت استرس، خلق و خوی عمومی و سازگاری بوده است و متغیر کیفیت دل‌بستگی به خدا نیز دارای مؤلفه‌های پایگاه ایمن، منبع آرامش، اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود و دید مثبت از خدا بوده می‌باشد. با تعیین جامعه آماری پژوهش که دانشجویان دانشگاه خیم است، تعداد نمونه آماری با استفاده از روش فرمول کوکران برای جامعه معلوم ۳۵۸ نفر تعیین گردید لذا برای دستیابی به این مقدار ۳۸۰ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع گردید که از این تعداد ۳۶۲ پرسشنامه قابل قبول و به منظور تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون ساده و چندگانه و نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. نتایج این تحقیق نشان داد که تمامی مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به خدا به غیر از اعتراض به جدایی بر هوش هیجانی درون فردی تأثیر گذار می‌باشد. در زمینه تأثیر اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود و دید مثبت نسبت به خدا به عنوان مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به خدا بر هوش هیجانی بین فردی تأثیر گذار می‌باشد. در زمینه تأثیر مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به خدا تنها پایگاه ایمن و منبع آرامش به خدا بر مدیریت استرس تأثیر گذار می‌باشد. همچنین از بین مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به خدا تنها پایگاه ایمن و منبع آرامش بر خلق و خوی عمومی تأثیر گذار می‌باشد. از بین مؤلفه‌های کیفیت دل‌بستگی به خدا تنها اعتراض به جدایی، جوارجویی، دید مثبت نسبت به خود بر سازگاری تأثیر گذار می‌باشد.

منابع :

۱. احمري طهران، هدی؛ حیدری، اکرم، کچویی، احمد، مقیسه، مریم و ایرانی، آزاد (۱۳۸۷). همبستگی بین نگرش نسبت به امور مذهبی و افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، سال ۱۳۸۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی قم.
۲. اژدری فرد، پری سیما و قاضی، قاسم و نورانی پور، رحمت الله (۱۳۹۰) بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش آموزان. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی. ۱۰۵-۱۲۲.
۳. آقایانی چاوشی، اکبر؛ طالبیان، داود، طرخورانی، حمید؛ صدقی جلال، هما؛ آزرمی، هاله؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۷). بررسی رابطه نماز با جهت گیری مذهبی و سلامت روان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس گروه روانشناسی.
۴. باچر، جیمز، مینکا، سوزان و هولی، جیل، آسیب شناسی روانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۹۰
۵. بحرینیان، سید عبدالمجید؛ دلشاد، حسین، شاکری، نزهت و عزیزی، شاکری (۱۳۹۱ ب). بررسی نگرش پزشکان نسبت به تأثیر میزان معنویت در روند درمان بیماران، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم.
۶. بحرینیان، سید عبدالمجید؛ سعادت، راضیه، شاکری، نزهت و عزیزی، فریدون (۱۳۸۹ الف). بررسی نگرش بیماران نسبت به تأثیر معنویت در روند درمان آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران.
۷. برآبادی، حسین احمد (۱۳۹۳). مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران افسرده و افراد سالم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم تربیتی بجنورد.
۸. بزرگی، م. (۱۳۸۳). ارتباط میان سبک‌های دل‌بستگی به خدا، صبر و عزت نفس در میان دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
۹. بوالهروی، جعفر؛ نظیری، قاسم و زمانیان، سکینه (۱۳۹۱). اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی تهران.
۱۰. بهرامی، آمنه و یوسف بهرامی، ۱۳۹۱، بررسی رابطه بین هوش هیجانی با بهداشت روانی دانشجویان (مورد: دانشگاه پیام نور سردشت)، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سنجند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

۱۱. پاکدامن، شهلا، سیدموسوی، پریسا سادات و قنبری، سعید، (۱۳۹۵) کیفیت دلبستگی به خدا و رفتارهای هیجانی در نوجوانان، روانشناسی کاربردی، ش ۱۷، ص ۸۵-۱۰۰
۱۲. تقوی، احمد؛ زهرا عسکری؛ الهه آهنگری و صفیه حیرانی، ۱۳۹۳، بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه پیام نور کاشمر، دومین همایش ملی پژوهش و درمان در روانشناسی بالینی، تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.
۱۳. تقی‌یاره، فاطمه، مظاهری، محمد علی و آزاد فلاح، پرویز، (۱۳۸۴) بررسی ارتباط با سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان، مجله روانشناسی، ش ۳۳، ص ۳۱-۳
۱۴. جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۳). جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی)
۱۵. جناآبادی، ح و سابق، ف. (۱۳۹۳). رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهر زاهدان. دو فصلنامه علمی پژوهشی طلوع بهداشت یزد (۲) ۱۱۲ - ۹۹.
۱۶. چین‌آوه، محبوبه و طباطبائی، سیده فاطمه (۱۳۹۵). پیش‌بینی افکار خودکشی بر اساس نگرش مذهبی و توکل به خدا. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ششم، شماره اول.
۱۷. حدادی کوهسار، ع ا و غباری بناب، ب (۱۳۹۰). تصویر ذهنی از خدا و افکار پارانویامانند در دانشجویان. فصلنامه روانشناسان ایرانی
۱۸. حسنی، رمضانعلی؛ احمدی، محمدرضا و میردیکوندی، رحیم (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی، خوش‌بینی آموخته شده سلیگمن و امنیت روانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. خان صنمی شعبانعلی؛ عابدینی، زهرا، شاه‌سیاه، مرضیه و طاهری خرامه، زهرا (۱۳۹۳). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، دوره ۲۲، شماره ۲.
۲۰. خان محمدی، ارسلان و ملیحه اعظمی، ۱۳۹۴، بررسی رابطه هوش هیجانی و دلبستگی به خدا با اضطراب اجتماعی دانشجویان، ششمین همایش سراسری آسیب‌های پنهان زیست دانشجویی، کردستان، جهاددانشگاهی واحد کردستان.
۲۱. خداپناهی، کریم و خاکساربلداچی، محمدعلی، (۱۳۹۶) رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان، مجله روانشناسی، سال نهم، ش ۳، ص ۳۲۰-۳۱۰
۲۲. سپاه منصور، مژگان و شهابی زاده، فاطمه و خوشنویس، الهه (۱۳۹۴). ادراک دلبستگی کودک، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. فصلنامه روانشناسان ایرانی. ۲۵۴-۲۶۴، ۴
۲۳. سپاه منصور، مژگان؛ امامی پور، سوزان؛ حسن زاده فرشید، ساناز (۱۳۹۳) ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا، فصلنامه روانشناسان ایرانی سال چهارم، شماره ۱۵.
۲۴. شاکری نیا، ایرج (۱۳۹۲). تأثیر باورهای مذهبی بر سلامت روانی انسان، نشریه ماهنامه آموزشی، تربیتی پیوند، شماره ۲۵
۲۵. شهابی زاده، فاطمه، (۱۳۹۰) تدوین مدلی جهت تبیین پایگاه‌های هویت در ارتباط با نقش دلبستگی به والد و خدا، کارکرد خانواده و مقابله مذهبی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی
۲۶. شیروانی، علی (۱۳۹۰). سنجش دیدگاه آلستون در باب تجربه‌ی خدا با رویت خدا در اندیشه اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۲۷. صادقی، منصوره السادات؛ عصار، مریم، پیمان پاک، فائزه، ابراهیمی، سیدمحسن (۱۳۹۳). نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. صمدی، پروین (۱۳۹۰). هوش معنوی، اندیشه نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) دوره ۲
۲۹. عباسی، بابک (۱۳۹۱). تجربه‌ی دینی و ادراک از خدا نگاهی انتقادی به نظریه‌ی آلستون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۳۰. عسگری، پرویز؛ صفرزاده، سحر (۱۳۹۲). رابطه‌ی نگرش مذهبی، بهزیستی روان‌شناختی و افسردگی با عملکرد تحصیلی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۳۱. علمی، قربان؛ چنگی آشتیانی، مریم (۱۳۹۲). بررسی کارکرد معنابخشی دین در اندیشه علامه طباطبائی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۳۲. غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی اکبر (۱۳۹۰)، دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری، دوره ۱، شماره ۴، شماره ۸۱-۱۰۶.
۳۳. غباری بناب، ب و حدادی کوهسار، ع ا (۱۳۹۰). سلامت روان، تصویر ذهنی از خدا و کیفیت دلبستگی در نوجوانان بزهکار. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالین
۳۴. غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ نوری مقدم، ثنا. (۱۳۹۵). هوش معنوی، فصلنامه علمی

۳۵. قیامی، سیده زهرا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله مذهبی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و پنجم، شماره ۲۳۳-۲۲۱
۳۶. کاظمی، محمود؛ بهرامی، بهرام (۱۳۹۳). نقش اعتقادات معنوی و فرایض اسلامی در ارتقای سلامت روانی و پیشگیری از اختلالات روانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان دانشکده علوم انسانی.
۳۷. گلشاهی، طاهره؛ مرادی، اعظم، مباشری، محمود، میرزائیان، محمود و یوسفی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی و نگرش مذهبی بر رضایت از زندگی سالمندان شهرستان بروجن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان.
۳۸. مغاللو، مهناز؛ آگیلار، مریم، وفایی (۱۳۸۸). رابطه عوامل و وجوه الگوی پنج عاملی شخصیت با شادکامی و سلامت روانی و جسمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳۹. منجزی، فرزانه؛ شفیع آبادی، عبدالله و سودانی، منصور (۱۳۹۰). بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش‌های مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوزستان.
۴۰. موسوی، غفور؛ عرفانی فر، داریوش و دهقانی، غلام رضا و ابراهیمی، امراله (۱۳۸۶). نگرش توحیدی و پیشگیری از افسردگی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره پنجم، شماره ۲.
۴۱. مهدی‌یار منصوره، تقوی سید محمدرضا، گودرزی محمدعلی. (۱۳۹۵)، پیش‌بینی صبر براساس تعلق مادی و دلبستگی به خدا در دانشجویان. دین و سلامت. ۴ (۲): ۳۸-۳۹
۴۲. میکاییلی، نیلوفر؛ مقصود نادر؛ یوسف فخام و معصومه اسمعیلی، ۱۳۹۳، رابطه هوش هیجانی با سبک‌های دلبستگی در بین دانشجویان، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
۴۳. ناصرقلی بافقی، نعیمه، ملایی، حمید، حسن‌زاده، علی. (۱۳۹۵). پیش‌بینی هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی براساس سبک‌های دلبستگی. مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۳ (۳)، ۳۹۸-۴۰۵.
۴۴. نصیرزاده، مصطفی؛ شریفی راد، غلامرضا، اسلامی، احمدعلی و حسن زاده، اکبر (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای افسردگی، اضطراب و استرس در جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال با رفتار و عدم رفتار سوء مصرف مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
۴۵. نوابخش، مهرداد و پوریوسفی، حمید (۱۳۹۰). نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان، مجله پژوهش دینی ۷۸-۱۰۵
۴۶. نوربالا، احمدعلی؛ دماری، بهزاد، ریاضی، سهند (۱۳۹۳). اصلاح سبک زندگی به منظور پیشگیری از اختلال‌های روانی شایع به ویژه اختلال افسردگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران.
47. Association, A. P., & others. (2013). Diagnostic and statistical manual of mental disorders, (DSM-5). American Psychiatric Pub.
48. attachment to God and their relation to affect, religiosity, and
49. Bayat, M. (2010). Evidence of resilience in families of children with autism. Journal of Intellectual Disability Research, 51(9), 702-714.
50. Bell-Dolan, & D, Wessler, A, "Attributional style of anxiety children: extension from cognitive theory and research on adult anxiety". Journal of anxiety disorder, v8(1), 2014, p79-96
51. Bergin AE. Religiosity and Mantal Health: A critical reevaluation and meta-analysis. Professional Psychology: Research and Practice. (2012); 14(2): 170-84.
52. Berk, L., & others. (2013). Development through the lifespan. Pearson Education India.
53. Bowlby (1973). Separation, anxiety and anger. In: J., Attachment and loss. New York: Basic; 2.
54. Bradshaw, M, "Attachment to God, image of God, and psychological distress in a nationwide sample of presbyterians". The international journal for the psychology of the psychology of religion, v20, 2010, p 130-147.
55. Brumariu, L. E., & kerns, k. A., "mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood". Journal of applied development psychology, v29, 2009, p 393-402.
56. Carr, A. (2013). Positive Psychology. London: Routledge.
57. Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2015). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). Depression and Anxiety, 18(2), 76-82.
58. Ellison, C, et al., "Blessed assurance: religion, anxiety, and tranquility among us adults", social science research, v 38(3), 2010, p 656-667.
59. Erozkan, A, "the relationship between attachment style and social anxiety: an investigation with Turkish university student", social behavior and personality, v37(6), 2015.p 835-844.

60. Feeney, J. A., & Noller, P. (2015). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58 (2), 281.
61. Gerstein, E. D., Crnic, K. A., Blacher, J., & Baker, B. L. (2011). Resilience and the course of daily parenting stress in families of young children with intellectual disabilities. *Journal of Intellectual Disability Research*, 53(12), 981-997.
62. Gilboa-schechment, E, et al., "Anticipated reactions to social events: difference among individuals with generalized social phobia, obsessive compulsive disorder, and nonanxious controls", *cognitive therapy and research*, v24, 2013, p 731-746.
63. Granqvist, P. (2014). Religiousness and perceived childhood attachment: On the question of compensation or correspondence. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37(2), 350-367.
64. Green, S. E. (2011). "We're tired, not sad": Benefits and burdens of mothering a child with a disability. *Social Science & Medicine*, 64(1), 150-163.
65. Greenberger, E, & McLaughlin, C, "attachment, coping, and explanatory style in late adolescence". *Journal of youth and adolescence*, v27(2), 2013, p121-139.
66. Hallahan, D. P., Kauffman, J. M., & Pullen, P. C. (2015). *Exceptional learners*. Pearson/Allyn and Bacon.
67. Hassall, R., Rose, J., & McDonald, J. (2013). Parenting stress in mothers of children with an intellectual disability: The effects of parental cognitions in relation to child characteristics and family support. *Journal of Intellectual Disability Research*, 49(6), 405-418
68. health, mental health, and a pain in a chronic pain population. *J of*
69. Hernandez, G, "Attachment to god, spiritual coping and Alcohol use". *the international Journal for the psychology of religion*, v 20, 2010, p97-108.
70. Hodapp, R. M., Ricci, L. A., Ly, T. M., & Fidler, D. J. (2012). The effects of the child with Down syndrome on maternal stress. *British Journal of Developmental Psychology*, 21(1), 137-151.
71. Joshi, s., Kumari, S. (2011). Religious beliefs and Mental Health: An empirical Review. *Delhi Psychiatry Journal*, Vol. 14, 1: 40-50.
72. Joules, Shaalon, "The mediating role of god attachment between religiosity and spirituality and psychology adjustment in young adults", unpublished doctoral dissertation, school of the ohio state university, 2011.
73. Kirkpatrick, L. A. (2011). Attachment and religious representations and behavior. In *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp.803-822). New York: Guilford Press.
74. Kirkpatrick, L. A. (2013). God as a substitute attachment figure: A longitudinal study of adult attachment style and religious change in college students. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 24 (9), 961-973.
75. Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (2011). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18 (3), 266-275.
76. Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (2012). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs, and conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29 (3), 315- 334.
77. Kirkpatrick, L.A, shaver, P. R, "An attachment theoretical approach to love and religious belief", *personality and social psychology bulletin*, v 18, 2013, p 266-275
78. Langer, N. (2010). Resiliency and spirituality: Foundations of strengths perspective counseling with the elderly. *Educational Gerontology*, 30, 611-617.
79. Lloyd, T. J., & Hastings, R. (2016). Hope as a psychological resilience factor in mothers and fathers of children with intellectual disabilities. *Journal of Intellectual Disability Research*, 53(12), 957-968.
80. Loewenthal, K, et al., "comfort and Joy? Religion, cognition and mood in mood in protestants and jews under stress". *cognition and emotion*, v14, 2016, p 355-374.
81. Lyons, A. M., Leon, S. C., Phelps, C. E. R., & Dunleavy, A. M. (2010). The impact of child symptom severity on stress among parents of children with ASD: The moderating role of coping styles. *Journal of Child and Family Studies*, 19(4), 516-524.
82. Main, M., Kaplan, N., & Cassidy, J. (2013). Security in infancy, childhood, and adulthood: A move to the level of representation. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 66-104.
83. Mak, W. W., & Ho, G. S. (2011). Caregiving perceptions of Chinese mothers of children with intellectual disability in Hong Kong. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 20(2), 145-156.
84. Masten, A. S. (2013). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, 56(3), 227.

85. McCormick J, Hoekman K, Smith D. Religious orientation and locus of control in an Australian Open Enrolment Christian School. Australian Association for Research in Education Annual Conference. Sydney, (2013): 22- 4.
86. McCubbin, M.A., & McCubbin, H.I. (2010). Resiliency in families: A conceptual model of family adjustment and adaptation in response to stress and crisis. In H. McCubbin, A.
87. Miner, M. (2011). The impact of child-parent attachment, attachment to God and religious orientation on psychological adjustment. *Journal of Psychology and Theology*, 37(2), 114.
88. Miner, M., "The impact of child parent attachment, attachment to God and Religious orientation on psychological adjustment". *Journal of psychology and theology*, v37(2), 2012, p 114-124
89. Miodrag, N., & Hodapp, R. M. (2010). Chronic stress and health among parents of children with Intellectual and developmental disabilities. *Current Opinion in Psychiatry*, 23(5), 407-411.
90. Mochon, D.; M.I. Norton & D. Ariely (2011). "Who Benefits From Religion?". *Social Indicators Research*, 101 (1): 1-15.
91. Neal, J. & Edelmann, R., "The etiology of social phobia: toward a development profile". *Clinical Psychology Review*, v 23, 2015, p761-785.
92. Okozi, I. f. "Attachment to God: its impact on the psychological wellbeing of persons with Religious vocation". unpublished Doctoral Dissertation, Seton Hall University, 2010.
93. Olsson, M. B., & Hwang, C. P. (2015). Socioeconomic and psychological variables as risk and protective factors for parental well-being in families of children with intellectual disabilities. *Journal of Intellectual Disability Research*, 52 (12), 1102-1113.
94. Pain; 116:311-321.
95. Patterson, J. M. (2011). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 349-360.
96. personality
97. Personality: Accumulating Evidence. *Journal of Psychology*
98. Prince-Embury, S., Saklofske, D. H., & Vesely, A. K. (2014). Measures of Resiliency. *Measures of Personality and Social Psychological Constructs*, 290.
99. Rippentrop, A. E., Altmaier, E. M., Chen, J. J., Found, E. M., Keffala, J.
100. rkin, R. M., et al, "Social anxiety, self-serving bias self-presentation in causal attribution". *Journal o personality and social psycholog*, v 38, 2010, p 23-35.
101. Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A. (2014). Two dimensions of
102. Rowatt, W., & Kirkpatrick, L. A. (2016). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4), 637-651.
103. Schinckus, L., Avalosse, H., Van den Broucke, S., & Mikolajczak, M. (2018). The role of emotional intelligence in diabetes self-management behaviors: the mediating effect of diabetes-related distress. *Personality and Individual Differences*, 2018, x.
104. Scorgie, K., & Sobsey, D. (2011). Transformational outcomes associated with parenting children who have disabilities. *Mental Retardation*, 38, 195-206.
105. Shi, L. (2013). The association between adult attachment styles and conflict resolution in romantic relationships. *American Journal of Family Therapy*, 31(3), 143-157.
106. Simpson, D, B. Newman. J. L. Fuqua, D. R. (2016). Spirituality and
107. Spence, S., et al., "Social skills, social outcome and cognitive features of childhood social phobia". *Journal of Abnormal psychology*, v108 (2), 2011,p 211-221.
108. Splika, B., et al., "a General attribution theory for the psychology of Religion". *Journal for the scientific study of Religion*, v24(1), 2013, p 1-118.
109. Stack, S. & A.J. Kposowa (2011). "Religion and Suicide Acceptability: A Cross-National Analysis". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 50 (2): 289-306.
110. Strnadová, I. (2012). Stress and resilience in families of children with specific learning disabilities. *Revista Complutense de Educación*, 17(2), 35-50.
111. Svanberg, P. O. (2014). Attachment, resilience and prevention. *Journal of Mental Health*, 7(6), 543-578.
112. Taylor, S, & Wald, J. "Expectation and attributions in social anxiety disorder: Diagnostic distinction and relationship to general anxiety and depression", *Cognitive Behaviour Therapy*, v23, 2014, p 166-178.

113. TenElshof, J. K., & Furrow, J. L. (2013). The role of secure attachment in predicting spiritual maturity of students at a conservative seminary. *Journal of Psychology and Theology*, 28 (2), 99-108.
114. Thompson, & M. McCubbin (Eds.), *Family assessment: Resiliency, coping, and adaptation: Inventories for research and practice* (pp.1-64).Madiso: university of Wisconsin.
115. V. (2012)The relationship between religion/ spirituality and physical
116. Waller, M. A. (2014). Resilience in ecosystemic context: evolution of the concept. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71(3), 290.
117. Weiss, J. A., Robinson, S., Fung, S., Tint, A., Chalmers, P., & Lunsy, Y. (2013). Family hardiness, social support, and self-efficacy in mothers of individuals with Autism Spectrum Disorders. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 7(11), 1310–1317.
118. Woodman, A. C., Mawdsley, H. P., & Hauser-Cram, P. (2015). Parenting stress and child behavior problems within families of children with developmental disabilities: Transactional relations across 15 years. *Research in Developmental Disabilities*, 36, 264–276.

مبانی نظری فلسطین در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

کد مقاله: ۱۹۱۷۴

اسرارنجبر^۱

چکیده

فلسطین در زبان عبری «پ ل س ت» وارد شده است. در اصطلاح نام کشوری واقع بین اردن و مدیترانه که بین جمهوری لبنان و سوریه قرار دارد. جغرافیای فلسطین شامل جغرافیای طبیعی، تاریخی، سیاسی و نظامی می‌باشد، پرچم آن نیز از چهار رنگ سفید، سیاه، سبز و قرمز تشکیل شده است در آیات و روایات متعددی از قداست مسجدالاقصی یاد شده است. انتفاضه از «ن ف ض» گرفته شده و به معنای لبریز شدن است و در اصطلاح قیام مردمی و خودجوش مردم سراسر سرزمین اشغالی فلسطین است. عوامل پیدایش انتفاضه، عوامل فلسطینی، منطقه‌ای، جهانی، سرکوب و شکنجه فلسطینیان. دستاوردهای انتفاضه: محکومیت جهانی رژیم صهیونیستی، خارج شدن رهبری مبارزه ضد صهیونیستی از دست رهبران سیاسی، قوت بخشیدن به ریشه‌های انتفاضه، ایجاد وحدت بین فلسطینی، مهاجرت یهود از فلسطین. تأکید سیاست‌های عملی امام بر انتفاضه را می‌توان در موارد زیر برشمرد: ۱- سازماندهی انقلابی ۲- روش جهاد و مبارزه ۳- کسب امید از پیروزی انقلاب ۴- حفظ هویت جمعی ۵- جایگاه محوری فلسطین در ایدئولوژی انقلاب اسلامی و انتفاضه صهیونیسم در زبان عبری به معنای پر آفتاب است.

واژگان کلیدی: کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن

۱- مقدمه

امام خمینی (ره) اولین مرجع تقلید و پیشوای بزرگ مذهبی است که مجوز حمایت از مبارزان فلسطینی را صادر نمود و با دوراندیشی تمام بر حفظ آثار جنایت اسرائیل به‌عنوان عامل سمبلیک در جهت تحریک و تشویق مسلمانین بر علیه موجودیت مسیح اصلی جنایات یعنی رژیم اشغالگر تأکید نمودند ایشان وجهه اسلامی و بُعد اعتقادی مبارزه با اسرائیل را کار سازترین روش برای بسیج ملت مظلوم فلسطین و جلب حمایت امت اسلام از آنان معرفی نمودند و اتخاذ روشهای دیگر همچون قومیت عربی را انحراف در مسیر مبارزه برای آزادی قدس می دانستند. حفاظت و پاسداری از رهنمودهای گسترش یافته امام خمینی (ره) که باعث بیداری مسلمانان حاضر شد، بر هر فرد آگاه و بیدار دلی لازم است. در زمان حیات امام خمینی (ره) استعمار جهانی توطئه های زیادی انجام داد و اکنون نیز بر شدت کار خود افزوده است و میلیون ها دلار جهت از بین بردن اندیشه اسلامی امام خمینی (ره) هزینه کرده است؛ بنابراین بر مسلمانان و اندیشمندان، علما و حکمرانان مسلمان واجب است که با ایمان و همبستگی جامعه ای متحد و اسلامی تشکیل دهند و برای آزاد سازی قدس و از بین بردن اسرائیل غاصب نهایت تلاش خود را به کار بندند و برای رسیدن به اهداف مهم و بزرگ اختلافات خود را کنار بگذارند. مرزهای اسلامی را به روی مسلمانان بگشایند، از منابع خود برای حل مسائل مسلمانان استفاده کنند و بدین ترتیب ممکن است بتوانیم به پیروزی دست یابیم و در آخرت نیز سرافراز باشیم.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) انوار مقدس آن بر منطقه تایید و مراحل رکود و تاریکی و یأس و ناامیدی را از منطقه زدود. انقلاب اسلامی ایران از آغاز شعار آزادی قدس شریف و فلسطین را از چنگال رژیم اشغالگر قدس سر داد. امام خمینی (ره) با آگاهی، درایت و بینش خاص نسبت به مسائل و با دقت و توجه در تمام امور و مسائل به دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین پرداخت، ایشان مسلمانان جهان را به بسیج تمام توان و امکانات خود برای رویارویی با صهیونیسم سفارش کردند. دیار فلسطین محل ظهور و وطن و مزار حضرت موسی (علیه السلام) و زادگاه و مزار حضرت عیسی (علیه السلام) و نخستین قبله گاه مسلمین، همواره کانون توجه و احترام مذاهب بزرگ دنیا است در طول قرن ها همه مذاهب و فرق در فلسطین در هم زیستی کامل زندگی می کردند اما از هنگامی که با دسیسه های استعماری، تسلط انحصاری صهیونیسم و نادیده گرفتن حقوق ساکنان آن دیار آغاز شد، به پایگاه استعماری تبدیل شد و به همین دلیل هم اکنون فلسطین مسئله اول جهان اسلام و مهمترین دغدغه سران کشورهای اسلامی واقع شده است بنابراین ضرورت دارد که مسئله فلسطین بیش از پیش مورد بررسی و تحقیق و پژوهش قرار بگیرد. امروزه مسأله فلسطین و جنایات اسرائیل علیه مردم بی دفاع آن، وارد حساس ترین مرحله خود شده است؛ و از آنجا که از صدر اسلام تا کنون یهود در تقابل با اسلام بوده و در عصرهای گوناگون به شیوه های متفاوت آن را نشان داده، لازم است ریشه ها و نمادهای این تقابل مورد ارزیابی قرار گیرد. آنچه در این پژوهش بدان اشاره می شود، بررسی دیدگاههای رهبر فقید و اندیشمند سیاستمدار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در خصوص مسأله فلسطین است.

۲- پیشینه تحقیق

از آنجایی که مسئله فلسطین از هر جهت برای ملل مسلمان حائز اهمیت است، در این رابطه کتابها، نشریات و مقالات زیادی منتشر شده است از جمله کتابهای که از آنها در این پژوهش استفاده شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، این کتاب در چهار بخش تألیف شده است و به بررسی «ماهیت اسرائیل»، «رابطه ایران با اسرائیل»، «امام و انقلاب اسلامی» و در نهایت تلاشهای دشمنان برای باز داشتن جمهوری اسلامی از پیشتازی در مبارزه پرداخته است. کتاب مذکور سخنرانیهای ناب امام بزرگوار را در رابطه با فلسطین بیان می کند؛ بنابراین در این پژوهش تلاش شده که مطالبی را که در دیگر کتابها ذکر شده و مطابق با سخن امام است در کنار سخنرانی امام بیان شود.

۲- ماجرای فلسطین و اسرائیل: نویسنده: مجید صفا تاج، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. این کتاب در دو بخش تألیف شده و به طور مفصل در مورد فلسطین و اسرائیل بحث می کنند.

۳- جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین: این کتاب در مورد انقلاب اسلامی و باز تاب آن در تحولات جهانی و نهضت های آزادی بخش از جمله فلسطین تألیف و تدوین شده است.

فلسطین محل ظهور پیامبران بزرگ الهی و سرزمین تکوین رسالت انبیاء توحیدی همچون ابراهیم، موسی و عیسی (علیها السلام)، در نزد مسلمانان فلسطین و مسجدالاقصی تداعی گر واقعه بزرگ است که همان معراج رسول خدا از مسجد الحرام به مسجدالاقصی است.

بیت المقدس محل تلاقی ادیان توحیدی و ابراهیمی است و به همین دلیل قرآن کریم از آن به‌عنوان سرزمین مقدس نام برده است؛ اما امروز قدس در معرض طوفان کین نژاد پرستان و خطر مهیب صهیونیسم جهانی قرار دارد که برای بلعیدن و یهودی کردن و استحاله صیغه اسلامی اش نقشه ها و طرح ها ریخته است و اهدافی خشونت بار و کینه توزان را دنبال می کند، مقصود نهایی محور کامل هویت اسلامی بیت المقدس و موجودیت فلسطین به‌عنوان یک ملت مشروع با سرزمین خاص است.

۳- مبانی

۳-۱- مفهوم فلسطین

فلسطین در لغت: سرزمین هایی که امروز به نام فلسطین معروف است در قدیم سرزمین کنعان نام داشت چون اولین قومی که در این سرزمین مقدس و مجاور آن استقرار یافتند، کنعانیان بودند؛ کنعانیان از قبیله ی سامی و از جزیره العرب به این منطقه آمده بودند. نام «پلست» در نقش های باقی مانده از دوران فراعنه مصر حاکی از وجود ملتی به همین نام در این سرزمین است. نامی که بعدها بر روی این سرزمین نهاده شد. نام ملت «پ، ل، س، ت» یا همان فلسطینی ها، در لغت و زبان عبری، «پ، ل، س، ت» وارد شده است، نقاشی ها و نقش های باقیمانده از آن دوران بر نام این سرزمین دلالت می کند.

فلسطین در اصلاح: کشوری واقع، بین اردن و بحر الروم «مدیترانه» که بین جمهوری لبنان و سوریه قرار دارد و آن مقر سلطنت بنی اسرائیل و یهود بوده است.

۳-۲- جغرافیای فلسطین

جغرافیای طبیعی: فلسطین بخشی از شام به شمار می رود و در جنوب غربی آن قرار دارد؛ یعنی در غرب قاره آسیا، در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ آسیا، اروپا، آفریقا واقع شده است.

جغرافیای تاریخی: اهمیت و ارزش فلسطین، از کهن ترین دوران تاریخ آشکار است و باروری زمین و اعتدال آب و هوا و نیز به این امر کمک شایانی کرده است. پنج هزار سال پیش برخی از قبایل کنعانی از جزیره العرب کوچ کرده و به این سرزمین آمدند پس از ورود کنعانیان قبایلی از شرق نیز وارد این سرزمین شدند که عبرانیان نام داشتند همچنین قبایل آریایی وارد این سرزمین شدند و در ساحل فلسطین، میان غزه و شمال یافا ساکن شدند، فلسطین به نام آنان نامگذاری شده است.

جغرافیای سیاسی: فلسطین گذرگاهی بازرگانی بوده است که کالاها و فرآورده های شرق آسیا به غرب اروپا و بالعکس از آن می گذشته است. عرب های مسلمان در نیمه نخست قرن هفتم میلادی توانستند مصر و شمال آفریقا را از راه فلسطین بگشایند. با گشایش کانال سوئز، بر اهمیت فلسطین افزوده شد، زیرا نفت کشورهای عرب برای رسیدن به اروپا و آمریکا از این راه می گذشت. موقعیت فلسطین در عصر حاضر، در استحکام روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای عرب همسایه و مجاور آن تأثیر بسیاری داشته است.

جغرافیای نظامی: اهمیت جغرافیای نظامی فلسطین، در دوره جنگ های صلیبی مشخص شد. موقعیت جغرافیای فلسطین، این مکان را به صهیونیست ها داده است تا از آن در جنگ های گوناگون بین سالهای «۱۹۶۷» و «۱۹۷۳» میلادی برای حمله به کشورهای عرب مجاور استفاده کنند.

پرچم فلسطین: رنگ های پرچم فلسطین، از سمبل و نشانی که جنبش ناسیونالیستی عربی از اوایل قرن بیستم میلادی برای خود برگزیده بود، گرفته شده است، جمعیت عربهای جوان، تهیه سمبل و رمزی را در شکل علامتی با سه رنگ سبز، سفید و سیاه که بیانگر دوران درخشان استقلال عرب هاست، برای جنبش ناسیونالیستی پیشنهاد کردند.

به دنبال نخستین کنفرانس سران عرب، پرچم عربی با چهار رنگ سبز، سفید، سیاه و مثلث سرخ رنگ، در مقر نخستین مجلس ملی فلسطین در بیت المقدس در تاریخ ۱۹۶۴/۵/۲۸ میلادی به اهتزاز درآمد. به این ترتیب سازمان آزادی بخش فلسطین، پرچم چهار رنگی به صورت نشانی برای خود برگزیدند، زیرا در ورای این نشان، تاریخی طولانی از مبارزات ملت فلسطین نهفته است، انقلاب معاصر فلسطین، چیزی جز ادامه مبارزات ملت فلسطین و تلاش این ملت برای آزادی کشورشان نبوده و نخواهد بود.

۳-۳- پیشینه فلسطین

حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (علیه السلام) چند قبیله عربی، از جزیره العرب به منطقه فعلی فلسطین مهاجرت کردند و در آنجا سکنا گزیدند که به کنعانیان معروف شدند. کنعانیان چندین قبیله بودند، یکی از مهمترین آنها یبوسون بود که در شهر قدس و اطراف آن سکونت داشت و به مناسبت همین طوایف، فلسطین را (ارض کنعان) می نامیدند. انتساب به حضرت یعقوب بنی اسرائیل نامیدند. بعد از شیوع قحطی شدید در فلسطین، حضرت یعقوب و سایر فرزندان او به مصر رفتند و نزد یوسف ماندند و کم کم جمعیت خاندان اسرائیل زیاد شد.

در زمان رامسس دوم «فرعون مصر» بنی اسرائیل مورد آزار و اذیت فراوانی قرار می گرفتند به همین جهت حضرت موسی (علیه السلام) همت گماشت و آنان را آزاد کرد و به سرزمین کنعان برد. بدین ترتیب حدود ۱۲۹۰ سال قبل از میلاد حضرت عیسی (علیه السلام) بنی اسرائیل از صحرای سینا گذشتند عده ای را به همراهی حضرت یوشع (علیه السلام) به فلسطین فرستادند تا از وضع آنجا اطلاع کاملی بدست آورد، آن گروه پس از بازگشت خبر دادند مردمی ستمگر و سرکش در آنجا زندگی می کنند. بنی اسرائیل حاضر نشدند به فلسطین مهاجرت کنند و فرمان حضرت موسی (علیه السلام) اطاعت نکردند بدین ترتیب آنان ۴۰ سال در آن بیابان سرگردان ماندند. بعد از وفات حضرت موسی (علیه السلام) بنی اسرائیل به رهبری حضرت یوشع (علیه السلام) نهر

اردن گذشتند و پس از «اریحا» بعضی از شهرهای دیگر فلسطین را متصرف شدند ولی اهالی بیت المقدس مقاومت کردند و تسلیم نشدند. بعد از مرگ حضرت یوشع (علیه السلام) ریاست بنی اسرائیل به دست قضّات افتاد. قضّات پیوسته با کنعانیان در جنگ و خصومت بودند همچنین یهودیان همواره در جنگ و نفاق به سر می بردند تا اینکه به رهبری «شائول» تن دادند. از جمله شهرهایی که در زمان کنعانیان ساخته شد، شهرهای (اریحا، بیسان، نابلس، مجد و جازر) بود. تقریباً ۱۸۰۵ سال قبل از میلاد، حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) از شهر (اور) عراق، مرکز کلدانیان به سرزمین کنعان (فلسطین) مهاجرت فرمود و در همان جا اسحاق (علیه السلام) به دنیا آمد و از اسحاق یعقوب به دنیا آمد و به اسم اسرائیل نامیده شد؛ و یهود را به جهت انتساب به حضرت یعقوب بنی اسرائیل نامیدند. بعد از شیوع قحطی شدید در فلسطین، حضرت یعقوب و سایر فرزندان او به مصر رفتند و نزد یوسف ماندند و کم کم جمعیت خاندان اسرائیل زیاد شد.

در زمان رامسس دوم «فرعون مصر» بنی اسرائیل مورد آزار و اذیت فراوانی قرار می گرفتند به همین جهت حضرت موسی (علیه السلام) همت گماشت و آنان را آزاد کرد و به سر زمین کنعان برد. بدین ترتیب حدود ۱۲۹۰ سال قبل از میلاد حضرت عیسی (علیه السلام) بنی اسرائیل از صحرای سینا گذشتند عده ای را به همراهی حضرت یوشع (علیه السلام) به فلسطین فرستادند تا از وضع آنجا اطلاع کاملی بدست آورد، آن گروه پس از بازگشت خبر دادند مردمی ستمگر و سرکش در آنجا زندگی می کنند. بنی اسرائیل حاضر نشدند به فلسطین مهاجرت کنند و فرمان حضرت موسی (علیه السلام) اطاعت نکردند بدین ترتیب آنان ۴۰ سال در آن بیابان سرگردان ماندند. بعد از وفات حضرت موسی (علیه السلام) بنی اسرائیل به رهبری حضرت یوشع (علیه السلام) نهر اردن گذشتند و پس از «اریحا» بعضی از شهرهای دیگر فلسطین را متصرف شدند ولی اهالی بیت المقدس مقاومت کردند و تسلیم نشدند بعد از مرگ حضرت یوشع (علیه السلام) ریاست بنی اسرائیل به دست قضّات افتاد. قضّات پیوسته با کنعانیان در جنگ و خصومت بودند همچنین یهودیان همواره در جنگ و نفاق به سر می بردند تا اینکه به رهبری «شائول» تن دادند.

بعد از مرگ شائول حضرت داوود (علیه السلام) ریاست بنی اسرائیل را به دست گرفت و ۴۰ سال سلطنت فرمود، حضرت داوود (علیه السلام) وقتی دریافت به زودی وفات می یابد به فرزندش سلیمان (علیه السلام) وصیت کرد بنای هیکل معروف را تکمیل سازد. بعد از حضرت داوود (علیه السلام) حضرت سلیمان پادشاه عبریان شد. پی از مرگ سلیمان (علیه السلام) نمایندگان اسباط اجتماع کردند و از فرزند سلیمان (علیه السلام) رجعمام خواستند بعضی از مقررات پدرش را بردارد و آزادی بیشتری به آنان بدهد ولی رجعمام نپذیرفت. قبایل اسرائیل با شنیدن این خبر علیه او طغیان کردند و در نتیجه در شمال فلسطین ۱۰ سبط اجتماع کردند و دولتی به نام مملکت تشکیل دادند. ۲ سبط دیگر «یهودا و بنیامین» مملکت یهودا را به مرکزیت اورشلیم در ۹۳۰ قبل از میلاد مسیح بر پا کردند و بدین ترتیب مملکت داوود به ۲ دولت تقسیم گردید. قوم یهود قسمت عمده تمدن خود، مخصوصاً الفبا و لغات را از کنعانیان گرفتند. آنها در فلسطین، کشاورزی و فن معماری را آموختند و حتی هیکل هم به سبک معبد کنعانیان ساخته شده است. با توجه به این مطالب بدست می آید که یهود فقط در زمان حضرت داوود و سلیمان (علیهم السلام) به استقلال و اتحاد رسید و عمر این استقلال هم بسیار کوتاه بود. همچنین مردم اصلی فلسطین یهود نبودند بلکه آنان در فلسطین مردمی بیگانه بودند، فلسطین منزلی آماده بود که مدتی در آن اقامت کنند.

۳-۴- انتفاضه

انتفاضه از «ن ف ض» گرفته شده و به معنای لبریز شدن و سر رفتن مظلوم از داخل ظرف است. الانتفاضه: لرز و لرزه، جنبش سیاسی و توده ای یا اجتماعی ملی و مردمی^۱

انتفاضه در اصطلاح: به قیام مردمی و سراسری در سرزمین اشغالی فلسطین که فراگیر شد و همه گروههای مردمی را در بر گرفت انتفاضه اطلاق می شود. حرکت خودجوش و انقلابی و مردمی مسلمانان ساکن سرزمین های اشغالی فلسطین است که ماهیتی اسلامی دارد و از سال ۱۹۸۷ م در مناطق فلسطینی آغاز شده است و تاکنون ادامه یافته است.

۴- بحث

۴-۱- اسلام در فلسطین

اسلام از جزیره العرب بر آمد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به طرف شمال جزیره العرب پیشروی را آغاز کرد ایشان لشکری را به ریاست اسامه بن زید آماده ساخت که به طرف شمال بفرستد ولی پیش از حرکت سپاه از دنیا رحلت فرمود. ابوبکر این نقشه را پی گرفت و لشگری به سوی شمال یعنی سوریه و فلسطین حرکت داد. مردم بیت المقدس تسلیم سپاه اسلام شدند. با توجه به تاریخچه فلسطین روشن می شود که امواج عربیت هم قبل از اسلام و هم بعد از اسلام، در فلسطین پشت سر هم جریان داشته است و این دوران طولانی بی اساسی خیالهای صهیونیستها را در مورد اینکه فلسطین از نظر تاریخی منطقه ای یهودی است روشن و بطلان ادعای حق تاریخی آنان را آشکار می کند.

۴-۲- سیاست عملی امام (ره) و تأثیرگذاری آن بر انتفاضه

یکی از ویژگی‌های مهم رهبری امام در انقلاب اسلامی، تبیین صریح هدف و راهبرد قیام بدون پنهان کاری یا محافظه کارهای سیاسی مرسوم در میان سیاستمداران بود. او بر ادامه مبارزه از طریق فرهنگی سپس انقلاب برای تأسیس حکومت اسلامی تأکید می‌کرد. درباره مسئله قدس نیز امام هیچ نوع مذاکره سازش با صهیونیست‌ها را پذیرفتنی نمی‌دانست و به شدت سازشکارانه عرب و برخی از سران فلسطینی را محکوم می‌کرد. بسیاری از بزرگسالان عرب و مبارزان فلسطینی پس از استقرار همه جانبه صهیونیسم، با عقب نشینی آشکار هدف آزاد سازی فلسطین را به هدفی کوچک، یعنی تشکیل دولت ناقص خود مختار در بخش بسیار کوچکی از سرزمینهای اشغالی، تقلیل دادند؛ اما امام همواره بر هدف آزادی قدس و فلسطین تأکید کرد و از این موضع هرگز عقب ننشست. آزاد سازی فلسطین در اندیشه امام فقط از وظایف فلسطینیان بلکه از جمله تکالیف همه مسلمین به شمار می‌آید و مسئولیتی همگانی-اسلامی تلقی می‌شود. اندیشه امام و سر مشق موفق مبارزاتی او کمترین تأثیری که در میان مسلمانان و مبارزان فلسطینی بر جای گذاشت، یاد آوری دوباره آرمان و هدفی بود که در گذر زمان و همچنین وضعیت جدید سیاسی اجتماعی فلسطین، منطقه و جهان به فراموشی سپرده شده بود و همه مبارزان و سیاستمداران منطقه و فلسطین به این نتیجه رسیده بودند که آرمان آزادی فلسطین به هیچ وجه محقق نخواهد شد و باید با گفت و گو و چانه زنی سیاسی حداقل حقوق فلسطینیان را به دست آورد.

۴-۳- تأثیر انقلاب اسلامی بر فلسطین

- ۱- انقلاب اسلامی بهترین نمونه؛ نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، بهترین نمونه و مهمترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان فلسطینی درآمد است. این مبارزان برای برپایی حکومت اسلامی، به شیوه‌های قهر آمیز و مسلحانه یا راههای مسالمت جویانه روی آورده اند.
- ۲- جنبش اسلامی فلسطین، این جنبش همانند انقلاب اسلامی ایران، از مسجد و اماکن دینی سرچشمه می‌گیرد و به همان جا پایان می‌پذیرد. حتی دانشجویان انقلابی حرکت‌های ضد صهیونیستی خود را از مساجد و دانشگاه‌ها سامان می‌دهند و مساجد مرکز مخالفت‌های ضد اسرائیلی تبدیل شده است. از این رو انتفاضه را انقلاب مساجد نیز می‌گویند.
- ۳- انقلاب اسلامی و لزوم وحدت: امروزه پیروان انقلاب اسلامی بر لزوم وحدت همه قشرها و مذاهب برای نیل به پیروزی در جنبش اسلامی فلسطین پای می‌فشارند و انتفاضه به تأثیر از انقلاب اسلامی، وحدت را ابزار کار آمد برای پیروزی می‌داند.
- ۴- موجودیت گروه‌های مبارزه فلسطینی: وجود چنین گروه‌هایی، چون جهاد اسلامی، حماس، وامدار انقلاب اسلامی است و با سازماندهی جدید به مبارزه نظامی و سیاسی علیه اسرائیل می‌پردازند.^۱

۴-۴- اعلام روز جهانی قدس

امام خمینی (ره) با آگاهی، درایت و بینش خاصی که نسبت به مسائل داشتند و با دقت و توجه در تمام امور، بارها و بارها اسرائیل را محکوم کرده و به دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین پرداخت. ایشان در روز ۱۶ مرداد سال ۱۳۵۸ مصادف با سیزدهم رمضان ۱۳۹۹ همزمان با شروع دور تازه‌ای از جنایات بی رحمانه رژیم اشغالگر صهیونیستی در لبنان طی پیامی، روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به‌عنوان روز جهانی قدس تعیین کردند و عموم مسلمانان جهان را به همبستگی اسلامی در این روز بزرگ فرا خواندند. متن پیام امام خمینی (ره) به این شرح است:^۱

«بسم/...»

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنان روز قدس انتخاب و طی مراسمی، همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم

اسرائیل بعد از انجام دو جنگ با کشورهای عربی و اشغال بیت المقدس قبله اول مسلمین جهان توانست با توسل به قدرت و ظلم و زورگویی بیت المقدس را از آن خود سازد ولی به دنبال تعیین روز جمعه آخر ماه رمضان، به‌عنوان روز قدس و روز اسلام و رسول خدا امروزه مسأله آزادی قدس، بار دیگر در تمام دنیا مطرح شده و هر فردی آشکار اسرائیل را غاصب و ظالم می‌داند و خواهان آزادی قدس شریف می‌باشد.^۱

در رابطه با انتخاب آخرین جمعه، ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز قدس نکاتی قابل توجه است.

الف- جمعه های ماه مبارک رمضان به خصوص آخرین جمعه: برای همه مسلمانان جهان از همه مذاهب از اهمیت خاصی برخوردار است، به ویژه در فلسطین مسلمانان در روزهای جمعه از همه سرزمین فلسطین خود را به مسجدالاقصی می‌رسانند تا در نماز جمعه قدس شرکت کنند و انتخاب این روز توسط امام (ره) به این معنی است که راه آزادی قدس و وحدت مسلمانان است به‌عنوان یک استراتژی شرایط ارامنی راهپیمایی همه مسلمانان از همه جای جهان به سوی قدس در آینده ای قابل دسترس را مطرح نموده است بنابراین فرمان مدیرانه امام (ره) باعث نهضتی مردمی و ضد صهیونیستی، جهت دار و تأثیر گذار در جمعه های ماه مبارک به ویژه در فلسطین است.

ب- طرح روز جهانی قدس: و دعوت همه مسلمانان و آزادیخواه جهان برای حمایت از بیت المقدس و ملت مظلوم فلسطین برای مبارزه با یک قدرت پلیدی است که امکان پیروزی بر این قدرت اهریمنی برای ملت فلسطین به تنهایی امکان پذیر نیست. رژیم صهیونیستی امروز به‌عنوان مظهر قدرت غیر قانونی و سلطه گری است که همه ارزش های انسانی را زیر پا گذاشته است. در ذات ابتکار امام خمینی (ره) این معنی نهفته است که حمایت از فلسطین و قدس یک وظیفه انسانی و اسلامی است و هیچ کسی نمی‌تواند در مورد حوادثی که نسبت به مردم مظلوم فلسطین و نیز در مورد بیت المقدس و مسجدالاقصی رخ داده است بی تفاوت باشد.

ج- امروز که در عصر جهانی شدن: به سر می بریم و تأثیرات متقابل دیدگاهها و تفکرات مختلف و حوادث، امری بسیار عادی به شمار می رود اکنون که با توسعه علم ارتباطات که به انقلاب ارتباطات معروف شده است، موضوع همگرایی و تأثیر متقابل در سطح جوامع مختلف بسیار جدی است و رد و بدل شدن پیامهای جهانی و تأثیر پذیری از اندیشه ها و عقاید و مدل های مطرح شده در سطوح بین المللی به امری عادی بدل شده است. ارزش و اهمیت فرمان امام که مسئله فلسطین و قدس را به‌عنوان مظهر مظلومیت فلسطینی ها و اهانت به مسلمانان در یک فضای اجتماعی، فرهنگی و بین المللی مطرح نمود، بیش از پیش روشن شده است و ارزش و اهمیت روز قدس و تظاهرات روز قدس که به یک گفتمان بین المللی برای حمایت از هویت اسلامی و دفاع از مظلومان، قربانیان و آوارگان تبدیل شده است، امروز بیش از پیش آشکار است.

د- هیچ انسان آزاده و مسلمانی: نمی‌تواند ناراحتی و تأسف خود را از اختلافات موجود بین فلسطینی های مبارزی که هنوز زیر سلطه صهیونیست ها به سر می برند پنهان کند. بدون شک گویاترین پیام روز قدس در شرایط کنونی برای مردم فلسطین و مبارزان و رهبران مجاهد و تاریخی فلسطینی و برای کشورهای عربی و اسلامی آن است که تمام تلاش خود را برای پایان دادن به این صحنه دردناک به کار گیرند.

۴-۵- بیداری اسلامی و ارتباط آن با مسئله فلسطین

۱- جنبه های تأثیر پذیری بیداری اسلامی از فلسطین: فلسطین در شروع بیداری اسلامی تأثیر قابل توجه ای داشته است می‌توان مدعی شد که بیداری اسلامی، وام‌دار موضوع فلسطین است. بین فلسطین و بیداری اسلامی ارتباط متقابل وجود دارد. نخست به جنبه های تأثیر پذیری بیداری اسلامی از فلسطین می پردازیم سپس به موارد تأثیر پذیری فلسطین از بیداری اسلامی می پردازیم مسئله فلسطین حداقل از دو جنبه بر جریان بیداری اسلامی و استمرار آن نقشی اساسی داشته است.

الف- حفظ روحیه مبارزه: جنبه اول به حفظ روحیه مبارزه برمی گردد. در عصری که کشورهای عربی به شرایط موجود راضی شده بودند و ملل عرب به آنچه که از سوی حاکمان آنان اعمال می‌شد اعتراض نمی‌کردند اما فلسطینی‌ها برای احقاق حق خود، علم مبارزه مسلحانه را بر زمین ننهادند. مشاهده قیام و مقاومت مستمر فلسطینی‌ها علیه صهیونیست‌های اشغالگر، در شروع مبارزات مردم کشورهای عرب اثربخش بوده است.

ب- کنش سیاسی فلسطینی ها: جنبه دوم به کنش سیاسی فلسطینی‌ها به ویژه جنبش حماس برمی گردد. حماس همزمان با مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل، در مبارزه‌ای سیاسی- دموکراتیک توانست بخش عمده‌ای از قدرت سیاسی را طی انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ به دست آورد. پیروزی غیرمنتظره حماس در آن واقعه، ناخود آگاه تبدیل به الگویی برای بسیاری از ملل عرب و جنبشهای عربی شد که سابقه‌ای بس طولانی‌تر از حماس داشتند. روی کار آمدن احزاب اسلامگرای اخوان المسلمین و سلفی در مصر بدون شک همراه با تأثیرپذیری از حماس و تحولات سیاسی فلسطین بوده است.

۲- جنبه های تأثیر پذیری فلسطین از بیداری اسلامی نکته دیگر اینکه: نه تنها فلسطین بر بیداری اسلامی تأثیر داشته، بلکه بیداری اسلامی نیز بر فلسطین مؤثر بوده است از جمله دلایل آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف- شرایط جدید مصر: اولین دلیل به ایجاد شرایطی جدید در مصر و شروع مذاکرات آشتی ملی با رویکردی نوین برمی گردد. سقوط حسنی مبارک در مصر که توأم با رشد تدریجی جایگاه سیاسی اخوان المسلمین مصر بوده سبب گردید تا اوضاع داخلی فلسطین به نفع حماس تغییر یابد. این امر انعطاف‌پذیری بیشتر فتح و ایجاد شرایطی برای امضاء توافق آشتی ملی را موجب شد. هر چند که این توافق، جنبه عملیاتی پیدا نکرد اما اوضاع به سمت تعامل اجباری طرفین به پیش می‌رود.

ب- پررنگ شدن شعار حمایت از فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی در میان ملل عرب: برای اولین بار در سالگرد یوم النکبة و یوم النکسة، تعداد زیادی از مردم اردن، لبنان و سوریه به سمت مرزهای فلسطین اشغالی حرکت کردند. هر چند که این وقایع، کشته‌هایی به همراه داشت اما ترس و وحشت سران رژیم اسرائیل را رقم زد.

ج- طرح کشور مستقل فلسطین در سازمان ملل: سومین نشانه تأثیر بیداری اسلامی بر فلسطین، به حمایت جهانی از طرح کشور مستقل فلسطین در سازمان ملل بر می‌گردد. اگر چه این طرح تاکنون به دلیل کارشکنی‌های آمریکا به نتیجه نرسیده است اما حمایت حدود ۱۳۰ کشور جهان از موضوع فلسطین، در شرايطی است که بیداری اسلامی به اوج خود می‌رسد. به بیان دیگر، حسن همدردی اسلامی- عربی با موضوع فلسطین، به خاطر بیداری اسلامی به حسی بین‌المللی تبدیل شده است.

د- پیروزی فلسطین در آزاد نمودن بیش از ۱۰۰۰ اسیر فلسطینی: نشانه چهارم به پیروزی فلسطینی‌ها و بویژه حماس در آزاد نمودن بیش از هزار اسیر فلسطینی بر می‌گردد. در حالی که اسرائیلی‌ها طی ۵ سال گذشته از قبول درخواست‌های حماس سر باز می‌زدند اما به ناچار و به دنبال بیداری اسلامی، اسرائیل ضمن قبول مطالبات حماس، به سرعت این معامله را عملیاتی نمود.

ه- استقبال کشورهای رها یافته از دیکتاتورها، از حماس: سران حماس در مسافرت‌های

دوره‌ای به کشورهای چون تونس، مصر، لیبی، ترکیه و حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس - که هم‌چنان سیستم قبلی را حفظ نموده‌اند- به صورت ویژه مورد استقبال قرار می‌گیرند. سران عرب تلاش می‌کنند با انجام اصطلاحاتی سیاسی از یک سو و انحراف افکار عمومی داخلی به مسائلی چون فلسطین از سوی دیگر، خود را نجات دهند طبیعتاً این تأثیرگذاری متقابل ادامه خواهد داشت. مسئله فلسطین و مبارزه برای برانداختن اشغال، موضوعی ادامه‌دار خواهد بود و در این راستا سران عرب باید میان دو گزینه حمایت واقعی از فلسطینی‌ها و مبارزه با رژیم صهیونیستی و یا استفاده ابزاری از موضوع فلسطین و مماشات با رژیم اشغالگر، یکی را انتخاب کنند که البته از سوی مردم خود، تحت نظارت دائمی هستند.

۵- نتیجه گیری

کمال انسان در این است که مظهر اسمای حسناى خداوند باشد، مظهر تام اسمای الهی در جامعه انبیاء و ائمه و جانشینان ایشان هستند و هیچ یک افراد عادى نمی‌توانند با آن ذرات نورانی همتایی داشته باشند چنان که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا يُقَاسُ بِالْأَلِ مُحَمَّدٍ (صل الله علیه و آله وسلم) مِنْ هَذِهِ الْأُمَمَةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ» (بعد از آنان نابیان و جانشینان جامعه خلیفه الهی را بر تن می‌کنند)

از بزرگترین نابیان امامان معصوم حضرت امام خمینی (ره) است که محور قول و فعل و کردارش امام معصوم بودند چرا که در دوره ای که ترس و خفقان از سوی مستکبرات بر مظلومان چیره شده بود ندای آزادی و آزادی را در جهان سر داد و مظلومان جهان جان تازه ای گرفتند و از قعر ناامیدی به قله فتح امیدواری رسیدند. بزرگترین تأثیر انقلاب امام خمینی پایداری و استقامت ملت بی دفاع فلسطین در مقابل جنایتهای صهیونیسم است زیرا که امام به پیروی از آیه قرآن همواره پیروزی و فتح را از آن مظلومان می‌دانستند؛ زیرا قرآن خدایی را می‌شناسد که ناظر و نجات بخش فرودستان زمین است، امامت و وراثت مستضعفان از دیدگاه قرآن مرحله ای اجتناب ناپذیر در تاریخ امت هاست که بار دیگر بر چیرگی حق و عدل بر باطل و ظلم می‌انجامد. اکنون که ملت‌های مسلمان از خواب غفلت بیدار شده اند و به پیروی از رهبر کبیر انقلاب اسلامی پرچم آزادی و صلح را به دست گرفته اند، به زودی آن را به اهتزاز در خواهند آورد و به یاری ملت مظلوم فلسطین خواهند شتافت و آرزوی دیرینه امام که اقامه نماز در قدس شریف بود را بر آورده خواهند ساخت به امید آن روز.

منابع

- ۱- قرآن کریم، الهی قمشه ای، قم، انتشارات اجدود، ۱۳۸۹.
- ۲- ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، بیروت - لبنان، دار المعرفت، ۲۷۵ هـ
- ۳- اسلامی پناه، مهدی، تفسیر ادبی قرآن، ج ۸، تهران، دفتر انتشارات علمی وابسته به دانشگاه آزاد، ۱۳۸۳.
- ۴- آثار موضوعی تبیان، فلسطین از دیدگاه امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۷.
- ۵- اکرم زحیر، سرگذشت فلسطین، ترجمه: اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- ۶- اصفهانی راغب، مفردات، الفاظ القرآن الکریم، شریعت، قم، ۱۴۲۳ هـ ق.
- ۷- بندر ریگی، محمد، فرهنگ المنجد، ایران، ۱۳۸۴.
- ۸- بیانات و سخنرانیهای امام، مجموعه آثار صحیفه نور، ج ۲۰-۲۱-۱۷-۱۵-۷-۱۰-۸-۴-۱۶-۱۸-۱۱-۱۳-۲، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- ۹- بوستان کتاب، ماهنامه ره توشه راهیان نور، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
- ۱۰- باقری، محمد، صهیونیسم جهانی و مسئله فلسطین، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۸.
- ۱۱- تسخیری، محمد علی، مجله پیک تقریب، شماره ۱۳۷، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰.

- ۱۲- تسخیری، محمد علی، ماهنامه امید انقلاب شماره ۳۴۷، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ۱۳- جمعی از نویسندگان، انقلابی متمایز، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- ۱۴- جدید بناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵.
- ۱۵- حسینی فر، رضا، امام خمینی و بیداری اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، قم، ۱۳۸۸.
- ۱۶- حاجی زاده، علی رضا، محمد دارینی، استکبار جهانی و شیطان بزرگ از دیدگاه امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۳.
- ۱۷- خزائی، سمیه، بن مایه های دینی و تاریخی صهیونیسم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۸.
- ۱۸- دشتی، محمود، نهج البلاغه، بیروت - لبنان، انتشارات قدس.
- ۱۹- داستانی بیرکی، علی، بازسازی تفکر اسلامی در اندیشه امام خمینی، قم، مرسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵.
- ۲۰- رضا حاجی، امیر احمد، عصر امام خمینی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- ۲۱- رویوران حسین، علیرضا عرب، قدس قلب قدسی اسلام، تهران، قبله اول.
- ۲۲- روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، عروج، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲۳- رشید رضا، سید محمد، تفسیر المنار، ج ۶، دارالفکر.
- ۲۴- شاهجویی، محمد امین، بنیان مرصوص امام خمینی در بیان آیت الله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴.
- ۲۵- شعبانی سارویی، رمضان، مجله هدایت، شماره ۵۲، نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج.
- ۲۶- شمس ناتوی، رضا، مجله هدی، شماره ۶، قم، مدرسه عالی شهید بنت الهدی صدر، ۱۳۸۹.
- ۲۷- صفا تاج، مجید، انقلاب اسلامی و استعمار فرانسه در منطقه، سفیر اردهال، ۱۳۸۸.
- ۲۸- صفا تاج، مجید، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۲۹- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۵، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.
- ۳۰- طبرسی، فضل بن حسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳-۷، دارالاسوه للطباعة والنشر، ۱۳۸۴.
- ۳۱- عارف حسینی، علی رضا، بیداری اسلامی در بهار انقلاب های عربی، پادا اندیشه، قم، ۱۳۹۰.
- ۳۲- قاضی زاده، کاظم، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
- ۳۳- قیشری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، قاهره، دار ابن خرم، درب الاتراک خلف الجامع الازهر القاهرة.
- ۳۴- کمیته ملی کنگره امام خمینی، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۷.
- ۳۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۳ هـ.ق.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲-۲۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- ۳۷- مغنیه، محمد جواد، تفسیر کاشف، ج ۳، دفتر تبلیغات اسلامی، خراسان رضوی، ۱۳۸۵.
- ۳۸- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۶، قم، انتشارات دارالاحدیث، ۱۳۸۶.
- ۳۹- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۶، دیبا، تهران، ۱۳۸۶.
- ۴۰- محدثی، جواد، فلسطین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- ۴۱- ماجراجو، محسن، پیامبران در مسجداقصی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۹.
- ۴۲- معاونت فرهنگی سازمان اوقات و امور خیریه، سخن بار، اسوه، ۱۳۸۸.
- ۴۳- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، راهبردها در کلام رهبری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۴۴- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت، جستجوی راه و اندیشه کلام امام «وحدت (۱)»، قم، فرا نشر، ۱۳۸۹.
- ۴۵- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت، تفرقه و اختلاف ۲، قم، فرا نشر، ۱۳۸۹.
- ۴۶- ولایتی، علی اکبر، جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین، تهران، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

